ویژه صدمین سال گرد تولد دکتر تقی ارانی

دُنیا

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

دکتر تقی ارانی

(۱۲۸۲–۱۳۱۸)

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دنیا

ویژه صدمین زادروز دکتر تقی ارانی

نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

شماره ۶
تابستان ۱۳۸۲

انتشارات حزب توده ایران
دنیا ویژه صدمین زادروز دکتر تقی ارانی
کلیه حقوق برای انتشارات حزب توده ایران محفوظ است

Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
www.tudehpartyiran.org
mardom@tudehpartyiran.org

فهرست:

۵	سخن آغازین
۹	نگاهی گذرا به زندگی یک چهره برجسته میهن ما
۱۹	تولد مجله "دنیا"
۲۶	اسناد چه می گویند
۳۰	نگاهی به مجله "دنیا" دوره اول (۱۳۱۲ – ۱۳۱۴)
۶۸	فهرست مندرجات مجله "دنیا" به مدیریت دکتر تقی ارانی
۷۳	سال های تحصیل و اقامت در برلن
۸۵	زندگی نامه کوتاه دکتر تقی ارانی به قلم خود وی
۹۳	درباره نام گذاری کارخانه "دکتر ارانی"
۱۰۰	سخن رانی دکتر تقی ارانی برای دانش آموزان
۱۰۵	اولین و آخرین اثر
۱۱۴	سال شمار زندگی دکتر تقی ارانی
۱۴۰	نصب لوح یادبود دکتر تقی ارانی
۱۴۵	کتاب شناسی و فهرست آثار دکتر تقی ارانی
۱۷۷	یادنامه دکتر تقی ارانی با اشعار و آثاری از: احسان طبری، نیما یوشیج، سیاوش کسرایی، اسماعیل شاهرودی (آینده)، احمد شاملو، یحیی آرین پور، منوچهر شیبانی، جبار باغچه بان

دکتر تقی ارانی بنیادگذار مجله دنیا

سخن آغازین:

گرامی باد صدمین زادروز دکتر تقی ارانی

با فرارسیدن ۱۳ شهریور ۱۳۸۲ درست صد سال از تولد دکتر تقی ارانی، رهبر کارگران و زحمتکشان ایران می گذرد. دکتر تقی ارانی دانشمندی ژرف اندیش و یك انقلابی برجسته بود که در طول زندگی کوتاه خود، با پیگیری کم نظیر و انقلابی خود، منشاء خدمات بزرگی به مردم و به ویژه جنبش کارگری و کمونیستی ایران گردید، که اثرات آن تا به امروز ادامه دارد.

دکتر تقی ارانی به خاطر استعداد شگرف خود در زمینه های گوناگون و هم چنین به دلیل شخصیت انقلابی اش مورد احترام مردم میهن ما است. و این در حالی است که متاسفانه رژیم دیکتاوری رضاخان، خیلی زود این رهبر برجسته زحمکشان ایران را از میان مردم ربود، و در ١٤ بهمن ۱۳۱۸ به شهادت رساند.

حزب توده ایران پس از تاسیس خود به پاس خدمات این دانشمند و انقلابی بزرگ و برای گرامی داشت خاطره تابناك او روز شهادت دکتر تقی ارانی را به عنوان روز شهیدان حزب و جنبش نام گذاری کرد. و همه ساله در روز ١٤ بهمن ضمن تجلیل از همه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، یاد و خاطره دکتر تقی ارانی را نیز گرامی می دارد.

حزب ما بر این باور است که باید از شیوه زندگی و مبارزه فداکارانه دکتر تقی ارانی در راه خدمت به مردم، هم چنان آموخت. آری شخصیت انقلابی و علمی او هم چنان می تواند برای همه مبارزین به ویژه جوانان، دانشجویان و روشنفکران انقلابی سرمشق باشد. با چنین درك و شناختی است که حزب توده ایران در صدمین سالگرد تولد این چهره محبوب و فرزند شایسته خلق های ایران، به پیشواز این روز می رود و خاطره گرانقدر دکتر تقی ارانی را گرامی می دارد. در این ارتباط حزب ما برای برگزاری شکوهمند صدمین زادروز دکتر تقی ارانی و تجلیل شایسته از او فعالیت هایی را انجام داده است که در این جا به طور خلاصه به آن ها اشاره می شود.

فعالیت های انجام شده:

برای گرامی داشت خاطره دکتر تقی ارانی به مثابه رهبر ومعلم کارگران و زحمتکشان ایران و هم چنین به مناسبت صدمین سالگرد تولد این چهره فروزان جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما، حزب توده ایران از یك سال پیش به استقبال این روز فرخنده رفته است. ما در زیر گوشه هایی از این گونه ابتکارت را جهت اطلاع خوانندگان مجله "دنیا" بازتاب می دهیم.

١- نصب لوح یادبود همراه با طرحی از چهره دکتر تقی ارانی در مرکز شهر برلن، به مناسبت صدمین سالگرد تولد او بر سردر خانه ای که نزدیك به هشتاد سال پیش از این تقی ارانی برای مدتی در آن جا سکونت داشته است. مشخصات این لوح یادبود را می توان در صفحه اینترنتی که توسط اداره "شهرسازی و حفظ بناهای تاریخی برلن" اداره می شود، در قسمت "مجسمه ها و تابلوهای یادبود شهر برلن"، مشاهده نمود. آدرس این صفحه چنین است:

www.charlottenburg-wilmersdorf.de/gedenktafeln

٢- جمع آوری اسناد و مدارك پیرامون زندگی، آثار و دیگر فعالیت های علمی، اجتماعی و سیاسی دکتر تقی ارانی، و هم چنین تهیه مجموعه تقریباً کاملی از آثار قلمی او جهت حفظ و نگهداری آن ها توسط حزب ما، که می بایست زمانی در اختیار مجموعه جنبش قرار بگیرد.

٣- چاپ و انتشار ویژه نامه "دنیا" به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی.

٤- ثبت دائمی تصویر و مشخصات کوتاه دکتر تقی ارانی به عنوان استاد سابق دانشگاه برلن، در صفحه این دانشگاه بر روی شبکه جهانی اینترنت در قسمت "پرتره استادان دانشگاه برلن". علاقه مندان می توانند به یکی از آدرس های زیر رفته و با تایپ نام Dr. Tagi Erani در پنجره جستجو از این صفحه دیدن کنند:

http://www.allegro.ub.hu-berlin.de/portraet

www.ub.hu-berlin.de/bibliothek/sammlungen/portraet

٥- تهیه و ایجاد یك پایگاه اختصاصی به نام "دکتر تقی ارانی" به زبان های فارسی، انگلیسی و آلمانی، بر روی شبکه جهانی اینترنت. آدرس این پایگاه چنین است:

www.tagi-erani.org

***

حزب توده ایران خرسند است که با وجود ادامه سیطره ارتجاع و حکومت دیکتاتوری

ولایت فقیه در میهن ما و شرایط دشوار مبارزه پیروان سوسیالیسم علمی در زیر حملات ارتجاع در زمینه های گوناگون به خصوص کارزار و جنگ روانی گستردای که سازمان های اطلاعاتی و دیگر موسسات به اصطلاح "تحقیقاتی" رژیم در جهت تحریف تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما و به ویژه مسخ چهرهای برجسته این جنبش از جمله دکتر تقی ارانی، چندین سال است به راه انداخته اند، توانسته است در حد امکانات خود اقداماتی برای یادبود این انقلابی بزرگ انجام دهد. حزب ما این مهم را هم چنان یکی از وظایف اصلی خود در راه پاسداری از سنن انقلابی جامعه می داند.

فرخنده باد صدمین زادروز دکتر تقی ارانی مروج بزرگ سوسیالیسم علمی در ایران!
گرامی باد خاطره دکتر تقی ارانی، آموزگار برجسته کارگران و زحمتکشان ایران!

انتشارات حزب توده ایران
شهریورماه ۱۳۸۲

❑❑❑

دکتر تقی ارانی

آموزگار کارگران و زحمتکشان ایران

نگاهی گذرا به زندگی یک چهره برجسته جنبش کارگری میهن ما

مجتبا مهرگان

دکتر تقی ارانی یك صد سال پیش در تاریخ ۱۳ شهریورماه ۱۲۸۲ در شهر تبریز دیده به جهـان گشـود. و در روز ١٤ بهمن مـاه ۱۳۱۸ در دوره سلطنت استبـدادی رضاخان بر اثر تضیقات و شکنجه های زندانبانان در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران، در اوج خلاقیت علمی و پیکار انقلابی به شهادت رسید.

پدرش ابوالفتح خان ارانی تبریزی (متولد...؟ - درگذشت ۱۳۱۵) کارمند مالیه تبریز بود. مادر او فاطمه آقازاده (متولد...؟ - درگذشت ۱۳۲۵) نام داشت که زنی شجاع، آگاه و ازخود گذشته بود. تقی ارانی بخشی از دوران کودکی خود را در تبریز گذرانید و چهار ساله بود که به همراه خانواده (مادر و خواهرانش) به تهران آمد.(۱) ابوالفتح خان ارانی نسبت به همسر و فرزندان خود لاقید بود و با وجود درآمد مکفی توجهی به تامین زندگی خانواده خود نداشت.(۲) در نتیجه دوره کودکی تقی ارانی در تهران با دشواری مالی سپری شد. در این تاریخ تقی ارانی که تنها پسر خانواده بود با مادر و سه خواهر خود به نام های ایران، کوکب و شوکت در محله شیخ هادی زندگی می کرد.

دوره کودکی و نوجوانی تقی ارانی مصادف است با یکی از پرفراز و نشیب ترین دوره های تاریخ ایران. که بی شك این اوضاع پرتحول سیاسی در روح حساس او و هم چنین تربیت فکری او نقش مهمی داشته است.

تقی ارانی شش ساله است که مادرش او را در مدرسه ابتدایی شرف مظفری (بعدها شرف) نام نویسی می کند. با وجود این که تقی ارانی آموختن زبان فارسی را دو سال پیش از این در تهـران آغـاز کرده بـود، - زیرا که در نـزد خـانـواده ارانـی فقط به آذری صحبت می شد. شاگرد با هوش و با استعدادی است، به گونه ای که از همان آغاز توجه

معلمین و هم شاگردی ها را به خود جلب می کند. تقی ارانی محصلی است آرام، با جثه ای کوچك که در درس و مشق همواره حاضر جواب است. تنها مانعی که در درس و بازی با هم سالان گاهی نمود پیدا می کند، نزدیك بینی شدید تقی ارانی خردسال است، که تا آن زمان به این امر پی نبرده بودند. بلکه در سن شانزده سالگی موقعی که در دارالفنون تحصیل می کرد، با دریافت عینك پنس از این مشکل رهایی یافت.

از هم شاگردی های تقی ارانی که اتفاقاً در همسایگی او می زیستند، می توان دو تن را نام برد که تا پایان زندگی نیز یار و همراه او بودند. یکی احمد امامی است که بعدها در برلن نیز با دکتر ارانی بود و نزدیك ترین دوست وی محسوب می شد. احمد امامی پزشکی خواند و هم زمان با تقی ارانی تحصیلات خود را به پایان برد.(۳) و دیگری عبدالحسین حسابی (دهزاد) است که پس از تحصیلات متوسطه به شغل معلمی روی آورد. وی با نام "دهزاد" در حزب کمونیست ایران فعالیت می کرد. عبدالحسین حسابی (دهزاد) از سازمان دهندگان حزب کمونیست ایران بود و به خصوص بعد از ضربات پلیس رضاخان به این حزب بین سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ و نابودکردن بخش عمده ای از سازمان های حزب کمونیست ایران، در تجدید سازمان حزب نقش داشت.

تقی ارانی پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی به مدرسه دارالفنون راه می یابد. در این مدرسه بود که علایق متنوع او به هنر، ادبیات و زبان های خارجی و علوم نمودار گشت. تقی ارانی در تمام این زمینه ها طی سال های تحصیل دوره متوسطه شاگردی نمونه بود. او در این مدرسه زبان های عربی و فرانسه را به خوبی فراگرفت و هم چنین در دروس علوم "جدیده" یا "دقیقه" که در این مدرسه تدریس می شد، استعداد زیادی از خود نشان داد. این در حالی بود که تقی ارانی به دلیل عدم توانایی مالی و به قول خودش "لاابالی بودن پدر" حتا از خرید کتب درسی نیز عاجز بود و آن ها را از هم شاگردی های خود قرض می گرفت.(٤)

تقی ارانی جوان در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به عنوان شاگرد نمونه سال در بین دیپلمه ها به اتمام رسانید و علاوه بر مدرك دیپلم، تشویق نامه ای نیز دریافت کرد. سال های جوانی تقی ارانی نیز سال هایی طوفانی برای ایران و جهان بود. نخستین جنگ جهانی به وقوع پیوست و بسیاری از کشورها را به کام خود برد. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در همسایگی ایران به پیروزی رسید و تاثیر مثبت و آگاهی بخش آن بر بخش هایی از مردم ایران خصوصاً بر روشنفکران و جوانان چنان زیاد بود که پژواك آن را در ادبیات این دوره می توان بازیافت. بسیاری از شاعران ایرانی به پیشواز

این انقلاب رفته و در مدح آن شعرها و منظومه ها سرودند. در این سال ها هم چنین می توان به مداخله آشکار امپریالیسم انگلیس در امور ایران اشاره کرد. تا آن جا که به اشغال کشور توسط نیروهای نظامی انگلیس در سال ۱۲۹۷ انجامید. این گونه دخالت ها در نهایت منجر به تحمیل قرارداد ننگین سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) شد. قراردادی که ایران را به مستعمره انگلستان مبدل ساخت. یك سال بعد کودتای سید ضیاء الدین - رضاخان (۱۲۹۹) به وقوع پیوست و نفوذ بیش از پیش امپریالیسم انگلیس را در کشور تشدید نموده و از پیدایش استبداد جدیدی خبر می داد.

علاوه بر این موارد سال های جوانی تقی ارانی، مصادف بود با شکل گیری قیام ها و جنبش های رهایی بخش و دمکراتیك در گوشه و کنار ایران. از آن میان می توان به قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان به سال ۱۲۹۹، جنبش گیلان و تشکیل دولت انقلابی به ریاست میرزا کوچك خان جنگلی، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان در سال ۱۳۰۱ و بالاخره قیام لاهوتی در آذربایجان اشاره کرد. این جنبش ها از یك سو نتیجه افزایش تضادهای داخلی و دخالت امپریالیست انگلیس در امور ایران بود و از سوی دیگر زیر تاثیر غیرقابل انکار انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در کنار مرزهای کشور به عنوان الگویی برای رهایی قرار داشت.

تقی ارانی پرورش یافته این دوران طوفانی بود و بدون تردید این گونه حوادث در تکوین شخصیت وی و گرایش او به مبارزه سیاسی در مسیر آتی زندگی نقش مهمی بازی کرده است. زیرا او در همان سال ها به همراه سایر جوانان به مناسبت های گوناگون در تظاهرات ضد استبدادی و بر ضد قرارداد ننگین ۱۹۱۹ فعالانه شرکت می کرد. برای نمونه می توان گفت که تقی ارانی برای اولین بار در سن ۱۷ سالگی در تظاهرات سیاسی که از طرف دانش آموزان مدارس تهران برگزار شده بود، شرکت جست.

بعد از گرفتن دیپلم متوسطه، تقی ارانی با این امید که در رشته پزشکی درس خوانده و بتواند از راه طبابت به مردم کمك کند، وارد مدرسه طب تهران شد، این مدرسه در واقع تنها مدرسه عالی در آن زمان محسوب می شد. تقی ارانی تنها یك سال در مدرسه طب درس خواند و عواملی چند باعث شد که مسیر زندگی او تغییر کرده و برای ادامه تحصیلات عالی راهی اروپا بشود.

تقی ارانی برای انجام تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) به آلمان رفت و در دانشگاه شهر برلن به مدت شش سال به تحصیل پرداخت. رشته اصلی تحصیلی او شیمی بود که آن را با ارایه تزی با عنوان "خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریك بر روی

مواد آلی" در اواخر سال ۱۹۲۸ با درجه دکترا به پایان رساند. رشته های دیگر تحصیلی تقی ارانی عبارت بودند از فیزیك، تکنولوژی و شیمی صنعتی که امتحانات این رشته ها را نیز با موفقیت به پایان برد.(۵)

سال های اقامت تقی ارانی در آلمان، سال های رشد، شکوفایی و آبدیدگی یك اندیشمند و انقلابی واقعی است. تقی ارانی در این زمان طی دوره اقامت هفت ساله خود در برلن پایتخت جمهوری وایمار، زیر تاثیر جنبش کارگری آلمان که در آن سال ها روبه رشد بود قرار گرفت و به جهان بینی مارکسیسم گرایش پیدا کرد. جنبش کمونیستی در آلمان طی سال های دهه بیست یکی از قدرت مندترین جنبش های کارگری در جهان به شمار می رفت. شخصیت هایی چون کارل لیب کنشت و روزا لوگزامبورگ در بوجود آمدن این جنبش نقش بسزایی بازی کرده و در این راه جان باخته بودند. هیچ عرصه ای - از شعر و ادبیات گرفته تا موسیقی، نقاشی، نمایشنامه نویسی و تئاتر و حتا ورزش و غیره در جامعه آلمان وجود نداشت که اثر انگشت کمونیست ها را برخود نداشته باشد. طبیعتاً این جنبش بزرگ که سرود برابری و برادری ملت ها را می خواند، برای جوانی که از جامعه ای نیمه فئودالی و نیمه مستعمره چون ایران برخاسته و شاهد پیکارهایی خونین و نافرجام مردم کشورش بود، جذابیت و کشش فوق العاده ای داشت و راه های نوینی را در مسیر پیکار و عمل انقلابی به روی او می گشود.

تقی ارانی از همان ابتدای ورود به برلن به مطالعات علمی، سیاسی و اجتماعی وسیعی دست زد. او به فراگیری آثار کلاسیك های مارکسیسم پرداخت و با بنیان های نظری فلسفه علمی آشنایی یافت. در نتیجه این مطالعات و درك ضرورت مبارزه انقلابی برای غلبه بر عقب ماندگی جامعه نه تنها به فعالیت سیاسی و انقلابی روی آورد، بلکه خود دست به قلم برد و به عنوان یك مارکسیست ژرف اندیش آثار گوناگونی در زمینه های روانشناسی، ماتریالیسم دیالك تیك، علوم تربیتی و تجربی به رشته تحریر درآورد. دکتر تقی ارانی در عرصه ترویج فلسفه مارکسیستی استعداد شگرفی از خود نشان داد. و آثاری که منتشر کرد سهم معینی در پرورش کادرهای جنبش کمونیستی میهن ما دارد. تنها کافی است که به کتاب هایی مانند "پسیکولوژی، عرفان و اصول مادی، ماتریالیسم دیالك تیك اشاره شود. دکتر تقی ارانی در زمینه اشاعه فلسفه علمی مارکسیستی (ماتریالیسم دیالك تیك) نه تنها از پیشگامان آن در ایران بلکه در خاورمیانه به شمار می آید.(۶) حجم مطالبی که او در زمینه های مختلف نوشته است، نشان می دهد که دکتر تقی ارانی چقدر در عرصه مطالعات آثار کلاسیك های مارکسیسم و هم چنین علوم

اجتماعی زمان خود پُرخوانده و با استعداد بوده است.

از دیگر موضوعات مربوط به زندگی تقی ارانی در برلن مبارزه و فعالیت انقلابی او در میان مهاجرین و دانشجویان ایرانی مقیم این شهر است. او علاوه بر ارتباط و همکاری با محفل کمونیست های ایرانی در برلن، در سازمان دهی مبارزه با استبداد رضاخان پیش از آن که به سلطنت برسد، در میان مهاجرین و آزادی خواهان فعال بود. که تبلور آن را در شکل گیری "فرقه جمهوری انقلابی ایران" پیش از اعلام پادشاهی رضاشاه می بینیم که دانشجویان کمونیست ایرانی مقیم اروپا مبتکر آن بودند.(۷)

تقی ارانی علاوه بر فعالیت مخفی سیاسی، در میان دانشجویان فعالیت صنفی هم داشت و آن ها را برای مدتی نمایندگی می کرد. در این زمان دانشجویان ایرانی در شهر برلن تشکیلاتی به نام "انجمن ایران" داشتند، که بر طبق قوانین جمهوری وایمار به ثبت رسیده بود. تقی ارانی برای یك دوره رئیس این انجمن بود.

تقی ارانی هم چنین در برلن به فعالیت مطبوعاتی روی آورد و از ابتدای ورود خود به این شهر با مجلات و روزنامه های مختلف همکاری می کرد. این همکاری مطبوعاتی تا مراجعت او به نحو پیگیری ادامه داشت. دامنه و حیطه کار نویسندگی تقی ارانی نیز گسترده بود و از نوشتن مقالات علمی (به ویژه علم شیمی) تا مباحث ادبی و زبانشناسی را در برمی گرفت. علاوه بر این تقی ارانی شعر هم می سرود که ما از دو قطعه از آن ها که در اوایل دهه بیست میلادی در مجله "آزادی شرق" منتشر شده است، اطلاع داریم.

وی فعالیت مطبوعاتی خود را با مجله "آزادی شرق" در برلن آغاز کرد. و اولین مقاله و قصیده بلندی را که سروده بود در همان ماه های اول ورود به این شهر، در آن مجله به چاپ رساند. از آن جا که تناوب انتشار مجله "آزادی شرق" منظم نبود، به همکاری با مجله "ایرانشهر" به مدیریت کاظم زاده ایرانشهر که صاحب یك کتاب فروشی با همین نام در مرکز برلن بود، پرداخت.(۸) تا این که در سال ۱۹۲٤ تقی ارانی و تعدادی از دانشجویان تصمیم گرفتند خود مجله ای با عنوان "نامه فرنگستان" منتشر کنند. اسامی برخی از دانشجویانی که در انتشار این مجله نقش داشتند عبارت بودند از: تقی ارانی، غلامحسین فروهر، حسن نفیسی، احمد فرهاد، مشفق کاظمی و مرتضی یزدی. متاسفانه انتشار "نامه فرنگستان"(۹) نیز مانند سایر مجلات فارسی زبان در اروپا دوام زیادی نداشت و پس از یك سال و انتشار ۱۲ شماره به دلایل مختلف متوقف شد. از دیگر مجلاتی که در آلمان چاپ می شد و تقی ارانی در آن قلم زده است، می توان از مجله فنی و ادبی "علم و هنر"(۱۰) نام برد. این مجله توسط ابوالقاسم وثوق و به

سردبیری سید محمد علی جمالزاده منتشر می شد.(۱۱)

نکته مهمی که در ارتباط با فعالیت مطبوعاتی دکتر تقی ارانی با مجلات فارسی زبان چاپ آلمان باید عنوان کرد این است که وی نه تنها همکاری قلمی و نگارشی با این دسته مجلات داشت، بلکه از آن رو که در چاپخانه ای کار می کرد که اغلب این مجلات را به چاپ می رساند و هم چنین تجربه عملی در کار چاپ و آگاهی وی به چند زبان از ادیت کنندگان این مطبوعات نیز به شمار می رفت. اکثر قریب به اتفاق مجلات نام برده در مطبعه "کاویانی" جایی که تقی ارانی شب ها در آن کار می کرد و از این را هزینه زندگی و تحصیل خود را تامین می کرد، منتشر می شدند.

پیرامون فعالیت مطبوعاتی و نویسندگی تقی ارانی ما در این جا فقط به اقدامات علنی و آشکار وی در چاپ مقالات علمی و ادبی اشاره کردیم. در حالی که او با نشریات زیر زمینی مانند "بیرق انقلاب" که علیه دیکتاتوری رضاشاه مبارزه کردند، نیز نقش داشت.

در کنار این اقدامات تقی ارانی در برلن در همان چاپخانه "کاویانی" علاوه بر انتشار کتاب "معرفة الروح" (عنوان اولیه کتاب پسیکولوژی) به قلم خود او، چند کتاب از ادبیات کلاسیك فارسی نیز به چاپ رساند که برای اغلب آن ها مقدمه ای نیز که حاکی از شناخت عمیق او از ادبیات فارسی و عربی می باشد، نوشته است. کتاب هایی مانند: "وجه دین" (حکیم ناصر خسرو) یا بدایع الغزلیات سعدی از این جمله اند.

ما در این جا از اشاره به برخی از جنبه های مربوط به زندگی دکتر تقی ارانی مانند تدریس در دانشگاه برلن و غیره صرف نظر می کنیم. زیرا در مطالب دیگر این ویژه نامه درجای خود مفصل تر به آن ها پرداخته شده است.

دکتر ارانی علاوه بر زبان های ترکی و فارسی به زبان های عربی، فرانسه، آلمانی و انگلیسی نیز آشنایی کامل داشت. شناخت و آشنایی او با این زبان ها یکی از عواملی بود که او با برخی از شرق شناسان آلمانی مانند اویگن میتوخ (Eugen Mittwoch) که برای دوره ای استاد کرسی شرق شناسی دانشگاه برلن بود و هم چنین فریدریش روزن (Fridrich Rosen) دیپلمات و شرق شناس معروف آلمان که در سال های اول جمهوری وایمار برای مدتی وزیر امور خارجه آلمان بود، آشنا شده و با آن ها در عرصه های مختلف به همکاری پرداخت.

بنا به توصیه این شرق شناسان دانشگاه برلن در سال ۱۹۲۵ از تقی ارانی برای استادی دانشگاه دعوت به عمل آورد. تقی ارانی از این تاریخ به بعد به تدریس رشته

های "زبان های شرقی"، "علم منطق" و "سبك شناسی" در این دانشگاه مشغول شد. وی تا زمان مراجعت خود به ایران به کار تدریس در دانشگاه برلن مشغول بود. در پرونده دانشجویی دکتر تقی ارانی در این باره اشاره هایی در این ارتباط وجود دارد.

بنابر این می بینیم که تقی ارانی موازی با تحصیلات دانشگاهی خود در رشته شیمی به عنوان استاد در همان دانشگاه به تدریس اشتغال داشت.

درباره موضوع آشنایی دکتر تقی ارانی با زبان های خارجی باید عنوان کرد که او در زمینه ترجمه برخی از آثار به زبان فارسی نیز تلاش هایی کرده است. برای نمونه اولین ترجمه مانیفست حزب کمونیست نوشته کارل مارکس و فریدریش انگلس را دکتر ارانی به فارسی ترجمه کرده است. این امر یکی از موارد اتهام و "جرم" او در دادگاه جنائی تهران مبنی بر فعالیت اشتراکی (= کمونیستی) بود. علاوه بر این دکتر تقی ارانی چند قطعه شعر نیز از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده است که یکی از آن ها یك سرود کارگری است با نام "سرود آهنگران". (نگاه کنید به بخش کتاب شناسی در این ویژه نامه) اشاره به این موارد توانایی های او را در زمینه زبان های خارجی نشان می دهد.

دکتر ارانی تا زمان دستگیری به اتهام فعالیت اشتراکی و متعاقب آن شهادتش، به مدت ۱۵ سال (از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶) سابقه فعالیت مطبوعاتی و نویسندگی داشت. او در این مدت کوتاه آثار برجسته و فراونی انتشار داد که در زمان خود مورد توجه قرار گرفت. نوشته های دکتر ارانی از قابل توجه ترین آثار دوره استبداد بیست ساله است. او هم چنین از پرکارترین نویسندگان عصر خود به شمار می رفت.

نوشته های دکتر ارانی را در یك نگاه کلی می توان چنین تقسیم بندی کرد:

*** نگارش های فلسفی و اجتماعی**

*** نگارش های علمی و فنی (در رشته های مختلف علوم)**

*** نگارش های سیاسی و اجتماعی**

*** نگارش های اقتصادی**

*** نگارش های ترجمه ای**

*** و هم چنین نوشته هایی در زمینه های زبان شناسی، حقوق، شعر و ادبیات، هنر و...**

***

به این موارد باید به تلاش های دکتر ارانی در عرصه چاپ کتاب هایی در زمینه ادبیات کلاسیك مانند وجه دین (حکیم ناصر خسرو)، غزلیات سعدی و شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس، اثر خیام اشاره شود. وی برای هریك از این آثار مقدمه و

حواشی نیز نوشته است.

ولی مهم ترین و برجسته ترین فعالیت دکتر ارانی بنیاد نهادن و انتشار مجله "دنیا" است. او در این مجله برای نخستین بار به گونه ای علمی، منظم و گسترده به طرح مسایل فلسفی و اجتماعی پرداخت و به تبلیغ و ترویج مارکسیسم در ایران دست زد. مجله "دنیا" در زمان خود منحصر به فرد بود و در طی دو سالی که منتشر می شد، تاثیر به سزایی در میان روشنفکران و دانشجویان بر جای گذاشت. البته دایره تاثیرگذاری این مجله تنها به زمان انتشار آن محدود نمی شود، چرا که مطالب منتشر شده در "دنیا" پس از فرار رضا شاه و پدید آمدن دوره کوتاهی از آزادی های نسبی و رشد جنبش انقلابی، در پرورش ایدئولوژیك نسلی از انقلابیون و جوانان میهن نقش بارزی ایفاء کرد. محتویات مجله "دنیا" در کنار سایر آثار و کتبی که دکتر ارانی جداگانه انتشار داده بود، دست کم برای دو دهه از آثار مرجع کمونیست های ایرانی در زمینه آشنایی با مارکسیسم و فلسفه ماتریالیسم دیالك تیك به شمار می رفت.

دکتر ارانی هم زمان با کار بزرگ انتشار مجله "دنیا" به سازمان دهی و کار انقلابی در میان روشنفکران، جوانان و دانشجویان پرداخت. این تلاش ها در واقع برای احیاء حزب کمونیست ایران بود که مدتی پیش از این تاریخ بر اثر پیگردهای شدید پلیس و ضرباتی که رژیم استبدادی رضاخان به سازمان های آن وارد آورده بود، برای مدتی فعالیت آن متوقف شده بود. دکتر ارانی با فعالیت خود در بین جوانان و دانشجویان درصدد برآمد که با یاری همفکران خود، و با جذب مستعدترین دانشجویان برای مبارزه سیاسی و تربیت کادرهای آزموده سازمان متشکلی به وجود آورد. از اولین ثمره های این نوع فعالیت ها، می توان به سازمان دهی چند اعتصاب در محیط های آموزشی و دانشگاه تهران نام برد، که برخی از این آن ها با کامیابی نیز همراه بود.

متاسفانه دوره فعالیت انقلابی دکتر ارانی در ایران بسیار کوتاه بود. اداره آگاهی شهربانی رژیم دیکتاتوری در نیمه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ با دستگیری دکتر ارانی و یاران و شاگردان وی مانع از فعالیت های روشنگرانه او شد. جریان دستگیری و محاکمه دکتر ارانی و یاران او که در تاریخ میهن ما تحت عنوان "گروه پنجاه و سه نفر" معروف گشته است، خود نشان دهنده عجز و ناتوانی رژیم مستبد رضاخان در مقابله با اندیشه های مترقی و انسان دوستانه کمونیست های ایرانی است. دستگاه پلیس رژیم هر چند توانست با ضربه زدن به پیکر جنبش انقلابی ایران و دستگیری اعضاء ۵۳ نفر و رهبر آن دکتر تقی ارانی و محکوم نمودن آن ها در بی دادگاه های خود، برای مدتی سکوت

گورستانی به جامعه تحمیل کند، ولی با وجود این دکتر ارانی و یاران و شاگردان او درون سیاهچال ها نیز دست از مبارزه نکشیدند و خود را برای نبردهای آتی و سرنوشت ساز آماده می کردند. بدون شك در این میان نقش شخصیت برجسته دکتر ارانی و مقاومت قهرمانانه او در زندان نیز در تربیت و آموزش زندانیان سیاسی سهم مهمی داشته است. بدین شکل تعدادی از مبارزین انقلابی در درون زندان های رژیم دیکتاتوری آبدیده شده و بعدها نقش بارزی در جنبش آزادی خواهانه میهن و هم چنین در بنیادگذاری حزب توده ایران ایفاء کردند.

مبارزه ایثارگرانه دکتر ارانی در زندان و نقش ویژه او در میان زندانیان سیاسی از چشم دشمن پنهان نماند. هم چنین دفاع جانانه او در جریان محاکمه و دادرسی "گروه پنجاه و سه نفر" که در واقع سند محکومیت رژیم استبدادی و قوه قضائیه آن محسوب می شد، رضاشاه و مسئولین زندان را در تصمیم خود مبنی بر گرفتن انتقام از دکتر ارانی مصرتر کرد. رژیم استبدادی در شخصیت دکتر ارانی یك رهبر برجسته و یك آموزگار بزرگ و شجاع را می دید که می توانست به موقع خود بیرون از زندان و در میان مردم "دشواری های زیادی" برای ادامه حیات استبداد سیاه ایجاد کند. به همین خاطر به جنایت هولناکی دست زد و با به قتل رساندن دکتر ارانی، جنبش انقلابی میهن ما را از یك مبلغ و مروج بزرگ و محبوب محروم کرد.

به دستور رضاشاه و رئیس شهربانی وقت سرپاس مختاری، دکتر تقی ارانی را در روز ١٤ بهمن ماه ۱۳۱۸ در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران به شهادت رساندند. ولی راه ارانی و افکار او را نتوانستند خاموش کنند. اکنون نزدیك به شصت و پنج سال از شهادت او می گذرد، اما چهره محبوب دکتر ارانی در قلب های مردم ایران هم چنان زنده است و افکار و اندیشه های علمی و انقلابی او هم چنان راه گشای نسل های نوینی از جوانان و انقلابیون میهن ما است.

❑❑❑

توضیحات:

۱- دو دلیل برای این انتقال محل سکونت از تبریز به تهران عنوان شده است. یکی انتقال محل ماموریت ابوالفتح ارانی به تهران و دیگری اختلاف خانوادگی که باعث گردیده مادر تقی ارانی با فرزندان خود تبریز را ترک کرده و به تهران نقل مکان کند.

۲- دکتر تقی ارانی خود درباره این موضوع چندبار با دوستان و شاگردان خود از جمله احسان طبری گفت و گو کرده بود.

۳- مجله "آزادی شرق" در سال ۱۹۲۹ با چاپ عکس و شرح حال کوتاهی از این دو رفیق (دکتر تقی ارانی و دکتر احمد امامی) به مناسبت پایان موفقیت آمیز دانشگاه ضمن تبریك آنان را به جامعه معرفی کرده بود. نگاه کنید به: "آزادی شرق" چاپ برلن، سال ۱۹۲۹ .

٤- نقل از یادداشت های منتشر نشده از احسان طبری.

۵- جای تردیدی نیست که تقی ارانی در رشته شیمی تحصیل کرده است. با این وجود از آن جا که در آن زمان علوم انسانی و طبیعی هنوز به شکل امروز تفکیك نشده بودند، و تقی ارانی در شعبه فلسفه دانشگاه برلن ثبت نام کرده بود، این تصور را برای برخی ها به وجود آمده که رشته تحصیلی وی فلسفه بوده است. در حالی که چنین نیست، و خوانندگان می توانند برای اطلاعات بیشتر به قسمت پرونده دانشجویی تقی ارانی در این ویژه نامه نگاه کنند.

٦- البته در زمینه تبلیغ و ترویج فلسفه ماتریالیستی و جهانبینی علمی پیش از دکتر تقی ارانی نیز فعالیت هایی چند (بیشتر ترجمه از منابع خارجی) توسط دیگر کمونیست های ایرانی صورت گرفته بود، ولی دامنه این گونه فعالیت ها از نظر محتوایی و اثربخشی محدود بود. برای نمونه می توان به چاپ اولین مقالات پیرامون ماتریالیسم دیالك تیك و تاریخی در مجله "فرهنگ" بین سال های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ که توسط "انجمن فرهنگ رشت" زیر نظر کمونیست ها منتشر می شد، اشاره نمود.

۷- با توجه به اسنادی که به دست آمده اند، در باره این دوره از فعالیت دانشجویان کمونیست ایرانی مقیم اروپا و هم چنین راجع به "فرقه جمهوری انقلابی ایران" به مثابه یك سازمان نزدیك به حزب کمونیست ایران، باید به موقع خود به این موضوع مهم پرداخته شود.

۸- مجله "ایرانشهر" به مدیریت کاظم زاده ایرانشهر در اوایل دهه بیست میلادی (۱۹۲۳/۱۹۲۲) در برلن انتشار می یافت.

۹- مجله "نامه فرنگستان" که توسط دانشجویان ایرانی مقیم برلن منتشر می شد، تنها یك سال دوام داشت و از آن دوازده شماره (از ماه مه ۱۹۲٤ تا آوریل ۱۹۲۵) به چاپ رسید.

۱۰- مجله "علم و هنر" پس از توقف انتشار دیگر مطبوعات ایرانی مانند "ایرانشهر" و "نامه فرنگستان" در آلمان شروع به انتشار کرد. از این مجله تنها هفت شماره (از مهرماه ۱۳۰٦ تا بهمن ماه ۱۳۰۷) در برلن منتشر گشت.

۱۱- درباره لیست آثاری که دکترتقی ارانی در این دسته از مطبوعات به چاپ رسانده است، به فهرست کتاب شناسی در این ویژه نامه مراجعه کنید.

***

تولد مجله "دنیا"

(از فکر ایجاد "تُندر" تا تسخیر "دُنیا")

با تکیه بر اسنادی که اخیراً به دست آمده اند، می توان نحوه و چگونگی درخواست تقاضانامه دکتر تقی ارانی برای گرفتن امتیاز مجله "دنیا" را پی گیری کرد و از این نظر مساله پا به عرصه گذاشتن مجله "دنیا" را در حیات مطبوعاتی میهن ما بازسازی نمود. این امر ما را با تلاش ها و اقدامات دکتر تقی ارانی در بنیادنهادن مجله دنیا آشنا می کند. علاوه بر این با استفاده از محتوای این اسناد می توان بخشی از زندگی و حیات دکتر تقی ارانی و چگونگی انتشار مجله "دنیا" را روشن کرد.

قطعاً فکر ایجاد و تاسیس مجله ای با محتوای فلسفی و علمی آن هم در دوره ای که کشور درشرایط به غایت عقب مانده و استبداد زده ای بسر می برد، توسط دکتر تقی ارانی از همان زمان بازگشت از آلمان پس از پایان تحصیلات عالی در اواخر سال ۱۳۰۷ یا اوایل ۱۳۰۸ (این تاریخ هنوز روشن نشده است) وجود داشته است.

اولین قدم های عملی او در این عرصه، بازمیگردد به تاریخ اوایل مهرماه ۱۳۱۲ که با نوشتن تقاضانامه و مراجعه به "وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه" (= وزرات فرهنگ و هنر) که در آن زمان شعبه ای از این وزارتخانه تحت عنوان "اداره انطباعات" مسئول رسیدگی و صدور مجوز برای مطبوعات بود، درخواست امتیازنامه می کند. متاسفانه اصل تقاضانامه یا نامه دکتر ارانی در این ارتباط تا کنون یافت نشده است، ولی با مطالعه نامه ای که یکی از منشی های وزارت معارف در این باره به تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۱۲ به معاونت آن وزارت خانه نوشته و در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران موجود است،* چنین استباط می شود که دکتر ارانی مدت ها پیش از این تاریخ، تقاضانامه خود را همراه با مدارك لازم از جمله: "سواد ورقه هویت" (= شناسنامه) گواهی نامه و برگه عدم سوء پیشینه جنایی و سیاسی از طرف "مدعی عمومی بدایت" (= دادگستری) و "تشکیلات کل نظمیه مملکتی" (= شهربانی کل کشور) ارایه کرده و

* "سازمان اسناد ملی ایران" شماره پرونده: م (د) ۱/۶۳۹۸ تا ۹/۶۳۹۸ .

خواهان کسب امتیاز مجله ای با عنوان "تمدن امروز" شده است. در بخشی از این نامه اداری، خطاب به معاونت وزارت خانه آمده است:

"... آقای دکتر تقی خان ارانی معلم فیزیك مدارس متوسطه دولتی تقاضای اعطاء امتیاز طبع و نشر مجله موسوم (تمدن امروز) (تُندر) را نموده است، که در تهران به طور ماهیانه با مسلك علمی و اقتصادی و صنعتی و اجتماعی طبع و نشر کند."*

بنابراین با به دست آمدن این سند، معلوم می شود که عنوان اولیه مجله ای که دکتر تقی ارانی قصد داشته است امتیاز آن را بگیرد، "تمدن امروز" بوده است. ولی این سوال پیش می آید که چرا آن کارمند وزارت معارف روی آن خط کشیده است؟ از آن جا که اصل تقاضانامه دکتر ارانی در اختیار ما نیست، نمی توان نظر قطعی داد. البته ممکن است یکی از دلایل آن این باشد که پیش از این تاریخ یا در همین زمان مجله ای با این عنوان منتشر می شده است.

در نتیجه دکتر تقی ارانی پیشنهاد نام "تُندر" را برای مجله داده است. منتها از آن رو که مسلك مجله را علمی، اقتصادی، صنعتی و اجتماعی قید کرده است، هر دو عنوان انتخابی از جانب وی برای مجله با مسما می باشد. مطلب مهمی که باید در این جا بدان اشاره کرد، این است که مسئولین رسیدگی به تقاضانامه با صدور امتیاز برای مجله ای زیر عنوان "تُندر" مخالفت می کنند. زیرا در حاشیه همان نامه، شخص ثالثی با نوشتن جمله ای که متاسفانه بخشی از آن مفقود شده، تذکر داده است: "برحسب اجازه کتبی مدیرکل [،] آقای دکتر اسم مجله از تندر تبدیل..." **

البته با در نظرداشت، دوره رضاشاه و حکومت استبدادی و شیوه خشن این حکومت در رفتار با مخالفین و بویژه مطبوعات و دست اندرکاران مطبوعاتی، می توان نتیجه گرفت که نام "تندر" برای یك مجله عنوان "تند و تیزی" بوده است. بنابر این خواننده خود می تواند حدس بزند که ادامه این یادداشت ناقص و جاافتاده چه بوده است. و درست به همین خاطر مسئولین مربوطه در وزارت معارف، درخواست دکتر ارانی را رد نموده و رسیدگی به امتیاز نامه را منوط به تغییر عنوان مجله کرده اند.

ولی از آن جایی که دکتر ارانی برای انتشار مجله خود مصمم بوده است، از هیچ گونه اقدامی از جمله مراجعات مکرر فروگذار نمی کند و درواقع "دست بردار" نیست.

---

* همان جا

** بقیه جمله بر برگه دیگری بوده که مفقود شده است.

به همین خاطر در تاریخ ۷ آبان ۱۳۱۲ یکی از کارمندان اداره معارف برای چندمین بار به معاونت آن وزارت خانه نامه نوشته و کسب تکلیف می کند:

"مقام منیع کفالت وزارت جلیله متبوعه [،] آقای دکتر تقی خان ارانی معلم فیزیك مدارس متوسط دولتی تقاضای اعطاء امتیاز طبع و نشر مجله موسوم به (ماتریالیسم) را نموده است که در تهران به طور ماهیانه، با مسلك علمی و اقتصادی و صنعتی و اجتماعی طبع و نشر کند."

متاسفانه اصل این تقاضانامه هم که توسط دکتر ارانی برای گرفتن امتیاز مجله "ماتریالیسم" نوشته شده بود، تاکنون به دست نیامده است. با این وجود بر اساس مکاتبات اداری کارکنان وزارت معارف چنین بر می آید که بالاخره تقاضای مجدد دکتر ارانی برای دریافت مجله ای با نام "ماتریالیسم" در اول آذرماه ۱۳۱۲ در جلسه شورای عالی معارف مطرح می گردد، ولی این شورا تصمیمی مبنی بر صدور امتیاز مجله نمی گیرد و آن را باز هم به بهانه نام مجله و مسلك آن به ریاست اداره کل معارف عودت می دهد. رای صادره این جلسه چنین بیان شده است:

" ریاست محترم اداره کل معارف و تعلیمات [،] پیشنهاد نمره ۸۷۸۹، [به تاریخ] ۱۲/۸/۷، آن اداره محترمه در شب چهارشنبه اول آذر ۱۳۱۲ در دویست و پنجاه و دومین جلسه رسمی شورای عالی معارف مطرح، و مقرر گردید که آن اداره محترمه به آقای دکتر تقی خان ارانی ابلاغ نمایند، که اسم مجله را تغییر داده، و مسلك آن را به اختصار بنویسد."

باوجود این که جلسه شورای عالی معارف در اول آذر ۱۳۱۲ برگزارشده بود ولی تاریخ نگارش نامه ذکر شده ٦ آذرماه ۱۳۱۲ می باشد. به همین خاطر دکتر ارانی روز ۷ آذرماه به اداره انطباعات (= بخش مطبوعات وزارت معارف) مراجعه کرده و نامه ای را با مضمون زیر ارایه می کند. در این نامه وی به نحو دقیقی سعی نموده است به همه ایرادات احتمالی که ممکن بوده مطرح شود، پاسخ بدهد. متن نامه چنین است:

"محترماً مصدع می شود، چون شورای عالی معارف با اروپائی بودن اسم "ماتریالیسم" برای مجله اینجانب مخالف بوده است، لهذا اسم آن را عوض کرده "دُنیا" می گذارم. این اسم در صورت اسامی مجلاتی که تا کنون امتیاز گرفته اند، وجود ندارد. مجله مزبور دارای مقالات صنعتی، علمی، اجتماعی و ادبی خواهد بود، که می خواهد ترقیات دنیای جدید را به خوانندگان خود نشان دهد."

هر چند که در نامه پیشین شورای عالی معارف برای رسیدگی به تقاضانامه مجله

"ماتریالیسم" تنها ذکر شده: "که اسم مجله تغییر داده شود و با نوشتن مسلك آن مجدداً تقاضا شود." و در این نامه هیچ گونه اشاره ایی برای تغییر عنوان مجله به بهانه اروپایی بودن نام آن نیامده است. در حالی که دکتر ارانی در نامه خود تصریح کرده که شورای عالی معارف با اروپائی بودن نام مجله مخالف بوده و به همین خاطر هم آن را تغییر داده است.

موضوع دیگری که اشاره به آن اهمیت دارد، این است که در نامه ذکر شده دکتر ارانی، آن جا که وی از مسلك و سیاق مجله سخن به میان آورده برخلاف نامه ها و تقاضاهای مکرر پیشین برای گرفتن امتیاز مجله که نوشته بود: "مسلك علمی و اقتصادی و صنعتی و اجتماعی" این بار در نامه خود در ارتباط با توضیح مسلك مجله تغییراتی داده و آن را چنین بیان می کند: "مجله مزبور دارای مقالات صنعتی، علمی، اجتماعی و ادبی خواهد بود" و حتا با اضافه کردن جمله ای تاکید کرده است که مجله: "می خواهد ترقیات دنیای جدید را به خوانندگان خود نشان دهد."

همان گونه که می بینیم، دکتر ارانی در نامه خود راجع به مسلك و محتوای مجله تغییراتی داده است و با آوردن واژه "صنعتی" به اول جمله تکیه را بر روی جنبه صنعتی مجله گذاشته و حتا اضافه نموده است: "می خواهد ترقیات دنیای جدید" را به خوانندگان خود نشان دهد. گذشته از این او واژه "اقتصادی" را که پیش از این برای توضیح سبك و سیاق مجله به کار می برد، کاملاً حذف کرده است. این امر می تواند به این دلیل باشد که وی نگران بوده است که بازهم مسئولین مربوطه "بهانه تراشی" کرده و این بار به بهانه دیگری - مثلاً وجود ارتباط علم اقتصاد با عقاید اشتراکی (= سوسیالیستی) آن را رد کرده و از رسیدگی به تقاضای وی اجتناب کنند.

بنابر این دکتر ارانی خواسته است با تکیه بر جنبه "صنعتی" مجله در اذهان تاثیر دیگری بگذارد. چرا که او این واژه را برخلاف دفعات گذشته در صدر مسلك مجله قرار می دهد. برای درك بهتر این قضیه باید توجه داشت که دکتر ارانی در آن دوران در وزارت معارف به عنوان معلم برجسته در رشته های فیزیك، شیمی و تکنولوژی معروف بود و هم چنین به خاطر انتشار کتاب های علمی و درسی در زمینه های علوم تجربی (یا به اصطلاح آن زمان علوم دقیقه) در بین روشن فکران و دانش آموختگان آن روز ایران چهره شناخته شده ای بود.

البته ما نمونه های دیگری ازاین گونه تیزهوشی و واکنش سریع دکتر ارانی در برخورد با اوضاع چه در بیرون و چه در درون زندان سراغ داریم. از جمله موضوع "مراسله" و

کاغذی می باشد که نوشته دکتر ارانی بوده و در زندان به دست پلیس می افتد، و بزرگ علوی آن را در کتاب "پنجاه وسه نفر" آورده است: "دکتر ارانی به انواع و اقسام مختلف سعی می کرد با زندانیان صحبت کند... آواز می خواند و مطالب خود را با تصنیف هائی که می ساخت به مخاطب خود حالی می کرد. گاهی به فرانسه و آلمانی آواز می خواند و تا آژان می آمد که از او جلوگیری کند، دکتر کار خود را کرده بود... برای مراسله ای [که زندانبانان پیدا کرده بودند] دکتر ارانی را زجرها دادند... خوشبختانه یك جمله آنرا نه زندان و نه اداره سیاسی و نه مامورین عدلیه نتوانستند بخوانند... جمله "پلیس هار شده" را "ملبوس ها رد شده" خوانده بودند.

دکتر ارانی اینجا شگرد روانشناسی به خرج داد که قابل ذکر است. موقعی که این نائب "م" این پاره کاغذ را به دکتر نشان داد و از او پرسید که آیا این خط شماست، دکتر در جواب گفت: "بله ولی اینجا اشتباه شده است. مدادتان را بدهید." مداد را از دست نائب "م" گرفت و یك "د" اضافه کرد. به طوری که "پلیس ها رد شده است" خوانده شد. وقتی که نائب "م" پرسید: "یعنی چه؟" دکتر در جواب گفت "نمی دانم، شاید نویسنده اشتباه کرده است." و بدین وسیله فوری تکذیب کرد که او نویسنده این سطور است. نائب "م" هم از این قضیه دم نزد، چون که نمی توانست اقرار کند که به دکتر ارانی مداد خود را داده است."

اکنون به موضوع اصلی امتیازنامه مجله "دنیا" باز گردیم: بالاخره پس از گذشت هفته ها در تاریخ ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲ شورای عالی معارف در دویست و پنجاه و سومین جلسه رسمی خود که برای رسیدگی به درخواست دکتر ارانی مبنی بر گرفتن امتیازنامه برای طبع مجله "دنیا" تشکیل می دهد، صلاحیت دکتر ارانی را برای اخذ امتیاز تایید و به تصویب می رساند. بدین شکل بعد از طی مراحل اداری و حضور دکتر ارانی در اداره انطباعات و سپردن تعهدنامه کتبی، در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۲ امتیازنامه مجله دنیا به نام وی صادر می شود.

به این شکل مجله "دنیا" در حیات مطبوعاتی ایران پا به عرصه وجود می گذارد، که این امر در واقع به مثابه یك حادثه مهم سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران محسوب می گردد.

پس از دریافت امتیازنامه کار انتشار مجله به سرعت پیش می رود و اولین شماره "دنیا" در اول بهمن ماه ۱۳۱۲ با تیراژ هزار نسخه در تهران منتشر می شود. یعنی درست یك ماه بعد از کسب امتیازنامه، مجله دنیا از چاپ خارج شده و به دست

خوانندگان و علاقه مندان می رسد. با در نظر داشت امکانات فنی و عملی آن زمان ایران در زمینه مطبوعات از جمله حروف چینی، چاپ و توزیع و از همه مهم تر وجود سانسور شدید مطبوعات، زمان بسیار کوتاهی به نظر می رسد. خود این امر نشان از آن دارد که دکتر ارانی موازی با درخواست امتیازنامه به تهیه و تدارك امکانات برای چاپ احتمالی آن پرداخته و حتا بخش اعظم مطالب مجله را نیز آماده نموده و مقدمات انتشار آن را از قبل چیده است. بی شك تجربه عملی او در زمینه نگارش و انتشار کتاب در چاپخانه "کاویانی" و "آفتاب" در هنگام اقامت و تحصیل در برلن، در این جا نقش خود را بازی کرده است.

با نگاهی به مطالب اولین شماره مجله "دنیا" می توان دریافت که بیش از ۹۰ درصد مقالات به قلم خود دکتر ارانی نگارش یافته است. البته با در نظرداشت امضاء های مختلف که او در پایان مقالات خود می گذاشته است، از جمله: "احمد قاضی" (دو مقاله)، "از دفتر دنیا" (دو مطلب)، و یك بار هم با امضاء "دکتر ارانی" که در پایان مقاله "اتم و بعد چهارم" قید شده که مطلبی کاملاً علمی و فنی است.

و این گونه است که در بهمن ماه ۱۳۱۲ مجله "دنیا" به مثابه تندری در آسمان تاریخ مطبوعات ایران به صدا درآمد و نقش بزرگی در زمینه های مختلف علوم به ویژه اشاعه فلسفه ماتریالیسم دیالك تیك و اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم (البته به قول احسان طبری با زبان "ازوپ") ایفاء نمود و هم چنین نقش موثری در تربیت و پرورش علمی کادرها، جوانان و دانشجویان ایران بازی کرد.

❑❑❑

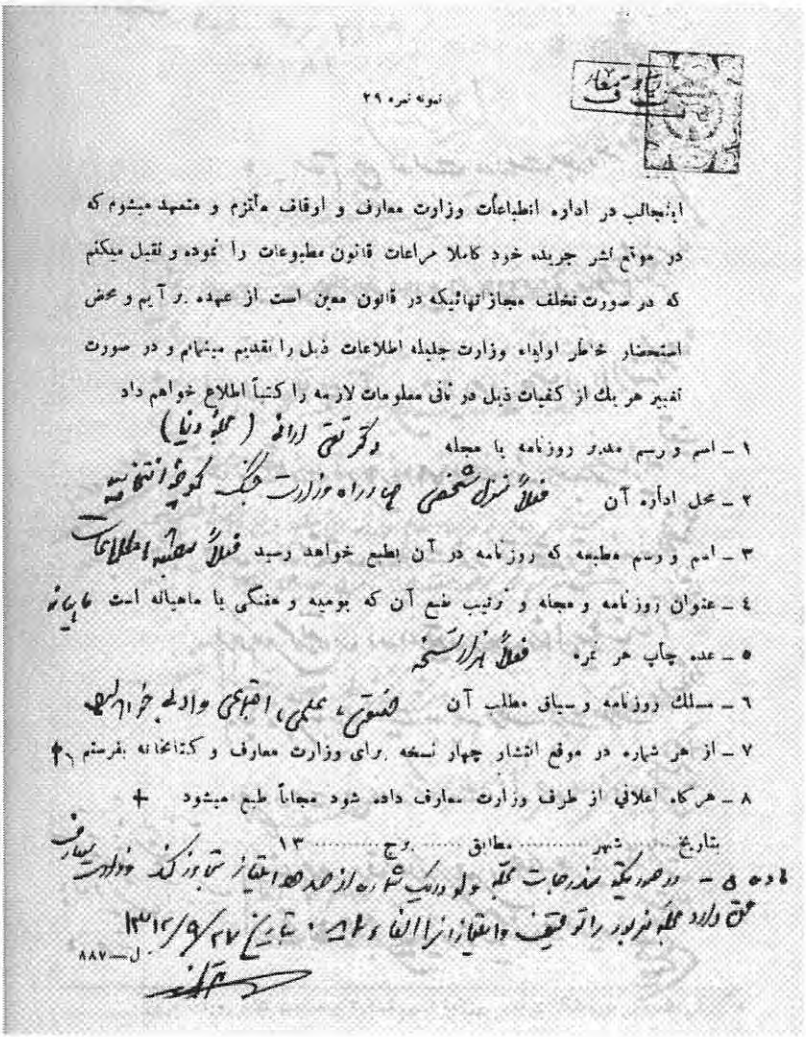

نمونه نمره ۲۹

اینجانب در اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف ملتزم و متعهد میشوم که در موقع نشر جریده خود کاملا مراعات قانون مطبوعات را نموده و تقبل میکنم که در صورت تخلف مجازاتهائیکه در قانون معین است از عهده بر آیم و محض استحضار خاطر اولیاء وزارت جلیله اطلاعات ذیل را تقدیم مینمایم و در صورت تغییر هر یك از کیفیات ذیل در ثانی معلومات لازمه را کتباً اطلاع خواهم داد

۱ ـ اسم و رسم مدیر روزنامه یا مجله دکتر تقی ارانی (مجله دنیا)

۲ ـ محل اداره آن فعلاً منزل شخصی چهارراه وزارت جنگ کوچه انتخابیه

۳ ـ اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن بطبع خواهد رسید فعلاً مطبعه اطلاعات

٤ ـ عنوان روزنامه و مجله و ترتیب طبع آن که یومیه و هفتگی یا ماهیانه است ماهیانه

٥ ـ عده چاپ هر نمره فعلاً هزار نسخه

٦ ـ مسلك روزنامه و سیاق مطلب آن صنعتی، علمی، اجتماعی و ادبی خواهد بود

۷ ـ از هر شماره در موقع انتشار چهار نسخه برای وزارت معارف و کتابخانه بفرستم

۸ ـ هرگاه اعلانی از طرف وزارت معارف داده شود مجاناً طبع میشود +

بتاریخ ..... شهر ..... مطابق ..... برج ۱۳

ماده ۵ ـ در صورتیکه مندرجات مجله ولو در یک شماره از حدود امتیاز تجاوز کند وزارت معارف حق دارد مجله مزبور را توقیف و امتیاز آنرا الغاء نماید. بتاریخ ۱۳۱۲/۹/۲۷

ل ـ ۸۸۷

تعهدنامه مجله "دنیا"

سند بالا فرم تعهدنامه ای است که به دست خط دکتر ارانی جهت دریافت امتیازنامه مجله "دنیا" پرشده است.

درباره مجله "دنیا" اسناد چه می گویند

سند ۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه،

تاریخ تحریر ۱۳۱۲/۷/۲۷

مقام منیع کفالت وزارت جلیله متبوعه آقای دکتر تقی خان ارانی معلّم فیزیك مدارس متوسطه دولتی تقاضای اعطاء امتیاز طبع و نشر مجله موسوم به ~~تمدن امروز~~ (تندر)* را نموده است،** که در تهران به طور ماهیانه با مسلك علمی و اقتصادی و صنعتی و اجتماعی طبع و نشر کند، اسناد لازمه که عبارت از سواد ورقه هویت و تصدیق صادره از مدعی عمومی بدایت و اداره تشکیلات کل نظمیه مملکتی مبنی بر عدم ارتکاب جنحه و جنایت است ضمیمه تقدیم داشته تلواً از ملاحظه عالی می گذرد، در صورتی که اجازه فرمایند مراتب برای تصویب به شورای عالی معارف ارجاع شود.

امضاء: [ناخوانا]

[در حاشیه این سند نوشته شده است:] بر حسب اجازه کتبی مدیرکل آقای دکتر اسم مجله از تندر تبدیل...***

سند ۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۸۷۸۹،

۱۳۱۲/۸/۷

مقام منیع کفالت وزارت جلیله متبوعه آقای دکتر تقی خان ارانی معلّم فیزیك مدارس

---

* در اصل بر روی عبارت "تمدن امروز" خط کشیده شده است.

** اصل تقاضا نامه مشاهده نشد.

*** باقی عبارت بر برگه ای است که مفقود گشته است.

متوسط دولتی تقاضای اعطاء امتیاز طبع و نشر مجله موسوم به (ماتریالیسم) را نموده است.* که در تهران به طور ماهیانه، با مسلك علمی و اقتصادی و صنعتی و اجتماعی طبع و نشر کند.

امضاء: [ناخوانا]

سند ۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره دارالانشاء شورای عالی معارف، نمره ۱۶۶،

به تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۱۲

ریاست محترم اداره کل معارف و تعلیمات پیشنهاد نمره ۸۷۸۹، [به تاریخ:] ۷/ ۱۲/۸؛ آن اداره محترمه در شب چهارشنبه اول آذر ۱۳۱۲ در دویست و پنجاه و دومین جلسه رسمی شورای عالی معارف مطرح، و مقرر گردید که آن اداره محترمه به آقای دکتر تقی خان ارانی ابلاغ نمایند، که اسم مجله را تغییر داده، و مسلك آن را به اختصار بنویسد.

امضاء: حبیب الله مظفری [مهر:] (دارالانشاء شورای عالی معارف سنه ۱۳۰۱)

سند ۴ [نامه دکتر تقی ارانی]

۱۳۱۲/۹/۷

اداره محترمه انطباعات

محترماً مصدع می شود، چون شورای عالی معارف با اروپائی بودن اسم "ماتریالیسم" برای مجله این اینجانب مخالف بوده است، لهذا اسم آن را عوض کرده "دُنیا" می گذارم. این اسم در صورت اسامی مجلاتی که تاکنون امتیاز گرفته اند وجود ندارد. مجله مزبور دارای مقالات صنعتی، علمی، اجتماعی و ادبی خواهد بود، که می خواهد ترقیات دنیای جدید را به خوانندگان خود نشان دهد.

امضاء: تقی ارانی

* اصل تقاضا نامه مشاهده نشد.

سند ۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره دارالانشاء شورای عالی معارف، نمره ۱۸۹

به تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۱۲

ریاست محترم اداره کل معارف و تعلیمات مراسله نمره ۱۵۴۳، ۱۲/۹/۱۱ آن اداره محترمه که در تعقیب نمره ۸۷۸۹ ارسال فرموده بودید، در دویست و پنجاه و سومین جلسه رسمی شورای عالی معارف مطرح و صلاحیت آقای دکتر تقی خان ارانی برای اخذ امتیاز طبع و نشر مجله موسوم به (دنیا) در تهران با مقالات صنعتی و علمی و اجتماعی و ادبی تصویب گردید،* عین مراسله صاحب تقاضا مورخه ۱۲/۹/۷ اعاده شد.

امضاء: حبیب الله مظفری [مهر:] (دارالانشاء شورای عالی معارف سنه ۱۳۰۱)

سند ۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه،

یادداشت از دارالانشاء به انطباعات،

مورخه ۱۲/۹/۲۰

اداره محترم انطباعات آقای دکتر تقی خان ارانی فرزند میرزا ابوالفتح خان دارای ورقه هویت نمره ۳۰۱۵۳ و تاریخ تقاضا ۱۲/۸/۱۴ می باشد.

سند ۷

[فرم تعهد نامه که دکتر تقی ارانی آن را به دست خود پُر و امضاء کرده است.]

[تعهد نامه]

[۱- اسم و رسم مدیر روزنامه یا مجله] دکتر تقی ارانی (مجله دنیا)

[۲- محل اداره آن] فعلاً منزل شخصی چهار راه وزارت جنگ کوچه انتخابیه

[۳- اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن بطبع خواهد رسید] فعلاً مطبعه اطلاعات

[۴- عنوان روزنامه و مجله و ترتیب طبع آن که یومیه و هفتگی یا ماهیانه است]

---

* اصل امتیازنامه تحت شماره ۸۹۹ ثبت انتشارات م (د) ۹/۶۳۹۸ در سازمان اسناد ملی ایران موجود است.

ماهیانه

[۵- عده چاپ هر نمره] فعلاً هزار نسخه

[٦- مسلك روزنامه و سیاق مطلب آن] صنعتی، علمی، اجتماعی و ادبی خواهد بود.

[۷- از هر شماره در موقع انتشار چهار نسخه برای وزارت معارف و کتابخانه بفرستم] ✓

[۸- هرگاه اعلانی از طرف وزارت معارف داده شود مجاناً طبع میشود] ✓

[بتاریخ] ۱۳۱۲/۹/۲۷ [امضاء] تقی ارانی

❑❑❑

توضیحات:

* رونوشت و اصل اسنادی که در بالا آمده اند در "سازمان اسناد ملی ایران" تحت شماره پرونده: م (د) ۱/٦۳۹۸ تا ۹/٦۳۹۸ موجودند. (نقل از کتاب: اسناد مطبوعات": (۱۲۸٦ - ۱۳۲۰). به کوشش مسعود کوهستانی نژاد و کاوه بیات. انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران، چاپ اول ۱۳۷۲)

** یادآوری کوتاه پیرامون سند شماره ۷ (فرم تعهدنامه): در حاشیه این تعهدنامه یقیناً پس از یك "گفت و گو" و دادن تذکرات "لازم" از جانب مسئولین، دکتر ارانی علاوه بر نوشتن پاسخ سوالات تعهدنامه در بالا، با دست خط خود در پایین این فرم اداری، چنین یادآور و "ملتزم" شده است: "در صورتیکه مندرجات مجلّه ولو در یك شماره از حد و حدود امتیاز تجاوز کند وزارت معارف حق دارد مجله مزبور را توقیف و امتیاز آنرا الغاء نماید." [امضاء:] تقی ارانی

***

نگاهی به مجله "دُنیا"
دوره اول به مدیریت دکتر تقی ارانی

مجله "دنیا" در محیط آن روز خاورمیانه بی نظیر بود و انتشار آن در جو عبوس و خشك و پلیسی رضاشاهی مانند تُندری غرید و یك عمل انقلابی بتمام معنی قهرمانانه بود."
ا. ط.

در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۱۲ اولین شماره مجله دنیا به مدیریت دکتر تقی ارانی در تهران منتشر شد. مجله دنیا به قطع کتابی (۱۷×۲۳) و مصور بود و در آن طرح ها، نمودارها و عکس هایی راجع به موضوعات گوناگون به چاپ می رسید. بر سرلوحه مجله بر فراز واژه "دنیا" که با خط درشت و به گونه مورب نوشته شده بود، این جمله به چشم می خورد: "دنیا در مسایل علمی، صنعتی، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث می کند." خواننده می توانست با نگاهی به روی جلد، اهم مقالات و مطالب منتشر شده با امضاء و گاه بدون ذکر نام نویسنده را مشاهده کند. در شناسنامه مجله که همواره روی جلد دیده می شد، ضمن ارایه تاریخ، سال و ماه انتشار، قید شده بود که "ماهی یك مرتبه منتشر می شود"، "قیمت اشتراك سالیانه ۲۰ ریال" و "قیمت تك شماره دو ریال". آدرس که درواقع همان نشانی چاپ خانه بود و می بایست مکاتبات به آن آدرس صورت بگیرد: "طهران چهارراه وزارت جنگ انتخابیه، مطبعه اطلاعات، اداره مجله دنیا" بود. این آدرس تا شماره ۳ تکرار شده بود، ولی از شماره ٤ مجله، با تغییر چاپ خانه (از چاپ خانه اطلاعات به مطبعه سیروس) آدرس آن نیز تغییر کرد. آدرس جدید چنین بود: "طهران خیابان علاءالدوله، مطبعه سیروس، دفتر دنیا". اشاره به این موضوع از آن جا اهمیت دارد که دکتر تقی ارانی پیش از انتشار مجله دنیا، کتاب ها و تالیفات خود را در همین چاپ خانه سیروس منتشر می کرد. در این مورد نگاه کنید به "سلسله علوم دقیقه" که شامل چندین کتاب در زمینه علوم تجربی بود و هم چنین به شناسنامه کتاب "پسیکولوژی" که در چاپ خانه سیروس از چاپ خارج شده است. و این نشان می دهد که دکتر ارانی از همان زمان (۱۳۰۹/۱۰) با کارگران این چاپ خانه آشنا شده و طرح دوستی و همکاری ریخته بود. بعدها این آشنایی به فعالیت سازمانی نیز فرا روئید که نشان دهنده تلاش دکتر ارانی و یاران او در میان طبقه کارگر ایران جهت سازمان دهی و

روی جلد اولین شماره مجله "دنیا" که به تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۱۲ منتشر شد.
طرح روی جلد عکس آزمایشگاهی تجزیه اتم را نشان می دهد.

رشد آگاهی طبقاتی آنان بود. برای نمونه در این ارتباط می توان به مورد اکبر افشارقتولی(۱) کارگر چاپخانه اشاره نمود، که از یاران و همکاران دکتر ارانی بود.

البته از شماره هشت آدرس مطبعه سیروس نیز از خیابان علاءالدوله به خیابان وزارت جنگ تغییر یافت که ممکن است تنها نام خیابان عوض شده باشد.] با تکیه بر اسنادی که اخیراً به دست آمده است مشخص شده که منزل دکتر تقی ارانی (متعلق به مادر دکتر ارانی) نیز در آن زمان در کوچه انتخابیه قرار داشت، و این نشان می دهد که وی شخصاً به همه امور چاپ و نشر و توضیح و مکاتبات نظارت داشته و رسیدگی می کرده است. کاربرد لفظ "اداره مجله دنیا" هم در شناسنامه مجله درست به همین دلیل بوده است. این شکل ظاهری تا آخرین شماره مجله در خرداد ماه سال ۱۳۱٤ حفظ شد و تنها تفاوت در عکس های روی جلد بود که هربار به مناسبت محتوای یکی از مقالات مهم که در آن شماره چاپ شده بود، عکس و گاه طرحی بر روی جلد، جلب نظر می کرد.

*** شکل و ظاهر مجله دنیا و رعایت اصل پنهان کاری در آن:**

برای مثال روی جلد اولین شماره "دنیا" یك عکس آزمایش گاهی که تجزیه اتم (انفجار اتم ها) را نشان می داد، به چاپ رسیده بود. در زیر عکس نوشته شده بود: "علم جزء لایتجزی را تجزیه می کند!" واژه لایتجزی در واقع برای اصطلاح لاتین "اتم" که در آن زمان مرسوم بود انتخاب شده بود. هر چند که در متن مقاله از کاربرد این واژه صرف نظر شده و اغلب از اصطلاح علمی اتم سخن به میان می آید. مثلاً بعد از توضیح درباره "اقیست ها" به عنوان دسته ای از فلاسفه طبیعی یونان و تعریف علمی اتم، آمده است: "حال با اسلحه دیالك تیك وارد فضای اتم شده تاثیر بعد چهارم یعنی زمان را در اتم مورد توجه قرار میدهیم."

از آن جا که یکی از مقالات علمی این شماره زیر عنوان "اتم و بعد چهارم" به قلم "دکتر ارانی" است. این عکس برای طرح جلد اولین شماره انتخاب شده بود.

طرح های روی جلد شماره دوم مجله، راجع به صنعت عکس و سینما و بی سیم است. عکس روی جلد شماره سوم بزرگ ترین دستگاه های ارسال [= فرستنده] اروپا در اطریش را نشان می دهد، و مربوط به مقاله بی سیم - رادیو است. شماره ٤ در زمینه صنایع هوایی است که عکس یك هواپیمای غول پیکر را نشان می دهد. در زیر آن نوشته شده است: "بشر بر آسمانها و اقیانوسها چیره شده است. بزرگترین طیارات دنیا". روی جلد شماره ۵ مجله تصویر یك کشتی هوایی (زپلین) دیده می شود که باز هم در ارتباط

با صنعت هواپیمایی است. شماره ٦ تصویر مادام کوری و دخترش را نشان می دهد. در زیر این عکس با حروف درشت قید شده است: "مادام کوری، فکر و استعداد قابل تربیت و نمو زن را بعالم ثابت نمود" چاپ این عکس به خاطر انتشار مقاله "زن و ماتریالیسم" در این شماره است.

لازم به یادآوری است که در مجموعه شماره های مجله دنیا دوره اول (دوازده شماره) دوبار تصویر زنان که هر دو نیز مربوط به مادام کوری و دخترش ایره نه کوری می باشد، زینت بخش مجله دنیا است. و هر بار نیز درباره حقوق زنان و نقش آن ها در جامعه مطلبی منتشر شده که خود نشان از اهمیت این موضوع و هم چنین توجه مجله "دنیا" به این مهم بوده است.

شماره ۹ بازهم عکس مادام کوری و دخترش ایره نه کوری کاشف رادیو اکتیو مصنوعی است که این عکس آن ها را در آزمایش گاه در حین کار نشان می دهد. این عکس در ارتباط با مقاله ای است برگرفته از مجلات علمی به ترجمه دکتر ارانی با عنوان: "رادیو اکتیو مصنوعی".

شماره های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ که در یك جلد (آخرین شماره خردادماه ۱۳۱٤) منتشر شده است، یك دستگاه اتوبوس را در میدان شهری نشان می دهد که مربوط به مقاله "اتومبیل" است. این مقاله علمی- فنی هرچند بدون امضاء می باشد ولی از ارجاعات و اشاراتی که به مطالب گذشته به قلم دکتر ارانی دارد ، می دانیم که نوشته او است.

طرح های جلد شماره های دیگر مجله نیز به همین سیاق است. ما این موارد را یادآور شدیم تا نشان دهیم که دکتر ارانی به عنوان ناشر و مدیر مجله سعی داشته با استفاده از این گونه تصاویر که اغلب نیز دارای جنبه صنعتی و علمی بودند، مساله ادامه کاری مجله "دنیا" را تامین کند. ولی در محتوا، مقالات و مطالب جهت دار و به قول خود وی "مادی" و "ماتریالیستی" را انتشار دهد. هر چند که جای شك نیست که تبلیغ علوم و اشاره به دست آوردهای علمی و فنی نیز یکی از هدف های مجله دنیا بوده و دکتر ارانی با توجه به عقب ماندگی جامعه ایران در دوره رضاشاه آن را از وظایف مهم خود برای پرورش نسل جوان می دانسته است.

این مهم را مثلاً می توان در مباحثه و جدل دائمی وی با "کهنه گرایان" که به قول دکتر ارانی معتقدند: "علم با ملاصدرا تمام شده است"، یا با "شونیست ها" دریافت.

با این وجود، با نگاهی به تمام شماره های مجله دنیا می توان دریافت که شکل ظاهری آن به گونه ای است که "بهانه" به پلیس و اداره سانسور (که شعبه ای از اداره

شهربانی بود) ندهد.(۲) با درك این ضرورت و هم چنین تکیه بر روی پیشرفت علم و صنعت و ضرورت استفاده از دست آوردهای آن - برخلاف محافظه کاران - که آن زمان حیات جوامع گوناگون را دگرگون کرده بود، مجله دنیا و مدیر آن نقش خود را بازی می کردند.

رعایت این امر را حتا می توان در نحوه فهرست نگاری مجله مشاهده کرد که در هر شماره بر روی جلد با ذکر عنوان مقالات و اسامی نویسندگان به چاپ می رسید. در این فهرست ها ما به ندرت به نام دکتر ارانی برخورد می کنیم و اصولاً دکتر ارانی در موارد معدودی نام حقیقی خود را در مجله قید کرده است، و تازه این موارد نیز موقعی است که مقاله منتشر شده کاملاً جنبه علمی یا صنعتی دارد. مانند: "اتم و بعد چهارم" (دنیا شماره اول)، "فرضیه نسبی اینشتین"، "اجسام رادیو اکتیو مصنوعی" (شماره ۹) و مطالبی از این دست. در حالی که مقالات دیگر خود را که حاوی نکات سیاسی، اجتماعی و فلسفی بود، یا با اسامی مستعار و مخفف مانند: "احمد قاضی"، "ا. جمشید"، "ایراندخت"، "ا. خ."(۳)، "ا. ن." یا صرفاً با قید لفظ *"دنیا"* و گاه *"از دفتر دنیا"* امضاء می کرد. در واقع دکتر ارانی در این موارد رعایت نوعی "پنهان کاری" را می کرده است. زیرا هدف نهایی او حفظ و تضمین ادامه کاری مجله دنیا به عنوان پرچم روشنگری نسل جوان در زمینه های فلسفی، اجتماعی و علمی بود که تا آن زمان در ایران سابقه نداشت.

برای نمونه دکتر ارانی مقاله های فلسفی و ایدئولوژیك را با نام های مستعار "احمد قاضی" و "ا. جمشید"(٤) در مجله چاپ می کرد. در این مورد می توان به مقاله های "عرفان و اصول مادی" (دنیا شماره اول)، "تکامل و ارث" (دنیا شماره دوم)، "زندگی و روح هم مادی است" (شماره ٤)، "ماتریالیسم دیالك تیك" (شماره ٦)، تکامل موجودات زنده"، حقوق و اصول مادی" و غیره. بخشی از مطالب نیز بدون امضاء است، ولی از ارجاعات مکرر در متن مقاله مبنی بر این که "مراجعه کنید به سایر آثار نویسنده" مشخص می شود که آن ها نیز به قلم دکتر ارانی است.

علاوه بر مقاله هایی که به امضاء حقیقی یا مستعار توسط دکتر تقی ارانی در "دنیا" چاپ می شدند، افراد دیگری نیز با این مجله همکاری می کردند و مطالب خود را در آن نشر می دادند. از آن میان کسانی با امضاء واقعی خود مقاله می نوشتند که جملگی مقالات علمی و صنعتی است. مانند "ابوالقاسم اشتری"(٥) که راجع به اختراعات علوم و صنایع مقاله هایی نگاشته است، "حسین افشار" که نماینده مجلس بود و درباره

ریاضیات مطلب می نوشت، "د. رجبی". افرادی هم فقط با امضاء مستعار برای مجله مقاله می نوشتند که می توان به این اسامی اشاره کرد: "فریدون ناخدا" (گاه با حروف اول "ف. ن.") که نام مستعار بزرگ علوی(۶) بود و بیشتر ستون مطالب ادبی و هنری را تهیه می کرد. یا امضاء "ا. جمشید" که در پایان برخی مقالات فلسفی و اقتصادی مجله دیده می شد. یا اسامی دیگری مانند: "ایراندخت"، "نورالهدی بهبهانی"، و در چند مورد با حروف اول اسم که هویت آن ها بر ما معلوم نیست.

احسان طبری که در آن زمان خود یکی از شاگردان و علاقه مندان به دکتر ارانی بوده است، در این زمینه چنین می نویسد: "از لحاظ حجم مطالبی که شخصاً ارانی می نوشته [با درنظرداشت امضاء های مستعار] باید گفت که عملاً مجله را یك تنه اداره می کرده است و سهم دیگران زیاد نیست."(۷)

به همین خاطر است که دکتر ارانی در دفاع حماسی خود در دادگاه جنایی تهران مجله "دنیا" را به مثابه شاهکار زندگی خود معرفی کرد و بدان افتخار نمود.

در اغلب شماره های مجله خط مشی آن و عرصه هایی را که "دنیا" قصد دارد خوانندگان خود را با آن ها آشنا کند به شکل خلاصه ذکر شده بود. برای نمونه دکتر ارانی در پشت جلد شماره دوم با بیانی موجز، محتوا و نیم رخ مجله را برای علاقه مندان چنین ترسیم می کند: " مجله دنیا خواننده خود را با دنیای متمدن امروز کاملاً آشنا میکند. هرکس که میخواهد در دنیای پرهیجان امروز محدود نمانده با علوم، صنایع، اجتماعات و هنرهای (صنایع ظریفه) بشر قرن بیستم و تکامل تمدن وی آشنا گردد لازم است مجله دنیا را بخواند.

مجله دنیا دارای مقالات مهم از قبیل مقالات ذیل است: قسمت علمی؛ اتم و بُعد چهارم، تکامل و ارث، پسیکولوژی خواب، امتحان هوش و حافظه، فضای چند بعدی و فرضیه نسبی، مکانیك آسمانها، اسرار سلول و اعصاب. قسمت صنعتی؛ صنایع عظیم دنیا، انتقال سینما و عکس با بی سیم، رادیو، هواپیما و آسمان نوردی، فیلم ولی فیلم ناطق. فلسفی و اجتماعی؛ عرفان و اصول مادی، جبر یا اختیار، علت یا غایت، ماتریالیسم و ایده آلیسم، دیالك تیك منطق، ماشینیسم، ارزش و کار، اجتماع و طبیعت، اجتماع و اقتصاد، زن و ماتریالیسم، نفع، پول و بانك، تشکیل و گردش سرمایه، مسائل حقوقی. قسمت هنری؛ هنر و ماتریالیسم، موسیقی، تاتر، فیلم از نظر صنایع ظریف، ارزش ادبی رمان، ترجمه شاهکارهای متفکرین بزرگ و غیره. مجله دنیا در خاتمه تحت عنوان منظره دنیا، چند اطلاع مفید، سوالات که میداند؟ و جوابهای من

میدانم! یك سلسله اطلاعات و دروس مفید راجع باوضاع و اختراعات مهم دنیا خواهد داشت."

سپس در ادامه این مطلب، برای جلب خوانندگان و علاقه مندان بیشتر و پخش وسیع تر مجله، فراخوان زیر نوشته شده بود: "خوانندگان دنیا؛ اگر این مجله با عقیده و فکر شما توافق دارد، اسم و آدرس خود و آشنایان خود را که ممکن است به مجله دنیا علاقه داشته باشند باداره مجله ارسال دارید."

همان گونه که اشاره شد، مطلب بالا در شماره دوم مجله قید شده، و بخش اعظم عناوین و سرتیترهایی را در برمی گیرد که قرار بوده است در شماره های بعدی "دنیا" چاپ شوند. این امر نشان می دهد که اولاً بخش عمده مطالب توسط مدیر مجله نگارش یافته و ثانیاً مجله مقالات زیادی را در زمینه های مختلف برای تضمین ادامه کاری "دنیا" در آرشیو خود داشته است.

با توجه به مطالب دوازده شماره مجله دنیا که توسط دکتر ارانی طی دو سال (از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱٤) انتشار یافت، می توان به موضوعات مختلفی برخورد که مجله سعی داشته است خوانندگان خود را با آن، آشنا کند. در یك طرح کلی می توان اهم موضوعات مطرح شده در مجله "دنیا" را چنین تقسیم کرد: * مسایل فلسفی و ایدئولوژیك به ویژه تاکید و روشنگری در زمینه فلسفه مادی ماتریالیسم دیالك تیك. * استفاده از آموزش های مارکس، انگلس و لنین به عنوان بنیادگذاران سوسیالیسم علمی.(۸) * تاکید بر اهمیت علم اقتصاد در اجتماع به عنوان زیربنا یا به اصطلاح آن روزی دکتر ارانی "پایه". * موضوعات اجتماعی و سیاسی مانند طرح مسایل زنان، جوانان و روشنفکران که دکتر ارانی به آن ها قشر "منورالفکر" می گوید. * مسئله فاشیسم و ارتباط ذاتی آن با جنگ و آتش افروزی. * مسایل فرهنگی و هنری و کارکرد آن ها در اجتماع، تاکید بر هنر مردمی و جانبدار. * موضوعات علمی و صنعتی (= تکنولوژیك) و اختراعات و دست آوردهای بشر در این عرصه ها. * مبارزه قلمی و پلمیك در دو جبهه: یکی با "کهنه گرایان" که بر این باور بودند "علم با ملاصدرا تمام می شود" و دیگری با به اصطلاح "متجددها" که معتقدند "ایران باید روحاً و جسماً اروپایی شود."

اگر بخواهیم با زبان خود دکتر ارانی بگویم که در اغلب شماره ها بر آن تاکید داشته است، باید گفت که: "دنیا یك مفهوم مادی دارد. دنیا یك مفهوم بین المللی دارد. دنیا یك مفهوم علمی دارد" [...] "تمام مندرجات مجله یك دستگاه معلومات مربوط و منظم و کلی را تشکیل می دهد."

علاوه بر این موارد، مجله دنیا دارای ویژگی های دیگر نیز هست که در جای خود به آن ها اشاره خواهد شد.

اکنون برای نشان دادن درجه نوجویی و فعالیت آگاه گرایانه این مجله به برخی از این موارد به شکل کوتاه و با تکیه بر محتوای مقالات، اشاره می کنیم:

*** موضوعات فلسفی و ایدئولوژیک:**

مهم ترین نقش و ویژگی مجله دنیا در تاریخ مطبوعات ما، توجه آن به موضوعات فلسفی و ایدئولوژیك و طرح مباحث فلسفه ماتریالیسم دیالك تیك و تاریخی است. از آن رو که دکتر ارانی به عنوان مدیر و نویسنده عمده مطالب مجله خود یك کمونیست(۹) است و در این زمینه مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد، از نظر فلسفی معتقد و پیرو سرسخت فلسفه ماتریالیستی (یا به اصطلاح خود مجله فلسفه مادی) است. به همین دلیل نیز مجله دنیا در طی دوسالی که منتشر شد، سهم ارزنده ای در تبلیغ این فلسفه داشته است.(۱۰) و هم چنین بیشترین سهم را در معرفی فلسفه مارکسیسم و ترویج این فلسفه در میان جوانان و روشنفکران ایران داشت. دایره این تاثیرگذاری مجله دنیا در این عرصه خیلی طولانی تر از محدوده زمانی است که مجله (طی سال های ۱۳۱۲-۱۳۱٤) منتشر می شد، و تا سالیان متمادی موضوعات فلسفی طرح شده در "دنیا" و هم چنین سایر آثار فلسفی دکتر ارانی مانند: "پسیکولوژی"، به عنوان کتاب های مرجع ماتریالیستی در زبان فارسی محسوب می شدند. تا بعدها بعد از تاسیس حزب توده ایران، شاگردانی که در مکتب دکتر ارانی پرورش یافته بودند، رفته رفته به نگارش و ترجمه آثار فلسفی مبادرت کرده و بر این شناخت افزودند.

از همان شماره نخست مجله دنیا، این توجه به موضوعات فلسفی و اعتقاد و گرایش نویسندگان آن به فلسفه مادی به چشم می خورد: "انسان حیوان اجتماعی است. هر فرد هر قدر زندگانی شخصی خود را با نظریات کلی فلسفی خود بیشتر ارتباط دهد کامل تر است. بعقائد کلی بیعلاقه بودن علامت تنزل به حد حیوانی است. تنها نظریه کلی که میتواند مابین علم، صنعت و اجتماع بشر امروز هارمونی و هم آهنگی تولید کند، اصول عقائد مادی است!"

احسان طبری در یك سخنرانی(۱۱) ضمن تجلیل از شخصیت علمی و انقلابی دکتر ارانی به موضوع اشاعه فلسفه انقلابی و علمی عصر ما یعنی ماتریالیسم دیالك تیك توسط دکتر ارانی اشاره می کند و این امر را یکی از قوی ترین جهات شخصیت دکتر

ارانی می داند. او در این باره می گوید: " ارانی در اثر ارزنده خویش موسوم به "تئوریهای علم" در این باره چنین نوشت: "تنها ماتریالیسم عمیق و قوی، یعنی ماتریالیسم دیالك تیك و اصول مادی و منطقی میتواند، با تئوری متحدالشکلی تضاد علوم را مرتفع سازد و بدون شك در سایه همین اصول و اسلوب، علم و اجتماع صورت جدید بخود گرفته و ترقیات سریعی که از دایره ادراك متفکرین امروز خارج است، خواهد نمود."

ارانی شیفته حقیقت و علمیت و از توسل به ضد حقیقت بیزار بود و این روحیه از آثار او همه جا میتراود. وی در اثر خود موسوم به "بشر از نظر مادی" نفرت خویش را از مغلطه گران در علم و حقیقت بیان میدارد و مینویسد: "گاه یك عده پیدا می شوند که تحت تاثیر منافع طبقاتی خود، در علم هم تقلب میکنند و دروغ میگویند. دروغگوئی در علم وقیح ترین اقسام کذب است." همین اندیشه را در اثر دیگر خود ماتریالیسم دیالك تیك تکرار میکند و مینویسد: "نفع مادی رویت عده ای از طبقات را چنان محدود میکند که بخودشان هم دروغ میگویند."

ولی ارانی که به منافع توده های زحمتکش میهن خود، به منافع وسیع بشریت تکیه داشت نیازی و نفعی نداشت که به خود دروغ بگوید یا در حقایق علمی تخلیط کند. حقیقتی را که او یافته بود یك حقیقت ماوراء طبقات بود. این حقیقت مارکسیسم بود که به قول لنین نیرومند است زیرا راستین است. این حقیقت آموزش ماتریالیسم دیالك تیك بود که میتوانست سررشته سعادت بشری را به دست بدهد. او در اثر خود "عرفان و اصول مادی" مینویسد: "اصول مادی و منطقی بشر، به تمام علوم، صنایع و اجتماعات و هنر ارتباط کامل دارد و او را از خرافات اعم از اینکه در قسمت طبیعی یا بیولوژی یا پسیکولوژی یا سوسیولوژی باشد، خلاص کرده و به وی راه خوشبختی را نشان داده است."

در همین اثر جای دیگر وابستگی کامل اسلوب فکری خود را با ماتریالیسم تاریخی بیان میدارد و تصریح میکند که بررسی او از عرفان بطور اعم و عرفان ایرانی بطور اخص بر اساس اسلوب تحقیقی ناشی از این تئوری انجام گرفته است. دکتر ارانی مینویسد: "برای ما یك قضیه مجرد و مجزی در وسط تاریخ وجود ندارد. ما فلسفه مادی تاریخ را بعنوان یك عصب و شریان اصلی در نظر گرفته، نمو عقاید را اعم از عرفان یا غیر آن مطالعه نمودیم تا محل و موقعیت عرفان در میان تمام عقاید واضح شود."

در نوشته های فلسفی دکتر ارانی که بطور عمده بر پایه اثر مارکس "سرمایه" آثار

انگلس "آنتی دورینگ" و "منشاء خانواده و دولت" اثر لنین "ماتریالیسم و آمپریوکریتیسیسم" نگاشته شده است و یا از کتب متداول توضیحی آن ایام فیض گرفته است بطور اساسی مسایل فلسفه مارکسیستی اعم از دیالك تیك، ماتریالیسم فلسفی و ماتریالیسم تاریخی توضیح داده میشود. به عنوان نمونه و برای آشنائی مشخص تر با سبك فکر و تحقیق دکتر ارانی یکی از مهمترین مقالات وی را موسوم به "ماتریالیسم دیالك تیك" مورد بررسی قرار میدهیم. در بخش اول و دوم این سلسله مقالات (که با امضاء مستعار "احمد قاضی" در مجله دنیا نشر یافته) دکتر ارانی بر اساس کتاب انگلس "آنتی دورینگ و پایان فلسفه کلاسیك آلمان" و کتاب لنین "ماتریالیسم و آمپریو کریتیسیسم" (یا به قول دکتر ارانی "فلسفه مادی و حسی - انتقادی") تئوری شناخت مارکسیستی را بررسی میکند، مکاتب مختلف ایده آلیستی، آمپیریك، پوزیتیویستی و نیز ماتریالیسم متافیزیك را مورد انتقاد قرار میدهد و عقاید افلاطون، لایبنیتس، دکارت، برکلی، کانت، هیوم، هگل، شوپنهاور، اوگوست کنت، ماخ، برگسن و دیگران را بعنوان نمایندگان مکاتب مختلف ایده آلیستی باتکاء تحلیل انتقادی مردود میشمرد.

دکتر ارانی وسیعاً از علوم ریاضی و طبیعی معاصر برای اثبات صحت تئوری شناخت ماتریالیستی، اثبات واقعیت جهان خارج از ذهن انسان و رابطه مطلقیت و نسبیت در معرفت انسانی استفاده میکند و سوء استفاده طرفداران ایده آلیسم و دیگر مکاتب علم نمای فلسفی معاصر را برملا میسازد. در بخش سوم این سلسله مقالات، اصول دیالك تیك مطرح می شود. دکتر ارانی میکوشد منظره ای از تاریخ تکامل اسلوب دیالك تیك از زمان هراکلیت تا مارکس ترسیم کند و تفاوت هر مرحله را نسبت به مرحله پیشین نشان دهد. وی منطق دیالك تیك را با منطق صوری که ارانی آن را "منطق جامد" می نامد مورد مقایسه قرار می دهد. و اصول دیالك تیك را مانند تغییر و ارتباط، تکامل، و حدت و نبرد ضدین (یا به قول دکتر ارانی "نفوذ ضدین") تغییر کمیت به کیفیت، قانون نفی در نفی و پیدایش نو از کهنه و تکامل از طریق تز (یا به قول دکتر ارانی حکم) و آنتی تز (یا به قول ارانی ضد حکم) و سنتز (یا به قول ارانی حکم ترکیبی) شرح میدهد.

احسان طبری هم چنان معتقد است که: "این سلسله مقالات نخستین و جامع ترین بیان اسلوب دیالکتیك ماتریالیستی در زبان فارسی است و طرف سخن ارانی در این سلسله مقالات نسل جوانی است که به ویژه در تهران با علاقه و هیجان به مجله دنیا روی آورده بود و از آن نشید تازه ای می شنیده است. بیهوده نیست که دکتر ارانی

سلسه مقالات مورد بحث خود را با این عبارت ختم میکند: "تربیت فکر خوانندگان جوان، نظر اساسی مجله دنیاست."

دکتر ارانی نه تنها ماتریالیسم دیالکتیك را با عمق تمام درك کرده و توضیح داده است، بلکه استنباط وی از ماتریالیسم تاریخی نیز به همین اندازه عمیق است. در آثار مختلف وی مانند "تئوریهای علم، "عرفان و اصول مادی"، "بشر از نظر مادی" استنباط ماتریالیسم تاریخی بیان شده است. سودمند است در این باره نیز نمونه هایی به دست بدهیم. دکتر ارانی در اثر برجسته خود "تئوریهای علم" قانونیت پدیده های تاریخی و منطقیت تاریخی پیدایش این یا آن جریان، این یا آن دوران را مورد بحث قرار میدهد و با نظریه ایده آلیستی که تاریخ را انبوه درهم تصادفات غیر قابل توضیح ونامعقول میشمرد مخالفت میکند. او در این زمینه از جمله مینویسد:

"ایده آلیست عقیده دارد پیدا شدن "فئودالیسم" درقرون وسطی ناگهانی بود و اسباب بدبختی بشر شد و تکامل جامعه بنی نوع بشر را به عهده تعویق انداخت. متفکر مادی منطقی از این اشتباه بری است و میداند که وضعیت قرون قدیمه خود، ظاهر شدن اصول "فئودالیسم" را ایجاب میکرد. اگر این طور نبود ظاهر نمیشد. از طرف دیگر خود اصول فئودالیسم قرون وسطی پایه و اساس پیدا شدن مراکز قدرت در قرون جدیده و پیشرو ظهور طبقه بورژوازی است. یعنی برای آنکه حالت بعد بظهور برسد باید حالت قبل وجود داشته باشد."

در همین اثر دکتر ارانی، نظریه ایده آلیستی را دائر بر آن که نسبیت و تغییرپذیری معرفت انسانی دلیل بر آن است که این معرفت دارای محتوی واقعی نیست رد میکند و منظره تکامل تئوریهای علمی را به مثابه منظره خروج تئوری های علمی صحیح تر از تئوریهای علمی کمتر صحیح ترسیم مینماید و بار دیگر به ضرورت توالی حالات در رشته تکامل توجه میکند ومینویسد: "تئوریهای علمی روز بروز درتغییر میباشند. افکاری که با اصول و قوانین صحیح تفکر آشنا نیستند این موضوع را دلیل بر صحت مکتب ایده آلیسم میدانند و میگویند چون حقیقت هر روز برای ما تغییر کرده پس حقیقت در قضایائی که درك میشوند وجود ندارد! چه، حقیقت ثابت است و آنچه که ثابت است مائیم. پس حقیقت در ماست. با اندکی تفکر بطلان این شیوه استدلال واضح میشود. یك تئوری که جانشین تئوری دیگر می شود، ناگهان بظهور نمیرسد، بلکه تئوری منسوخ شده پایه و اساس تئوری جدید ناسخ است. اگر اولی وجود نداشت دومی بظهور نمیرسید. اگر در علوم طبیعی، پایه فیزیك و شیمی خود را بر روی اساس اتم لایتجزی بنا

ماتریالیسم دیالکتیک

علم [illegible] است که درباره [illegible] انسان با طبیعت و رابطه [illegible] با یکدیگر [illegible] انسان و حقی هزاران نفر به میکند و گیاههای سمی را از غیر مسر تشخیص میدهد، برای تغذیه خویش میتوانند دیگر را شکار میکنند، خود را از خطر سباع و حیوانات موذی حفظ میکند از آتش و آب و [illegible] و چوب برای دفاع یا [illegible] استفاده میکند، دوب و بافتن درخت را میآموزد، با [illegible] خود اشیاء را میسازد، [illegible] و [illegible] خود [illegible] میکند و [illegible] چون اطفال، آمیزش [illegible] نمودن حرکات و تبدیلات کواکب را مورد توجه قرار میدهد چنین طرق در اطلاعات خود از دنیای خارج روز بروز جلوتر [illegible] ولی درهرحال این اطلاعاتی را که کسب میکند میتواند از نظر مادی و برای رفع احتیاجات ضروری و حیاتی است و اگر احیاناً هر طلبی صفات خود باطلاع مقیه دیگری مصاعف شود او از آن نیز برای حفظ بقاء خویش استفاده مینماید.

اینکی مجموع این اطلاعات راکسته انسان علم نامیده زیر امتیاز انسان ارتباط کلی را کشف نکرده است علم بدین نام وقتی پیدامیشود که عیات مادی وسوانح ضروری انسان تا اندازهٔ تأمین و فکر بشر نیز فراغ کار کردن رفته قوه [illegible] شود و بالاخره برای نشی علم احتیاج جدیدی تولید میکرد و که عبارت است از ربط و اتصال روابط حادثه از تحریرات است.

پس چنانکه گفتیم بشر بواسطهٔ احتیاجاتی که از نظر حفظ بقای خود دارد و بنا به عده قوانین و روابط علت و معلولی طبیعت پی برده و مقدار معلومات خود را [illegible] یکدیگر مربوط نموده از آن بخوص بقانون بینی حکم کلی کشف مینماید و بدینطریق علم بمعنی صحیح کلمه پیدا میشود.

اوضاع مادی روزبروز در تکامل است و روزبه روزبه بهبودی نسبت بشر ترقی میکند، زیرا تعداد روابط عده و معلول که از طبیعت پیدانموده است زیادتر شده و چنانکه متذکر شدیم در اثر توسعهٔ قوای دماغی و فکری متعلق انسان روزبروز میکند میگردد واین دراین سنین چون در اثر تکامل اوضاع مادی ساز مان اجتماعی [illegible] مختلف اجتماع حاصل نشود تأثیر دورههای اجتماعی بشر گذاشته طبقاتی است

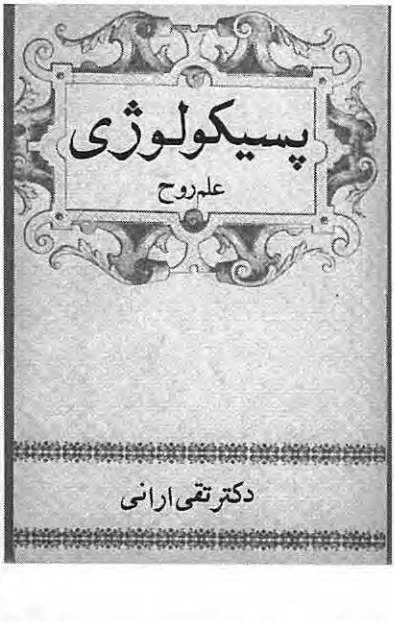

پسیکولوژی

علم‌روح

دکتر تقی ارانی

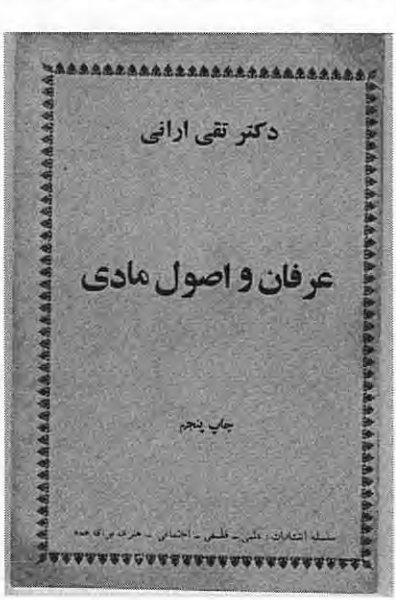

دکتر تقی ارانی

عرفان و اصول مادی

چاپ پنجم

سلسله انتشارات علمی ـ فلسفی ـ اجتماعی ـ هنری برای همه

جبر و اختیار

از مطالعهٔ دقیق علوم دو نتیجه کلی [illegible] باید

اولی اینکه هر [illegible] علت است و هیچ [illegible] خواهد علت [illegible] یا موجبی است

علت هرچیز عبارت از عاملی است که آنرا بوجود آورده و اگر علت مناسب روز و روزی حادثه شبه چیزی بعلت [illegible] زمین دور گردش خود بدور خورشید بگردش یکی از کهکشانهای جو قوه‌ا دو مقابل آنقلب قرار میدهد و کهکشان دیگر و دیگر در تاریکی میماندو گردش زمین حول خورشید [illegible] خود علت دیگری داردو که آن علت نیز معلول علل دیگر است وخلاصه هیچ [illegible] را نمیتوان منعلقا بدون علت فرض نمود و اگر علت بنیادی از حوادث برسانید حالت حاضره معلول است و قبل عدم علت نمیشود، به عبارتدیگر که در قدم الایام اغلب مسائل علمی که شاید امروز توضیح آن برای هرشاگرد مکتبی سهل باشد برانسان قدیم مطوم نبوده و بمرور ایام و در اثر تراکم علم وفکرت حل شده است [illegible] امروز هم مسائلی هست که علل آن برما مجهول و زمانی میکشوف خواهد شد، پس نباید تصور کرد اگر عاملی این حوادث را نمیدانیم پیشرفت از عوامل و فهم آنها محروم است، بلکه باید گفت حالت حاضرهٔ علم و معرفت اجازه کشف آنها را نمیدهد، از این مرحله گذشته اگر بنا به تا قرنهای طبیعی و اجتماعی را در نظر گرفته مورد دقت قرار دهیم خواهیم دید که این تنوع مجموعهٔ غیر منظم و مغشوشی از حوادث و آثار نیست بلکه یکس مختصر دقتی در اشیاءکافی برای اثبات نظم و انتظام دو کره میباشد. روز متناوب شب و شب پس از روز میآید فصولی یکی پس از دیگری میرسند و هریک بنوبه خود یک سلسله آثار و اخلاقی همراه میآورند، دو جنین سیر کنند، برگها پس از مدتی زرد شده و میریزند، انواع مختلف حیوانات در موقع معینی آبستن و مجدداً میزایند. در فصل معینی رطوبت افزایش کرده و در موقع معصوصی دور میکنند و همینطور سایر اتفاقات طبیعی دیگر، یکی پس از دیگری با نظم و انتظام خاصی در برابر چشمان ما واقع میگردند. متلاً پس از باران گرمها و قارچ بطور وفور بروید و همه ما میدانیم که دانه جوی که در جیبخانه در تحت شرایط معینی متغیر بخوشه‌دادن میشود یکس هیچوقت دیده نشده که همین خوشه جو یا گندم از خودش بدون آمده و یا از آسمان سرازیر شده بنابراین آنچه وجود نمود دارد از حرکات پیش گذشته [illegible]

نمونه هایی از آثار فلسفی به قلم دکتر تقی ارانی

نمیکردیم، به کشف اجسام رادیو آکتیو که قابل تجزیه بودن اتم را ثابت میکند، موفق نمیشدیم. اگر فرض غلط "عناصر اربعه" در کارنبود، فیزیك آتیك امروز بوجود نمیآمد."

دکتر ارانی در آثار خود نشان میدهد که تاریخ بشر در یك سیر تکاملی است که به طرف آزادی کار از قید استثمار میرود. وی میخواهد مردم ایران را به داشتن نظر نقادانه به سوی نظام موجود جامعه جلب کند. او افسانه وحدت نسبی را که برای خواب کردن طبقات ستمدیده به سودطبقات ستمگر ساز میشده است، افشاء مینماید و مینویسد: "یك ملت یکدستگاه متحد و یکنواخت نیست. در داخل ملت، طبقات ومنافع متضاد، نسبت اکثریت و اقلیت آنها را باید در نظر گرفت" *(بشر از نظرمادی)*

دکتر ارانی رابطه فرد و جمع را در جامعه به عنوان رابطه جزء با کل مورد مطالعه قرار داده و مینویسد: "اجزاء پس از جمع شدن، حاصل جمع مستقلی دارند که خواص آن، نه فقط با خواص اجسام مرکب کننده فرق دارد، بلکه بستگی تامی بطرز ارتباط زمانی و مکانی آن اجزاء دارد." دکتر ارانی فرد را متوجه وظایف خود میسازد و مینویسد: "فرد را نمیتوان مجزی و خارج از جامعه ومستقل فرض کرد. خاصیت فرد وقتی مشخص میشود که مقام آن در دستگاه جامعه معین باشد."

ماتریالیسم تاریخی نیز که یکی از ارکان مهم فلسفه مارکسیسم است، از دیدگاه دکتر ارانی و مجله "دنیا" چنین بیان می شود: "تاریخ بشر تاکنون تاریخ نزاع طبقات بوده است. حکومت دستگاهی است که بوسیله طبقه قویتر تشکیل شده استیلای آنرا برطبقه زیر دست تامین مینماید. تشکیلات قانونگذار، قضائی، رهبریت علم و تربیت و ذوق هنری تحت قدرت دولت است. بنابر این واضح است که در جامعه طبقاتی قوانین، طرز حفظ حقوق، آداب و رسوم، مفهومهای خوب و بد، زشت و زیبای اخلاقی، تولید افکار در اطفال و افراد و ذوق صنایع ظریف نیز طبقاتی بوده بنفع طبقه معین خواهد بود."

با توجه به آن چه که در بالا آمد، می توان با قاطعیت گفت که هرچند ترویج اندیشه های مارکسیستی در ایران پیش از آثار دکتر ارانی و انتشار مجله "دنیا"تا حدودی انجام گرفته بود، ولی این دکتر ارانی بود که با کار علمی و گسترده خود در این زمینه کیفیت ویژه ای از ترویج مارکسیسم در میهن ما ارایه کرد.

*** موضوعات اجتماعی و اقتصادی:**

دکتر ارانی علاوه بر ترویج فلسفه علمی ماتریالیستی، برای موضوعات اقتصادی و اجتماعی نیز اهمیت زیادی قایل است. مجله "دنیا" حجم زیادی از مطالب خود را به

مسایل اقتصادی اختصاص داده است. تقریباً در هر شماره مجله یك مقاله در این زمینه به چشم می خورد، که از آن میان می توان به مطالب "ارزش - قیمت - کار"، "پول از نظر اقتصادی و اهمیت آن در اجتماع فعلی" و "اقتصاد و سیاست اقتصادی سال ۱۹۳٤" اشاره نمود. مقاله اخیر در شناخت رویدادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جهان آن روز اهمیت به سزایی دارد. در این گونه مقالات دکتر ارانی مانند سایر مارکسیست ها به اهمیت موضوع اقتصاد در کارکردهای جامعه توجه دارد، و اقتصاد را زیر بنا یا به قول خود او "پایه" می داند، و هم چنین نقش اقتصاد را در به وجود آمدن روندهای روبنایی یا به اصطلاح او "ساختمان فوقانی" مورد بررسی و تاکید قرار می دهد. در این مورد هم می توان به ذکر چند مثال اکتفاء کرد:

درباره ارزش کار با زبانی ساده و منطقی می نویسد: "اگر میتوانستیم با کار کم ذغال سنگ را تبدیل به الماس کنیم، قیمت آن از آجر هم کمتر میشد. پس قیمت بسته بمقدار کاری است که برای تهیه آن بکار رفته است." یا این نظریه مارکس که در "کاپیتال" مطرح شده و دکتر ارانی آن را چنین بیان می کند: "قیمت هر متاع بالاخره عبارت از مقدار کاری است که برای تولید آن مصرف شده است." وی ضمن بررسی "کار متوسط اجتماعاً لازم" بین "ارزش" و "قیمت" تفاوت قایل می شود و این درك درست او را از اقتصاد سیاسی نشان می دهد: "ارزش اساس قیمت است."، "قیمت هر متاع عبارت از ارزش آنست."، و یادآور می شود که: "فقط کار مولد ارزش است و مولد کار مالك حقیقی ارزش." و نشان می دهد که "کار" انسان نقش تعین کننده و اساسی را در تکامل و ایجاد ارزش بازی می کند. سپس با بررسی "قیمت" و "پول" به این نتیجه می رسد: "چون پول جامد و مادی شده کار اجتماعی است تقسیم کار در ادوار مختلفه تاریخ حالات متفاوتی داشته بنابر این پول نیز در مسیر این ادوار تکامل دیالك تیکی کرده وسائل انهدام آن فراهم گشته است بدین معنی که تجمع پول و تمرکز در آخرین مرحله این تکامل موجب تولید ارزش اضافی شده بطوریکه تحصیل پول فقط به مصرف نمودن کار نبوده بلکه صرف داشتن آن در تحت شرایط معین وسیله جلب ارزش اضافی است."

باید عنوان کرد که در آن زمان هنوز واژه ها و اصطلاحات علمی در زبان فارسی برای پرداختن به موضوعات مختلف از جمله موضوع اقتصاد یا اصلاً وجود نداشتند یا بسیار محدود بودند، به گونه ای که دکتر ارانی در ضمن بررسی ها و پژوهش های خود تلاش می کند که در این موارد برای درك بهتر خوانندگان خود واژه سازی کند یا با کاربرد اصطلاحات خارجی، آن ها را تعریف کرده و در زبان فارسی مرسوم کند. مثلاً

رکود یا دوره رکود اقتصادی را "دپرسیون" یا "تنزل" می نامد. برای تورم واژه "انفلاسیون" را به کار می برد. او می نویسد: "برخلاف انفلاسیون های حقیقی بعد از جنگ دیگر رونق فروش امتعه، یعنی تبدیل سریع پول به اجناس وجود ندارد." یا این مطلب که: "دپرسیون فعلی *[منظور اوایل دهه سی میلادی است]* یك دپرسیون طبیعی نیست که پس از آن مطابق قوانین اقتصاد فعلی یك دوره رواج و رونق بوجود آید." و با اشاره به: "تهیه فوق العاده زیاد لوازم جنگی" در کشورهای اروپایی چنین نتیجه می گیرد: "ما در یك بحران تمدن میباشیم که تا ریشه کلیه قضایای اجتماعی و اقتصادی نفوذ می کند."

در زمینه موضوعات اجتماعی نیز مجله تلاش می کند که در بستر موضوعات دیگر به نحوی به آن بپردازد. از آن جا که مسئله سانسور و وجود استبداد، مانع اصلی پرداختن مستقیم به اوضاع اجتماعی ایران است، دکتر ارانی به عنوان گرداننده و نویسنده اصلی "دنیا" سعی می کند بیشتر به شکل غیرمستقیم، مثلاً با اشاره و بررسی اوضاع جهان و سیرتاریخی جامعه، به این مهم توجه کرده و موضوعات مختلف اجتماعی از جمله حقوق و قوانین را برای خوانندگان توضیح دهد. ما در این باره به جای خود بیشتر مکث خواهیم کرد، و نظرگاه های عمده مجله "دنیا" را در بررسی مسایل گوناگون اجتماعی مورد ارزیابی قرارمی دهیم. در تعریف حقوق می گوید: "حقوق عبارت از مجموعه قوانین و نظاماتی است که در یك محل و موقع معینی برای تنظیم ارتباط افراد مطابق وضعیت موجود اجتماعی وضع و بوسیله قوای قهریه دولت بموقع اجرا گذارده میشود." و گویی که به این جمله مارکس و انگلس مبنی بر: *"اگر انسان ثمره محیط است، پس باید محیط را انسانی کرد"* اشاره دارد، وقتی که دکتر ارانی با انگشت گذاردن بر "حقوق بشر" ادامه می دهد: "حق های انفرادی در هر اجتماع مظهر مفهوم عدالت آن جامعه هستند و چون دائماً جوامع در تحول و تغییر است حقوق، حق، عدالت نیز به تبعیت آن غیر ثابت و متغیرند. آنچه که امروز مقدس ترین و ثابت ترین حقوق بشر شمرده میشود فردا باطل ترین و نادرست ترین چیزها بشمار خواهد رفت."سپس تاکید می کند: "حق جنبه عمومی خود را گم کرده بحالت طبقاتی در آمده است."

"بشر بطور کلی به عده زیادی از قوای طبیعت چیره شده است. عجالتاً بزرگترین بدبختی او عدم قدرت وی به اداره اجتماع خویش است. جنگها، بیکاریها، بحرانها، تولید بیش از مصرف زیادتر از خشکسالی، سرما، سیل، امراض ساری و غیره اسباب ناراحتی و نگرانی وی میباشد. البته بشر این اشکال را نیز که یك اشکال طبیعی است

برطرف نموده جامعه ای با تشکیلات صحیح برای خود ایجاد خواهد کرد." و با بهره گیری از دیالك تیك تاریخ روند طبعیت و اجتماع را چنین زیبا ترسیم می کند: "عالم و اجتماع رودخانه بی انتهائی است که پیوسته در سیلان و جریان است. گاهگاهی سیلابهای تند او را از بستر خود منحرف مینمایند و بستر جدید بنوبه خود دستخوش سیلاب دیگر خواهد شد. تنها این بازی ابدی و سرمدی است."

در این جا به یك نمونه دیگر از نوشته های دکتر ارانی اشاره می کنیم، که در ارتباط به نقش فرد و مسئولیت اجتماعی او در قبال جامعه است. وی راجع به دسته بندی میان افراد و جوانان در درون جامعه، می نویسد: "کوته فکری و نداشتن میدان رویت وسیع یکدسته از جوانان ما را برای حفظ منافع فردی خود بدسته بندی های خصوصی که هر دسته مانند دستجات حیدری نعمتی، درصدد اخلال کار دسته رقیب که در عین حال نسبت بهم متملق میباشند هدایت کرده است. فقط افراد کلاش و ضعیف النفس میتوانند در این دسته بندیها شرکت کنند و آنرا کار اجتماعی خود بدانند.

جوانان صالح ما باید از این قبیل صف بندیها خودداری کرده قوه خود را برای پیشرفت یك مرام اساسی که نفع توده وسیع در آن باشد مصروف دارند."

*** فاشسیم و ضرورت مبارزه با آن:**

یکي از دغدغه های مهم مجله "دنیا" موضوع فاشیسم و خطر گسترش آن به عنوان یك پدیده سرکوب طبقاتی است. هر چند که مقاله ویژه ای به این موضوع اختصاص نیافته است، ولی در لابلای مطالب گوناگون که بحث اوضاع جهان پیش می آید، به این مهم اشاره می شود. مجله "دنیا" در رابطه با مسئله فاشیسم موضع قاطع و روشنی دارد. در شماره های مختلف مجله به ویژه زمانی که به بررسی اوضاع جهان پرداخته می شود، به معضل فاشیسم توجه شده است. تلاش مجله "دنیا" بر این است که این پدیده شوم را برای ایرانیان حلاجی کرده و به افشاگری و مبارزه با آن بپردازد. هم چنین باید به ارتباط تنگاتنگ گسترش فاشیسم و به حاکمیت رسیدن نیروهای فاشیستی در برخی از کشورها مانند آلمان و ایتالیا و خطر وقوع جنگ جهانی اشاره نمود که مجله "دنیا" از همان آغاز به درستی این خطر را تشخیص داده و آن را محکوم می کند. آنهم تا حد فراخوان برای پیکار با این پدیده خطرناك که می خواهد سیاست "دمکراسی" را حذف کرده و سیاست "کولونی" (به انقیاد درآوردن) را به سایر کشورها تحمیل کند.

مجله "تئوری نژادی" را که توسط فاشیست ها تبلیغ می شود مورد حمله قرار داده و

می گوید: "تئوری نژادی یك تئوری طبقاتی است."، "علم بطلان عقاید دیوانگانی را که بامید استعمار و استثمار و تفوق مطلق نژاد و طبقه یا فردی را نسبت به دیگران مسلم میدانند ثابت کرده است." و نتیجه می گیرد که: "فاشیسم آخرین اسلحه حفظ منافع طبقاتی است!"

مجله ضمن توضیح ایدئولوژی فاشیسم به افشاگری علیه آن می پردازد و دست شیادان "تئوری نژادی" را باز می کند: "تئوری نژادها میگوید اختلاف درجه تکامل تمدن (وسایل تولید) جوامع بواسطه اختلاف نژادی آنهاست. پس اولاً "نژادهای متمدن" و "با استعداد" باید ملل "وحشی" و "بی استعداد" را کولونی کنند. هندوستان، هند وچین، حبشه و ملل دیگر در شرق [باید] محصول کار خود را به ملل اروپائی بدهد. و این امر نیز باید درجاتی باشد، یعنی مثلاً تمام نژاد سیاه و سرخ باید زیر دست تر از همه باشد، نژاد زرد بالاتر از نژاد سیاه و نژاد سفید مافوق همه نژادهاست. ثانیاً در داخل نژاد سفید نیز شعبه نژاد آریائی بر سامی و در داخل نژادآریائی مثلاً شعبه رومی بر اسلاو و شعبه ژرمنی بر رومی ترجیح دارد. این طبقه بندی بسته بر اینست که طرفدار تئوری نژادها خود از کدام نژادباشد. ریش پهن "عالم نما" اگر انگلیسی یا آلمانی باشد ادعای مزبور را خواهد کرد و اگر فرانسوی یا ایطالیائی باشد رومی را مافوق خواهد دانست. بلی تئوری نژادها واقعاً اسلحه خوبی برای جنگجویان و طرفداران استعمار و استثمار کار دیگران است."

"ثالثاً نتیجه مهم تئوری نژادها استعمال دقیق آن در داخل یك ملت است. ملت از طبقات تشکیل یافته است. با اختلاف فاحشی که میان نژادها موجود است چطور میتوان قبول نمود که طبقات یك ملت مساوی باشند؟ بنابر این مقدرات تقسیم کار و محصول باید نظیر سیاست استعماری باشد. وسائل تولید باید دست عده محدود قرار گیرد زیرا توده لیاقت تصاحب آنرا ندارد. می بینید چطور ایده آلیست بدبخت از میان یك سلسله عوامل مهم یك اختلاف جزئی را اختیار کرده با آب و تاب آنرا تئوری نژادها مینامد زیرا این انتخاب که از نظر وی خیلی عاقلانه است همه جا به درد وی میخورد. اما مکتب مادی بطلان این ادعا را باسانی نشان میدهد. وقتیکه کوشیت ها و ملل قدیمی مکزیك تمدن داشتند متمدن ترین نژادهای امروز هم وحشی بودند... فقط یك ابله میتواند قبول کند که یك یهودی کم استعدادتر از یك آلمانی است. یا تمدن امروز ژاپن از پرتغال یا تمدن ترك از بلغار کمتر است. ایده آلیست برای دیدن این حقائق کور است. روزنبرگ که باید با ترهات خود برای رژیم فاشیست تئوری علمی ایجاد کند خوبست به محله های وسط وشمال شهر برلن که شاید هیچوقت گذر نکرده است برود. تحت تاثیر فقر و فلاکت، تنزل

دوبار طرح جلد مجله دنیا به آن تخصیص داده شده است. بر روی جلد شماره ٦ مجله دنیا زیر عکس دانشمندان معروف جهان یعنی مادام کوری و دخترش ایره نه کوری با خط درشت به شکل شعار نوشته شده است: "مادام کوری، فکر و استعداد قابل تربیت و نمو زن را بعالم ثابت نمود" اهمیت این مطلب در این نهفته است که اگر در نظر آوریم که جامعه آن روزی ایران در دوره رضاشاه و استبداد سیاه او زنان ایرانی در چه شرایطی به سر می بردند و دارای چه حقوقی بودند؟ اکثریت مطلق زنان ایرانی بی سواد بودند. زنان حق رای نداشتند. سنت ارتجاعی و غیر اخلاقی تعدد زوجات مرسوم بود. مجله با آگاهی به این امر تلاش دارد که زنان را با حقوق انسانی خود آشنا نماید: "در جامعه امروز ما زن در حکم مال وشیئی است"... "[در گذشته که] دختران بسن نه سالگی صیغه میشدند و از یك خانه شوهر به خانه دیگر میرفتند امروز از آن خانه ها به خیابان ها هجوم میآورند."

در ارتباط با موضوع فعالیت مجله دنیا پیرامون حقوق زنان و توجه به آن لازم است که به موارد دیگری که به دکتر ارانی مربوط می شود و درك او را در این باره نشان می دهد، اشاره کرد.

یکی از این موارد موضوع سخن رانی ایران ارانی(۱۳) (خواهر بزرگ دکتر ارانی) در کنگره زنان مسلمان است که سال ۱۳۰۸ در تهران برگزار شد و نمایندگان زن از کشورهای مختلف در آن شرکت کردند. این امر بدون شك با تشویق و مشورت دکتر ارانی صورت گرفته است. ایران ارانی هم چنین طی سال های ۱۳۱۲-۱۳۱٤ برای بانوان درس پسیکولوژی تدریس می کرد و کلاس علمی داشت. در این کلاس زنان ایرانی می توانستند با پشت سر گذاشتن یك دوره معین مدرکی تحت عنوان "دیپلم پسیکولوژی" دریافت کنند.(۱٤)

اصولاً دکتر ارانی برای حقوق زنان اهمیت ویژه ای قائل بود و در این مورد توجه خاصی به تشویق و فراخواندن آنان به مبارزه داشته است. درست در همین ارتباط نیز وی توجه ویژه ای به تحصیلات - حتا تا سطح عالی - و استقلال اقتصادی خواهران خود داشت. برای مثال ما نمونه ای داریم که پس از دستگیری گروه پنجاه و سه نفر، دکتر ارانی سعی داشته است شرایطی را فراهم آورد تا خواهر کوچك او یعنی شوکت ارانی تحصیلات عالیه را به پایان برساند. دکتر ارانی از آن جا که یقین داشته است که حداقل به زندان طولانی مدت محکوم می شود، نامه هایی به برخی افراد پنجاه و سه نفر می نویسد و در کنار تشویق آنان به ادامه مبارزه توصیه هایی نیز به آن ها می کند. ما در

اخلاقی، پناهنده شدن به آبجو، مسکن کردن توده وسیع در خانه های تنگ و تاریك، انحطاط بواسطه بیکاری یا کار در فضاهای مسموم یك فرد آلمانی که بعقیده وی مافوق تمام نژادهاست مثل اینست که مسخ شده از حالت انسان خارج شده باشد. مکتب مادی بشما میگوید خود اختلاف نژاد هم محصول تاثیرات محیط مادی است."

و بالاخره مجله "دنیا" با بهرگیری از اسلوب دیالکتیك چنین نتیجه گیری می کند: "اختلاف درجات تمدن هزاران علت مادی دارد که اختلاف نژاد هم محکوم آنهاست... استعداد افراد و استعداد معدل نژادها نشان میدهد که برای کار اجتماعی و بین المللی اقتصاد بشر در کره زمین اختلاف استعدادهای مزبور فاحش و مهم نیست. کار تولیدی متوسط اجتماعی استعداد متوسط فردی و نژادی لازم دارد و برای انجام مزبور و استفاده از آن تمام افرادو نژادها خاصیت متساوی دارند."

*** درباره حقوق و نقش زنان در اجتماع:**

در این جا باید درباره حقوق زنان و فعالیت در راه حقوق آن ها و نقش پیش گام مجله دنیا و دکتر تقی ارانی در این عرصه صحبت به میان آورد. ضمن بررسی کلی مجله عنوان شد که در دو شماره (شماره های ۶ و ۹) با چاپ مقالات و عکس زنان پیرامون زندگی و فعالیت علمی آنان تلاش شده بود برای اولین بار به این مهم توجه نشان داده شود. از نظر محتوایی نیز دکتر ارانی و دیگر نویسندگان مجله همواره سعی داشته اند مسایل زنان را در مرکز توجه خوانندگان قرار دهند. مثلاً با عنوان کردن این که توانایی های زنان در مقابل مردان ظرفیتی نمی شناسد و نمونه هایی از این دست، جامعه را نسبت به شرایط زندگی دشوار و بی حقوقی زن ایرانی آگاه کند.

در شماره های گوناگون مجله به دو شکل به موضوع زنان و نقش و حقوق آن ها در جامعه اشاره شده است. از یك سو به شکل انتشار مقالات اختصاصی و ویژه زنان مانند: مقالات "زن و ماتریالیسم"، "بشر از نظر مادی" و از سوی دیگر در متن مقالات عمومی و اجتماعی و فلسفی که نویسندگان در اغلب موارد به این مهم نیز گریزی زده و به طرح مسایل و مشکلات زنان می پردازند. مجله دنیا به برابری حقوق بین زن و مرد در اجتماع اعتقاد جدی دارد و در جهت کسب این حقوق برای زنان مبارزه می کند. در این ارتباط تاکید مجله بیشتر بر بینش ماتریالیستی (= کمونیستی)(۱۲) درباره رعایت حقوق زنان و برتری عقاید مادی (= کمونیستی) نسبت به دیگر نظام ها است. منتها نویسندگان مجله به ویژه شخص دکتر ارانی به علت وجود قانون سیاه ۱۳۱۰ که هدفش

تعقیب و سرکوب هرگونه فعالیت کمونیستی (= اشتراکی) بود، نامی از کمونیسم و نظام مورد علاقه خود نمی برند، و تنها به ذکر واژه های کلی و فلسفی بسنده می کنند. مثلاً در مقاله "بشر از نظر مادی" آمده است: "بنابر اصول ماتریالیسم فرقی مابین زن و مرد نیست. اگر زنها در بعضی قسمتها ضعیف هستند در بعضی قسمتهای دیگر در مقابل قویتر از مردان هستند و همانطوریکه در یك جامعه به هریك از افراد مرد کارهای مناسب داده میشود باید برای زنها نیز کارهای مناسبی تهیه و ایجاد کرد و بدین طریق زنها را از قید مردان آزاد ساخته و هستی زن را از گرو معاش درآورد."

در مقاله دیگری می خوانیم: "تا زن استقلال اقتصادی در جامعه پیدا نکند، یعنی جزء افراد تولیدکننده ضروریات زندگی نشود حکم عروسك اجتماعی و بازیچه مرد را خواهد داشت و عملاً دارای حقوق اجتماعی مساوی با مرد نخواهد بود."

"زن فقط وقتی این حقوق را پیدا میکند که چهار دیوار محیط کوچك و محقر خانوادگی را به میدان وسیع اجتماع مبدل سازد، یعنی برعکس، اجتماع وسیع بشر حکم خانواده برای افراد پیدا کند." در مبحث دیگری با به نقد کشیدن نظریات فاشیستی پیرامون "حقوق زنان" در این نوع حکومت ها می نویسد: "زن (علی رغم فاشیسم که ویرا فقط به کلیسا رفتن، زائیدن و پختن محکوم کرده است) نباید فقط یك ماشین تولید بچه و خوراك باشد بلکه باید از محبس فکرکُش مطبخ بیرون بیاید و جزء عوامل موثر پیشرفت اجتماع بشر شود. زن علاوه بر زن بودن باید انسان هم باشد."

در ارتباط با حق انسانی زنان یعنی برابری کامل حقوق زنان با مردان در جامعه، مجله "دنیا" چنین تاکید می کند: "زن باید با مرد دارای حقوق مساوی اجتماعی باشد. غرض این نیست که زن عین مرد باشد بلکه اینست که زن بعنوان متخصص در یك رشته از کارهای اجتماعی دارای تمام حقوق متخصصین دیگر باشد و انتخاب هر نوع تخصص برای وی ممکن گردد." *(بشر از نظر مادی)*

و در آخرین شماره مجله با نوشتن شعاری با خط درشت زنان را به پیکار اجتماعی در عرصه های مختلف فرا می خواند، که می توان آن را چکیده نظرات مجله دنیا و گردانندگان آن درباره زنان به حساب آورد: "مبارزه با فحشاء و فلاکت زنان و حفظ صلح و آزادی شعار عمومی زنان دوستدار بشر در دنیاست." و بدین شکل مجله "دنیا" نقش پیشگام خود را در طرح مسایل و مشکلات زنان ایرانی و پیکار آنان برای کسب حقوق انسانی بازی می کند.

این امر نه تنها در لابلای مطالب بلکه بر روی جلد مجله نیز جلب نظر می کند و حتا

این جا یکی از این نمونه ها را از کتاب "پنجاه و سه نفر" نوشته بزرگ علوی، نقل می کنیم: "دکتر به من گفت "وقتی از کنار من رد می شوی، کاغذی نوشته ام و می خواهم به تو بدهم"... من هنوز هم وقتی به یاد این مراسله می افتم، بدنم می لرزد و سخت متاثر می شوم. دکتر چنین نوشته بود: "شما را تا چند روز دیگر مرخص خواهند کرد ولی من ماندنی هستم و شاید مرا بکشند. مادر من بیمار بستری است و این مصائب را تاب نخواهد آورد. در موقع مرگ در بالین او حاضر باشید و با او صحبت کنید، به طوری که تصور کند که من با او صحبت می کنم. کمك کنید که خواهر من تحصیلات عالی خود را به پایان رساند." *("پنجاه و سه نفر" ص: ۷۳)*

خواهران دکتر ارانی به نام های "ایران"، "کوکب" و "شوکت" از پیش گامان دفاع از حقوق زنان ایران بودند و از همان زمان رضاخان در راه دفاع از حقوق زنان طی سالیان متمادی مبارزه کردند.(۱۵)

مجله "دنیا" هم چنین در مقاله ای ضمن بررسی تاثیر مجله در خوانندگان، به تاثیر انتشار آن در میان بخشی از زنان و استقبال آن ها اشاره داشته و می نویسد: "زنهای جوان باسواد نیز به مجله "دنیا" اظهار علاقه کردند. از نظر ما اینده نیز جزء منورالفکر صالح شمرده می شوند." مجله سپس وعده مقالات مخصوصی را درباره آن ها داده است.

دُنیا

دُنیا

شماره ششم — سال اول — تیرماه ۱۳۱۴

ششماه مجله دنیا و انعکاس آن

*** دست آوردهای علمی و فنی:**

بخش عمده ای از مطالب چاپ شده در مجله "دنیا" را موضوعات علمی، صنعتی و معرفی اختراعات جدید در عرصه های مختلف علوم تشکیل می دهد. که بی شك نشان از اهمیت این موضوعات در نزد منتشرکنندگان مجله دارد. نویسندگان این نوع مقالات کاملاً بدین امر واقف اند که در جامعه عقب مانده ای مانند جامعه ایران در دوره رضاخان، این گونه مباحث برای غلبه بر عقب ماندگی بسیار اهمیت دارد. اصلاً یکی از وجوهات مجله "دنیا" دامن زدن به این گونه بحث های علمی در موضوعات مختلف از شیمی و فیزیك گرفته تا ریاضیات و تکنولوژی است. نکته مهم این جا است که اغلب سر مقاله های مجله "دنیا" را همین موضوعات تشکیل می دهد. و بیشتر این مقالات با نام حقیقی امضاء شده اند. مانند: "دکتر ارانی" یا "ت. ارانی" ما در جای خود عنوان کردیم که یکی از دلایل این امر برجسته کردن این نوع مقالات برای پوشش مطالب دیگر به ویژه مطالب فلسفی و اجتماعی بوده است. با این هدف که هیچ بهانه ای به اداره سانسور و مخالفین قشری مجله ندهد و انتشار آن ادامه یابد.

با این وجود این پوشش علمی به هیچ وجه از اهمیتی که مجله "دنیا" و مدیر آن برای نگارش و چاپ مقالات علمی و فنی قایل هستند، نمی کاهد. زیرا که یکی از اهداف دکتر ارانی گسترش علوم جدید با هدف غلبه بر عقب ماندگی جامعه بوده است.

نویسندگان این دسته مطالب نیز در انتخاب موضوعات به درستی اصل جانبداری را رعایت کرده و کوشش می کنند که از منظر فلسفه ماتریالیستی به علوم و پیشرفت های آن نگاه کنند. در مقاله ای چنین آمده است: "صنعت هر اجتماع متناسب با وضعیت اقتصادی و مادی آنست و بهمین دلیل نمیتوان تصور نمود در جامعه ای که بحالت شبانی زیست نموده و یا تنها وسیله تولید ثروت برای او استفاده بسیار ساده از طبیعت است یکمرتبه مصنوعی شبیه برج ایفل پیدا شود زیرا برج ایفل زاده وضعیات اقتصادی قرن نوزدهم و در اثر انقلاب صنعتی آن قرن تولید شده است و نمونه ای از صنعت دوره سرمایه داری است."

مجله یادآور می شود که: "ما بایستی جدیت کنیم در جوانان قوه استدلال و تحقیق علت و معلول و خلاصه کار کردن از روی متد و اسلوب منطقی را نمو دهیم... تحقیقات وپیشرفت های علمی امروز حالت منظمی بخود گرفته است. مسائل علمی و فنی یکی یك طرح و حل میشوند. برای شرکت در این پیشرفت بایست بوسیله داشت و گرنه بدون کتابخانه، لابراتوار و پول ادعای کشف و اختراع باطل و بیهوده است."

موضوع مهم در زمینه مسائل صنعتی و فنی که مجله "دنیا" و ایضاً دکتر ارانی به آن ها می پردازد، نوجویی و پیش بینی علمی در زمینه های مختلف علوم است. زیرا که برخی از اختراعات و کشفیاتی که مجله به آن ها اشاره می کند، هنوز نتایج علمی خود را ثابت نکرده و در واقع نظریه بودند یا هنوز جنبه آزمایشگاهی داشتند. در این ارتباط میتوان مثلاً به موضوعاتی چون عکس سه بعدی که دکتر ارانی به آن عکس برجسته می گوید، یا دستگاهی به نام "تله ویزیون"، یا دستگاه "عکس گرفتن از راه دور" و هم چنین "دستگاهی که نوشته را می خواند"، که درواقع ماشین حسابگر و به بیانی کامپیوتر امروزین است، اشاره کرد.

مجله پیرامون اهمیت صنعت و فن و ارتباط آن با تغییرات طبقاتی درون جامعه می گوید: "زیاد شدن کارخانجات باعث شد که صنعتگر متوسط از میان رفته به مزدوران کارخانجات مبدل شوند. زیاد شدن نفوس، احتیاج به اطلاعات فوری، قابل استفاده کردن اخبار، کنفرانسها و وسائل تفریح در توده وسیعتر صنعت تلگراف و تلفن بی سیم، فیلم ناطق، عکاسی از دور را ایجاد کرد."

اشاره هایی گذرا پیرامون نکات دیگری که در مجله دنیا آمده و دارای اهمیت هستند:

*** چاپ آگهی های مطبوعاتی، پزشکی و بهداشتی**

از ویژگی های دیگر مجله "دنیا" چاپ آگهی به ویژه آگهی مطبوعاتی است، که توجه به آن ها می تواند ما را با عرصه های دیگر فعالیت دکتر ارانی و مجله "دنیا" آشنا کند. چاپ این نوع آگهی ها از شماره ۲ مجله شروع شده و تا آخرین شماره مجله ادامه دارد. این آگهی ها اغلب در پشت جلد منتشر می شدند، و آن ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی آگهی های پزشکی و بهداشتی و دیگری آگهی های فرهنگی و انتشاراتی است.

در مورد دسته اول، صرف نظر از دو سه مورد تبلیغ و اعلان نشانی مطب مانند: "مطب دکتر احمد امامی" و "دکتر محمد بهرامی" که خود از دوستان و همکاران نزدیك دکتر ارانی بودند، و چند مورد تبلیغ "صابون بهداشتی داروگر"، تعداد آن ها زیاد نیست. از آن جا که در تبلیغ "صابون داروگر" هم هیچ گونه آدرسی برای تهیه آن ذکر نشده، معلوم می شود که این آگهی ها غیر انتفاعی بوده اند و صرفاً جنبه بهداشتی و پزشکی آن ها برای مردم مد نظر بوده است. برای مثال در پشت جلد شماره ۲ مجله تنها

نوشته شده است: "صابون پالمو زیتون داروگر با بهترین روغنهای نباتی، یعنی روغن هسته خرما و روغن زیتون برای صابون توالت..." ولی در اعلان هیچ آدرسی جهت تهیه آن دیده نمی شود.

در این میان بیشترین سهم متعلق به دسته دوم آگهی ها است که پیرامون چاپ کتاب ها و انتشارات تازه اخباری در اختیار خوانندگان می گذارد. مانند خبر انتشار کتاب "فرهنگ جامع فارسی بانگلیسی" تالیف میرزا سلیمان خان حییم (شماره ۱)، "تاریخ حقوق ایران" تالیف دکتر تقی نصر (شماره ۷) و خبر چاپ کتاب "چمدان" آن هم بدون ذکر نام نویسنده اثر که بزرگ علوی بود. در آگهی فقط آمده است: "چمدان منتشر شد" (شماره ۹)

*** انعکاس دیگر فعالیت علمی و انتشاراتی دکتر ارانی در مجله "دنیا"**

ولی نکته مهم در این آگهی ها قبل از همه اخبار مربوط به فعالیت های نویسندگی و انتشار آثار دیگر دکتر تقی ارانی است که تا قبل از نشر مجله دنیا و هم چنین موازی با آن به چاپ رسانیده و توجه به آن ها اهمیت دارد. از همان شماره نخست مجله در این مورد اشاره هایی وجود دارد. در پشت جلد شماره اول زیر عنوان "پسیکولوژی دکتر ارانی" به شکل آگهی، چنین آمده است: "پسیکولوژی دکتر ارانی یکدوره اصول علم روح است که برای محصلین این علم تالیف شده است. مطالعه آن برای اشخاصیکه مقدمات علمی کافی دارند توصیه میشود." {مسئول: دکتر ارانی}

در شماره دوم مجله اعلان "سلسله علوم دقیقه" چاپ شده و مربوط می شود به کتاب هایی که دکتر ارانی تا این زمان در زمینه علوم دقیقه [= تجربی] در مطبعه سیروس به چاپ رسانده بود: "سلسله علوم دقیقه شامل پنج کتاب و هر کتاب مرکب از چند جلد است: کتاب I فیزیك، II شیمی، III بیولوژی، IV پسیکولوژی وV اصول مادی و منطقی علم." این دسته از کتاب ها در واقع جزوه های درسی بودند که برای استفاده در دبیرستان ها نوشته شده و از اولین کتاب های آموزشی در این زمینه ها به شمار می روند.

هم چنین اعلان خبر طبع کتاب "شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس" تالیف خیام در چاپ خانه مجلس که چند سال پیش از این توسط دکتر تقی ارانی در برلن استنساخ شده بود و در مسافرت دوباره او در سال ۱۳۱۳ به اروپا آن را از برلن با خود به ایران آورد و به چاپ رساند. متن این آگهی که در پشت جلد شماره ۷ (شهریور

۱۳۱۳) به چاپ رسیده حاوی اطلاعات مهمی است: "این کتاب از مهمترین تالیفات حکیم عمر خیام است. امروز که هندسه اقلیدس در معرض انتقاد اساسی قرار گرفته است، کتاب مزبور اهمیت مخصوص دارد. تنها نسخه خطی کامل این رساله که در کتابخانه لیدن در هلاند محفوظ است مستقیماً از روی خط حکیم عمرخیام نوشته شده است. رساله مزبور بسال ۱۹۲۵ [برابر با ۱۳۰٤/٥ شمسی] موقعیکه دکتر روزن و دکتر ارانی به تهیه شرح حال حکیم مشغول بودند بدستور دکتر روزن به کتابخانه دولتی پروس از طرف لیدن امانت داده شد. دکتر ارانی کتاب مزبور را در آن سال استنساخ کرده در مسافرت اخیر بایران آورد.

اکنون پس از کسب اجازه از کتابخانه لیدن رساله در طهران در مطبعه مجلس تحت طبع است. در رفع اشکالات متن میرزا طاهر تنکابنی [فیلسوف معروف دوره قاجار] کمك کرده اند و زحمت طبع را شهیدزاده عهده دار است.

در کتابخانه مدرسه سپهسالار چند نسخه از رساله که تالیف خواجه نصیرالدین و انتقاد از رساله خیام است موجود میباشد. در این رساله چند صفحه از اول مقاله اول رساله خیام نقل شده است که بعضی به اشتباه آن چند صفحه را رساله کامل تصور کرده اند.

نظر باهمیت انتقادی که خواجه نصیر از رساله مزبور کرده است آن انتقاد نیز با رساله خیام یکجا چاپ میشود.

قیمت کتاب تا اول دی قبل از انتشار یك تومان و بعد از انتشار دو تومان خواهد بود." {مسئول: دکتر ارانی}

بنابر این، متن بالا خبر از این دارد که دکتر ارانی مدتی پیش از این مجدداً به اروپا مسافرتی داشته است. همین شماره مجله (۷) که این آگهی را چاپ کرده است با یك ماه تاخیر منتشر گردید، که می تواند یکی از دلایل آن مسافرت دکتر ارانی به اروپا بوده باشد. هر چند که کتاب مذبور چنان که وعده داده شده بود، در دی ماه ۱۳۱۳ از چاپ خارج نشد، زیرا در آخرین شماره مجله دنیا که به تاریخ خرداد ۱۳۱٤ نشر یافت، آمده است: ""شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس" تالیف خیام - چاپ ارانی تحت طبع است." در نهایت این کتاب در تابستان ۱۳۱٤ از چاپ خارج شد.

علاوه بر این ها، مجله در شماره های مختلف اشاره هایی به دیگر آثار منتشر شده توسط دکتر ارانی دارد و چند بار در پایین برخی از آگهی های چاپ کتاب، او را ناشر سلسله علوم دقیقه معرفی می کند، از جمله در شماره ۹ که آمده است: "کتب دیگر که

ناشر سلسله در آنها شرکت داشته بدایع سعدی، رباعیات خیام،(۱۶) وجه دین، خواص احیا کننده جوهر هیپوفسفری..." و غیره است.

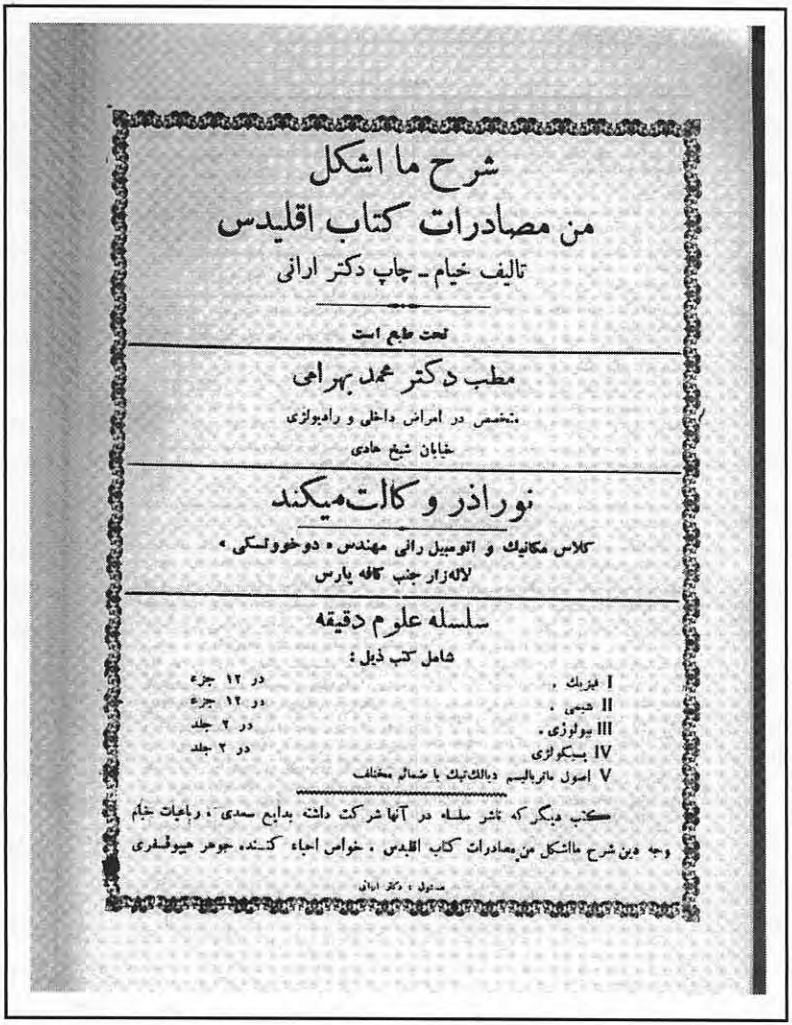

شرح ما اشکل
من مصادرات کتاب اقلیدس
تالیف خیام ـ چاپ دکتر ارانی

تحت طبع است

مطب دکتر محمد بهرامی
متخصص در امراض داخلی و رادیولوژی
خیابان شیخ هادی

نوراذر وکالت میکند
کلاس مکانیك و اتومبیل رانی مهندس « دوخووتسکی »
لاله‌زار جنب کافه پارس

سلسله علوم دقیقه
شامل کتب ذیل :

I فیزیك .	در ۱۲ جزء
II شیمی .	در ۱۲ جزء
III بیولوژی .	در ۲ جلد
IV بیکولوژی	در ۲ جلد
V اصول ماتریالیسم دیالکتیك با مثالهای مختلف	

کتب دیگر که ناشر سلسله در آنها شرکت داشته بدایع سعدی ، رباعیات خیام وجه دین شرح ماشکل من مصادرات کتاب اقلیدس ، خواص احیاء کننده جوهر هیپوفسفری

مدیر مسئول : دکتر ارانی

آگهی های پشت جلد مجله "دنیا" شماره خرداد ۱۳۱٤
که درآن به برخی از آثار دیگر دکتر ارانی اشاره شده است.

*** جمله ها و احکام فلسفی و اجتماعی (جملات قصار)**

درتمام شماره های مجله "دنیا" از همان آغاز جملات کوتاه و پر مضمونی که حاوی نکات فلسفی و اجتماعی است، با خط درشت، در فواصل مقالات و پایین صفحات به چشم می خورد. این جملات کوتاه در واقع حکم تلنگر ذهنی را برای خوانندگان داشته است. مجله دنیا در اهمیت این نوع جملات و احکام می نویسد: "احکامی را که در مجله دنیا بخط درشت نوشته شده است، بدقت بخوانید و حفظ کنید تا فهم و منطق قوی پیدا کنید." کثرت این نوع اشاره ها و جملات به ویژه در شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲ (در یك جلد) قابل توجه است. برخی از این حکم ها که به روشنی تمام، سمت و سوی ترقی خواهانه مجله دنیا و بینش سیاسی- اجتماعی مدیر آن یعنی دکتر ارانی را نشان می دهد، چنین اند: "تاریخ بشر، باستثنای دوره اول اجتماع، تاریخ نزاعهای طبقاتی است." / "انسان حیوان فلسفی و اجتماعی است، هر فرد هرقدر زندگانی فردی خود را با زندگانی اجتماعی خویش بیشتر ارتباط دهد کاملتر است. بعقائد کلی بیعلاقه بودن تنزل بدرجه حیوانی است."/ "قانون نفوذ ضدین یا اصل اول دیالك تیك: هر شیئی در طبیعت با هم بی نهایت متعادل و بی نهایت متضاد میباشد!" / "جامعه بشر نیز جزئی از طبیعت مادی و تابع قوانین علت و معلولی آنست" / "صلح و آزادی" پارول مشترك تمام جوانان ترقی خواه دنیاست!" / "فاشیسم آخرین اسلحه حفظ منافع طبقاتی است!" / "خوشبخت و یکسان کردن تمام افراد بشر باید رهبر رفتار عمومی گردد." / "نزاع طبقاتی اختراع مکتب مادی نیست بلکه واقعاً وجود دارد و مکتب مادی آنرا کشف کرده است."

یا آن جاکه مجله درباره تفاوت مذهب و علم مینویسد: "اختلاف مذهب و علم در اینست که پایه اولی بر عقیده و ایمان و اساس دومی بر تجربه و تعقل است، این دو مفهوم یکی نیستند اگر بودند مقابل هم گذاشته نمیشدند و دو لغت نداشتند، مخلوط کردن آندو و مغلطه کردن و عدم توجه به اختلاف دقیق بین آندو است. یکعده سفسطه گو برای نفع خود میخواهند این دو مفهوم را با هم مخلوط کنند."

"بغض و نفرت نسبت به یك ملت منحصر بافکار محدود و اشخاص کوته نظر است. حقیقت مسلم این است که خواص هر ملت نیز مانند خواص هر فرد تابع شرائط زندگانی آن ملت یا فرد است. اگر ملت شخصی که برای خود افتخارات ملی قائل است و ملت دیگر را تحقیر میکند در تحت شرایط ملت تحقیر شده درآید خواص همین ملت را پیدا میکند."

و ادامه می دهد: "علت مادی پیدا شدن این نفرتها تضاد منافع مادی است. وسیله بر

طرف کردن این تضاد تشکیلات صحیح جامعه است نه بغض و حسد و کینه و خون ریزی. این قضایا اگر هم در مادیات قومی موثر باشند موقتی است، بشر را نمیتوان با خونریزی دائمی رهبری کرد."

هم چنین در باره رابطه زیربنا و روبنای جامعه، مجله با خط درشت می نویسد: "تمام خصوصیات جامعه بشر منوط به وضع مادی آن، طرز تولید و تقسیم اقتصادی است. بنابر این ما دستگاه تولید و تقسیم را "پایه" و خصوصیات دیگر جامعه مانند علم، مذهب، سیاست، هنر و غیره را "ساختمان فوقانی" مینامیم. ساختمان فوقانی اجتماع تابع پایه آنست."

مجله "دنیا" هم چنین در رابطه با ملل مختلف دیدی انترناسیونالیستی دارد و یادآوری می کند: "تمدن بشر باید از حیث شکل ملی ولی حقیقة عمومی و بین المللی باشد. فقط با این طرز ممکن است تمدن ملل متمدن تر برای تمام بشر نافع شده در عین حال حق اقلیت و ضعیف محفوظ باشد."

از این گونه جملات و احکام فلسفی که گاه برای جلب توجه بیشتر خوانندگان با خط درشت نیز نوشته شده است، در تمام شماره های مجله به چشم می خورد. دکتر ارانی خود گاه به گاه توصیه می کند که: جملاتی را که با خط درشت نوشته شده است بخوانید و به آن ها عمل کنید.

*** "دنیا" مجله ای پیشرو، ترقی خواه و صلح دوست**

از مهم ترین ویژگی های دیگر مجله "دنیا" می توان بر ترقی خواهی و پیشرو بودن آن انگشت گذاشت. از همان نخستین شماره، مجله در معرفی یا سخن آغازین با عنوان "دنیا" شیپور مبارزه با عقب ماندگی، جهل و بی سوادی و هر آن چه که محافظه کارانه و ارتجاعی است، نواخته می شود. با نگاهی به این سخن آغازین می توان به روشنی دریافت که دکتر ارانی در بنیادگذاردن این مجله در آن دوران چه اهدافی را دنبال می کرده و هم چنین می توان به روحیه مبارزه جویانه و درک علمی او از تحولات اجتماعی پی برد. این مقدمه که از نگارش آن هفتاد سال می گذرد، گویی هنوز هم در جامعه ما مخاطب دارد و می توان برای امروز نیز از آن درس ها گرفت. هنوز هم برخی از معضلات جامعه ما بدان گونه است که دکتر تقی ارانی برای غلبه و پیکار با آن ها دست به انتشار "دنیا" زد. در این جا بخش هایی از آن را نقل می کنیم:

"دنیا" در مسائل علمی، صنعتی، اجتماعی و هنری (صنایع ظریفه) از نظر اصول

مادی بحث مینماید و این اصل رول تاریخی آنرا واضح میکند. دنیا و ایران نیز که جزئی از آنست دائماً در تغییر و از حیث تمدن رو بتکامل میباشد. در این سیر ترقی ایران هم بدنبال اروپا (و امریکا) میرود. و این خود اجبار تاریخی است. باید هم اینطور باشد، و همینطور هم هست. هر قدر یك مشت افیونی یا کهنه پرست و مرده پرست فریاد کنند ما این تمدن اروپائی را نمیخواهیم، ما طرفدار سیر قهقرائی هستیم، تمدن قدیم هند و ایران مافوق تمدن ها بود، برای ما صدای بلبل و بوی گل و آب رکناباد و گلستان سعدی، خط نستعلیق، شفای بوعلی سینا و مسافرت با کاروان و غیره و غیره مافوق درجات تمدن است بازهم کنسرت های امثال "بتوون"، عطر کارخانه "کوتی"، گُلخانه های علمی، کتبی مانند "رمارك"، خط لاتین و ماشین تحریر، علوم و نظریات جدید مانند فرضیه نسبی، اسلوب دیالك تیك، و بالاخره اتومبیل، رادیو، آئروپلان و غیره و غیره وارد این سرزمین شده تمام مقدسات آنها را به پشت پنجره های موزه ها خواهد راند.

اما تمدن اروپائی خود دوچار بحران و تضادهاست. اصول مادی در اروپا میخواهد بعلوم و صنایع و اجتماعات و هنرها یك "هارمونی" و هم آهنگی بدهد. طبیعی است که این فکر نیز مانند سایر آثار تمدن اروپائی بایران نفوذ خواهد کرد...

ولو اینکه ما بخواهیم یا نخواهیم از یکطرف دیده میشود که یکدسته میخواهند موسیقی و تاتر را در ایران اصلاح یا معمول کنند. میگویند موسیقی ما خسته کننده است. دسته دیگر میگویند این خط و زبان برای سریع نوشتن و آموختن یا تالیف کتب علمی کافی نیست و ایرانی بایستی از اروپائی تقلید کند. از طرف دیگر یکدسته میگویند بایستی آئین های قدیمی را زنده کرد، یکی دیگر از آنها فریاد میکند بایستی فارسی فعلی استادان را با دست و دندان محکم گرفت، یکی دیگر ادعا دارد آخر، علم با ملاصدرا تمام میشود - هیچکس حق ندارد از آن یك قدم جلوتر رود و هرکس رفت جاهل و یا کافر است. تمام دستجات نوع اول طرفدار پیشرفت و اصول مادی (ولو نادانسته) و دستجات نوع دوم بقیة السیف طرفداران کهنه و موهومات پرستی میباشند که می خواهند به آب عرفان و شعر عقائد "ایده آلیسم" پوسیده را از اضمحلال قطعی محافظت کنند. اغلب دیده میشود که جوانان ما نه با بیانات قدما و نه با یاوه گوئی های یکدسته متجدد نما میتوانند عطش کنجکاوی خود را تسکین دهند، بنابر این حیران و سرگردان میمانند. رول تاریخی مجله "دنیا" راهنمائی این جوانان براه حقیقی تکامل است. چه اصول مادی قطعاً خواهد توانست این آتش و بحران فکری آنها را خاموش کند.

پس واضح میشود که در مجله "دنیا" مقالات طویل و عریض راجع به فتح جوشقان،

معاشقه یوسف و زلیخا، تحقیقات تازه در اطراف خانه ابوالمظفر عبدالجبار، ناله های لامارتین، ترهات گوستاو لوبن و گدابازیهای شعرای بی ذوق و متملق و غیره بهیچوجه دیده نخواهد شد. صفحات "دنیا" میدان جنگهای قلمی دستجات حیدری نعمتی که با هم خورده حسابهائی دارند نیست.

بالاخره مجله "دنیا" برای یك مشت بیکاره که دو غزل از حافظ حفظ کرده آنرا باسم معلومات گنجینه نادانی خود کرده اند نیست. هرکس بپرسد مجله "دنیا" اگر این مطالب را ندارد پس چه دارد؟ ما با او کاری نداریم. ما مجله "دنیا" را برای دیگران یعنی برای آنهائی که میدانند تمدن بشر امروز مافوق این فلاکتهاست مینویسیم، "دنیا" دارای یك رشته مقالات منظم علمی، صنعتی، اجتماعی و اقتصادی و هنری (رشته های صنایع ظریفه) خواهد بود و جدیت خواهد کرد فکر خواننده خود را با درجه تمدن امروزی بشر آشنا کرده بدو جریان و تکامل این تمدن را نشان دهد.

"دنیا" در زبان، طرز نگارش و املاء مقید بهیچ قید محافظه کاری نیست، بموقع خود لغات فرنگی و عربی را استعمال کرده در عین حال از اصول فرنگی مابی و عربی مابی پرهیز نموده حتی الامکان طریقه ساده و عادی را در نوشتن رعایت خواهد کرد، زیرا میخواهد طوری ساده بنویسد که حتی المقدور توده وسیعتری بتوانند از آن استفاده کنند."

این بود فشرده ای از نقطه نظرات دکتر تقی ارانی درباره جامعه و کارکردهای آن.

پژواک مجله "دنیا" در جامعه آن روز ایران:

مجله "دنیا" از همان نخستین شماره و توزیع آن در تهران سر و صدای زیادی ایجاد کرد، که در واقع یك حادثه مطبوعاتی محسوب می شد. از آن رو که از نظر سبك و محتوا با سایر مطبوعات آن زمان مغایرت داشت مورد توجه خاصی قرار گرفت و تا چاپ آخرین شماره آن در سال ۱۳۱٤ در زیر ذره بین افکار عمومی قرار داشت. مجله "دنیا" واکنش های متفاوتی را موجب گردید. از یك سو مورد استقبال روشنفکران و جوانان بسیاری قرار گرفت و چون فانوسی در شب تاریك جهل و عقب ماندگی، رفته رفته تعداد قابل توجهی از آن ها را به گرد خود جمع کرد و در میان این قشر کاملاً اثر بخش و امید آفرین بود. از سوی دیگر مورد مخالفت جدی نیروهای ارتجاعی یا به اصطلاح دکتر ارانی "کهنه پرست" و نیروهای "شونیست" قرار گرفت. این ها حتا جوسازی هایی نیز علیه مجله کرده و سعی نمودند با تمسخر و حمله به آن تا سرحد

دشمنی شخصی، از اثرگذاری مجله در بین علاقه مندان بکاهند. برای هر یك از موارد اشاره شده می توان دلایلی ذکر کرد، تا از منظر امروز به تاثیر مهمی که "دنیا" در جامعه آن روز ایران بر جای نهاد، به قضاوت نشست.

قبل از هرچیز باید عنوان کرد که تیراژ مجله "دنیا" هزار نسخه بود* خود دکتر ارانی طی مقاله ای در مجله "دنیا" در همان زمان (سال ۱۳۱۲) جمعیت ایران را "حدود ۱۰ میلیون نفر" تخمین زده بود. در این میان تعداد باسوادان رقم کاملاً ناچیزی را تشکیل می داد. بنابر این تیراژ هزار نسخه برای یك مجله فلسفی و علمی در شرایط آن روز جامعه ایران رقم بسیار بالایی است.** با این حال دایره خوانندگان آن فراتر از تیراژ مجله بود. باید عنوان کرد که مجله مجاناً برای کتابخانه ها و قرائت خانه های عمومی فرستاده می شد، در میان دانش آموزان دوره متوسطه دست به دست می گشت و علاوه بر تهران در شهرهای دیگری مانند اصفهان و شیراز مشترکینی داشت. هم چنین چند نسخه از مجله نیز برای دانشجویان و ایرانیان مقیم اروپا از جمله محمد علی جمالزاده در سویس فرستاده می شد.

با این یادآوری به بحث خود مبنی بر نظر موافقین و مخالفین مجله "دنیا" برمی گردیم. از واکنش مخالفین نسبت به انتشار مجله "دنیا" و محتوای برخی از مقالات آن شروع می کنیم. از آن جا که زبان استدلالی و علمی مجله و گردانندگان آن قوی است، مخالفان آن به خصوص قشریون و کهنه پرست ها توان مقابله کردن با نظرات آن را ندارند، در نتیجه متوسل به تحریك علیه مجله "دنیا" و نویسندگان آن می شوند. و گاه حتا خواهان قطع انتشار آن شده و از خوانندگان می خواهند تا حق اشتراك مجله را نپردازند تا بدین وسیله مانع ادامه کاری آن شوند. دکتر ارانی در مقاله ای با عنوان "ششماه مجله دنیا و انعکاس آن" ضمن بررسی فعالیت شش شماره مجله و نقش آن در میان مطبوعات، به برخی از این موارد نیز اشاره می کند، که نقل بخش هایی از آن در این جا بی مناسبت نیست: "[...] در عین حال بد نیست بطرز تفکر و نوع استدلال این دسته آشنا شویم. یکی از این ها درباره ما گفته است: "الدنیا جیفة و طالبوها..." یعنی یکی از سلاحهای این طبقه فحش دادن بزبان عربی است. دیگری گفته است وقتیکه من

* این رقم را دکتر تقی ارانی در تقاضانامه خود برای کسب امتیاز مجله "دنیا" نوشته است. نگاه کنید به کلیشه تعهدنامه که در همین ویژه نامه به چاپ رسیده است.

** هم اکنون در سال ۱۳۸۲ که شمارگان جمعیت کشور نزدیك به ۷۰ میلیون برآورد می شود، تیراژ اغلب مجلات و کتاب هایی که منتشر می شوند بین ۲ تا ۳ هزار نسخه است.

اسم نویسنده فلان مقاله را خواندم متوجه شدم اگر از آن حرفی حذف شود مبدل باسم حیوانی میگردد ،* یادم آمد اگر از کلمه سیم ** حرف یاء حذف شود مبدل به سم میگردد فهمیدم نویسنده شرور و بیاناتش مضر است. چنانکه واضح است "نومی نالیسم" و بازی کردن با کلمات نیز یکی از اسلوبهای استدلال این قوم است. و یکی از استادان آنها ناصر خسرو در کتاب وجه دین از این استدلالات زیاد دارد مثلاً می گوید علت ۷ بودن عده امامها (بعقیده ناصر خسرو که اسمعیلی است ۷ امام موجود است) همان ۷ عدد بودن تعداد منافذ بدن است. یکعده دیگر از این دسته جدیت دارند وسائل مادی حیات مجله دنیا را قطع کنند. چنانکه این طریقه نیز پس از طریقه های منطقی قیاس، استقراء و تمثیل نوع چهام استدلال یعنی متوسل شدن به زور و چماق است. واضح است هیچیك از این وسائل مانع پیشرفت اجتماع بشر و نفوذ افکار مادی نخواهد شد." *(مجله "دنیا" شماره ٦)*

دکتر ارانی مدیر مجله و نویسنده این مطلب ارزیابی خود را از مخالفین که وی آن ها را طبقات حاکمه در جامعه معرفی می کند، این گونه به دست می دهد و راه های مقابله با آنان را نیز به این شکل بیان می کند: "علل [مخالفت این دسته]... موقعیت اجتماعی آن است. متعصب و قدیم پرستی یعنی علاقه بایستادن، ثبات و اثبات حقانیت دائمی برای خود و هر خوشبخت که میترسد روزکار این نعمت اتفاقی را از چنگال وی در رباید دارای این افکار می شود. آخوند از آن جهت عقیده دارد علم پیشرفت نمی کند و تمام اکتشافات امروز را از قدیم می دانستند، که اعتقاد بعلوم جدید حکما علم الفاظ قرون وسطی یعنی عاید معاش ویرا نابود خواهد کرد. همینطور هر کس که پیشرفت علم و اجتماع سرمایه نامشروع ویرا درهم خواهد شکست، قطعاً مخالف تغییر و پیشرفت و معتقد به ایستادن و در موارد بیچارگی طرفدار عقب رفتن است. هزاران زنجیر اجتماعی دور فکر و مغز افراد این دسته پیچیده است. پرستیدن بدون استدلال اعم از اینکه پرستیدن بت، روح یا نژاد و یا غیر آن باشد مشخص این طبقه است. عجالة قدرت مادی ایندسته زیاد است بعضی اوقات آثار عملیات اجتماعی نیز در این دسته دیده میشود. یکعده از اینها نیز در این دسته میشود. یکعده از اینها هر هفته یا ماه دور هم جمع میشوند. اما چه میکنند و چه میگویند؟ بر گذشته تاسف میخورند، خود را مفتخر به

* منظور نام ابوالقاسم اشتری، نویسنده برخی مطالب صنعتی مجله "دنیا" است.

** منظور دستگاه بی سیم است که در مجله راجع به عملکرد آن توضیح داده شده بود.

سوابق و شئون موهومی قدیم اعلام میکنند. شخصی که اصلاً ترك، یهودی یا عرب و یا بواسطه طوفانهای تاریخ مخلوطی از هزار نژاد است افتخارات نژاد آریائی را بعنوان اینکه از آن خویش است شمرده بدان مباهات میکند.

مجامع اینها را عموماً باید مجلس تذکر نامید. مجامع مزبور که از مرحله اقدام و عمل بکلی دور میباشند برای جوانان این جامعه کاملاً مضرند. یکی از وظایف مجله "دنیا" متوجه کردن جوانان به احتراز از دچار شدن بدینگونه دامهاست. جوانان ما باید بدانند یك ژنی هر قدر هم زبردست باشد محصول و بچه یك محیط است. شاید بتواند تغییرات چند صد سال آینده را پیش بینی کند ولی اگر جامعه مثلاً هزار سال با تعلیمات یك ژنی زندگانی کرد معلوم می شود هزار سال درجا ایستاده و از پیشرفتهای هزار سال بشر بی بهره است و افرادش بدرجه تمدن هزار سال قبل تنزل نموده اند.

البته واضح است مجله "دنیا" با آن منطق قوی و فکر نافذش مانند برق بر فرق ایندسته میزند. این افکار محدود نمی توانند تحمل کنند که به آن بت های مقدس این طور صریح حمله شود، بگویند تو اشرف مخلوقات نیستی، روح تو از خواص ماده است، اجتماع ترا اشخاصی که می پرستی ایجاد نکرده اند و جریان تاریخ مولد آنست. فلان کتاب که هزار سال پیش نوشته شده است برای تو میتواند حکم یك اثر تاریخی را داشته باشد ولی هادی فکر بشر امروز نمی تواند بشود. این دسته، مطابق آنچه که ما بطور دقیق پیش بینی کرده بودیم با فکر ما مخالفت شدید کردند. ولی این درخت کهن سال دیگر پوسیده و اجزاء آن از هم گسسته است. یعنی یك "ایده لوژی" و طرز تفکر صحیحی که ایندسته را با یك زنجیر اخلاقی مربوطه کند وجود ندارد. به همین جهت ما برای اقناع یا جلب توجه این دسته به خود زحمت نمی دهیم. این چوب کرم خورده خود خواهد پوسید و ما با دیگران کار داریم." *(مجله "دنیا" شماره ۶)*

و اما درباره استقبال شایانی که از انتشار مجله "دنیا" صورت می گیرد:

پیرامون اثر مثبتی که مجله به ویژه در میان اقشار جوان و تحصیل کرده بر جای می گذارد نیز می توان نمونه هایی ذکر کرد. این استقبال و ابراز خوش وقتی تا آن جا است که تعدادی به دفتر مجله "دنیا" نامه می نویسند و نظرات خود را به همراه تبریك به خاطر وجود چنین مجله ای به منتشرکنندگان آن اعلام می کنند. در مجله طی مقاله ای که دکتر ارانی آن را نوشته است ضمن بررسی اثرات مجله در میان اقشار مختلف به تعدادی از این نامه ها اشاره می کند: " یکی از اینها مراسله خود را اینطور شروع میکند: "انسان حیوان فلسفی و اجتماعی است یعنی فکر میکند و در مهد اجتماع زندگی مینماید. هر

فرد هر قدر زندگانی شخصی خود را با عقائد کلی خویش بیشتر ارتباط دهد کاملتر است. بعقائد کلی بیعلاقه بودن تنزل بحد حیوانی است..." کمتر فکری بدین قوت در مطبوعات فارسی دیده ام. این ابلاغ که شما آنرا با خط درشت چاپ میکنید روح مرا تکان داد و قطع دارم در صدها جوان دیگر همین اثر را داشته است." یکی دیگر در مراسله خود چنین مینویسد: "برای ایران مطبوعاتی که نظریاتشان با نظر مجله شما نزدیك باشد بسیار لازم است. ما از بسکه در مجلات مقاله حاشیه دار راجع به زوایای تاریخی و شعرای گمنام خواندیم خسته شدیم و از بسکه در روزنامه ها و کتاب ها حتی تاترها لغات مبتذل اخلاق و عاطفه انسانیت و بشریت و احساسات و امثال آنرا مثل دانه تسبیح ودنبال هم دیدیم یا شنیدیم دل از حلقمان بالا آمد.

انتشار دنیا مثل آنست که در میان هوای محبوس شب مانده و بو گرفته یك نسیم آزاد و خنك و مهیج وزیدن گرفته گلوی خشك انسان را تازه کند. تا نظایر این مجله زیاد نشود آن قسم نوشته هائی که دو سه سطر پیش بآن اشاره کردم از میان نخواهد رفت..."

باز یکی دیگر مینویسد: "در سرمقاله جمله اول را چندین بار خواندم چون حس میکردم مرا به خود جلب کرده است..." (ششماه مجله "دنیا"و انعکاس آن)

در این ارتباط نتیجه گیری که مدیر مجله از این استقبال می کند، جالب است، و آن را یکی از دلایل پشت گرمی و ادامه کاری مجله می داند. زیرا بر این باور است که وجود مجله "دنیا" یك ضرورت است و خلاء مطبوعاتی را برای برخی اقشار جامعه که تشنه دانستن هستند، پر می کند: "منورالفکرها از نظر مجله "دنیا" دسته مهمی را تشکیل می دهند. اینها اشخاصی هستند که هنوز فاسد نشده اند و برحسب موقعیت اجتماعی خود دارای پیشرفت و نزاع می باشند. مجله "دنیا" با این طبقه و این طبقه با مجله "دنیا" زیاد کار دارند.

تاثیر مجله "دنیا" در این دسته خیلی قوی بود. این طبقه انتشار مجله "دنیا" را یکی از عوامل پیشرفت فکر خود تلقی و آنرا بانهایت هیجان استقبال کردند. یکعده نیز از این طبقه در مسائل قابل بحث بر علیه ما در مطبوعات یومیه اظهارنظر کردند. این مخالفت عموماً عاری از فحش و دارای استدلال بود و از این جهت ما بدان انتشارات ارزش می دهیم و قطع داریم که مطالعه دقیق و مرتب دوره یکساله مجله "دنیا" اشکالات این عده را برطرف خواهد کرد.

زنهای جوان باسواد نیز به مجله "دنیا" اظهار علاقه کردند. از نظر ما ایندسته نیز

جزء منورالفکر صالح شمرده می شوند. ما رول این طبقه مهم را در مقالات مخصوصی تشریح خواهیم کرد."

این بود برخی از تاثیرات و واکنش هایی که مجله "دنیا" در زمان انتشار خود بین موافقین و مخالفین بوجود آورد.

درست به همین خاطر است که احسان طبری سال ها بعد، ضمن ارزیابی از کارنامه زندگی و فعالیت های سیاسی، اجتماعی و علمی دکتر ارانی با اشاره به کار سترگ او در بنیاد نهادن مجله "دنیا" نوشت: "مجله "دنیا" در محیط آن روز خاورمیانه بی نظیر بود و انتشار آن در جو عبوس و خشك و پلیسی رضاشاهی مانند تُندری غرید و یك عمل انقلابی بتمام معنی قهرمانانه بود."

***

توضیحات این بخش:

۱- اکبر افشار قتولی (معروف به اکبرآقا فرم بند) متولد ۱۲۸۸ کارگر چاپخانه سیروس بود. دکتر ارانی پس از بازگشت به ایران طی سال های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۲ پیش از انتشار مجله دنیا، کتاب ها و جزوه های درسی چندی را در تهران در چاپخانه سیروس منتشر کرد. این امر باعث آشنایی و همکاری او با تعدادی از کارگران چاپخانه از جمله اکبر افشار قتولی شد، که تا زمان دستگیری "گروه ۵۳ نفر" نیز ادامه داشت. افشار قتولی در جریان محاکمه گروه به پنج سال زندان محکوم گردید. در ادعانامه مدعی العموم درباره متهم ردیف ۱۲ چنین آمده است: "اکبر افشار قتولی، فرزند حسین، ۲۹ ساله، شغل حروفچین مطبعه و مستخدم اداره صناعت، اهل و مقیم تهران که در توقیف احتیاطی می باشد. متهم است که پس از قرار گرفتن در تحت تاثیر دکتر ارانی، به مرام اشتراکی تبلیغ و در تبلیغ سایر اشخاص اقدام و نیز جعل اکاذیب نموده." *(روزنامه اطلاعات، ۱۲ آبان ۱۳۱۷)*

منظور ادعانامه از "جعل اکاذیب" اشاره به پیدا شدن یك نسخه از "بیانیه اول ماه مه ۱۳۱۵" نوشته دکتر ارانی در محل کار این کارگر چاپخانه می باشد. و بالاخره رای صادره در دادگاه جنایی در ارتباط با اکبر افشار قتولی چنین اعلام شد: "اکبر افشار قتولی برای عضویت در فرقه اشتراکی ایران طبق ماده یك قانون مصوب خرداد ۱۳۱۰ و رعایت ماده دو ملحقه به اصول محاکمات جزائی و رعایت ماده مکرر قانون مجازات عمومی، از حیث اینکه عامی است و دارای عائله می باشد، محکوم به پنج سال حبس مجرد و برای تبلیغ دیگران به مرام اشتراکی در ایران طبق ماده پنج قانون مزبور و ماده دو ملحقه محکوم به سه سال حبس تادیبی، و برای نشر

اکاذیب باستناد ماده ۲٦۹ مکرر قانون مجازات عمومی در نظر دادگاه ثابت نیست و مجازات اشدّ درباره او اجرا می شود." *(روزنامه اطلاعات، ۲٦ آبان ۱۳۱۷)*

۲- مجله دنیا هر شماره قبل از انتشار توسط اداره سانسور شهربانی زمان رضاخان که در آن زمان "راهنمای نامه نگاری" خوانده می شد، مورد کنترل قرار می گرفت و سانور می شد. مسئولین این اداره عبارت بودند از علی دشتی، عبدالرحمن فرامرزی، شمیم و ابوالقاسم پاینده. علی دشتی در سال ۱۹۲۷ که نماینده مجلس بود، مسافرتی به برلن کرد که در آن جا با دکتر ارانی آشنا شده و از نظر ترجمه و راهنمایی مورد مساعدت وی قرار گرفته بود. در این زمینه عکسی نیز وجود دارد که آن را در این ویژه نامه می توان دید.

۳- انور خامه ای مدعی است که این امضاء متعلق به او است، که ادعای درستی نیست. زیرا در متن مقاله، ارجاعاتی به سایر کتب و متون از جمله: "شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس" که هنوز به چاپ نرسیده بود، شده است. و این نشان می دهد که نویسنده مقاله کس دیگری جز دکتر ارانی نیست. علاوه بر این وعده چاپ این مطلب، یعنی "تاریخ علوم" از همان شماره های نخست مجله داده شده بود. بنابر این نمیتواند این مقاله، نوشته انور خامه ای باشد.

٤- در ارتباط با نام "ا. جمشید" که نام مستعار چه کسی است اختلاف نظر وجود دارد. برخی ها این نام را از آن ایرج اسکندری می دانند. در حالی که از محتوای مقالات شماره های مختلف مجله "دنیا" چنین بر می آید که این امضاء نیز متعلق به دکتر ارانی است. برای مثال مقاله دنباله دار "ماتریالیسم دیالك تیك" که در سه شماره مجله به چاپ رسیده است، دو بار با نام "احمد قاضی" (امضاء دکتر ارانی در زیر مقالات فلسفی) و یك بار هم با "ا. جمشید" امضاء شده است. درحالی که می دانیم جزوه "ماتریالیسم دیالك تیك" توسط دکتر ارانی نگارش یافته است. هم چنین در دهه بیست، در شرایط آزادی های نسبی تمام مطالبی که به امضاء ا. جمشید" در مجله "دنیا" چاپ شده بود، بارها توسط خانواده دکتر ارانی یا از جانب حزب توده ایران با نام حقیقی دکتر ارانی تجدید چاپ شدند.

۵- ابوالقاسم اشتری (متولد ۱۲۹٤) از شاگردان دکتر ارانی بود و زیر نظر او صفحات صنعتی و مربوط به اختراعات جدید مجله دنیا را اداره می کرد. از آن جا که مطالبی که می نوشت صرفاً جنبه "صنعتی" داشت اوایل با نام کامل خود امضاء می کرد. تا این که از سال دوم فقط با حروف اول اسم خود می نوشت. به خصوص از زمانی که مخالفین مجله برای بی اعتبار کردن مجله دنیا و نویسندگان آن شایع کرده بودند، که اگر حرف اول اسم یکی از نویسندگان دنیا را حذف کنند، حیوانی می شود. هم چنین باید مسئله پنهان کاری نسبی را نیز در حذف نام کامل وی در نظر گرفت. ابوالقاسم اشتری نیز در پی دستگیری دکتر ارانی و گروه وی توقیف شد. ادعانامه دادستان درباره وی چنین می گوید: "۳۷- ابوالقاسم فرزند محمد، اهل و مقیم تهران، ۲۳ ساله، اشتری، ناظم هنرستان شیراز، توقیف. این شخص نیز تحت تاثیر دکتر ارانی واقع و به مرام اشتراکی وارد شده است." دادگاه جنائی نیز پس از صدور حکم برای "گروه ۵۳

نفر" محکومیت وی را چنین اعلام کرد: "ابوالقاسم اشتری برای عضویت در فرقه اشتراکی در ایران طبق ماده یك قانون مصوب خرداد ۱۳۱۰ محکوم است به چهار سال حبس مجرد."

٦- بزرگ علوی خود تصریح کرده است که دو مطلب یکی ترجمه "گلهای سفید" نوشته "اشتفان سوایگ" و دیگری مقاله خوابیدن و خوابدیدن را با امضاء "فریدون ناخدا گاه فقط مخفف آن (ف. ن.) را برای مجله دنیا نوشته است. ترجمه "گلهای سفید از آن جا که طولانی بود در چند شماره مجله منتشر گشت.

۷- "یك ماهنامه تاریخ ساز": مقدمه احسان طبری بر چاپ مجدد مجموعه شماره های دنیا دوره اول، به مدیریت دکتر تقی ارانی. انتشارات حزب توده ایران، تهران: سال ۱۳۵۸ .

۸- البته بدون ذکر نام آن ها. در این موارد دکتر ارانی در آثار خود به جای آوردن نام های مارکس، انگلس و لنین فقط می نویسد: "به قول اندیشمندی ..." یا "دانشمندی میگوید..." حتا اگر که این موارد نقل قول مستقیم از آن ها باشد. در حالی که راجع به فیلسوفان و دانشمندان دیگر از اسامی آن ها در متن مقالات خود نام می برد.

۹ - طی سال های اخیر افرادی تلاش کرده اند که "ثابت" کنند، دکتر ارانی کمونیست نبوده است. با مطالعه آثار او در زمینه ماتریالیسم دیالك تیك و جهان بینی علمی که ما در این جا نقل قول هایی از آن ذکر کردیم، درجه بی پایگی این نوع ادعاها کاملاً معلوم می شود.

۱۰- تا پیش از انتشار مجله دنیا، اولین مقالات فلسفی پیرامون مارکسیسم و فلسفه ماتریالیستی در مجله "فرهنگ" وابسته به "انجمن فرهنگ رشت" (۱۲۹۹ - ۱۳۰۵) منتشر شده بود.

۱۱- سخنرانی احسان طبری در جلسه یادبود دکتر تقی ارانی: ماهنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران. دوره ششم، شماره ٥٦، بهمن ۱۳٤۸

۱۲- مجله دنیا در تمام شماره های خود، به دلیل وجود سانسور و استبداد سیاه دوره رضاخانی از آوردن نام کمونیسم و سوسیالیسم ابا دارد و صرف نظر می کند. در همه موارد فقط به اصطلاحات "فلسفه مادی"، "بینش مادی" یا عنوان "ماتریالیست ها" اکتفاء می کند، و درواقع این واژه ها را به عنوان جانشین برای عقاید کمونیستی و سوسیالیستی به کار می برد. حتا در آن مواردی هم که موضوع دیگر بحث فلسفی و ایدئولوژیك نیست و بحث جانب داری و مبارزه فرد در اجتماع مطرح است از این شیوه استفاده شده است. یادآوری این امر از آن جا اهمیت دارد که چند سال پیش از این قانون "سیاه" ۱۳۱۰ برای سرکوب و تعقیب کمونیست های ایرانی و تحت عنوان مبارزه با عقاید اشتراکی از تصویب گذشته بود. برای درك این موضوع می توان ده ها مثال ذکر کرد، ولی کافی است که خواننده علاقه مند به شماره های مختلف مجله دنیا و دیگر آثار دکتر ارانی مراجعه کند.

۱۳- نگاه کنید به: "خطابه ایران ارانی" در مجله "پیکار زن" سال اول، شماره ۱ خرداد

۱۳۷۵، و هم چنین به: نشریه "زمان نو" شماره آبان ماه ۱۳٦۲

۱٤- گفت و گوی تلفنی با نجمی علوی (خواهر مرتضی و بزرگ علوی) در تاریخ ۸ مارس ۲۰۰۳، نجمی علوی تصریح کرد که وی در سر کلاس "پسیکولوژی برای بانوان" که توسط ایران ارانی دایر شده بود شرکت جسته است. وی هم چنین می گوید، این کلاس ها طی سال های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱٤ تشکیل می شدند و بسیاری از زنان جوان و تحصیل کرده که بعدها به فعالیت سیاسی نیز روی آوردند، در آن شرکت می کردند.

۱۵- گفت و گو با ایران ابراهیمی (خواهر فریدون و انوشیروان ابراهیمی) در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۸۱، ایران ابراهیمی ضمن دادن اطلاعاتی راجع به خواهران دکتر ارانی، بیان کرد که هر سه خواهران دکتر ارانی از فعالین جنبش زنان بودند و به ویژه بعد از تاسیس حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ در جنبش دمکراتیک زنان نقش فعالی داشتند. ایران ابراهیمی به خاطر دارد که خود یکی از همکاران نزدیک شوکت ارانی در تشکیلات دمکراتیک زنان بود. او می گوید که شوکت ارانی دست به قلم بود و در دهه بیست مقالاتی با امضاء "ش. ا." یا فقط با نام "شوکت" در مطبوعات آن دوره به خصوص درباره حقوق زنان منتشر کرد.

۱٦- منظور کتاب رباعیات خیام به زبان آلمانی است که توسط شرق شناس آلمانی فریدریش روزن با همکاری تقی ارانی به سال ۱۹۲۵ در برلن منتشر شد.

***

سال جدید مجله دنیا

بابیان ساده تری منتشر خواهد شد . بیشترکین اطلاع داده میشود که وجه آبونمان سالیانه را که ۳۰ ریال است بدفتر مجله ارسال دارند : هرکس در دورهٔ سال اول نافص دارد اطلاع دهد تاارسال شود ، محل تکفروشی بازفقط دفترمجله خواهدبود . فقط چند دوره کامل سال اول در دفتر مجله برای فروش حاضر است .

وعده انتشار مجله "دنیا" به زبانی ساده تر در دوره جدید
این آگهی در آخرین شماره مجله (خردادماه ۱۳۱٤) به چاپ رسیده است.

فهرست مندرجات مجله "دُنیا"

دوره اول به مدیریت دکتر تقی ارانی

(۱۳۱۲ – ۱۳۱۴)

دنیا: شماره اول – اول بهمن ماه ۱۳۱۲

عنوان	نویسنده	موضوع
"دنیا"	از دفتر دنیا	[معرفی نامه]
اتم و بعد چهارم	دکتر ارانی	(علمی)
صنایع عظیم امروزی دنیا	احمد قاضی	(صنعتی)
عرفان و اصول مادی	احمد قاضی	(فلسفی و اجتماعی)
ماشینیسم	ا. جمشید	(فلسفی و اجتماعی)
هنر و ماتریالیسم	فریدون ناخدا	(هنری و فلسفی)
گلهای سفید	اثر استفان تسوایگ ترجمه فریدون ناخد	(ادبی)
منظره دنیا	بدون امضاء	[اخبار کوتاه علمی، سیاسی و اقتصادی]
اطلاعات مفید	بدون امضاء	[اخبار و یادداشت های پزشکی و اطلاعات عمومی]
که میداند؟ من میدانم ...		[نامه های خوانندگان و پاسخ مجله دنیا]
مطبوعات تازه	بدون امضاء	[نقد و معرفی کوتاه کتب منتشره در ایران]

دنیا: شماره دوم – اول اسفند ماه ۱۳۱۲

عنوان	نویسنده	موضوع
ماکسیمم و می نیمم انتگرالها	حسین افشار	(علمی)
تکامل، تبعیت به محیط و ارث	احمد قاضی	(فلسفی)
بی سیم، رویت و سینما از دور	ا. اشتری	(صنعتی)
جبر و اختیار	ا. جمشید	(فلسفی و اجتماعی)
ارزش، قیمت و کار	ا. جمشید	(اقتصادی)
گلهای سفید	اثر استفان تسوایگ ترجمه فریدون ناخدا	(هنری)
منظره دنیا	بدون امضاء (خاتمه)	[اخبار کوتاه علمی، سیاسی و اقتصادی]

چند اطلاعات مفید (یك درس) بدون امضاء [اخبار و یادداشت های پزشکی و اطلاعات عمومی]
که میداند؟ من میدانم ... [نامه های خوانندگان و پاسخ مجله دنیا]

دنیا: شماره سوم – اول فروردین ماه ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
خوابیدن و خواب دیدن	فریدون ناخدا	(علمی)
بی سیم – رادیو	ا. اشتری	(صنعتی)
عرفان و اصول مادی (۲)	احمد قاضی	(فلسفی)
ماکزیم و مینیمم انتگرالها (۲)	حسین افشار	(علمی)
جبر و اختیار (۲)	ا. جمشید	(فلسفی و اجتماعی)
گلهای سفید	اثر استفان تسوایگ ترجمه فریدون ناخدا	(هنری)
منظره دنیا بدون امضاء (خاتمه)		[اخبار کوتاه علمی، سیاسی و اقتصادی]

چند اطلاعات مفید (یك درس) بدون امضاء [اخبار و یادداشت های پزشکی و اطلاعات عمومی]
که میداند؟ من میدانم ... [نامه های خوانندگان و پاسخ مجله دنیا]
مطبوعات تازه بدون امضاء [نقد و معرفی کوتاه کتب منتشره در ایران]

دنیا: شماره چهارم – اردیبهشت ماه ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
زندگی و روح هم مادی است	احمد قاضی	(علمی)
هواپیمائی	د. رجبی	(صنعتی)
عکاسی صوت	ا. اشتری	(علمی)
عرفان و اصول مادی (۳)	احمد قاضی	(فلسفی و اجتماعی)
گلهای سفید	اثر استفان تسوایگ ترجمه فریدون ناخدا	(هنری)
منظره دنیا بدون امضاء (خاتمه)		[اخبار کوتاه علمی، سیاسی و اقتصادی]

چند اطلاعات مفید (یك درس) بدون امضاء [اخبار و یادداشت های پزشکی و اطلاعات عمومی]
که میداند؟ من میدانم ... [نامه های خوانندگان و پاسخ مجله دنیا]
مطبوعات جدید بدون امضاء [نقد و معرفی کوتاه کتب منتشره در ایران]

دنیا: شماره پنجم – خرداد ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
زندگی و روح هم مادی است (۲)	احمد قاضی	(علمی)
هواپیمائی (۲)	د. رجبی	(صنعتی)
ماشین خواندن حروف	ابوالقاسم اشتری	(علمی)

عرفان و اصول مادی (۲) [به اشتباه "ا. جمشید" امضاء شده است، در حالی که ادامه از شماره قبل به امضاء احمد قاضی می باشد] (فلسفی و اجتماعی)

حقوق و اصول مادی	ا. جمشید	(فلسفی و اجتماعی)

یك شاهکار در اثر تعلیم و تربیت اثر هلن کلر ترجمه ایراندخت

گلهای سفید	اثر استفان تسوایگ ترجمه فریدون ناخدا	(هنری)
منظره دنیا	بدون امضاء (خاتمه)	[اخبار کوتاه علمی، سیاسی و اقتصادی]

چند اطلاعات مفید (یك درس) بدون امضاء [اخبار و یادداشت های پزشکی و اطلاعات عمومی]

که میداند؟ من میدانم ...		[نامه های خوانندگان و پاسخ مجله دنیا]
مطبوعات جدید	بدون امضاء	[نقد و معرفی کوتاه کتب منتشره در ایران]

دنیا: شماره ششم – تیرماه ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
ششماه مجله دنیا و انعکاس آن	"دنیا"	[درباره مجله و کارکرد آن]
مشتری	ا. ن.	(علمی)
تله ویزیون	ا. نور	(صنعتی)
ماتریالیسم دیالك تیك	ا. جمشید	(فلسفی و اجتماعی)
زن و ماتریالیسم	فریدون ناخدا	(فلسفی و اجتماعی)
من یك سیاهم	اثر روادو کورلی (ترجمه ا. جمشید)	(هنری)
منظره دنیا	بدون امضاء (خاتمه)	[اخبار کوتاه علمی، سیاسی و اقتصادی]

چند اطلاعات مفید (یك درس) بدون امضاء [اخبار و یادداشت های پزشکی و اطلاعات عمومی]

که میداند؟ من میدانم ...		[نامه های خوانندگان و پاسخ مجله دنیا]
مطبوعات جدید	بدون امضاء	[نقد و معرفی کوتاه کتب منتشره در ایران]

دنیا: شماره ۷ – شهریور ماه ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
فرضیه نسبی (۱)	دکتر ارانی	(علمی)
کارخانه تولید برق کلین گنبرگ	ترجمه ابوالقاسم اشتری	(صنعتی)
ماتریالیسم دیالك تیك (۲)	احمد قاضی	(فلسفی و اجتماعی)
تاریخ سازی در هنر	احمد قاضی	(هنری)
هنر نو در ایران	فریدون ناخدا	[نقد تاتر عبدالحسین نوشین]
کریزوتروپیسم	اپتن سینکلر (ترجمه ف. ن.)	
منظره "دنیا"	دفتر دنیا (خاتمه)	
اطلاعات مفید: ناپلیون سیاه	ترجمه عباس قزل ایاغ	
تلویزیون رنگی	ابوالقاسم اشتری	(علمی و صنعتی)
زمان حیوانات	بدون امضاء	
مطبوعات جدید	امضاء "دفتر دنیا"	

دنیا: شماره ۸ – آذرماه ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
فرضیه نسبی (۲)	دکتر ت. ارانی	(علمی)
برج ایفل	ترجمه نورالهدی بهبهانی	(صنعتی)
ماتریالیسم دیالك تیك (۳)	احمد قاضی	(فلسفی و اجتماعی)
پول از نظر اقتصادی و اهمیت آن در اجتماع فعلی	ا. جمشید	(اقتصادی)
سالتا پرونوبیس اثر گالسورثی	(ترجمه بدون امضاء)	
اطلاعات مفید: سه قسمت کردن زاویه. اشعه مرگ.	بدون امضاء	
منظره "دنیا" (خاتمه)	بدون امضاء	
مطبوعات جدید	بدون امضاء	

دنیا: شماره ۹ – دی ماه ۱۳۱۳

عنوان	نویسنده	موضوع
فرضیه نسبی (۳)	دکتر ت. ارانی	(علمی)

اجسام رادیوآکتیو مصنوعی ترجمه دکتر ارانی (ترجمه از آخرین اخبار علمی)
پول از نظر اقتصادی و اهمیت آن در اجتماع فعلی ا. جمشید (فلسفی و اجتماعی)
بشر از نظر مادی استخراج از کتاب علم روح تالیف دکتر تقی ارانی
خاتمه: منظره "دنیا"
دفتر "دنیا"

دنیا: شماره های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ – خرداد ۱۳۱۴ [در یک جلد]

عنوان	نویسنده	موضوع
تاریخ علوم	ا. خ.	(علمی)
اتومبیل	بدون امضاء	(صنعتی)
جدول ساعات دنیا	بدون امضاء	
مجله "دنیا" به شما یاد می دهد	بدون امضاء	
سال جدید مجله دنیا	بدون امضاء	
طول موج دستگاههای ارسال تلفن بی سیم دنیا	بدون امضاء	

بشر از نظر مادی (۲) بدون امضاء [ولی دنباله مطلب از شماره ۹ است که با امضاء دکتر تقی ارانی است] (فلسفی و اجتماعی)
اقتصاد و سیاست اقتصادی سال ۱۹۳٤ بدون امضاء (اقتصادی و سیاسی اخذ از مجلات خارجی)
هنر در ایران جدید بدون امضاء
تغییر زبان فارسی با امضاء "دنیا" [در پاورقی یکی از صفحات این مقاله نویسنده به چاپ مقالات خود در مجله ایرانشهر و فرنگستان اشاره می کند که در واقع خود دکتر تقی ارانی است.]
تکامل موجودات زنده ا. جمشید (علمی)
خاتمه: منظره "دنیا" بدون امضاء
اطلاعات مفید بدون امضاء

***

سال های تحصیل و اقامت در برلن

تقی ارانی پس از به اتمام رساندن مدرسه متوسطه (= دبیرستان) و گرفتن دیپلم رتبه اول از مدرسه دارالفنون و هم چنین دریافت مدرك افتخاری به عنوان بهترین شاگرد سال در بین دیپلمه ها، در سال ۱۳۰۰ به تحصیلات متوسطه خود پایان داد. در آن زمان هنوز دانشگاهی در کشور برای ادامه تحصیلات عالی وجود نداشت، و این امر بعدها در سال ۱۳۱۳ صورت گرفت که تاسیس دانشگاه تهران بود. تا آن تاریخ اغلب رجال و خانواده های متمول فرزندان خود را با هزینه شخصی به اروپا یا به اصطلاح آن روزی به فرنگ می فرستادند. اغلب این فرزندان خانواده های اشراف ایرانی در فرانسه به تحصیل می پرداختند، زیرا که اولاً زبان فرانسه زبان دربار قاجار و بالطبع اشراف بود و ثانیاً این دسته از محصلین ایرانی در دوره متوسطه در تهران با این زبان آشنایی پیدا می کردند و آن را تا حدودی فرا می گرفتند. در مقابل تعداد معدودی نیز به انگلستان فرستاده می شدند.

از آن جا که تقی ارانی فرزند خانواده ای بود که جزو طبقه اشراف محسوب نمی شد و از امکانات مالی فراوانی برخوردار نبود، با وجود این که شاگرد نمونه سال شده بود، امکان این که برای ادامه تحصیلات به اروپا برود، برایش متصور نبود. به ویژه این که پدر تقی ارانی، یعنی ابوالفتح خان ارانی تبریزی کارمند مالیه تبریز بود و مدت ها پیش از این خانواده خود را ترك کرده و حتا کمك هزینه زندگی نیز به همسر و فرزندان خود پرداخت نمی کرد.

بنابر این تنها راه ممکن برای ارانی جوان ثبت نام در مدرسه طب تهران بود آن هم با این امید که در آینده به شغل طبابت پرداخته و از این راه زندگی خود، مادر و سه خواهرش را تامین کند. از این مدرسه که تحت نظر اروپاییان اداره می شد، هر ساله تعدادی به عنوان طبیب و پزشگ فارغ التحصیل می شدند. مدرسه طب تا قبل از تاسیس دانشگاه تهران مهم ترین مدرسه عالی کشور به شمار می آمد. ارانی جوان از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۱ به مدت یك سال در این مدرسه طب خواند، و حتا امتحانات پایان سال را نیز به عنوان شاگرد نمونه پشت سر گذاشت.

منتها در آبان ماه سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) بر اثر توصیه و فشار استادان مدرسه دارالفنون و مدرسه طب که در وجود تقی ارانی یك شاگرد ساعی و کوشا می دیدند که می تواند در آینده یکی از چهره های علمی ایران بشود، مادر ارانی رضایت داد که تنها پسرش را برای تحصیلات دانشگاهی به اروپا بفرستد. برای تامین هزینه سفر و تحصیل بانو فاطمه آقازاده مادر ارانی اقدام به فروش مقداری زمین که به ارث برده بود، کرد و به این گونه مقدمات اعزام فرزندش را به اروپا فراهم آورد.

پیرامون این دوره از زندگی دکتر تقی ارانی اطلاعات ضد و نقیضی وجود دارد. مثلاً این که در برخی کتاب ها و نقل خاطرات دیگران، آمده است که تقی ارانی از طرف دولت و گاه حتا نوشته اند از طرف وزارت جنگ برای تحصیل علم شیمی به آلمان فرستاده شد، نمی تواند درست باشد. علاوه بر این تا کنون هیچ گونه سند و مدرکی به جز نقل گفته های دیگران، که حکایت از این امر کند، به دست نیامده است. اولاً اگر تقی ارانی از طرف دولت یا وزارت جنگ به اروپا فرستاده شده بود، می بایست هزینه تحصیلی و مقرری دریافت می کرد. در غیر این صورت ارانی جوان مجبور نبود که در برلن هم زمان با تحصیل برای تامین هزینه زندگی خود و پرداخت شهریه دانشگاه به کارهای گوناگون از جمله کار در چاپخانه "کاویانی" آن هم تا پاسی از شب بپردازد. در پرونده دانشجویی او نکاتی وجود دارد که این نظر را تقویت می کند. تقی ارانی در یکی از نامه های خود به اداره دانشگاه راجع به موضوع تهیه کتاب و هزینه امتحانات و این موضوع که از نظر مالی در مضیقه است و در نتیجه خواهش کرده که امتحانات او را جلو بیاندازند تا او بتواند هر چه سریع تر درس خود را تمام کند. ترجمه بخشی از نامه چنین است: "از آن جا که من در سمینار شرق شناسی دانشگاه تدریس می کنم، وزرات خانه از سر لطف مرا از پرداخت شهریه و خرید لوازم و کتب درسی معاف کرده است. در حال حاضر در نظر دارم تحصیلات خود را در رشته شیمی با درجه دکترا به پایان برسانم. متاسفانه از آن جا که از نظر مالی امکان پرداخت هزینه امتحانات را ندارم، خواهشمندم که مرا از این امر معاف کنید تا بتوانم تحصیلات خودم را به اتمام برسانم..."

دلیل دیگر این که موضوع فرستادن دانشجو از طرف دولت به اروپا چند سال بعد از رفتن تقی ارانی به آلمان شروع شد. اولین دسته از محصلین ایرانی در مهرماه سال ۱۳۰۷ به اروپا اعزام شدند که همگی هزینه تحصیلی دریافت می کردند و هیچ یك از آن ها نیز مجبور نبود که ضمن تحصیل کار کند. اصولاً این عمل در بین دانشجویان اعزامی از طرف دولت ممنوع بود، زیرا مقرری ماهیانه دریافت می کردند.

بنابر این می بینیم که اولین گروه محصلین ایرانی زمانی وارد برلن می شوند که تقی ارانی در سال آخر دانشگاه است و بعد از مدت کوتاهی از ورود آن ها به ایران مراجعت می کند.

همان گونه که در بالا اشاره شد، ارانی جوان در سال ۱۳۰۱ به تنهایی و با هزینه شخصی به آلمان آمد. دلیل انتخاب آلمان نیز پایین بودن نرخ هزینه زندگی این کشور در مقیاس با کشورهای فرانسه و انگلیس بود. باید یادآوری کرد که تقی ارانی مانند بسیاری از محصلین آن دوره در مدرسه فرانسه خوانده بود و این زبان را به خوبی می دانست، موضوعی که در انتخاب کشور مورد نظر برای ادامه تحصیلات بی تاثیر نیست. در حالی که ارانی جوان زبان آلمانی را در برلن فرا گرفت. درباره ارزان بودن هزینه زندگی در آلمان برای دانشجویان ایرانی، می توان به گزارش و توصیه ای که روزنامه "آزادی شرق" چاپ برلن آمده، استناد کرد: "در جواب سوال: چون بعضی از ذوات محترم در خصوص میزان مصارف اولاد خود برای تحصیل در آلمان سوال فرموده بودند، لهذا اطلاعاً عرضه میداریم. برای یك نفر بطور خوبی دو لیره کفایت می کند، ولی برای آینده پیش بینی نمیتوان کرد." (*"آزادی شرق": شماره ۲۸ بیست ژانویه ۱۹۲۳*)

از این نوع اشتباهات و خطاها پیرامون زندگی دکتر تقی ارانی کم نیست و می توان نمونه های دیگری نیز عنوان کرد، که نشان دهنده حضور غیر مستند نقل قول ها و خاطرات شفاهی است که به رشته تحریر درآمده اند. از این رو هر کسی از ظن خود چیزی را کم یا زیاد کرده است و در نتیجه این گونه قضاوت ها و خطاها به درون کتاب ها راه یافته اند. نمونه دیگر موضوع رشته تحصیلی دکتر ارانی است که اکنون همه می دانند که وی شیمی خوانده و در این رشته به ویژه تخصص داشته است. منتها از آن جا که در آن زمان رشته شیمی نیز تحت پوشش فاکولته فلسفه دانشگاه بود، و علوم به شکل امروزین تفکیك نشده بود، این تصور به وجود آمده است که تقی ارانی فلسفه خوانده است.

درباره دوره دانشجویی و اقامت شش ساله* در برلن پایتخت جمهوری وایمار در دهه بیست میلادی، اطلاعات جسته و گریخته ای در دست است. از آن سو که این اطلاعات

* از آن جا که تاریخ دقیق ورود ارانی جوان به آلمان هنوز روشن نشده است و تنها می دانیم که در نیمه دوم سال ۱۹۲۲ بوده است، و هم چنین تاریخ دقیق بازگشت دکتر تقی ارانی پس از اتمام تحصیلات عالی در دانشگاه برلن نیز در پرده ابهام است، نمی توان دقیقاً اعلام کرد که اقامت او در آلمان چند سال طول کشیده است. ولی یقیناً دوره زندگی ارانی جوان در آلمان بین شش تا هفت سال بیشتر نبوده است. از شواهد و داده ها چنین بر می آید که تاریخ بازگشت وی یا در اواخر ماه دسامبر ۱۹۲۸ و یا اوایل ژانویه ۱۹۲۹ صورت گرفته است.

نه بر مبنای اسناد و اطلاعات موثق و دست اول، بلکه بیشتر جنبه شفاهی و نقل و قول از دیگران در دوره های مختلف را دارد، دوره اقامت و فعالیت های دکتر تقی ارانی در برلن هنوز کاملاً روشن نیست.

پس از دستگیری "گروه ۵۳ نفر" و متعاقب آن شهادت دکتر ارانی هم - به جز یك دوره کوتاه آزادی در دهه بیست - کسی جرات بردن نام دکتر ارانی را نداشت. علاوه بر این موارد باید بر این نکته نیز انگشت گذاشت که بسیاری از هم دوره های ارانی در برلن، چه آن دسته از یاران سیاسی و مطبوعاتی و چه سایر دانشجویان ایرانی مقیم برلن مانند احمد فرهاد، غلامحسین فروهر، حسن نفیسی، علی اردلان و دیگران، به راه های دیگری رفتند. از جمله به مقامات بالای دولتی رسیدند و خود این امر به ادامه سکوت آنان درباره عدم معرفی چهره دکتر ارانی کمك کرده است. به همین خاطر نیز ما جز یکی دو مورد که در پایین اشاره خواهیم کرد، هیچ گونه اشاره مستقیمی به ارانی توسط معاصرین او به خصوص در سال های اقامت در برلن نداریم. و این در حالی است که قرائن نشان می دهد که او با بسیاری از ایرانیان چه دانشجویان و چه مهاجرین ارتباطات وسیعی داشته و با اغلب آن ها نامه نگاری می کرده است. ولی متاسفانه تا به امروز از این مسایل به ویژه نامه ها و مکاتبات او چیزی به دست نیامده است. این همه در حالی است که ارانی جوان در میان ایرانیان مقیم برلن که خود از دو دسته تشکیل می شدند: یك دسته مهاجرین سیاسی مانند ابوالحسن علوی، احمد اسدزاده (اسدوف) و دسته دیگر یعنی محصلین و دانشجویان ایرانی که هر ساله نیز به تعداد آنان اضافه می شد، چهره ای شاخص و مبرز بود. تقی ارانی هم از جنبه فعالیت سیاسی، صنفی، و مطبوعاتی و هم از جنبه تحصیلی و علمی در میان دانشجویان مقیم برلن زبان زد بود. از جنبه اخیر باید یادآور شد که آوازه نام ارانی از دایره ایرانیان ساکن برلن بیرون رفته و در سطوح دانشگاهی و مجامع شرق شناسی آلمان مطرح بود. تا جایی که فقط پس از گذشت دو سال از اقامت تقی ارانی و تحصیل در دانشگاه یعنی در سال ۱۹۲۵ در سن ۲۲ سالگی از او دعوت شد تا کرسی سبك شناسی، منطق و زبان های شرقی در دانشگاه برلن را برعهده بگیرد. تقی ارانی تا پایان تحصیلات عالی خود و مراجعت به ایران به عنوان استاد دانشگاه این وظیفه را انجام می داده است. در این باره ما در جای خود با تفضیل بیشری سخن خواهیم گفت.

***

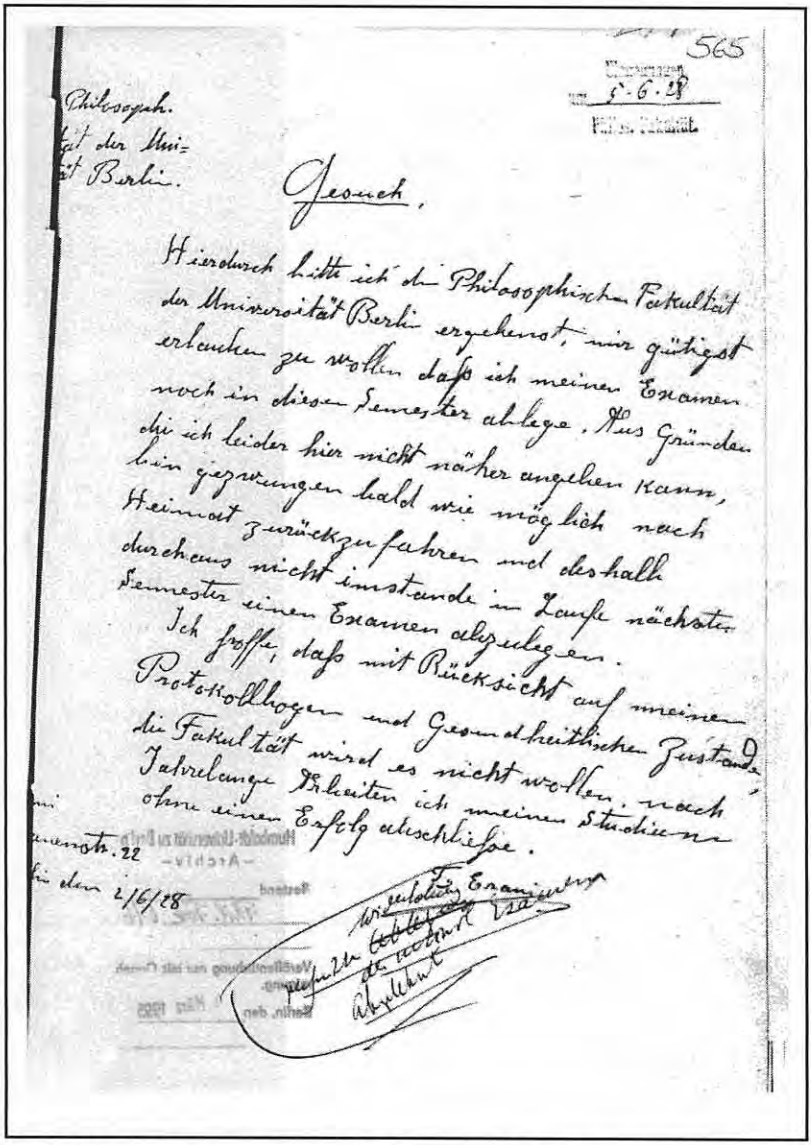

565

5.6.28

Philosoph.
...ät der Uni=
...ät Berlin.

Gesuch.

Hierdurch bitte ich die Philosophische Fakultät der Universität Berlin ergebenst, mir gütigst erlauben zu wollen daß ich meinen Examen noch in diesem Semester ablege. Aus Gründen die ich leider hier nicht näher angeben kann, bin gezwungen bald wie möglich nach Heimat zurückzufahren und deshalb durchaus nicht imstande im Laufe nächsten Semester einen Examen abzulegen.

Ich hoffe, daß mit Rücksicht auf meinen Protokollbogen und Gesundheitlichen Zustande die Fakultät wird es nicht wollen, nach Jahrelange Arbeiten ich meinen Studium ohne einen Erfolg abschließe.

...nenstr. 22
...in den 2/6/28

Wiederholung Examen
Gesuch ... Examen
Abgelehnt

نامه ای به دست خط تقی ارانی به مسئولین دانشگاه برلن به تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۲۸
او در این نامه تقاضاکرده که اگر ممکن است امتحانات دانشگاهی او را جلو بیاندازند.

نگاهی به پرونده دانشجویی تقی ارانی

اکنون با دست یافتن به پرونده دانشجویی تقی ارانی که رونوشت کاملی از محتویات آن در اختیار ما است* و با توجه به محتوای این پرونده می توان برخی از جنبه های زندگی و اقامت ارانی و هم چنین رشته های تحصیلی، پایان نامه دانشگاهی و غیره را در برلن روشن کرد. با توجه به مقدمه ای که در بالا ذکر شد و با تکیه بر اسناد نویافته که بی شك دارای ارزش تاریخی هستند، به بازسازی این دوره از زندگی دکتر تقی ارانی می پردازیم.

پرونده دانشجویی تقی ارانی، پوشه ای است حاوی این مطالب: چند نامه به دست خط ارانی، نامه های اداری مربوط به مشخصات دانشجو و رشته های تحصیلی، دروس و مواد دانشگاهی و هم چنین تاریخ برگزاری امتحانات و نتایج آن، یادداشت هایی راجع به دوره دانشجویی که اغلب آن ها توسط معلمین و استادان تقی ارانی در دانشگاه نوشته شده اند. به علاوه نتیجه آزمایش های کتبی و شفاهی از تقی ارانی و ریز نمرات و مواد درسی و مواردی از این دست، که البته بیشتر سیر اداری را بیان می کنند ولی با توجه به نکات مطروحه در آن ها می توان شمای کلی از رشته های تحصیلی، سال های دانشجویی، معلمین و استادان و گاه هم شاگردی های تقی ارانی در دوره دانشجویی به دست آورد. مهم ترین بخش این پرونده عبارت است از چند نامه به دست خط تقی ارانی که وی آن ها را به مناسبت های گوناگون نوشته و برای شعبات مختلف دانشگاه برلن فرستاده است. هم چنین یك زندگی نامه کوتاه (معرفی نامه) که تقی ارانی آن را نوشته و امضاء کرده است. از محتوای مکاتبات موجود در پرونده چنین برمی آید که این زندگی نامه به تقاضای مسئولین دانشگاه نوشته شده و برای دریافت پایان نامه تحصیلی به آن ها ارایه شده است. در این پرونده هم چنین یك نسخه از تز دکترای تقی ارانی در رشته شیمی با عنوان: "خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریك بر روی مواد آلی" به زبان آلمانی دیده می شود. بر روی جلد این پایان نامه تاریخ جشن فارغ التحصیلی روز ۱۹ دسامبر ۱۹۲۸ قید گردیده است.

علاوه بر موارد ذکر شده، در پرونده موجود چند یادداشت و گواهی پزشکی مربوط به تقی ارانی نیز به چشم می خورد. برای ما ایرانیان به ویژه علاقه مندان به این اندیشمند

* اصل این اسناد در آرشیو دانشگاه برلن تحت شماره پرونده زیر نگهداری می شود:
Humboldt-Universität zu Berlin -Archiv-: Bestand "Phil. Fak. 676"

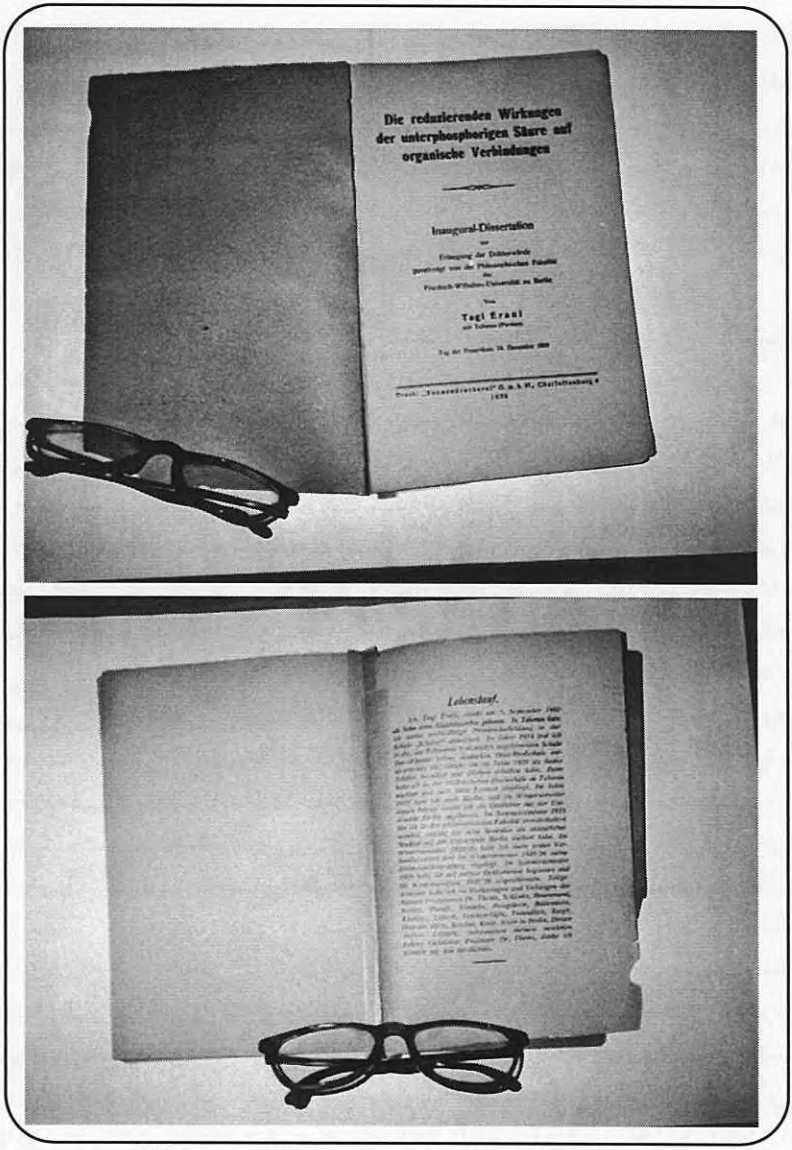

اولین و آخرین صفحه از تز دکترای تقی ارانی به زبان آلمانی
عنوان اثر: خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریك بر روی مواد آلی
در صفحه آخر این تز زندگی نامه کوتاهی از تقی ارانی به چاپ رسیده است

انقلابی، موضوعی که غرورانگیز است وجود سندی است که ضمیمه این پرونده کرده اند و آن مدرك دکترای تقی ارانی به زبان لاتین می باشد. در آن زمان در دانشگاه های اکثر کشورهای اروپایی چنین مرسوم بود که دانشجو بعد از پایان موفقیت آمیز امتحانات دوره دکترا طی مراسمی ضمن یادکردن سوگند در راه خدمت به حقیقت، مدرکی به زبان لاتین برای نامزد این عنوان در دو نسخه صادر می شد که یکی را به خود شخص می دادند و دیگری را در دانشگاه به عنوان مدرك ضمیمه پرونده دانشجویی می کردند. کلیشه این سند در این ویژه نامه می بینید.

باید یادآور شد، که این پرونده کامل نیست و با توجه به تاریخ ها و موارد عنوان شده در مکاتبات تقی ارانی و یادداشت های بخش اداری دانشگاه برلن، چنین برمی آید که پوشه موجود فقط حاوی اسناد و مدارك مربوط به نیمه دوم دوره دانشجویی تقی ارانی می باشد. یعنی درواقع مربوط به زمانی که تقی ارانی سرگرم به پایان رساندن تحصیلات خود بوده است. در این پرونده هیچ گونه سند و مدرکی از سال های اول دانشجویی تقی ارانی وجود ندارد. برای مثال راجع به ثبت نام در دانشگاه یا ارایه مدارك شخصی اعم از شناسنامه، پاسپورت و مدارك تحصیلی و غیره موردی دیده نمی شود، مساله ای که به عقیده ما قطعاً وجود داشته و بدون ارایه آن ها ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل ناممکن می بود. بنابر این باید در نظر داشت که پوشه موجود، تنها بخشی از پرونده دانشجویی تقی ارانی را تشکیل می دهد. برای کامل نبودن این پرونده می تواند دو دلیل وجو داشته باشد: یکی موضوع به قدرت رسیدن فاشیسم در سال ۱۹۳۳ و در پی آن وقوع جنگ دهشتناك جهانی و شکست آلمان است که منجر به نابودی بخش اعظم شهرها و به ویژه پایتخت آن برلن شد. در پی بمباران های شدید و جنگ خیابانی که تقریباً شهر برلن را به ویرانه بدل کرد، ساختمان دانشگاه نیز مورد اصابت بمب قرار گرفت و به کلی نابود گردید. این احتمال وجود دارد که بخش عمده ای از کتابخانه و اسناد و آرشیو دانشگاه بر اثر آن نابود شده باشد، که در این صورت دیگر نمی توان امیدی به یافتن آن ها داشت. و اما دلیل دیگر در رابطه با موضوع ما یعنی مفقود شدن بخش هایی از پرونده دانشجویی تقی ارانی، می تواند مسئله تقسیم آلمان پس از جنگ جهانی دوم به دو کشور مستقل باشد که این امر منجر به جابه جایی بسیاری از کتابخانه ها و اسناد دولتی و اداری به شهرهای مختلف شد. در صورت احتمال اخیر این امید وجود دارد که روزی بخش های دیگر این پرونده نیز مانند بسیاری از اسناد و مدارك دیگر بدست آید. امری که در آلمان با توجه به اهمیتی که به حفظ اسناد و آرشیوهای گوناگون داده می شود،

غیرمحتمل نیست.

با نگاهی به پرونده موجود و مطالعه آن می توان به موارد زیر در ارتباط با زندگی دکتر تقی ارانی پاسخ داد:

۱- جنبه هایی از بیوگرافی تقی ارانی، مانند تاریخ تولد، دوره مدرسه ابتدایی و متوسطه و غیره.

۲- رشته های تحصیلی و مورد علاقه تقی ارانی در دانشگاه

۳- سال های تدریس در دانشگاه برلن

٤- اقامتگاه های گوناگون زندگی ارانی جوان در شهر برلن، مانند محل سکونت، اسامی و مشخصات برخی از همکاران، دوستان و هم شاگردی های دوره دانشجویی و غیره.

۵- اسامی دانشمندان و استادانی که تقی ارانی در کلاس های درس و دوره های آزمایشگاهی آنان شرکت می کرده است، مانند: آلبرت انیشتین، ماکس پلانك، مایر، پرینگس هایم، کارل مانیش و دیگران.

با تکیه براسناد به دست آمده، این مهم را باید به موقع خود انجام داد. ما در ادامه این مطلب تنها به دو سند مهم که مربوط به زندگی نامه دکتر ارانی است، اشاره می کنیم.

***

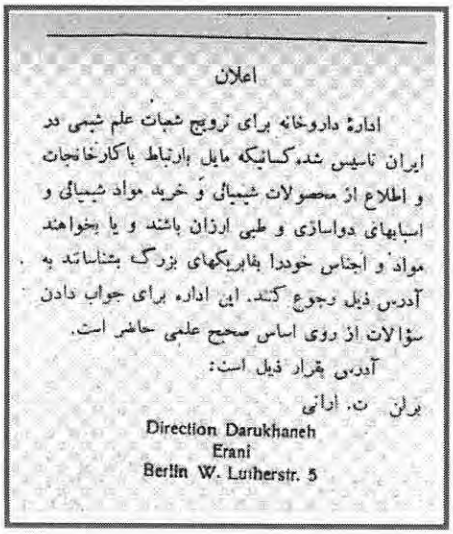

اعلان

ادارهٔ داروخانه برای ترویج شعبات علم شیمی در ایران تاسیس شده کسانیکه مایل بارتباط با کارخانجات و اطلاع از محصولات شیمیائی و خرید مواد شیمیائی و اسبابهای دواسازی و طبی ارزان باشند و یا بخواهند مواد و اجناس خودرا بفابریکهای بزرگ بشناسانند به آدرس ذیل رجوع کنند. این اداره برای جواب دادن سؤالات از روی اساس صحیح علمی حاضر است.

آدرس بقرار ذیل است:

برلن ت. ارانی

Direction Darukhaneh
Erani
Berlin W. Lutherstr. 5

این آگهی نشان می دهد که تقی ارانی در برلن همزمان با تحصیل برای تامین هزینه زندگی خود مجبور بوده است به کارهای مختلفی بپردازد.

(مجله "آزادی شرق": چاپ برلن، شماره ٤۳ سال ۱۹۲٦)

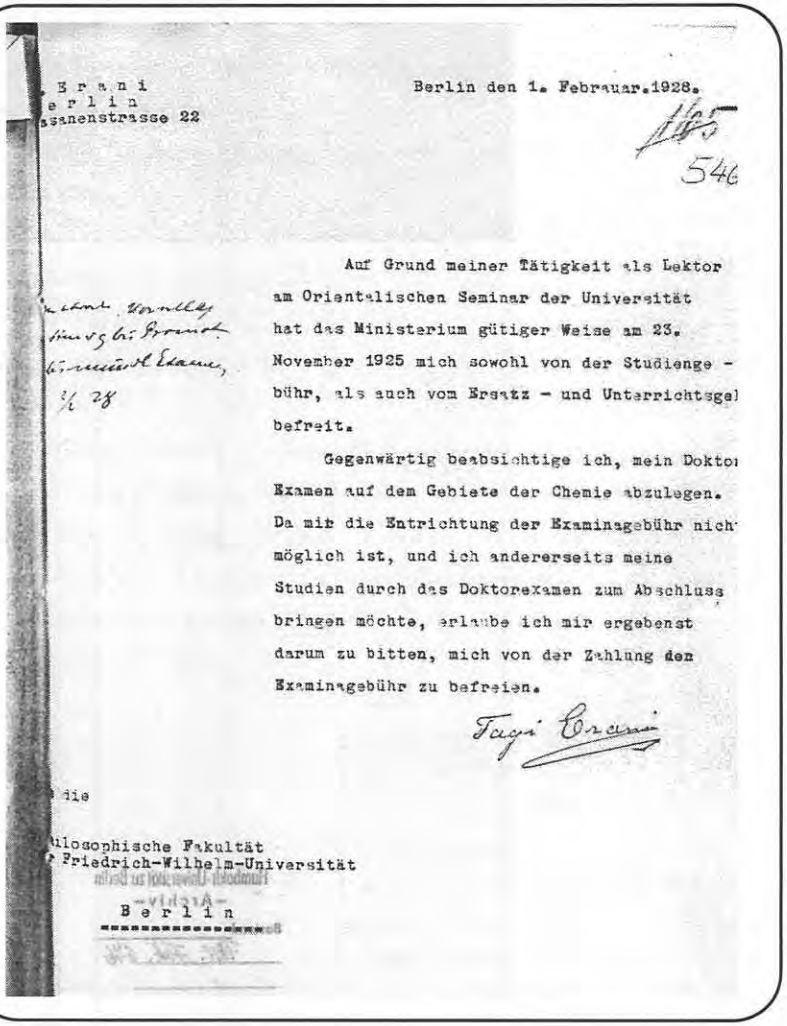

Erani
Berlin
Hasenenstrasse 22

Berlin den 1. Februar.1928.

1185
546

Auf Grund meiner Tätigkeit als Lektor am Orientalischen Seminar der Universität hat das Ministerium gütiger Weise am 23. November 1925 mich sowohl von der Studienge - bühr, als auch vom Ersatz - und Unterrichtsgel befreit.

Gegenwärtig beabsichtige ich, mein Dokto Examen auf dem Gebiete der Chemie abzulegen. Da mir die Entrichtung der Examinagebühr nich möglich ist, und ich andererseits meine Studien durch das Doktorexamen zum Abschluss bringen möchte, erlaube ich mir ergebenst darum zu bitten, mich von der Zahlung den Examinagebühr zu befreien.

Taqi Erani

die

ilosophische Fakultät
Friedrich-Wilhelm-Universität

Berlin

نامه تقی ارانی به رئیس دانشگاه برلن به تاریخ اول فوریه ۱۹۲۸

وی در بخشی از این نامه چنین نوشته است: از آن جا که من در سمینار شرق شناسی دانشگاه تدریس می کنم، وزارت خانه از سر لطف مرا از پرداخت شهریه و خرید لوازم و کتب درسی معاف کرده است. در حال حاضر در نظر دارم تحصیلات خود را در رشته شیمی با درجه دکترا به پایان برسانم. متاسفانه از آن جا که از نظر مالی امکان پرداخت هزینه امتحانات را ندارم، خواهشمندم که مرا از این امر معاف کنید تا بتوانم تحصیلات خودم را به اتمام برسانم.

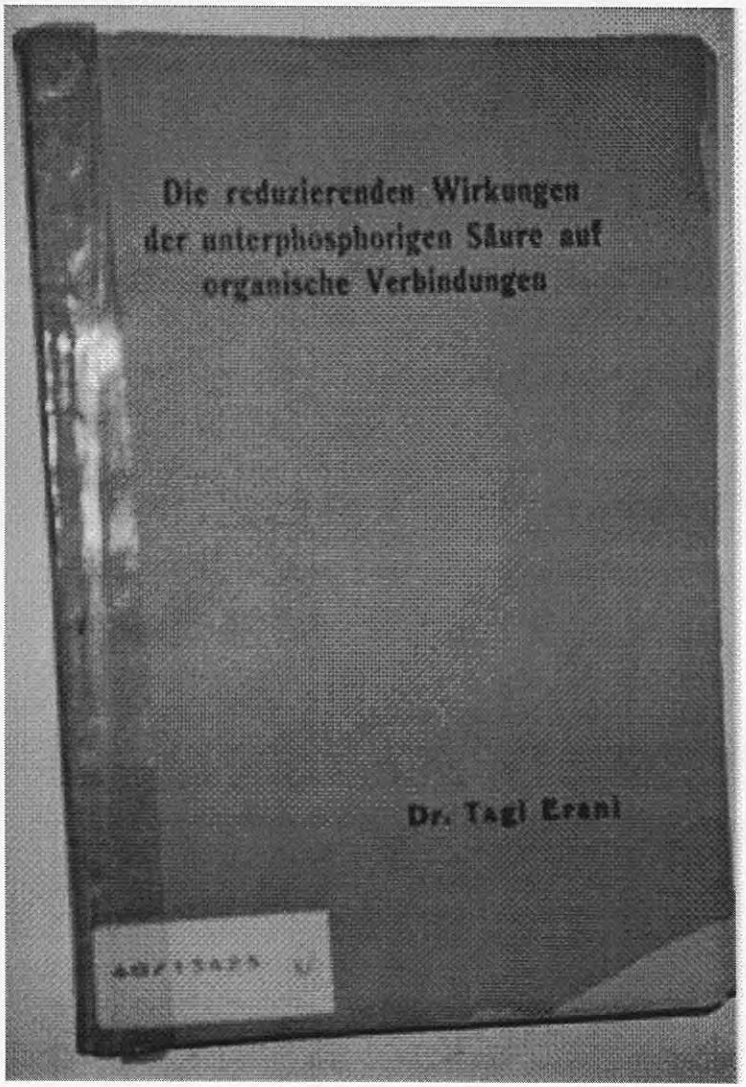

روی جلد پایان نامه تحصیلی دکتر تقی ارانی

VIRO CLARISSIMO ATQVE DOCTISSIMO

TAGI ERANI

PERSAE

POSTQVAM EXAMEN PHILOSOPHIAE CVM LAVDE SVSTINVIT

ET DISSERTATIONEM IDONEAM CVIVS TITVLVS EST

DIE REDUZIERENDEN WIRKUNGEN DER UNTERPHOSPHORISCHEN SXURE AUF ORGANISCHE VERBINDUNGEN.

AVCTORITATE ORDINIS PROBATAM EDIDIT

PHILOSOPHIAE DOCTORIS

ET ARTIVM LIBERALIVM MAGISTRI

ORNAMENTA ET HONORES

DIE XIX. M. DECEMBRIS A. MCMXXVIII

RITE CONTVLIT

COLLATAQVE PVBLICO HOC DIPLOMATE

PHILOSOPHORVM ORDINIS OBSIGNATIONE COMPROBATO

DECLARAVIT

مدرك پایان تحصیلی تقی ارانی به زبان لاتین که توسط دانشگاه برلن صادر شده است در این سند تصریح شده که وی به درجه دکترای فلسفه با نمرات عالی نائل شده است.

این سند در پرونده دانشجویی تقی ارانی موجود است.

Toll, Dr. phil., Lehrer (Englisch) — Bl.-Tempelhof, Hohenzollernkorso 54.
Tseng, Lektor (Chinesisch) — Bl.-Charl., Kaiserdamm 99.
Vacha, Lektor (Persisch, Hindustani u. Guzerati) — NW 40, Calvinstr. 27.
Waly, Dr. med., Lektor (Aegyptisch-Arabisch) — Bl.-Grunew., Friedrichsruher Str. 37.

III. Außerplanmäßige, nebenamtliche Dozenten — mit der Abhaltung von Vorlesungen beauftragt:

Abeghian, Dr. (Armenisch) — Bl.-Charl., Tegeler Str. 48.
Baiew (Ossetisch) — Bl.-Friedenau, Handjerystr. 19/20.
Breyne, Dr. phil. (Afrikaans u. Niederländisch) — Woltersdorf b. Erkner, Werderstr. 14. F Erkner 351.
Erani (Orientalische Rhetorik, Stilistik und Logik) — Bl.-Charl., Weimarer Straße 27.
Frank, Dr. phil. (Schriftarabisch) bisher a. o. Prof. an der Univ. Straßburg, beauftragt mit der Abhalt. v. Vorlesungen an der Univ. Berlin — s. vorher.
Gerstmeyer, Geh. Ob.-Reg.-Rat, Minist.-Rat i. d. Restverwalt. f. Reichsaufgaben [illegible] (Pr.LD1) (Auswanderungswesen u. Weltwirtschaft)

این سند که از جزوه حاوی لیست استادان و کارکنان دانشگاه برلن گرفته شده است ، در کنار نام Erani رشته هایی را که او تدریس می کرده است، نشان می دهد.

زندگی نامه کوتاه دکتر تقی ارانی*

ترجمه زندگی نامه (۱):

من، تقی ارانی به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۰۲ در خانواده یك كارمند دولت به دنیا آمدم. دوره شش ساله دبستان را در تهران، مدرسه "شرف" به پایان رسانده و سال ۱۹۱٤ به مدرسه "دارالفنون" كه تحت پوشش دانشگاه تهران است، وارد شدم. (مدرسه دارالفنون برابر است با دبیرستان آلمان) در سال ۱۹۲۰ با عنوان شاگرد ممتاز سال، تحصیلات خود را در این مدرسه به پایان برده و مدرك دیپلم دریافت كردم. سپس وارد دانشكده طب شده و امتحانات آن را با موفقیت به پایان رساندم.

در سال ۱۹۲۲ به برلن آمده و در ترم زمستانی این سال به عنوان دانشجوی میهمان در كلاس های درس دانشگاه شركت جستم. در ترم تابستانی ۱۹۲۳ به عنوان دانشجوی رسمی دانشگاه برلن در انستیتوی فلسفی ثبت نام كرده و ده ترم دانشگاهی را پشت سرهم گذراندم. در زمستان سال ۱۹۲٤-۱۹۲۵ اولین دوره امتحانات خود را داده و در زمستان سال ۱۹۲۵-۱۹۲٦ امتحانات دوره قبل از دكترا را به پایان بردم.
تابستان سال ۱۹۲٦ كار بر روی تز دكترای خود را آغاز و در زمستان ۱۹۲۷-۱۹۲۸ به پایان بردم.

طی سال های اقامتم در برلن در سر كلاس های درس و دوره های آزمایشگاهی استادان زیر حاضر بودم:

آقایان پروفسور دكتر: تومس، شلنكس، روزن موند، نرنست، پلانك، انیشتین، پرینگس هایم، بودن اشتاین، كوهلر، لیبرت، یواخیم - اوگلو، فروبندلیش، ژه گو، دیلز، زومباد، كوده، مایر. در این جا مایلم سپاس قلبی خودم را از استادان نامبرده به ویژه استاد دائمیم پروفسور دكتر تومس بیان كنم.

○○○

Lebenslauf.

Ich, Tagi Erani, wurde am 5. September 1902 als Sohn eines Staatsbeamten geboren. In Teheran habe ich meine sechsjährige Primärschulbildung in der Schule „Scharaf" absolviert. Im Jahre 1914 trat ich in die, der Teheraner Universität angehörenden Schule Dar-ol-fonun (einer deutschen Ober-Realschule entsprechend) ein, welche ich im Jahre 1920 als bester Schüler beendigt und Diplom erhalten habe. Dann habe ich an der Medizinischen Hochschule zu Teheran studiert und auch mein Examen abgelegt. Im Jahre 1922 kam ich nach Berlin, und im Wintersemester dieses Jahres wurde ich als Gasthörer auf der Universität Berlin zugelassen. Im Sommersemester 1923 bin ich an der philosophischen Fakultät immatrikuliert worden, worauf ich zehn Semester als ordentlicher Student auf der Universität Berlin studiert habe. Im Wintersemester 1924/25 habe ich mein erstes Verbandsexamen und im Wintersemester 1925/26 meine Doktorandumprüfung abgelegt. Im Sommersemester 1926 habe ich mit meiner Doktorarbeit begonnen und im Wintersemester 1927/28 abgeschlossen. Teilgenommen habe ich an Vorlesungen und Uebungen der Herren Professoren Dr. Thoms, Schlenks, Rosenmund, Nernst, Planek, Einstein, Pringsheim, Bodenstein, Koehler, Liebert, Ioachim-Oglu, Freundlich, Szegö, Hettner, Diels, Sombad, Kode, Maier in Berlin. Diesen meinen Lehrern, insbesondere meinem verehrten Lehrer Geheimrat Professor Dr. Thoms, danke ich hiermit auf das herzlichste.

اصل زندگی نامه دکتر تقی ارانی به زبان آلمانی که در صفحه آخر پایان نامه تحصیلی چاپ شده است.

توضیح درباره زندگی نامه (۱):

* این زندگی نامه در پایان تز دکترای تقی ارانی زیر عنوان: "خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریك بر روی مواد آلی" در دسامبر ۱۹۲۸ به زبان آلمانی به چاپ رسیده است.

تیتر و مشخصات آلمانی تز چنین است:

Die reduzierenden Wirkungen der Unterphosphorigen Saeure auf Organische Verbindungen: Tagi Erani. Charlottenburg 1928, Berlin, Sonnendruckerei, 45 S. Phil. Diss. V. 19. Dez. 1928.

این اثر پایان نامه تحصیلی دکتر تقی ارانی در رشته شیمی است که در اواخر سال ۱۹۲۸ به دانشگاه برلن ارایه و از آن دفاع کرده است. در پایان این تز زندگی نامه کوتاهی (معرفی نامه) به زبان آلمانی درباره دکتر تقی ارانی به چاپ رسیده است که کلیشه سند آن را می بینید.

لازم به توضیح است که در پرونده دانشجویی تقی ارانی نامه ماشین شده ای با امضاء تقی ارانی موجود است که در ماه نوامبر ۱۹۲۸ آن را با مدارك دیگر به مسئولین دانشگاه تحول داده است. این زندگی نامه که توسط خود تقی ارانی نوشته و امضاء شده است، اختلافاتی با زندگی نامه ای که در پایان تز دکترا به چاپ رسیده دارد. از جمله می توان به اختلاف درتاریخ تولد و نام مدارس و غیره اشاره نمود. نگاه کنید به کلیشه زندگی نامه ها.

***

زندگی نامه (۲)

نوشته دکتر تقی ارانی

ترجمه زندگی نامه دکتر تقی ارانی که خود آن را نوشته و امضاء کرده است: *

در روز ۲۱ ماه مارس ۱۹۰۲ در ایران بدنیا آمدم. دوره ابتدائی (شش سال) را در تهران در مدرسه "شرف مظفری" گذرانده و دارای مدرك تحصیلی که ضمیمه است، می باشم.

سال ۱۹۱۵ با ارایه این مدرك در "دارالفنون" (مدرسه ای که تحت پوشش دانشگاه تهران می باشد. دوره آن شش سال و برابر با دبیرستان آلمان است.) پذیرفته شدم. این مدرسه را همواره به عنوان شاگرد ممتاز و با بهترین نمرات در طول شش سال تمام کردم.

کارنامه زیر را که برابر با دیپلم آلمان است به همراه یك توصیه نامه که در آن قید شده که در این سال به عنوان بهترین شاگرد در میان دیپلمه ها بودم، تقدیم می کنم.

پس از آن وارد مدرسه عالی طب در تهران شده و یك سال تحصیل نموده و از عهده امتحانات آن برآمدم. (در این زمینه هم تصدیق نامه همراه را دریافت کرده که ارایه می کنم).

در سال ۱۹۲۲ به برلن آمدم و در ترم زمستانی این سال به عنوان دانشجوی مستمع آزاد در دانشگاه شرکت کردم. سپس در ۱۷ مارس ۱۹۲۳ تحت شماره دانشجویی ۶۱۱۷ به عنوان دانشجوی رسمی در شعبه فلسفه دانشگاه برلن پذیرفته شدم.

از این تاریخ تا به امروز در انستیتوی داروسازی مشغول تحصیل هستم و یازده ترم [شش ماهه] را گذرانده ام. در حال حاضر نیز مشغول دادن امتحانات هستم و می خواهم در رشته شیمی تحصیلات خود را با درجه دکترا به اتمام برسانم.

[امضاء] تقی ارانی

○○○

* این زندگی نامه در پرونده دانشجویی تقی ارانی موجود است. ولی متاسفانه آن دسته از اسنادی که خود وی در زندگی نامه به آن ها اشاره کرده و یادآور شده که به دانشگاه ارایه کرده است، از جمله: "کارنامه دوره ابتدائی"، "دیپلم از دارالفنون" ، "توصیه نامه تحصیلی" و "مدرك از دانشگاه طب تهران" در پرونده موجود نیستند. البته این امکان وجود دارد که بعد از پایان تحصیلات این مدارك را به مجدداً به وی تحویل داده اند و دکتر تقی ارانی آن ها را با خود به ایران برده است. به هر حال در این پرونده حتا رونوشتی از آن ها نیز دیده نمی شود.

552

Lebenslaur.

Am 21.März 1902 in Persien geboren, habe ich in Teheran in der Schule "Scharaf Mosaffari" meine primäre (6-jährige) Ausbildung genossen und besitze darüber das beigefügte Zeugnis. 1915 wurde ich durch obiges Zeugnis in das "Dar-Ol-Fonun" (eine der Universität gehörende, einem Realgymnasium entsprechende 6-jährige Schule) aufgenommen. Diese Schule habe ich stets als erster Schüler, mit bestem Erfolge in 6 Jahren absolviert. Das dem Abitur entsprechende Zeugnis mit einer Extra-Bescheinigung, dass ich als erster Schüler unter allen Abiturienten des Jahres abgegangen bin , füge ich bei.

Hiernach trat ich in die medizinische Hochschule zu Teheran ein, wo ich, nach einjährigem Studium eine Prüfung ablegte. (Die Bescheinigung darüber anbei).

Im Jahre 1922 kam ich nach Berlin und trat als Hospitant im Wintersemester 1922/23 in die Universität hier ein. Am 17.März 1923 wurde ich sub. Nr. 6117 als ordentlicher Student in die Universität Berlin, philosophische Fakultät, immatrikuliert.

Seit dieser Zeit studiere ich im Pharmazeutischen Institut der Universität, habe elf Semester hinter mir und bin dabei, mein Studium auf dem Gebiete der Chemie mit dem Doktor-Examen abzuschliessen.

Taqi Erani

زندگی نامه دکتر تقی ارانی به زبان آلمانی که خود آن را نوشته و امضاء کرده است.

توضیحی درباره "زندگی نامه ها":

* لازم به یادآوری است که در پرونده دانشجویی مورد اشاره، نامه ماشین شده ای با امضاء تقی ارانی وجود دارد که وی آن را در اوایل فوریه ۱۹۲۸ نوشته و همراه با مدارک دیگر به مسئولین دانشگاه تحول داده است. این زندگی نامه که توسط خود تقی ارانی نوشته و امضاء شده است، اختلافات جزیی با زندگی نامه ای که در پایان تز دکترا به چاپ رسیده دارد. از جمله می توان به اختلاف درتاریخ تولد و نام مدارس و غیره اشاره نمود. (نگاه کنید به ترجمه و کلیشه زندگی نامه ها) یکی از دلایل این اختلافات و اشتباهات می تواند به خاطر تبدیل تاریخ ها از هجری قمری به تاریخ شمسی و سپس به میلادی صورت گرفته باشد. به این شکل که در ترجمه مدارک تحصیلی، شناسنامه، پاسپورت و گذرنامه اختلاف و اشتباه در تاریخ ها وجود داشته و در نتیجه این اشتباهات در اسناد بعدی نیز راه یافته است. نباید فراموش کرد که در ایران تنها از سال ۱۳۰٤ (در این تاریخ تقی ارانی در برلن بسر می برد) به بعد است که دولت قانونی از تصویب گذراند که داشتن شناسنامه و اسم فامیل را اجباری می کرد. تا پیش از این تاریخ هیچ گونه اداره و قانونی برای تنظیم و رسیدگی به این امر وجود نداشت. این مهم را خود خانواده ها - آن هم اگر شخص باسوادی در خانواده وجود داشت - انجام می دادند. بدین نحو که در پشت کتاب های قران یا حافظ و مولوی تاریخ تولد و احیاناً مرگ فرزندان خود را می نوشتند. البته این مورد هم بیشتر در میان خانواده های اعیان و اشراف مرسوم بود و عموم مردم که اکثریت آن از دهقانان محروم تشکیل می شد، نام و نشانی از خود باقی نمی گذاشتند.

بنابر این جای هیچ گونه تعجبی نیست اگر در بسیاری از تاریخ ها و از جمله تاریخ های شخصی مانند تولد و غیره تفاوت دیده می شود و گاه حتا در این زمینه "هرج و مرج" وجود دارد. توجه به این مسئله به ویژه برای ما ایرانیان از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا که در ایران تا زمان انقراض سلسله قاجار تاریخ رسمی بر پایه تاریخ هجری قمری بود و بعد از به روی کار آمدن رضاخان تاریخ رسمی کشور به هجری شمسی تغییر یافت. منتها با توجه به نقش دیرینه مذهب اسلام در زندگی مردم و نفوذ روحانیون - به عنوان مراکز اصلی "ثبت احوال" و "اسناد رسمی" مانند ازدواج و طلاق - کاربرد تاریخ های دوگانه قمری و شمسی تا به امروز نیز ادامه پیدا کرده است.

بنابر این با چنین درکی و با توجه به مسئله خاص ما یعنی مورد تقی ارانی که باید برای رفتن به "فرنگستان"، "تذکره" دریافت می کرده و مدارک خود را ترجمه می کرده

است، می توان به چنین اختلافاتی پی برد. پس با توجه به آن چه گفته شد، می توان تفاوت های موجود درباره برخی از تاریخ های زندگی دکتر تقی ارانی را نیز توضیح داد. برای مثال در اسناد گوناگون تاریخ تولد وی به صورت های زیر قید شده است:

در معرفی نامه ای که در پایان تز دکترای او به چاپ رسیده، تاریخ تولد ۲۱ مارس ۱۹۰۲(برابر با ۳۰ اسفند ۱۲۸۰) آمده است.* ولی در زندگی نامه کوتاه دیگری که دکتر ارانی آن را تایپ و امضاء کرده تاریخ تولد خود را ۵ سپتامبر ۱۹۰۲(برابر با ۱۳ شهریور۱۲۸۱) نوشته است.** در برخی از کتاب های منتشر شده و موجود در کتابخانه ملی ایران زیر عنوان دکتر تقی ارانی تولد او ۱۲۷۹ ضبط شده است. علاوه بر این حتا بر سنگ مزار دکتر ارانی در ابن بابویه تاریخ تولد او ۱۲۸۱ نقر شده که قطعاً نمی تواند صحیح باشد، زیرا تا کنون هیچ مدرکی دال بر تایید این تاریخ به دست نیامده است. در حالی که خود دکتر تقی ارانی با دست خط خود در موارد مختلفی بارها تاریخ واحد ۱۳ شهریورماه ۱۲۸۲ را به عنوان تاریخ تولد خود به کار برده و این همان تاریخی است که حزب ما آن را به عنوان زاد روز دکتر تقی ارانی درنظر گرفته است.

این نمونه ها را ما تنها از اسناد کتبی موجود ذکر کردیم و دیگر موارد را مانند خاطرات شفاهی و نقل قول هایی که در کتاب ها و مقالات مختلف آمده است در نظر نگرفته ایم، در غیر این صورت موارد اختلاف بیشتر از این می بود.

لازم به یادآوری است که طی سالیان اخیر "کسانی" خواسته اند با استناد به برخی از مطالبی که حزب توده ایران طی بیش از شصت سال گذشته در گرامی داشت روز شهادت دکتر تقی ارانی - که از جانب حزب ما اکنون ده ها سال است به عنوان روز شهیدان حزب و جنبش اعلام شده است - و به مناسبت های دیگر از وی نامی به میان آمده است و گاه تفاوت هایی در تاریخ ها و بعضاً در بیوگرافی دکتر ارانی دیده می شود، ایراد گرفته و این موارد را "عمدی" از جانب حزب ما معرفی کرده و سعی می کنند به ذهن ها القاء کنند که گویا حزب توده ایران خواسته است در زندگی نامه دکتر ارانی دست برده و تاریخ را "جعل" کند و اتهامات بی پایه ای از این دست.

از آن جا که در این ویژه نامه در جای خود در این باره بیشتر سخن به میان آمده، این مطلب را خاتمه می دهیم و تنها یادآور می شویم که حزب توده ایران همانند گذشته

---

* نگاه کنید به کتاب "خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریك بر روی مواد آلی" (به زبان آلمانی) چاپ دسامبر ۱۹۲۸، صفحه آخر.

** موجود در پرونده دانشجویی تقی ارانی.

دفاع از چهره های ارزش مند جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما، مانند ارانی ها را از اهم وظایف خود می داند. حتا آن زمانی هم که در میان احزاب و سازمان های سیاسی کشور در اجرای این وظیفه "تنها" بوده ایم، و هیچ گاه اجازه نخواهیم داد که ما را با زدن اتهامات، ایجاد جنگ روانی و هجوم تبلیغاتی از این مسیر منحرف کرده و باز دارند.

○○○

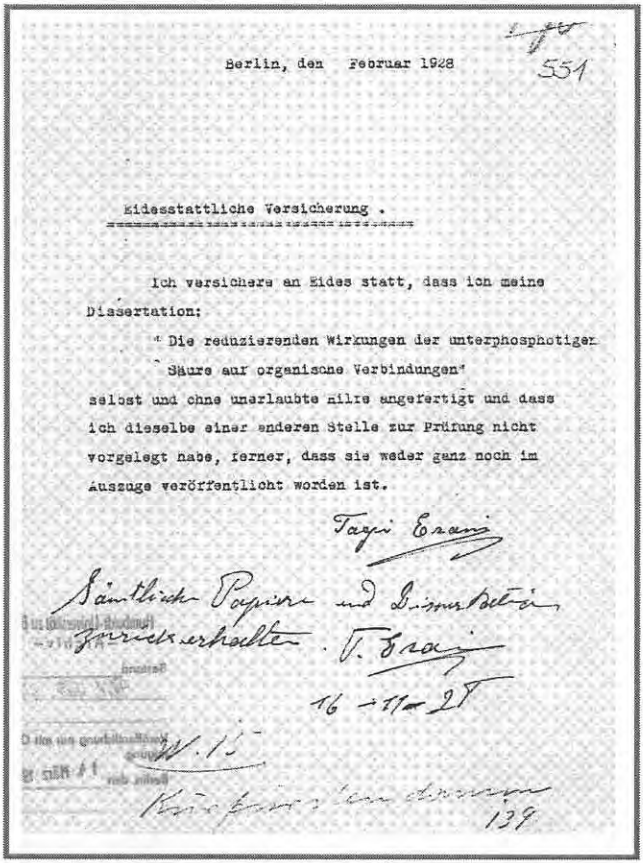

Berlin, den Februar 1928

551

Eidesstattliche Versicherung.

Ich versichere an Eides statt, dass ich meine Dissertation:

"Die reduzierenden Wirkungen der unterphosphotiger Säure auf organisone Verbindungen"

selbst und ohne unerlaubte Hilfe angefertigt und dass ich dieselbe einer anderen Stelle zur Prüfung nicht vorgelegt habe, ferner, dass sie weder ganz noch im Auszuge veröffentlicht worden ist.

Taqi Erani

Sämtliche Papiere und Diplome zurückerhalten. T. Erani

16 - III - 28

139

قسم نامه دکتر تقی ارانی به زبان آلمانی، مبنی بر این که پایان نامه تحصیلی خود را شخصاً و بدون یاری کسی نوشته و پیش از این در جایی منتشر نکرده است.

درباره نام گذاری کارخانه "دکتر ارانی"

(یادکرد از دکتر تقی ارانی به عنوان یک چهره انترناسیونالیستی)

یکی از موضوعات با اهمیت پیرامون زندگی و مبارزه دکتر تقی ارانی، ثبت و ضبط اقدامات و فعالیت های انجام شده بعد از شهادت او در جهت گرامی داشت یاد او است. تا آن جا که به ارزش گذاری و معرفی چهره این انسان مبارز و پیکارگر راه توده ها، مربوط می شود، این گونه اقدامات چه از نظر ارج گذاری بر ارثیه معنوی دکتر تقی ارانی و چه از زاویه دفاع از شخصیت و تلاش برای ادامه راه او، تنها به نیروهای مترقی و پیشرو ایران و به ویژه حزب توده ایران، محدود نمی شود.

دکتر تقی ارانی از آن دسته از رهبران جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما است که آوازه نامش محدود به مرزهای میهن ما ایران نمی شود، بلکه مورد احترام احزاب کارگری و کمونیستی در جهان است. نام دکتر تقی ارانی درشمار رهبران طراز اول این جنبش جهانی به آمده است. درست به همین خاطر است که نام دکتر تقی ارانی، به عنوان رهبر زحمتکشان ایران و مروج بزرگ مارکسیسم و اندیشه های بشردوستانه در خاورمیانه را در ده ها کتاب و انسیکلوپدی اجتماعی که به تاریخ جنبش جهانی کارگری اختصاص دارند، می توان بازیافت.

یکی از نمونه های ارزش مند برای ما کمونیست های ایرانی، موضوع و تاریخچه نام گذاری یك کارخانه بزرگ در کشور آلمان دمکراتیك به نام "دکتر ارانی" است. ما در این جا تلاش می کنیم که به اختصار تاریخچه ای از این نام گذاری را به خوانندگان خود ارایه دهیم. و تنها این نکته را یادآور می شویم که در میهن ما ایران که دکتر ارانی این همه بدان عشق می ورزید و زندگی خود را برای سعادت آن فدا کرد، پس از نزدیك به ۶۵ سال از شهادتش، هنوز خیابانی یا مدرسه و دانشگاهی به نام او نیست. با این وجود ما توده ای ها یقین داریم که هرگز بدین گونه نخواهد ماند و مردم قدرشناس میهن ما روزی که نیروهای مستبد و ارتجاعی دیگر حاکم بر جان و مال مردم نباشند، این وظیفه وجدانی را به جای خواهند آورد و به اشکال گوناگون یاد و خاطره او را گرامی خواهند داشت.

***

گرامی داشت یاد دکتر تقی ارانی در کشور آلمان دمکراتیک

رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان در سال های اول دهه پنجاه میلادی، برای حفظ سنن مبارزاتی خلق ها و هم چنین اعلام همبستگی با پیکار کشورهای تحت ستم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تصمیمات گوناگونی اتخاذ نمود. یکی از این تصمیمات در جهت قدرشناسی و گرامی داشت یاد رهبران برجسته و شهید جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بود. بدین شکل که بعد از ایجاد کشور آلمان دمکراتیك و ملی شدن بسیاری از موسسات و کارخانجات و بازسازی مدارس و دانشگاه ها که در جریان جنگ جهانی دوم نابود شده یا خسارت دیده بودند و هم چنین بازگشایی موسسات و مراکز صنعتی تازه تاسیس، اسامی چهره ها و شخصیت های بزرگ را جهت نام گذاری این موسسات و مدارس انتخاب می کردند. برای نمونه می توان به نام های "کارل لیب کنشت"، "روزا لوگزمبورگ"، "گیورگی دیمیتروف"، "خوزه مارتی"، "هوشی مین" و بسیاری نام های دیگر اشاره کرد.

در ۱۲ دسامبر سال ۱۹۵۷ نیز یك کارخانه تولید مواد پتروشیمی در شهر "اشپرم برگ" (Spremberg) واقع در جنوب شرقی برلن، پس از بازسازی مجدد و گسترش فعالیت تولیدی، با برگزاری مراسم رسمی نام خود را به کارخانه "دکتر ارانی" تغییر داد. در این جشن نام گذاری که با نصب تابلو و پرتره دکتر تقی ارانی بر دروازه ورودی و سالن جشن کارخانه همراه بود، در حضور همه کارگران و برخی از اهالی منطقه از جمله شهردار شهر، پیام کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان قرائت شد که در آن با اشاره به زندگی و مبارزه دکتر تقی ارانی به عنوان فرزند شایسته خلق های ایران، پیش نهاد شده بود که نام او را بر این کارخانه بگذارند. بزرگ علوی* تنها ایرانی که در آن زمان در آلمان دمکراتیك به حال تبعید به سر می برد، و خود یکی از شاگردان دکتر تقی ارانی به حساب می آمد، به این مراسم دعوت شده بود. وی طی سخنان کوتاهی از این اقدام دولت آلمان دمکراتیك تشکر نمود و شمه ای از زندگی دکتر تقی ارانی را برای کارگران این کارخانه بازگو کرد. این مراسم نام گذاری به موقع خود در جراید منطقه ای و هم چنین در روزنامه "آلمان نوین" ارگان مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رادیو

* بزرگ علوی که در سال ۱۹۵۳ برای شرکت در کنگره ای از ایران به کشور اتریش مسافرت کرده بود، با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب خشن حزب توده ایران دیگر به کشور مراجعت نکرد، بلکه از اتریش به برلن رفت و در آن جا به عنوان مهاجر اقامت گزید.]

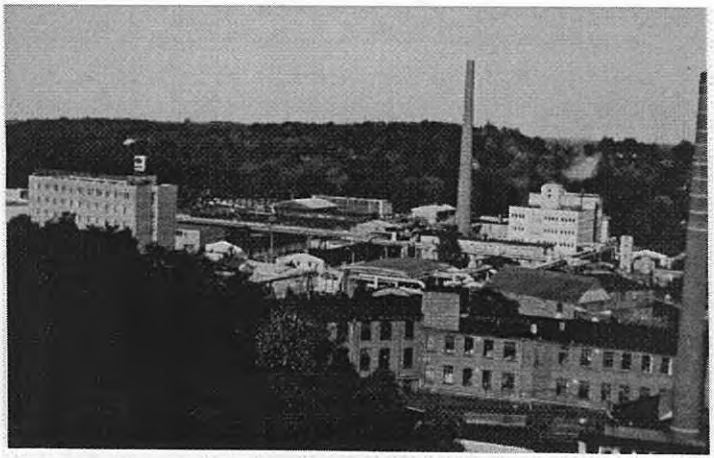

نمای از کارخانه "دکتر ارانی" در اشپرم برگ واقع در حومه برلن

تجمع کارگران کارخانه "دکتر ارانی" برای شرکت در مراسم اول ماه مه

تلویزیون آلمان دمکراتیك بازتاب گسترده ای داشت.

تاریخ تاسیس کارخانه "دکتر ارانی" که تا پیش از این نام گذاری، شرکت سهامی رومل (Roemmler AG) نام داشت به سال ۱۹۰۰ بر می گردد. با تاسیس جمهوری دمکراتیك آلمان به سال ۱۹۴۹ کارخانه مورد اشاره ما که در طول جنگ خسارت دیده بود، بازسازی و فعالیت تولیدی خود را دوباره آغاز کرد. با افزایش تعداد کارگران و هم چنین گسترش محیط آن، این کارخانه به بزرگ ترین واحد تولیدی منطقه تبدیل شد که خود دارای شعبه های مختلف بود. در زمان نام گذاری آن به "دکتر ارانی:ك بیش از ۶۰۰ نفر در آن مشغول کار بودند. این کارخانه دارای مهد کودك، سالن تئاتر و سینما و هم چنین استخر برای کارگران بود. پس از چندی به دلیل بزرگ شدن واحدهای تولیدی این کارخانه نام آن به مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" تغییر یافت. تعدادی از کارگران این کارخانه یك نشریه ماهانه منتشر می کردند که حجم آن بین ۱۲ تا ۱۶ صفحه بود. نام این ماه نامه Elan بود که به معنای شتاب و تلاش است. در زیر عنوان این نشریه این جمله به چشم می خورد: "ارگان کارگران مجتمع صنعتی "دکتر ارانی". که ما در خاتمه این مطلب کلیشه نسخه ای از آن را چاپ می کنیم.

هم چنین عنوان مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" بر روی سربرگ نامه ها، کارت ویزیت کارکنان و مسئولین و هم چنین بر روی بسته های صادراتی به کشورهای مختلف دیده می شد. که از هرکدام نمونه هایی در اختیار ما است.

در دهه ۱۹۶۰ واحدهای تولیدی این مجتمع به ساختمان های جدیدی نقل مکان کردند و از این پس هر یك نام جدیدی گرفتند مانند شعبه تولید عایق "کارل لیب کنشت"، شعبه تولید گاز و انرژی به نام "پیروان صلح" و یا شعبه پتروشیمی "ارنست تلمان" و غیره که جملگی هم چنان تحت پوشش مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" به عنوان کارخانه مادر بودند.

از دیگر نکات مهم درباره این مرکز صنعتی وجود کلوپ های گوناگون ورزشی و فرهنگی و هم چنین بریگادهای کارگری متشکل از کارگران آگاه بود. هدف از تشکیل این بریگادها بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و هم چنین فعالیت های گوناگون اجتماعی بود. در سال های دهه ۶۰ تعدای از کارگران این مرکز صنعتی گردهم آمده و "بریگاد دکتر ارانی" را بنیاد نهادند. از جمله فعالیت های "بریگاد دکتر ارانی" عبارت بود از تخصیص بخشی از حقوق اعضاء برای کمك به جنبش های رهایی بخش در کشور های گوناگون آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین. هم چنین مساعدت و هم بستگی با مردم

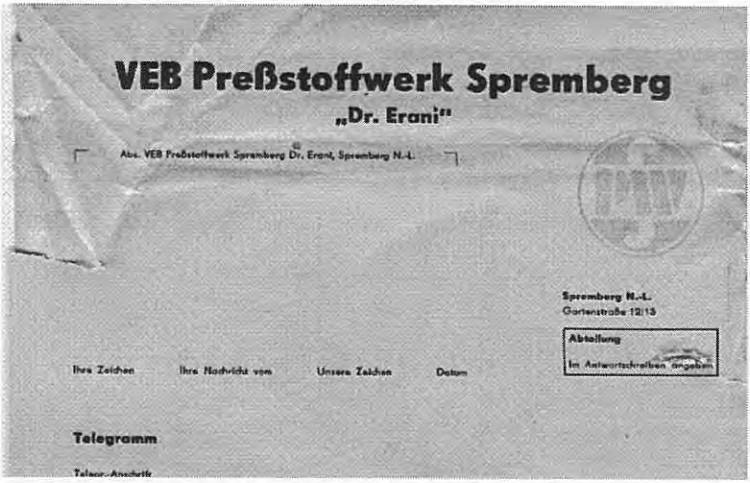
VEB Preßstoffwerk Spremberg
„Dr. Erani"
Abs. VEB Preßstoffwerk Spremberg Dr. Erani, Spremberg N.-L.
Spremberg N.-L.
Gartenstraße 12/13
Abteilung
Im Antwortschreiben angeben
Ihre Zeichen Ihre Nachricht vom Unsere Zeichen Datum
Telegramm

نمونه ای از سربرگ نامه های اداری کارخانه "دکتر ارانی"

elan
Organ der BPO der SED – VEB Preßstoffwerk Spremberg „Dr. Erani"
1. Jahrgang / Nr. 7 Oktober 1969 10 Pfg
ZUM 100. GEBURTSTAG
NÜCHTERN KALKULIER
IM GEISTE LENINS ★★
FDJler überlegen: Was muß ich persönlich tun?

یك نسخه از روزنامه Elan (تلاش، شتاب) که سال های متمادی توسط کارگران این کارخانه منتشر می شد. در زیر عنوان روزنامه نام "دکتر ارانی" دیده می شود.

کشورهایی که به خاطر ایجاد جنگ های خانمان سوز و امپریالیستی در رنج بودند و حمایت مادی و معنوی از آن ها مانند: حمایت از مردم ویتنام در زمان جنگ با امپریالیسم آمریکا، دفاع از مردم فلسطین، اعتراض به کودتای آمریکایی در شیلی و غیره.

نکته قابل اشاره دیگر در ارتباط با مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" برگزاری دهمین جشنواره جوانان و دانشجویان جهان در کشور آلمان دمکراتیک می باشد. این مجتمع میزبان برخی از هیئت های نمایندگی جوانان و دانشجویان از جمله هیئت ایرانی بود.

***

با فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا در سال های پایانی دهه هشتاد، با وحدت دو کشور آلمان، جامعه و ساختار جمهوری دمکراتیک آلمان نیز دچار بحران شدیدی شد. موج بسته شدن کارخانه ها و موسسات و پیدایش پدیده بیکاری در این کشور آغاز شد. مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" نیز طی چند سال با خطر تعطیلی و بسته شدن درهای آن روبرو بود، تا این که در سال های اول دهه ۹۰ یك کنسرن آمریکایی این مجتمع را به قصد سرمایه گذاری جدید، به تصاحب خود درآورد. بالطبع اولین کاری که صورت گرفت، تغییر نام مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" و اخراج بخش زیادی از کارگران بود.

ما برای دست یابی به اطلاعات بیشتر راجع به موضوع نام گذاری کارخان "دکتر ارانی" و هم چنین مراجعه به آرشیو روزنامه ها و مسایل مربوط به نام "دکتر ارانی" به مسئولین جدید این گروه صنعتی نیز نامه نوشتیم. در پاسخی که دریافت کردیم، ضمن ابراز تاسف از این که آرشیوی نزد آن ها موجود نیست، برای رفع "هرگونه سوتفاهمی" آمده است: "ما این نکته را نیز یادآوری می کنیم که در کشور DDR* سابق حقیقت همیشه قلب می شده است."

***

توضیحات:

* مجموعه ای از عکس، اسلاید و نشریات کارگری کارخانه "دکتر ارانی" به اضافه پرتره ای از او که در سالن جشن کارخانه نصب بود، در اختیار ما می باشد که می تواند زمانی مورد استفاده قرار بگیرد. در این ویژه نامه تنها به چاپ کلیشه چند مورد از آن ها اکتفا می شود.

* باید عنوان کرد که تلاش ما برای یافتن پلاك (لوح) کارخانه که به گفته کارگران تصویر

دکتر ارانی بر روی آن حك شده بود به نتیجه نرسید. این احتمال وجود دارد که در بازسازی و تعمیرات ساختمانی کارخانه، نابود شده باشد.

* DDR مخفف جمهوری دمکراتیك آلمان است که مخالفین آن کشور برای عدم برسمیت شناختن آن به کار می برند.

** در حاشیه این مطلب باید خاطر نشان ساخت که در زمان حیات کشور اتحاد جماهیر شوروی نیز خیابانی در شهر باکو به اسم دکتر تقی ارانی نام گذاری شد. متاسفانه تا آماده شدن این ویژه نامه برای انتشار، اطلاعات بیشتری در ارتباط با چگونگی نام گذاری این خیابان و مراسم مربوط به آن به دست نیامد.

Gedanken zur Solidarität

Brigade „Dr. Erani"

Das Kollektiv spendete 1,5 Prozent von der Jahresendprämie für die Solidarität mit den um ihre Freiheit kämpfenden Völkern.

Die Brigade verabschiedete eine Protestresolution, in der sie ihre Abscheu zu den Verbrechen der chilenischen Militärjunta zum Ausdruck bringt.

Brigade „Lilo Herrmann"

Die Mitglieder dieser Brigade spendeten 1972 202,– Mark für Vietnam, 1973 steigerten sie ihr Solidaritätsaufkommen auf 232,50 Mark. Im gleichen Jahr sammelten sie 65,50 Mark für Chile.

Brigade „Edgar André"

Dieses Kollektiv steht mit an der Spitze der Solidaritätsbeweise.

1966 sammelten sie 85,– Mark zur Unterstützung des vietnamesischen Volkes. Zwei Kolleginnen

Freundschaft zum un-

سندی مبنی بر وجود بریگاد "دکتر ارانی" که توسط کارگران آلمانی برای کمك به خلق ها تشکیل شده بود.

اثر نویافته

سخن رانی دکتر تقی ارانی برای دانش آموزان دبیرستان ایرانشهر

اشاره ای کوتاه درباره این اثر نویافته:

دکتر تقی ارانی بعد از پایان موفقیت آمیز تحصیلات عالی خود و مراجعت به ایران، از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۵ طی چندین سال در دبیرستان های مختلف تهران فیزیك، شیمی و بیولوژی تدریس می کرد. از جمله در مدرسه "ایرانشهر" که تا سال ۱۳۱۳ نام سابق آن ثروت بود. برخی از محصلین این دبیرستان هر ساله "سالنامه" مصوری تهیه و در پایان سال به شاگردان و معلمین اهدا می کردند. دو نسخه از این سالنامه ها که یکی مربوط به سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱٤ و دیگری متعلق به سال تحصیلی ۱۳۱٤-۱۳۱۵ در اختیار ما قرار دارد، که در آن ها اشاراتی هرچند کوتاه به دکتر تقی ارانی به عنوان یکی از معلمین این دبیرستان شده است.

در این "سالنامه ها" ضمن ارایه اطلاعات عمومی راجع به دبیرستان ایرانشهر مانند تاریخچه مدرسه، تعداد مدیران، کارکنان (به همراه تصاویر آن ها) و دانش آموزان، گزارشاتی نیز راجع به فعالیت های علمی، درسی و ورزشی چاپ می شد. از آن میان است خبر برگزاری کنفرانس های علمی و ادبی که در سالن سخنرانی مدرسه دارالفنون و گاه در سالن کنفرانس دبیرستان ایرانشهر تشکیل می گردید و اغلب مورد استقبال دانش آموزان و اولیای آن ها قرار می گرفت. در پایان سال برخی از این سخن رانی ها انتخاب و در سالنامه دبیرستان به چاپ می رسید. از آن میان می توان به "نطق دکتر ارانی در جلسه انجمن علمی و ادبی" اشاره کرد، که ما آن را در ادامه این مطلب پس از گذشت نزدیك به هفتاد سال دوباره منتشر می کنیم.

متاسفانه در "سالنامه" تاریخ این سخن رانی ذکر نشده است ولی احتمال دارد که در آذرماه ۱۳۱٤ ایراد شده باشد. موضوع سخن رانی دکتر ارانی راجع به سعادت بشری و تشویق دانش آموزان برای یافتن راه های نو و تلاش برای پیشرفت - چه در زمینه علم و چه در زمینه اجتماعی - است. و هم چنین یادآوری این نکته که انسان موجودی اجتماعی است و باید به نقش و وظایف خود در درون اجتماع کاملاً واقف باشد.

سخن رانی موجز و جالب دکتر ارانی در این کنفرانس از نظر موضوعی نیز به ویژه از این جنبه دارای اهمیت است که به نطق های پیش و پس از سخن رانی وی که توسط علی اصغر حکمت به عنوان وزیر معارف وقت و رشید یاسمی ارایه شده و در این سالنامه آمده است، توجه شود. موضوع و محتوای سخن رانی این دسته از افراد مانند سایرین درباره "صفات عالیه والاحضرت همایونی" و "جلوس اعلیحضرت همایونی و ترقیات معارف" آن هم بسته بندی شده در زر ورقی از تملق و چاپلوسی است. با یك مشت توصیه های میان تهی به دانش آموزان مبنی بر این که "سعادت در کسب علم است" و غیره.

گویی که دکتر تقی ارانی با اشاره به محتوای این گونه "نطق ها" است که در سخن رانی کوتاه خود برای دانش آموزان، به آن ها چنین یادآوری می کند:

"مطلب دیگری که تذکرش را لازم میدانم، گوشزد ساختن عیوبی است که متاسفانه در کنفرانسهای ما حتی ناطقین بزرگ هم مشاهده میشود که حتی المقدور باید برفع آن پرداخت و آن این است که هیچوقت در ضمن ایراد کنفرانس اظهار کوچکی و فروتنی نکنید... از تکرار مکررات حتی الامکان خودداری نموده و در اطراف موضوعهای مبهم عمومی بحث نکنید. مثلاً هیچوقت در اطراف موضوع: "سعادت بشر در کسب علم است" و امثال آن صحبت نکنید که راجع به آنها بسیار حرف زده اند و جز اتلاف وقت نتیجه ای نبرده اند."

علاوه بر این در این سالنامه ها اطلاعات مختصر دیگری نیز پیرامون دیگر فعالیت های دکتر تقی ارانی آمده است. برای نمونه در لیست کنفرانس های سال ۱۳۱٤ زیر نام "دکتر ارانی" تصریح شده که وی تحت عنوان "کلیات و فوائد علم" سخن رانی داشته است. ولی متاسفانه متن آن منتشر نشده و در دست نیست. هم چنین در لیست کارکنان و معلمین دبیرستان ایرانشهر طی سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ نام دکتر تقی ارانی یك بار به عنوان معلم شیمی و فیزیك و یك بار هم تنها به عنوان معلم فیزیك کلاس های پنجم و ششم این دبیرستان قید شده است. در این "سالنامه ها" حتا می توان صورت اسامی دانش آموزانی را که در کلاس های درس دکتر تقی ارانی شرکت می کردند، مشاهده کرد.

جای تاسف این جا است که در این سالنامه ها در حالی که عکس اغلب مرئوسین و معلمین چاپ شده است، ولی تصویری از دکتر تقی ارانی دیده نمی شود.

***

نطق آقای دکتر ارانی

در جلسه دوم انجمن علمی و ادبی دبیرستان

آقایان!

من بسهم خود از شما و هیئت رئیسه انجمن، برای تشکیل اینگونه جلسات که در حقیقت نماینده روح و احساسات و طرز تفکر دانش آموزان است، تشکر نموده و اظهار خوشوقتی میکنم. البته اینگونه مجامع مفید باعث ترقی و معرفی شما در جامعه کنونی و آینده خواهد بود. ما در کلاس همیشه باقیافه جدی و درهم شما، مصادف میشدیم و همواره صحبت از Coswt* میکردیم و روابط نزدیکتری هنوز بین ما ایجاد نشده بود. در صورتیکه باید دانش آموزان و دبیران، دوستان خوبی برای یکدیگر باشند. حقیقتاً چقدر امروز محظوظ شدم، وقتی که از زیر پنجه های عده ای از محصلین، صدای دلکش موسیقی را شنیدم و در چهره سایرین، علامات خوشی و خرمی را هویدا دیدم. بهرحال در این چند دقیقه خوشی شما، من هم مشعوف هستم و اظهار خوشوقتی مینمایم.

راجع به نطق محصلین، اگر بخواهم انتقاد مفصل کنم، وقت زیادتری را لازم می بینم، عجالتاً از تطویل کلام خوداری نموده بذکر این مطلب قناعت ورزیده و با خاطر نشان کردن آن امیدوارم همیشه آویزه گوش و هوش خویش سازید.

ناطق نخستین، ذبیح صدیقیان، گفت: "میخواهیم اینجا تمرین کنیم." این جمله بسیار صحیح بود، زیرا با این حرف میخواست بیان کند، که بواسطه این تمرین ها ما پیشرفت خواهیم نمود، ولی جنبه اجتماعی آنرا رعایت نکرده بود. چه باید دانست که جمله: "من پیشرفت میکنم" منوط به وضع اجتماعی است.

من وقتی خوشوقت خواهم بود، که در بین جامعه ای مسرور زندگانی کنم. اگر شما را در صحرای آفریقا، زیر درخت خرما گذارده و وسائل راحتی شما را از هر حیث مهیا سازند، آیا خوشبخت خواهید بود؟

- خیر، هرگز!

زیرا اجتماع در آنجا نیست. وقتی شما سعادتمند هستید که خیابانهای وسیع، موسسات بزرگ، اونیورسیته های متعدد داشته باشید. آنهم وقتی درست می شود که جامعه اصلاح گردد و جوانان تندرست و مبرز و با علم داشته باشد. پس باید از حالا کمر

* پاورقی: Coswt احتمالاً منظور لفظ "سینوس و کوسینوس" است.

همت بسته و جوانان مملکت را تربیت کنیم، تا بدینوسیله جامعه مراحل ترقی را بتواند پی در پی بپیماید.

همانطوریکه من در مجله "دنیا" هم متذکر شده و نوشته ام: "انسان حیوانی است فلسفی و اجتماعی!" یعنی فکر می کند و در مهد یك اجتماع زندگی مینماید، پس هرقدر انسان به اجتماع بیعلاقه باشد، همانقدر به رتبه حیوانی نزدیکتر گشته و از عالم انسانیت دور میشود.

مطلب دیگری که تذکرش را لازم میدانم، گوشزد ساختن عیوبی است که متاسفانه در کنفرانسهای ما حتی ناطقین بزرگ هم مشاهده میشود که حتی المقدور باید برفع آن پرداخت و آن این است که هیچوقت در ضمن ایراد کنفرانس اظهار کوچکی و فروتنی نکنید، دائم از لغزش خود پوزش خواستن مرتبه دنائت را میرساند. سعی کنید تا خطائی در گفتار شما هویدا نگردد. از تکرار مکررات حتی الامکان خودداری نموده و در اطراف موضوعهای مبهم عمومی بحث نکنید. مثلاً هیچوقت در اطراف موضوع: "سعادت بشر در کسب علم است" و امثال آن صحبت نکنید که راجع به آنها بسیار حرف زده اند و جز اتلاف وقت نتیجه ای نبرده اند.

باید کار کرد، رنج برد تا موفق شد. جدیت کنید که سخن تازه بمیان آورید هرقدر هم کوتاه و کم باشد عیبی نخواهد داشت.

مثلاً در سالنامه سال گذشته تاریخچه دبیرستان را نوشته بودید، اینکار بسیار صحیح و در خور استعداد شما بود. در اطراف مطالب دقیق و فلسفی حرف زدن برای شما ایجاد اشکالات زیادی مینماید از ذکر چیزهائی که بزرگتر و بالاتر از فهم شماست تا میتوانید خوداری کنید، مطالب دیگری بگوئید که کاملاً تازه و بکر باشد.

***

(نقل از سالنامه دبیرستان ایرانشهر. تهران، سال تحصیلی ۱۳۱٤-۱۳۱۵، صفحه ۷۵ تا ۷٦)

***

برلن (پوتسدام مقابل قصر سنسوزی) دسامبر ۱۹۲۷
از سمت چپ دکتر ارانی، نفر سوم علی دشتی، نفر پنجم شیرینلو، نفر هفتم سلیمی

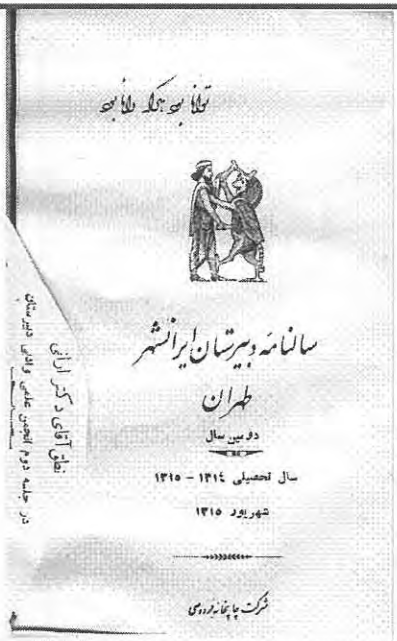

اولین و آخرین اثر

این قسمت اختصاص دارد به موضوع اولین و آخرین اثری که از دکتر تقی ارانی منتشر شده است. تا به امروز قدیمی ترین نوشته ای که از او به چاپ رسیده و به دست آمده، مطلب کوتاهی است با عنوان "یك پیشنهاد بوزارت معارف" به شکل یك توصیه و خطاب به مقامات و مسئولین وزارت معارف، که تقی ارانی آن را به تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۲۳ در ابتدای ورود خود به برلن تحریر کرده و آن را در مجله "آزادی شرق" به چاپ رسانده است.

موضوع این یادداشت کوتاه، درواقع یادآوری و پیش نهاد یك دانشجوی جوان است که پس از ورود به دانشگاه به تجربه دریافته است که یکی از مواد درسی مهم که برای تحصیلات عالی بدان احتیاج می باشد، شناخت و فراگیری زبان لاتین است. امری که در ایران تا آن زمان سابقه نداشت و اغلب دانش آموزان ایرانی در دوره متوسطه فقط امکان آموزش زبان فرانسه را داشتند. منتها تمام اصطلاحات و واژه های علوم به خصوص در رشته های طبیعی ریشه در این زبان دارند و آشنایی مقدماتی با آن یکی از پیش شرط های موفقیت در ادامه تحصیل این رشته ها محسوب می شد.

صرف نظر از پیش نهاد منطقی که در این مطلب نهفته است ما آن را بیشتر به جهت ارزش تاریخی آن به عنوان قدیمی ترین نوشته از دکتر تقی ارانی که تا کنون یافت شده است در این جا مجدداً منتشر می کنیم. باید عنوان کرد که در همین شماره مجله "آزادی شرق" پس از مطلب یاد شده، قصیده بلندی نیز به نام "فریاد میهن" سروده تقی ارانی به چاپ رسیده است.

در این ارتباط ذکر این نکته نیز شاید بی مناسبت نباشد که نویسنده یادداشت خود را تنها با نام فامیل یعنی "ارانی" امضاء کرده است. زیرا او در مکاتبات خود عادت داشته است برای درست تلفظ کردن نام خانوادگی اش حرف اول اسم خود را با کسره بنویسد. در حالی که این امر برای گردانندگان مجله "آزادی شرق" موجب شده است که به خطا رفته و نام اِرانی را ایرانی بخوانند. این اشتباه در همان شماره مجله منعکس است. بدین شکل که مسئولین "آزادی شرق" از سر تشویق و استقبال از مطالبی که تقی ارانی برای آن ها فرستاده قبل مطلب او در یادداشتی با عنوان "ادبیات وطن خواهانه" چندبار

نام او را "ایرانی" نوشته است. قسمت هایی از این مطلب که خالی از لطف نیست و هم چنین حاوی اطلاعاتی در باره تقی ارانی جوان است در زیر می آوریم. این مطلب امضاء "آزادی شرق" را دارد و بخش هایی از آن چنین است:

"ادبیات وطن خواهانه ذیل را یکی از محصلین جدید الورود ایرانی که تحصیلات خود را در دارالفنون ایران به اتمام رسانیده اند و برای اکمال علم فایده مند (شیمی) داخل دارالفنون در برلین برای عملیات شده اند. حقیقت احساسات جوان اینگونه جوانهای تربیت شده بسیار قابل تمجید و تحسین است و امیدواریم که سایر محصلین در آلمان و یا در ایران در عین اینکه مهم ترین تحصیلات خود را میخواهند به اتمام برسانند، عقیده مقدس وطن خواهی مقدم، و خدمت به ابناء وطن را عزیزتر از هر چیزی بدانند تا که در سایه وطن خواهی و ملت دوستی زودتر موفق بمقاصد مقدس شده، و بمرام های خود نایل شوند ما موفقیت آقای ایرانی و سایر جوانان باشوقیکه برای تحصیل و یا اکمال آن به اروپا آمده اند از خداوند قادر متعال خواهانیم و امیدواریم که این عزیزترین اوقات شریف خود را به سیاحت و بیهوده گی نگذرانند، و بزودی با دل خوش و صنایع قیمتی بوطن مقدس خود عودت نمایند.

بشرطیکه مثل بعضی ها خود پسند و میرزا خودرو نشوند، و چند کلمه خوب با بد یادگرفته بروند بلای جان مردم شوند، و یا آنکه بکلی اخلاق رذیل بعضی اروپائیان را یاد گرفته، و با نظر حقارت به اهل مشرق و اهل وطن خود بنگرند، بلکه از دین و ملیت هم بیرون رفته هم دشنام بدین و هم به اهل وطن خود میدهند، بلکه بعضی هم از عودت بوطن مالوف خود متنفر شده، و وقتیکه اسم وطن و اهل آن را در برابرش به برند، میگوید، بابا ولم کن یك مشت شوره زار پر از کور و کچل داریم." [...]

این پاره هایی از مطلبی بود که مجله "آزادی شرق" درست هشتاد سال پیش از این درباره تقی ارانی و به بهانه نوشته ای از او چاپ کرده است. زندگی دکتر تقی ارانی و پایبندی او به ارزش های انسانی و هم چنین مبارزه بی امان او علیه ستم و عقب ماندگی جامعه به درستی نشان داد که او چگونه مستحق تحسین و موارد اشاره شده در بالا بوده است.

***

و اما آخرین اثری که به قلم دکتر تقی ارانی نوشته شده است و ما در این جا می خواهیم آن را مجدداً منتشر کنیم، "بیانیه اول ماه مه ۱۳۱۵" نام دارد. این نوشته نه تنها از جهت شناخت جهانبینی و تعلق و گرایش سیاسی دکتر تقی ارانی به عنوان یك

کمونیست برجسته ایرانی مهم است، بلکه خود "بیانیه" و محتوای آن یکی از اسناد تاریخی و مهم جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما نیز محسوب می شود.

"بیانیه اول ماه مه" آخرین اثری است که تا قبل از دستگیری "گروه ۵۳ نفر" در اردیبهشت ۱۳۱۶ به قلم دکتر تقی ارانی نگارش یافته و در همان زمان توسط اعضاء گروه در مراکز آموزشی و محیط های کارگری پخش گردید. البته از آن رو که دکتر ارانی نویسنده ای فعال و پرکار بود، ممکن است بعد از این "بیانیه" هم مقاله یا اثری نوشته باشد که با دستگیری او دیگر امکان انتشار آن وجود نداشته است. به همین خاطر ما در این مبحث از "بیانیه اول ماه مه" به عنوان آخرین اثر منتشر شده دکتر تقی ارانی یاد می کنیم.

باید یادآور شد که در جریان رسیدگی به پرونده "گروه ۵۳ نفر" و دکتر تقی ارانی به مثابه رهبر آن، این "بیانیه" یکی از موارد اصلی ارتکاب "جرم" به شمار می رفت. و دلیلی بر وجود فعالیت اشتراکی (= کمونیستی) توسط اعضاء گروه بود. به همین خاطر دادستان با استناد به متن "بیانیه اول ماه مه" و مجرم شناختن دکتر تقی ارانی به عنوان نویسنده آن و سایر اعضاء "گروه ۵۳ نفر" به خاطر تکثیر و توزیع آن، خواهان محکومیت آن ها شد.

"بیانیه اول ماه مه" با زبانی منطقی و مستدل - که از وجوه بارز قلم دکتر ارانی است - به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره استبداد سیاه رضاخان می پردازد. این "بیانیه" با نشان دادن وضع زندگی اسفناك توده کارگر (= رنجبر) و دهقان محروم ایرانی، به دفاع از حقوق انسانی آنان می پردازد. "بیانیه" با حمله به نیروهای ارتجاع و وابسته به حاکمیت که در "همه حال ملت را چپاول می کنند" آن ها را افشا نموده و ماسك از چهره آنان بر می دارد. "بیانیه اول ماه مه" علاوه بر تحلیل اوضاع داخلی ایران که خود مانند آیینه ای منعکس کننده شرایط آن روز ایران است. توجه عمده ای نیز به اوضاع جهان دارد و تلاش می کند، سیاست های کشورهای امپریالیستی هم چون انگلیس، خطر قریب الوقوع جنگ و قدرت یابی فاشیسم (ان هم در سال ۱۹۳۶) و غیره را مورد بررسی قرار دهد.

با توجه به خطر وقوع جنگ و هم چنین اهمیت ایجاد یك جبهه واحد از تمام نیروهای آزادی خواه، یکی از شعارهای محوری "بیانیه اول ماه مه" ضرورت تشکیل "جبهه ملی از آزادیخواهان ایران" است. جبهه ای که بتواند ضمن پیکار با ارتجاع داخلی از منافع توده اصلی مردم ایران در قبال دسایس امپریالیسم حمایت کرده و علیه فاشیسم به

مبارزه دست بزنند. از دیگر موارد مهم "بیانیه" خصلت انترناسیونالیستی آن است. به نحوی که مبارزه همه خلق ها را امری مشترك می داند. "بیانیه اول ماه مه" دفاع از صلح و مبارزه با جنگ را که می رود حیات ملت ها را تهدید کند، یکی از وظایف انقلابی همه آزادیخواهان می داند.

امروز با بازخوانی این بیانیه آن هم پس از گذشت ٦٧ سال از زمان نگارش آن توسط دکتر تقی ارانی، می توان به درستی ارزیابی های اشاره شده در آن پی برد. اغراق نخواهد بود اگر گفته شود، هنوز هم بخش های معینی از "بیانیه اول ماه مه" در پس سال ها اهمیت خود را از دست نداده و موضوع روز جامعه ما است. هم اینك نیز مسئله جنگ و صلح، اختناق و دیکتاتوری، سیاست های دول امپریالیستی برای تحمیل خواسته های ضد انسانی خود به سایر خلق ها و از این دست، آن مواردی هستند که "بیانیه" به موقع خود اهمیت توجه به آن ها را متذکر شده بود.

***

یک پیشنهاد بوزارت معارف

نظر به اینکه قسمت مهمی از اصطلاحات علمی که میان تمام ملل قبولیت عام دارد، بزبان لاتینی است، و از همین نقطه نظر است که ملل اروپا تحصیل آنرا که باعث تسهیل کلی در رشته های طب و شیمی و علوم طبیعی است، جزء مواد پرگرام خود نموده اند.

ما توجه وزارت جلیله معارف را به این نکته جلب مینمائیم، که تدریس مختصری از این زبان را برای آشنا ساختن محصلین بریشه و مشتقات لغات علمی در کلاس های عالیه متوسطه معمول دارند، چه برای تکمیل تحصیلات عالیه محصلین علوم طبیعی مخصوصاً از دانستن آن ناگزیرند.

ارانی

(نقل از مجله "آزادی شرق" چاپ برلن. ۲۰ ژانویه ۱۹۲۳، شماره های ۲۸، ۲۹ و ۳۰ صفحه ۹)

***

بیانیه اول ماه مه ۱۳۱۵ (۱۹۳۶)

[به قلم دکتر تقی ارانی]

اول ماه مه روز نمایش قوای رنجبران دنیا است. در چنین روزی آزادیخواهان ایران بتمام رنجبران یعنی عمله ها و دهاتی های ایران، بتوده ملت از کسبه و اصناف و مستخدمین جزء و منورالفکرها با فریاد بلند خطاب می کنند: رفقا سرمایه مالی و فاشیسم که مهلك ترین اسلحه این سرمایه است، در تهیه جنگ بین المللی جدیدی است. این جنگ جهانگیر خونین از یکطرف بین سرمایه داران برای تقسیم و چپاول رنجبران دنیا، یعنی سرزمین شوراها خواهد بود. کانون های جنگهای اول رودخانه راین بین آلمان و فرانسه یا اقیانوس کبیر بین آمریکا و ژاپون یا سر معادن نفت بین آمریکا و انگلیس است.

در یك کانون دیگر که حبشه باشد آتش جنگ با ائتلاف بین انگلیس و ایتالیا و تقسیم یغما بین این دو دسته دزد دارد خاموش می شود. واضح است مراکز جنگهای ضد رنجبری را سرمایه داران میخواهند در سرحدات شوروی قرار دهند.

فاشیسم مهمترین جرقه اشتعال جنگ خونین جدید است زیرا بزرگترین دشمن فاشیسم صلح و آزادی و بزرگترین خطر برای صلح و آزادی فاشیسم است. فاشیسم عبارت از سرمایه داری مسلح است که با بیشرمی تمام اصول انسانیت را منکر میباشد. رفقا، سرمایه انگلیس بوسیله اداره هندوستان بکمك مالیاتهائیکه از خون توده ملت ایران میمکد بدست یك افیونی که او را در صحنه حکومت ایران بعنوان یك ژنی جلوه گر ساخته است بنفع امپریالیزم سه خیانت بزرگ برنجبران دنیا میکند:

اولاً رنجبر و توده ملت ایران را زیر شکنجه قرار داده قدرت اجتماعی ملت را سلب کرده، حاصل دسترنج طبقه زحمتکش ایران را بین خود و سرمایه داران ایران که شاه در راس آنهاست، قسمت مینماید. حاصل زحمت کارگران نفط جنوب را سرمایه داران لندن و ثمر مشقت های دهقان ایرانی را ملاکین داخلی به یغما می برند.

ثانیاً علاوه بر شلاق سرمایه دار، چکمه قزاق هم برای اخذ مالیات بر گلوی ملت ایران است، مالیاتی را که با فشار میگیرد صرف نظام و راه آهن جنگی برای حفظ هندوستان مینماید و میخواهد تا می تواند چنگال از گلوی رنجبران هند برندارد.

ثالثاً میخواهد خود رنجبران را بر علیه وطن رنجبران دنیا مسلح نموده در جنگ بین المللی آینده بدست قشون ایران بخاك شوروی حمله کند.

رفقا، تمام این دستگاه برای چپاول رنجبر ایرانی و سرکوب رنجبر دنیا است.

اما برای چپاول یك ملت فقط دزدان میتوانند بر سر کار باشند. دزدی که برای دیگری میدزدد، قهراً برای خود هم خواهد دزدید، بهمین مناسبت تشکیلات فعلی بنام خود و سرمایه خارجی مقدرات ملتی را بدست دزدان سپرده است. فقط گاه گاه که بین آنها در سر یغما اختلافی پیدا میشود ملت ایران از چند میلیون دزدی که از دسترنج او شده است اطلاع پیدا میکند. محاکم ایران دائماً وزراء و مصادر دیگر امور را که بنام شخصی خود اختلاس کرده و باعث معوق ماندن نقشه دزدان خارجی شده اند محاکمه میکنند... *[این قسمت متاسفانه از میان رفته است]*

.....

راه آهن ایران اهمیت نظامی برای هندوستان دارد. قشون ایران بنفع اجنبی اداره میشود. ازدیاد بودجه دولت بواسطه مالیاتهای کمرشکن است. توده از معارف و صحیه بهره ندارد، فقر و جهل و مرض نصیب توده و خوشی و عیش و نوش سهم ملاك داخلی و سرمایه داری خارجی است.

"آزادیخواهان ایران" تمام ملت ایران را برای استخلاص خود دعوت مینمایند. ما رفقای خود را دعوت میکنیم بنام رنجبران ایران قوای خود را برای انقلاب و تشکیل یك حکومت کارگر و دهقان مجهز نمایند. ما تمام رنجبران و توده ملت ایران را بنام مبارزه با غارتگران داخلی و خارجی و جلوگیری از ظلم و تعدی که بتوده ملت وارد میشود به نگهداری و پشتیبانی پرچم آزادی ایران دعوت میکنیم.

ما تمام ملت از کسبه و اصناف، منورالفکرها، عموم ترقیخواهان، محصلین و زنان جوان فکر را که طرفدار آزادی، صلح، پیشرفت، خوشبختی و رفاه توده ملت و دارای همت و قدرت انقلاب و عمل باشند به طرفداری از منافع حقیقی ملی، مبارزه با جنگ، مبارزه با دستهای خارجی، مبارزه با فریب شونیسم که بوسیله وطن پرستی دروغی و ظاهری حیثیات واقعی ملت را وسیله پیشرفت مقاصد خارجی کرده است، مبارزه با استبداد و مرکز قدرت برای اخذ مالیات و زنجیر کردن توده و اجرای مقاصد سرمایه داران داخلی و خارجی است، به طرفداری از آزادی مطبوعات و انتخابات و نطق و اجرای مواد ملی و آزادی خواهی قانون اساسی موجود و مبارزه با ظلم و دزدی و فساد دعوت میکنیم. ما بتمام شما خطاب میکنیم حکومت ایران طرفدار املاك و سرمایه دار داخلی و

خارجی و دشمن توده ملت است. اگر نبود ملت را تحت شکنجه استبداد که بمراتب سختتر از قرون وسطی است قرار نمیداد و از هر نوع نهضت ملی و اجتماعات ترسان و هراسان نبود، مالیاتهای کمرشکن مستقیم و غیرمستقیم مانند مالیات بر عایدات و قند و شکر را به نفع سرمایه داران بر توده ملت تحمیل نمیکرد و حکومت فعلی تحت فشار جریانات بین المللی و اوضاع دنیا مخصوصاً تاثیر حکومت شوروی و فشار احساسات عمومی بعضی اقدامات که بحال توده ملت مفید است مینماید. اما خوب بفهمید، گول نخورید این اقدامات اجباریست و حکومت فعلی بجهت حفظ جنبه ملی ظاهری خود و تسکین آمال توده در بعضی موارد مجبور بعوام فریبی یا تسلیم شده است.

تمام اینها وسیله است نه مقصود. راه آهن برای خوشبختی ملت ایران کشیده نمیشود، خلع سلاح عشایر از نظر رفاه ملت ایران نیست، بلکه تمام اینها از نظر ظاهرسازی یا بنفع جنگ و یا از راه اجباری و ضروریست. استقلال ظاهری و جنبه ملی را که ایران فعلی دارد باید رهین قدرت حکومت شوروی باشیم و گرنه مطابق قرارداد ۱۹۱۹ ایران جزئی از هندوستان شده بود و مقدرات امروزی ملت حبشه در پایان جنگ بین المللی نصیب ما شد و پس از گسستن زنجیر اسارت تزاریسم روسیه که برگردن ایران انداخته بود الغاء کاپیتولاسیون و سایر امتیازات از طرف شوروی و با وجود یك حکومت مقتدر شوروی دیگر انگلیس نمیتوانست مطابق قرارداد سیاه ایران را به مستعمرات خود ملحق کند.

ملت ایران! همین استقلال محدود را رنجبران دنیا بتو داده اند و گرنه سرمایه مالی فاشیسم و امپریالیسم معامله ئی را که با حبشه کرده بود با تو نیز کرده بود تا قوای ملی توده خود را متحد و قوی نکنی هیچ ضامنی برای بقای استقلال ظاهری و ایجاد یك استقلال حقیقی وجود نخواهد داشت و هر لحظه مقدرات شما دستخوش سیاست دنیا خواهد بود.

بزرگترین خیانتی که حکومت فعلی بنام حفظ منافع طبقاتی مرتکب میشود جلوگیری شدید از هر نوع اجتماع و عمل اجتماعی و تجهیز قوای توده است. نظمیه (شهربانی) با تمام قوا و بودجه سنگینی مامور لگدمال کردن قوای توده است.

تمام ملت ایران را از هر صنف و دارای هر عقیده که باشند دعوت میکنیم که جبهه ملی و صف محکم واحد و متحدی تشکیل داده و بوسیله آن ایران را در جنگ آینده جبراً بحالت بیطرفی نگاهدارند. فقط در سایه طرفداری از صلح خواهیم توانست جوانان خود را از قربان شدن در راه سرمایه خارجی حفظ کنیم.

این جبهه ملی باید قوای خود را برای کوتاه کردن دست خارجی و تشکیل یك

حکومت ملی واقعی که منافع توده ملت ایران را هدف خود قرار دهد برای آزاد کردن مطبوعات و انتخابات مبارزه با جنگ و سرمایه خارجی، دزدی و فساد و فشار مالیاتهای سنگین و برای بهبودی وضع زندگی عمومی و تمدن توده ملت مصروف دارد.

"آزادیخواهان ایران" برای تشکیل یك چنین جبهه ملی دست خود را بطرف ملت ایران دراز میکند و قطعی است که این مبارزه ملت ایران نیز مانند سایر ملل دنیا نشان خواهد داد که پیشقراولان حقیقی تمدن بشر و خلاص کننده توده رنجبر و مبارزه کنندگان جدی و عملی با جنگ و توحش و بربریت همان "سوسیالیسم" است.

"آزادیخواهان ایران" با تمام رنجبران و توده های صلحخواه دنیا همصدا شده نفرت شدید خود را نسبت به تشنگان خون بشر، طرفداران جنگ یعنی فاشیسم آلمان، فاشیسم نظامی ژاپن، فاشیسم ایتالیا، امپریالیسم انگلیس و آمریکا که فاشیسم آلمان را در آغوش خود میپروراند، اظهار میدارند.

ما با تمام ملل دنیا در تنفر از اشغال حبشه بوسیله ایتالیا، اشغال چین بوسیله ژاپن، مقدمات اضمحلال استقلال اطریش از طرف آلمان شرکت میکنیم.

ما بملل فرانسه و اسپانی که توانسته اند در سایه جبهه واحد رنجبران و جبهه ملی با اصول استبداد و فاشیسم مخالفت کرده و مملکت خود را از خطر توحش و بزرگترین دشمن انسانیت و رنجبران خلاص کنند تبریك میگوئیم.

ما از پشت دیوارهای ضخیم محبس های بورژوازی بقهرمانان انقلاب رنجبر، به هزاران محبوس سرمایه داری ممالك مختلفه و "آزادیخواهان" محبس قصر تهران که سالیان دراز بدون محاکمه در محبس مانده بتدریج معدوم میشوند سلام میدهیم. ما به رهیران رنجبران شوراها که با تصمیم فولادین پایه جامعه سوسیالیستی را محکمتر کرده، خلاصی دائمی رنجبران شوروی را از زنجیر اسارت سرمایه تامین نموده پیشرو رنجبران دنیا میباشند سلام میدهیم. ما به بزرگترین تشکیلات رنجبری دنیا و قهرمان رهبری آن "دیمیتروف" سلام میرسانیم.

رنجبران دنیا متحد شوید!

زنده باد انقلاب رنجبری دنیا!

***

توضیحات راجع به بیانیه اول ماه مه:

* این بیانیه تاریخی که به مناسبت اول ماه مه ۱۳۱۵ برابر با ۱۹۳۶ در تهران نشر یافت، نوشته دکتر ارانی است. علاوه بر این، بیانیه یکی از اسناد مورد اتکاء پلیس رضاخانی و دادگاه جنائی آن علیه دکتر ارانی و "گروه ۵۳ نفر" بود.

* متن این بیانیه که از روی یکی از نسخه های به جامانده گرفته شده، در گذشته (دهه بیست شمسی و هنگام فعالیت علنی حزب) در مطبوعات حزبی انتشار یافت و از آن جا که دسترسی به آن دشوار می نمود، برای بقاء در بین اسناد تاریخی مجدداً در مجله "دنیا" (دوره سوم، سال چهارم، شماره ۷، مهرماه ۱۳۵۶، ص: ۱۰ تا ۱۲) به مناسبت هفتادوپنج سالگی زادروز دکتر ارانی، منتشر شد. این بیانیه تاریخی متضمن تحلیل از وضع جهان و ایران در دوران رضا شاه می باشد و از این نظر نیز دارای اهمیت فراوانی است زیرا شرایط آن روز ایران و جهان را در آستانه جنگ جهانی دوم و گسترش فاشیسم و ضرورت تشکیل یك "جبهه ملی" برای مقابله با آن را نشان می دهد.

* در تجدید چاپ این بیانیه، شیوه نگارش و اصطلاحات به همان گونه که در سند آمده، حفظ شده است.

***

طرح چهره دکتر ارانی اثر موید عهد (۱۳۲۶)

سال شمار زندگی دکتر تقی ارانی

۱۲۸۲

تقی ارانی روز شنبه ۱۳ شهریورماه ۱۲۸۲ (برابر با ۵ سپتامبر ۱۹۰۳) در شهر تبریز متولد شد.

پدر او میرزا ابوالفتح خان ارانی تبریزی و مادرش فاطمه آقازاده نام داشت. این دو در تبریز ازدواج کرده و صاحب چهار فرزند شدند. تقی ارانی تنها فرزند ذکور این خانواده است و دارای سه خواهر به نام های ایران، کوکب و شوکت بود.

ابوالفتح ارانی کارمند اداره مالیه تبریز بود.

۱۲۸۵

۱٤ مرداد: امضاء فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه و آغاز کار مجلس شورا.

۱۲۸٦

تقی ارانی چهار ساله است که به خاطر انتقال محل ماموریت پدرش به همراه خانواده به تهران نقل مکان می کند.

در تهران محل سکونت خانواده ارانی محله شیخ هادی است و تقی ارانی در این محله رشد می کند.

۱۲۸۷

دوم تیرماه: به دستور کلنل لیاخوف مجلس شورای ملی توسط نیروی قزاق به توپ بسته شد.

۱۲۸۸

۲٦ تیرماه: خلع محمد علی شاه از سلطنت.

۱۲۸۹

ورود تقی ارانی به مدرسه ابتدایی شرف مظفری (شرف) و آغاز فراگیری و بالندگی.

تقی ارانی که دانش آموزی فوق العاده باهوش و با استعداد است، از همان ابتدا مورد توجه معلمین مدرسه قرار می گیرد.

۱۲۹۳

۳۰ تیرماه: تاجگذاری احمد شاه قاجار.

٦ مردادماه: آغاز جنگ جهانی اول.

۱۲۹٤

در این سال تقی ارانی دروه شش ساله مدرسه ابتدایی را به پایان می رساند.

ثبت نام و آغاز تحصیل در مدرسه متوسطه دارالفنون تهران.

آشنایی با هم شاگردی هایی که بعد ها از یاران نزدیك او در زندگی می شوند، از جمله: دکتر احمد امامی، عبدالحسین حسابی (دهزاد) و...

تقی ارانی جزو بهترین شاگردان دارالفنون است و تا زمانی که در این مدرسه درس می خواند هر ساله به عنوان بهترین شاگرد سال شناخته می شود.

آشنایی با استاد "میرزا عبدالعظیم خان گرگانی" معلم تاریخ و ادبیات دارالفنون که سهم مهمی در پرورش و تکوین شخصیت تقی ارانی نوجوان داشته است. تحت تاثیر استاد و معلم خود به شعر و ادب ایران و ادبیات عرب علاقه مند می شود.

پیروزی انقلاب کبیر اکتبر.

۱۲۹٦

۲۵ آذرماه: لنین رهبر انقلاب کبیر اکتبر طی فرمانی به مسلمانان روسیه و مشرق زمین اعلام کرد که عهدنامه های سری پیرامون تقسیم ایران محو و پاره شده است و نیروی نظامی روسیه خاك ایران را ترك خواهد کرد.

۲٦ آذرماه: دولت بلشویك روسیه طی اعلامیه ای که به ایران فرستاد متذکر شد، هر قرارداد و معاهده ای که حیات ملت و آزادی و استقلال ایران را محدود نماید و در گذشته

دولت روس آن را به زور به ایران تحمیل نموده است، از درجه اعتبار ساقط است.

۱۲۹۷

آبان ماه: جنگ جهانی اول با شکست آلمان پایان یافت.

۱۲۹۸

مردادماه: قرار داد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس توسط وثوق الدوله امضاء شد.

۱۲۹۹

فروردین ماه: قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز.

خردادماه: میرزا کوچك خان و احسان الله خان رهبران اصلی جنبش جنگل، تشکیل هیت دولت خود را اعلام کردند.

اسفندماه: وقوع کودتای سوم اسفند. در جریان این کودتا سید ضیاالدین طباطبائی و رضاخان میرپنج زمام امور را به دست گرفتند.

تقی ارانی جوان با دوستان خود حوادث سیاسی و تحولاتی را که در پایتخت صورت می کرد، دنبال می کند.

نیرو گرفتن از اولین جرقه ها و گرایش به سیاست. شرکت در تظاهرات خیابانی علیه استبداد.

۱۳۰۰

تقی ارانی در این سال مدرسه متوسطه دارالفنون را با نمرات عالی و به عنوان شاگرد ممتاز به پایان می رساند و علاوه بر دریافت کارنامه تحصیلی به عنوان بهترین شاگرد سال از دارالفنون تشویق نامه دریافت می کند.

ارانی جوان یك سال به عنوان دانشجوی طب در تهران درس پزشکی می خواند.

۵ مرداد: قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان.

۱۳۰۱

بر اثر تلاش و پادرمیانی معلمین و استادان دارالفنون و مدرسه طب تهران که تقی ارانی

را شاگردی ساعی و با ذکاوت می بینند، خانواده ارانی به ویژه مادرش فاطمه آقازاده راضی می شود که با رفتن تقی ارانی به اروپا برای تحصیلات عالی موافقت کند.
در پاییز سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) راهی برلن می شود. و پس از مسافرتی طولانی با قطار از راه شوروی و لهستان به آلمان می آید.

از آن جا که از تاریخ ثبت نام ترم زمستانی دانشگاه گذشته است تقی ارانی به عنوان دانشجوی میهمان (مستمع آزاد) در دانشگاه برلن Friedrich-Wihelms-Universität zu Berlin حاضر می شود.

سپس در ترم تابستانی در شعبه فلسفه دانشگاه به عنوان دانشجوی رسمی پذیرفته می شود و تحصیلات خود را در رشته های علوم طبیعی، فیزیك، شیمی و فلسفه آغاز می کند.

در این زمان، محل سکونت وی در برلن محله قدیمی شارلوتن بورگ در خیابان وایمار شماره ۲۷ است. (Weimarer Strasse 27) این خانه متعلق به یکی از شاهزادگان افغانی به نام پرنس عبیدالله خان است که برخی از اتاق هایش را به دانشجویان و مهاجرین از کشورهای مختلف کرایه می داد.

منزل تقی ارانی در این خیابان درست روبروی چاپخانه کاویانی* که در همین خیابان شماره ۱۸ قرار داشت، واقع شده بود.

آشنایی و تماس با سایر ایرانیان مهاجر و دانشجو مقیم برلن از جمله: ابوالحسن علوی، محمد علی جمالزاده، احمد اسدوف (اسدزاده)، محمود پوررضا، علی اردلان، مشفق کاظمی، احمد فرهاد و دیگران**

تقی ارانی که از نظر معیشتی و تامین هزینه زندگی و پرداخت شهریه دانشگاه در شرایط دشواری قرار دارد، روزها در دانشگاه درس می خواند و شب ها در چاپخانه کاویانی به کار می پردازد. او در این چاپخانه در ابتدا به عنوان کارگر معمولی و بعدها به عنوان مصحح و ادیت کننده کتب و نشریاتی که توسط انتشاراتی و چاپخانه کاویانی منتشر می شدند، فعالیت و کار می کند.

---

* چاپخانه کاویانی را نباید با مجله کاوه که پیش از این تاریخ در دو دوره در برلن منتشر می شد، اشتباه گرفت.

** مرتضی علوی، محمد بهرامی و مرتضی یزدی که بعدها با تقی ارانی آشنا می شوند، در این تاریخ در برلن نبودند، بلکه در وین تحصیل می کردند. این سه تن رفته رفته در نیمه دوم دهه بیست به برلن نقل مکان کردند.

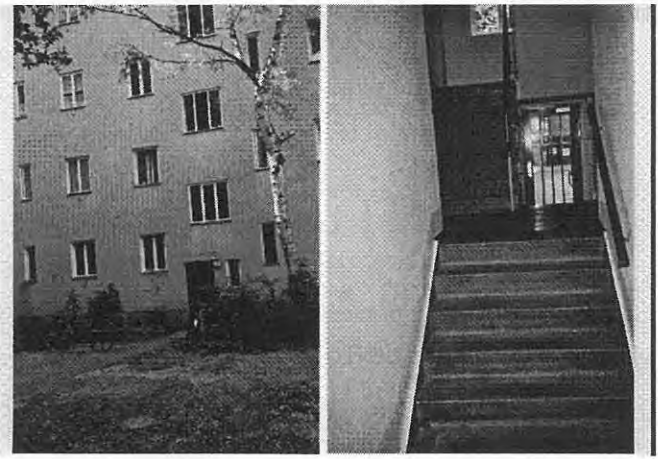

اولین محل سکونت دکتر ارانی در برلن - خیابان وایمار شماره ۲۷

دکتر ارانی سال های آخر سکونت خود را در برلن در این خانه به سر برده است. خیابان فزانن ۲۲

۱۳۰۲

انتشار اولین نوشته از تقی ارانی در مجله "آزادی شرق" در برلن، و آن چاپ مطلب کوتاهی است با عنوان "یك پیشنهاد بوزارت معارف".

انتشار شعر "فریاد میهن" با امضاء "ت. ارانی" در مجله "آزادی شرق" چاپ برلن. این اولین شعر منتشر شده از دکتر ارانی می باشد که تا کنون به دست آمده است.

آشنایی بیشتر با محیط و فرهنگ اروپایی. تشدید علاقه نسبت به علوم انسانی و طبیعی که در دهه بیست قرن بیستم دریچه های نوینی را مقابل بشریت می گشود. حضور پیگیر در کلاس های درس آلبرت انیشتین، ماکس پلانك، پرینگس هایم، شلنکس و بسیاری نام های دیگر که از برجسته ترین دانشمندان و مخترعین اوایل قرن بیستم در جهان بودند.

آشنایی، تماس و با گروهی از شرق شناسان آلمان مانند فریدریش روزن، اویگن میتوُخ و همکاری علمی با آنان.

آشنایی با مکاتب گوناگون فلسفی و اجتماعی از جمله مارکسیست و شناخت برنامه و سیاست حزب کمونیست آلمان که در آن روز از تاثیر گذارترین جریان های سیاسی این کشور بود. آغاز مطالعات پیگیر در زمینه های فلسفی و اجتماعی و علمی و هم چنین یادداشت برداری جهت نگارش آثار و مقالاتی در عرصه های مختلف به زبان فارسی.

۱۳۰۳

گسترش فعالیت مطبوعاتی و چاپ مقالات علمی، اجتماعی و ادبی در مطبوعات فارسی چاپ برلن در دهه بیست میلادی مانند "آزادی شرق"، "نامه فرنگستان"، "ایرانشهر" و "علم و هنر".

فعالیت صنفی و سیاسی در بین محصلین و دانشجویان ایرانی و افغانی مقیم برلن.

۱۳۰٤

۱۵ اردی بهشت: قانون حذف القاب و درجات نظامی سابق از تصویب مجلس گذشته و داشتن نام و نام خانوادگی اجباری شد.

۷ آبان ماه: واعظ قزوینی مدیر روزنامه نصیحت در مقابل عمارت بهارستان به ضرب چند گلوله به قتل رسید. واعظ کیوان قزوینی (پدر بزرگ مرتضی کیوان) از وعاظ و سخنوران قزوین بود و از آزادیخواهان به شمار می رفت. او در قزوین روزنامه

نصیحت را بنیاد نهاد. واعظ قزوینی یکی از کمونیست های قدیمی ایرانی بود.

۹ آبان ماه: با خلع احمدشاه از سلطنت، سلسله فاسد قاجار پس از ۱۵۳ سال منقرض می شود.

۲۵ آذر: رضاخان میرپنج، پادشاهی خود را از تصویب مجلس می گذراند.

۱۹۲۵ (برابر با ۱۳۰٤)

بنا به توصیه برخی از شرق شناسان آلمان، دانشگاه برلن از ترم تابستانی سال ۱۹۲۵، از تقی ارانی جوان که خود هنوز دانشجو است و اینك ۲۲ سال دارد برای تدریس دروس "زبان های شرقی"، "زبانشناسی" و "علم منطق" دعوت می کند. تقی ارانی در مقام استاد شرق شناسی تا پایان تحصیلات دانشگاهی خود و بازگشت به ایران در این دانشگاه تدریس می کند.

بر اثر بهبود نسبی وضع مالی ناشی از تدریس در دانشگاه محل سکونت خود را تغییر می دهد و از این تاریخ به بعد تا پایان مدت اقامت خود در خیابان فَزانن شماره ۲۲ (Fasanen Strasse 22) تقاطع خیابان کودام (خیابان معروف برلن) زندگی می کند.

تقی ارانی در منزل جدید، یادداشت برداری برای تهیه و نگارش کتاب "پسیکولوژی" معروف ترین اثر خود را آغاز می کند.

چاپ کتاب "بدایع سعدی" در برلن به اهتمام تقی ارانی.

کمك و یاری به فریدریش روزن شرق شناس و دیپلمات آلمانی در ترجمه و انتشار کتاب "رباعیات حکیم عمر خیام" به زبان آلمانی در برلن.

انتشار کتاب "وجه دین" (حکیم ناصرخسرو) در برلن توسط تقی ارانی و با مقدمه ای به قلم او.

۱۳۰۵

٤ اردی بهشت: مراسم تاج گذاری رضاخان.

ایرانیان آزادیخواه مقیم برلن در این روز یك گردهمایی اعتراضی علیه تاج گذاری رضا خان برگزار می کنند. در این گردهمایی علاوه بر ایرانیان ساکن برلن افرادی از ملیت های دیگر از جمله آلمانی ها، چینی ها، ژاپونی ها و افغان ها شرکت داشتند. برگزارکنندگان با اجرای برنامه های مختلف و سخنرانی بر علیه رضاخان و دولت

فریدریش روزن دیپلمات و شرق شناس آلمانی. این عکس به همراه اطلاعات دیگر درباره دکتر ارانی توسط بازماندگان وی در اختیار ما گذاشته شده است.
دکتر ارانی در زمینه معرفی و ترجمه ادبیات شرق با روزن همکاری داشته است.

هرمان تومس شیمی دان معروف آلمانی و استاد راهنمای تقی ارانی در دانشگاه برلن

انگلیس، خواهان برقراری جمهوری در ایران هستند. تقی ارانی در کنار برخی از دانشجویان ایرانی دیگر در برگزاری این نشست اعتراضی فعالانه شرکت دارد.

۱۳۰۷

مهرماه: اعزام اولین گروه از محصلین ایرانی به اروپا برای تحصیل. تعداد این دانشجویان ۱۲۰ نفر بود. اسامی برخی از این محصلین که بعدها در عرصه سیاسی ایران نقش ایفا کردند عبارتند از: عبدالحمید زنگنه، کریم سنجابی، سیدعلی شایگان، لطفعلی صورتگر، غلامعلی فریور، عبدالله ریاضی، حسین سامی راد، مهدی بازرگان، رضا رادمنش، احمد حامی و...

فعالیت سیاسی - صنفی تقی ارانی در بین دانشجویان. شرکت در تاسیس انجمن دانشجویی به نام "انجمن ایران" و سپس مدیر این انجمن.

۱۹۲۷

در ماه دسامبر این سال کتاب پسیکولوژی با عنوان اولیه "معرفة الروح" در برلن انتشار می یابد.

تاسیس جمعیت "فرقه جمهوری انقلابی ایران" و انتشار مانیفست آن تحت عنوان "بیان حق" در اروپا به زبان های فارسی و فرانسه. جمعیت مزبور با یاری گروه کمونیست های ایرانی مقیم برلن و شرکت دیگر آزادی خواهان مهاجر تشکیل شد و یکی از سازمان های توده ای حزب کمونیست ایران محسوب می شد. دکتر ارانی، مرتضی علوی و احمد اسدزاده که دایره کمونیستی در برلن را تشکیل می دادند از رهبران اصلی این جمعیت بودند.

انتشار "بیرق انقلاب" ناشر افکار "فرقه جمهوری انقلابی ایران" در برلن.

تقی ارانی کار بر روی پایان نامه (دکترای) خود را زیر نظر پروفسور دکتر هرمان تومس (Prof. Dr. Hermann Thoms) و پروفسور دکتر کارل مانیش (Prof. Dr. Carl Mannich) مسئولین شعبه داروسازی دانشگاه برلن آغاز می کند.

برگزاری کنگره بین المللی "لیگا علیه ستم استعماری و برای رهایی خلق ها" در بروکسل که ده ها هیت نمایندگی از کشورهای مختلف در آن شرکت می کنند. از طرف "فرقه جمهوری انقلابی ایران"، هیئتی متشکل از احمد اسدوف و مرتضی علوی به نمایندگی از ایران در این کنگره شرکت می کنند. هئیت ایرانی با ارایه قطعنامه ای درباره

ایران و سیاست امپریالیسم انگلیس نسبت به آن احزاب شرکت کننده در کنگره بین المللی "لیگا علیه ستم استعماری و برای رهایی خلق ها" را به حمایت از مردم ایران فرا می خواند. این قطعنامه به تصویب کنگره می رسد.

۱۹۲۸

تقی ارانی امتحانات دانشگاهی خود را در رشته اصلی شیمی و رشته های فرعی فیزیك، شیمی صنعتی و فلسفه با موفقیت پشت سر می گذارد.

با ارایه تز خود تحت عنوان: "خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریك بر روی مواد آلی" به دریافت درجه دکترا نائل می گردد.

دکتر تقی ارانی با کوله باری از تجارب سیاسی، مطبوعاتی و علمی خود را برای بازگشت به ایران آماده می کند.

۱۳۰۸

دکتر تقی ارانی (در روزهای پایانی سال ۱۳۰۷ یا اوایل ۱۳۰۸) به ایران مراجعت می کند.

محل سکونت وی در این زمان منزل مادری واقع در چهار راه وزارت جنگ کوچه انتخابیه است.

به عنوان معلم در وزارت معارف (= آموزش و پرورش) به کار مشغول می شود.

آغاز تدریس در مدارس مختلف از جمله: ایرانشهر، دارالفنون و دارالمعلمین (= دانشسرای عالی) و هم چنین در هنرستان قورخانه (= دایره تسلیحات ارتش) رشته های که تدریس می کند عبارتند از شیمی، فیزیك، تکنولوژی و زبان آلمانی.

تماس مجدد و مکاتبه با مرتضی علوی و رفقای مقیم برلن.

ارتباط و تماس با محصلین، دانشجویان و تحصیل کردگانی که از اروپا بازگشته اند. تلاش برای ایجاد تشکل های صنفی و کلوب های اجتماعی و شغلی برای نزدیکی و همیاری بیشتر در بین این اقشار.

۱۳۰۹

تلاش برای تماس و برقراری ارتباط با حزب کمونیست ایران.

کتاب "تئوری های علم" اثر دکتر تقی ارانی در تهران منتشر می شود.

۲ سال اول — ناشر افکار فرقهٔ جمهوری انقلابی ایران — اروپا دسامبر ۱۹۲۸

وکلای دورهٔ هفتم

انتخابات قالبی با سرعت هر چه تمامتر صورت
ت ملاکین و جیره خواران حکومت رضاخان بمقام
ملت" حائز آمدند. یک نظر سطحی که به وکلای
رضاخان بیفکنیم برای یکمرتبه دیگر این حقیقت را
ثابت می نماید که در ایران امروز، طبقه حاکمه طبقهٔ
حکومتی را در دست داشته و آنرا برای حفظ منافع خود
می اندازد همان طبقه اشراف و ملاکین است.
اعظم و بلکه نود درصد از وکلای این
مشهور نواحی مختلفه ایران می باشند
[illegible] (رؤسای [illegible])

که بضرب شلاق خود و امرای لشکر رضاخان بمقام
وکالت پارلمان رسیده اند. ما بقی وکلای پارلمان
همان کاسه لیس های قدیمی رضاخان می باشند
که یک خائنی مانند فرخی با نها اضافه شده
است.

یکی از تظاهرات مخصوص این مجلس هفتم عدم
انتخاب آن دسته از منور الفکر هائی است که
با سیاست کج دار و مریز از یکطرف وجهه ملی
بخود داده و از طرف دیگر بواسطه همین سیاست
شریک جنایات حکومت امروزی می باشند
بهترین نمونه این دسته از منور الفکرها

نسخه ای از "بیرق انقلاب" ارگان "فرقه جمهوری انقلابی ایران" که توسط ایرانیان مقیم برلن در اواخر دهه بیست میلادی منتشر می شد.

آشنایی و دیدار با لادبن اسفندیاری (برادر نیما یوشیج) و هم چنین ارتباط مجدد با دوست دوران کودکی خودعبدالحسین حسابی (دهزاد) از کادرهای برجسته حزب کمونیست ایران.

چاپ کتاب در زمینه های فیزیك، شیمی و روانشناسی برای دانش آموزان دوره متوسطه و توزیع مجانی آن ها در بین دانش آموزان بی بضاعت و محروم.

تهیه و انتقال مجلات و مطبوعات کمونیستی و آثار فلسفی از خارج به ایران، مانند کتا ب های مانیفست حزب کمونیست (نوشته کارل مارکس و فریدریش انگلس)، ماتریالیسم و امپریوکریتیسیم (و. ا. لنین)، لودویگ فویرباخ و انقراض فلسفه کلاسیك (فریدریش انگلس) و مجله آلمانی زبان "مسکوآر روندشاو" (Moskauer Rundschau)

۱۳۱۰

سرکوب خشن سازمان های حزب کمونیست ایران و به اسارت درآوردن اعضاء و کادرهای باقی مانده آن توسط حکومت رضاخان.

خرداد ماه: قانون ارتجاعی "۱۳۱۰" به تصویب می رسد. دکتر تقی ارانی سال ها بعد در دفاعیه تاریخی خود آن را "قانون سیاه" می نامد. ماده اول این "قانون" چنین است: "ماده اول: مرتکبین از جرم های ذیل به حبس مجرد از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهند شد: ۱- هر کس در ایران به هر اسم یا به هر عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و رویه مرام آن اشتراکی است یا عضو دسته و یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرام یا رویه های مزبور در ایران تشکیل شده باشد.

کتاب "پسیکولوژی (علم روح)" این بار با افزوده ها و حجم بیشتری در تهران منتشر می شود.

ایجاد و تاسیس اولین کلاس های علمی برای بانوان توسط ایران ارانی (خواهر دکتر تقی ارانی) زیر عنوان "کلاس پسیکولوژی". بانوان شرکت کننده در این کلاس ها پس از طی دوره آموزشی دیپلم افتخاری دریافت می کردند.

۱۳۱۱

چاپ کتاب در موضوعات گوناگون علمی زیر عنوان واحد "سلسله علوم دقیقه" شامل پنج کتاب و هر کتاب مرکب از چند جلد: کتاب اول: فیزیك، کتاب دوم: شیمی،

کتاب سوم: بیولوژی، کتاب چهارم: پسیکولوژی، و کتاب پنجم: اصول مادی و منطقی علم.

۱۳۱۲

تابستان: تلاش برای گرفتن امتیاز یك مجله علمی - فلسفی و تدارك مقدمات نشر چنین مجله ای از جانب دکتر تقی ارانی.

اوایل مهرماه ۱۳۱۲ نگارش تقاضانامه دکتر تقی ارانی به وزارت "معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه" جهت امتیاز طبع و نشر مجله ای با محتوای "علمی، اقتصادی، صنعتی و اجتماعی".

۱۱ آذرماه ۱۳۱۲ پس از یك کشمکش دوماهه و نامه نگاری های متعدد، از جانب "شورای عالی معارف" امتیازنامه مجله "دنیا" به نام دکتر تقی ارانی صادر می گردد.

اول بهمن ماه: نخستین شماره مجله "دنیا" در هزار نسخه در تهران انتشار می یابد. در سرلوحه مجله دنیا این جمله به چشم می خورد: "دنیا در مسائل علمی، صنعتی، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث می کند"

تا سال ۱۳۱٤ دوازده شماره از این مجله انتشار می یابد. خوانندگان مجله اغلب دانش آموزان مدارس متوسطه، دانشجویان و تحصیل کردگان "فرنگستان" بودند.

بیشترین مقالات مجله دنیا به قلم خود دکتر تقی ارانی است. وی علاوه بر نگارش مطالب عمده مجله با امضاء های مختلف، سهم اصلی را در چاپ، صفحه بندی و توزیع آن برعهده داشته است.

از همکاران اصلی او در تهیه و انتشار مجله "دنیا" می توان از ایرج اسکندری، بزرگ علوی و ابوالقاسم اشتری نام برد.

به ابتکار دکتر تقی ارانی هر هفته دوشنبه ها عصر جلسات درس و مناظره پیرامون موضوعات علمی، فلسفی و اجتماعی در منزل شخصی وی برگزار می گردد. برگزاری این نوع جلسات و روشنگری در میان جوانان و دانشجویان در کنار انتشار مجله "دنیا" یکی از فعالیت های مهم دکتر تقی ارانی بوده و بیشترین سهم را در تبلیغ و راهنمایی قشر جوان، داشته است.

۱۳۱۳

برقراری تماس و ارتباط با نصرالله اصلانی (کامران) یکی از رهبران و سازمان

دهندگان حزب کمونیست ایران.

۸ خردادماه: تاسیس دانشگاه تهران.

تابستان (۱۹۳۳): مسافرت دوباره دکتر تقی ارانی به اروپا و دیدار از کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس.

دریافت اجازه نامه از کتاب خانه لیدن در هلند برای انتشار رساله "شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس" که وی چند سال پیش از این یعنی زمانی که در برلن تحصیل می کرد، آن را استنساخ کرده بود.

۱۳۱٤

۱ فروردین: تاریخ رسمی کشور از ماه های هجری قمری به ماه های شمسی تغییر می یابد.

به تشویق و راهنمایی دکتر تقی ارانی جوانان و دانشجویان "کلوب جوان" را در تهران تاسیس می کنند.

خردادماه: مسافرت مجدد دکتر تقی ارانی به اروپا و اقامت چندماهه در آلمان.

مراجعت از اروپا و اقامت چند روزه در مسکو و دیدار با مسئولین حزب کمونیست ایران و تبادل نظر برای گسترش کار سازمانی، تبلیغی و ترویجی.

کتاب "شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس (تالیف خیام)" با مقدمه و تصحیح دکتر تقی ارانی، در تهران منتشر می شود.

۱۳۱۵

اول فروردین: سرلشگر آیرم، رئیس شهربانی وقت که مورد سوظن رضاشاه قرار می گیرد، از ترس جان خود به خارج از کشور فرار می کند. به جای او رکن الدین مختار (مختاری) با یك درجه ترفیع به ریاست شهربانی کشور منصوب می شود.

ارتقاء شغلی دکتر تقی ارانی و انتقال به اداره کل صناعت.

دکتر تقی ارانی رئیس اداره تعلیمات وزارت صنایع می شود.

اردیبهشت: نگارش "بیانیه اول ماه مه ۱۳۱۵" توسط دکتر تقی ارانی و تکثیر و توزیع آن در محیط های کارگری و مراکز آموزشی.

اسفند ماه: در گذشت ابوالفتح خان ارانی تبریزی پدر دکتر تقی ارانی.

۱۳۱۶

روز شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه دکتر تقی ارانی، شب هنگام توسط مامورین اداره سیاسی در منزل خود بازداشت می شود. ظرف چند روز کلیه افراد مظنون به فعالیت اشتراکی که بعدها تحت عنوان "گروه ۵۳ نفر" معروف می گردند، دستگیر می شوند.

تا روز ۲۱ اردی بهشت بیش از چهل نفر به جرم ایجاد شبکه کمونیستی توسط مامورین اداره آگاهی و سیاسی شهربانی، بازداشت می شوند. اتهام این گروه تبلیغ مرام اشتراکی است.

از همان آغاز دستگیری برای گرفتن اعتراف به "جرم" فشار و شکنجه بر زندانیان وارد می شود.

محل اقامت زندانیان در این وقت، زندان موقت شهربانی است.

دی ماه: پس از اعلام قرار توقیف "اعضاء ۵۳ نفر"، آنان را به همراهی دکتر تقی ارانی از زندان موقت شهربانی به زندان قصر انتقال می دهند.

زندان به مثابه دانشگاه و محیط آموزش نبرد و مبارزه برای "گروه ۵۳ نفر" در این عرصه دکتر تقی ارانی نقش مهمی بازی می کند. برای مثال می توان به نمونه زیر اشاره کرد: "ما هرچه بیشتر در زندان می ماندیم، بیشتر به مصائب و مشقات عادت می کردیم... بر فراز همه قدرت و پشتکار و دلاوری و بی باکی دکتر ارانی پرپر می زد. دکتر ارانی آنی در سلول خود در مدتی که زنده بود آرام ننشست. او بود که به همه ما درس مبارزه داد، او بود که خود نمی ترسید و همه ما را تقویت می کرد[...]

کلیه زندانیان سیاسی چه دسته پنجاه و سه نفر، چه دسته افسران جوان و مهاجرین و چه "دسته خواب نما" دکتر ارانی را می پرستیدند. دکتر ارانی به همه می آموخت، که چگونه در مقابل اداره سیاسی و زندان مقاومت کنند. به آن ها چنین می گفت: "فرض کنید که سر شما در حال عادی قرار دارد و سرنیزه ای زیر گلوی شما نگاه داشته اند، به طوری که اگر سرتان را تکان بدهید تیزی سرنیزه به گلوی شما فرو می رود، در این صورت باید همیشه سر را بالا نگاه دارید و هیچ وقت فرود نیاورید. هر سوالی که در اداره سیاسی از زندانیان سیاسی می شود، مانند همان سرنیزه است که زیر گلوی شما نگاه داشته اند اگر بگوئید "نه" خود را از تیزی سرنیزه دور کرده اید و اگر "آره" بگوئید و تصدیق کنید به دست خودتان خود را به کشتن داده اید."

دکتر ارانی به انواع و اقسام مختلف سعی می کرد با زندانیان صحبت کند. گاهی با زبان خوشی که داشت، می توانست آژان ها را فریب بدهد و آن ها وقتی می دیدند که

دکتر ارانی با دیگران صحبت می کند، ندیده می گرفتند. اما اگر از عهده آژان ها برنمی آمد، به هوای خود آواز می خواند و مطالب خود را با تصنیف هائی که خود می ساخت به مخاطب حالی می کرد. گاهی به فرانسه و یا آلمانی آواز می خواند و تا آژان می آمد که از او جلوگیری کند، دکتر ارانی کار خود را کرده بود." *(از کتاب "پنجاه و سه نفر" نوشته بزرگ علوی. صفحه ۷۰)*

۱۳۱۷

۲۶ مرداد: روز تعیین وکیل "انتخابی"! برای اعضاء گروه بود. وکیل تسخیری دکتر ارانی، "هاشم وکیل" نام داشت.

یك شنبه ۲۷ شهریورماه: زندانیان سیاسی زندان قصر برای مقابله با تضیقات و فشارهای غیر انسانی زندانبانان دست به اعتصاب غذا می زنند. تعداد ۶۰ نفر از زندانیان سیاسی، ظهر این روز از دریافت غذا خودداری می کنند. روز بعد (۲۸ شهریور) این تعداد به صد نفر می رسد. در همین روز فرخی یزدی که خود به جرم مبارزه علیه استبداد رضاخانی در زندان قصر به سر می برد، این رباعی را در ستایش اعتصاب کنندگان سرود:

صد مرد چو شیر عهد و پیمان کردند اعلان گرسنگی به زندان کردند
شیران گرسنه از پی حفظ و مرام با شور و شعف ترك سر و جان کردند

۲۹ شهریور: مسئولین زندان برای "تنبیه" زندانیان سیاسی و درهم شکستن اعتصاب غذای آنان، تعدادی از اعتصاب کنندگان را که در میان آن ها دکتر تقی ارانی نیز دیده می شد، دستبند و پابند زده و مورد شکنجه و آزار قرار می دهند.

در حضور رئیس زندان و دیگر مسئولین، دکتر تقی ارانی را به باغ زندان آورده و سیصد ضربه شلاق می زنند.

۱۱ آبان ۱۳۱۷ محاکمه "گروه ۵۳ نفر" در تالار دیوان جنائی تهران شروع می شود. در این روز ادعانامه دادستان قرائت می گردد. در ادعانامه مدعی العموم (= دادستان) پارکه بدایت، پس از طرح یك مقدمه کلی درباره دستگیری "۵۳ نفر" و متهم کردن آنان به ترویج مرام اشتراکی و اقدام علیه امنیت و "استقلال" کشور شاهنشاهی و هم چنین مراحل کشف و تعقیب و دستگیری متهمین و توضیح عمومی درباره فرقه اشتراکی در ایران، به "اتهامات" هریك از متهمین با ذکر نام پرداخته و دلایل اتهام هریك از آن ها را قرائت می کند. دکتر تقی ارانی متهم ردیف اول است. مدعی العموم در

بخش هایی از ادعانامه خود درباره اتهامات او چنین می گوید:

"۱- دکتر تقی ارانی فرزند ابوالفتح، ۳٤ ساله، رئیس سابق اداره تعلیمات صناعت و استاد دانشکده صنعتی، مجرد، اهل تبریز، مقیم تهران و فعلاً در توقیف احتیاطی متهم است به اینکه علاوه بر عضویت در فرقه اشتراکی از عاملین و موسسین و مبلغین فرقه مزبور بوده و نیز مرتکب جعل اکاذیب گردیده است. با این توضیح که مشارالیه در زمان توقف در برلن با مرتضی علوی که از دانش آموزان ایرانی در برلن بوده، به تبلیغ مرام اشتراکی اشتغال داشته و جراید و مجلاتی بر علیه مصالح کشور شاهنشاهی منتشر می کرده و به این جهت او را از برلن اخراج نموده و فعلاً در روسیه می باشد مربوط و به مرام اشتراکی تبلیغ و پس از مراجعت به ایران با عبدالحسین دهزاد حسابی و لادبن نوری، [برادر نیما یوشیج] که آنها نیز از عمال مبرز فرقه مزبور بوده و فعلاً در روسیه اقامت دارند، روابط مسلکی پیدا نموده و به وسیله صغری دهزاد عیال عبدالحسین با کامران (نصرالله اصلانی) مناسبات و روابط فرقه ای به دست آورده و به وسیله او با عبدالصمد کامبخش و اغلب متهمین رابطه هم مسلکی پیدا کرده مشغول تبلیغ مرام اشتراکی شده و عده ای از دانشجویان و آموزگاران را به عنوان مذاکره و مباحثه در فلسفه و علوم دیگر به منزل خود دعوت و به وسیله خواندن کتب و مجلات اشتراکی افکار و روحیات آنها را به این مرام مجذوب و به عده ای از آنها نیز که مقتضی می دانسته منظور خود را که برقراری مرام اشتراکی است تفهیم و تبلیغ نموده است [...] بنابر این اعمال مشارالیه با ماده اول و ماده پنج قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و ماده ۸۱ و ۲٦۹ مکرر قانون مجازات عمومی منطبق بوده و در حدود این مواد و رعایت ماده ۲ الحاقی به قانون اصول محاکمات جزائی تقاضای حد اشد مجازات را درباره او دارم."

(نقل از روزنامه اطلاعات ۱۲ آبان ۱۳۱۷)

پس از قرائت متن کیفر خواست توسط نماینده دادستانی، وکلای مدافع به دفاع از موکلین خود پرداختند. اکثر وکلای مدافع که وکیل تسخیری بوده و از جانب دادگاه فرمایشی انتخاب شده بودند، متن کیفر خواست را تایید کردند! تنها دو وکیل (دکتر آقایان و قوام الدین مجیدی) از نظر اصولی به دفاع از موکلین خود پرداخته و تبرئه متهمین را خواستار شدند.

۱۳ آبان: دکتر تقی ارانی، دفاعیه معروف و تاریخی خود را در محکمه جنائی تهران طرح کرد. وی به مدت شش ساعت و نیم - هم از روی نوشته و هم از راه سخنرانی - به دفاع از "گروه ۵۳ نفر" می پردازد. دکتر تقی ارانی با بیاناتی مستدل به مخالفت با

دادگاه فرمایشی پرداخت و قانون مصوب خرداد ۱۳۱۰ را که رضاخان برای سرکوب هرگونه صدای مخالفی و به ویژه برای نابود کردن کمونیست ها از تصویب گذرانده بود، یك "قانون سیاه" و ارتجاعی نامید. دکتر تقی ارانی با صدای رسا اعلام کرد: "فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد." وی با منطقی قوی و افشاگر چنین عنوان کرد: "من بدون اینکه بخواهم از عقیده مخصوص طرفداری کنم می خواهم باکمال انصاف بنام آزادی عقاید نکات ذیل را تذکر دهم: چطور می توان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شده، در جمیع شعب فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و منطقی اظهارنظر می نماید؟ هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود به اندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن این همه کتاب تالیف و باین کثرت انتشار یافته باشد و این نشریات از مشکل ترین موضوعات متافیزیك و منطق گرفته تا عملی ترین و تازه ترین مطالب زندگی را در معرض انتقاد و بررسی قرار می دهد. چطور می توان بدون مطالعه کوچکترین ورق از این کتابخانه ها داشتن یك عقیده را با یك قانون ارتجاعی قدغن کرد؟"[...]

دکتر ارانی هم چنین با اشاره به بیانیه اول ماه مه که یکی از مهم ترین مدارك "جرم" پرونده "گروه ۵۳ نفر" محسوب می شد، چنین گفت: "چرا اینقدر از رنجبران می ترسید؟ واقعاً چقدر زننده است که مامورین شهربانی تا چشمشان به ورقه ای که کلمه رنجبر دارد می افتد با سر و کله هجوم می آورند! جن از بسم الله به اندازه شهربانی تهران از رنجبر نمی ترسد. مگر رنجبر تمام جزئیات حیات شما را تامین نمی کند؟ مگر اکثریت ملت ایران به نسبت نه دهم رنجبر نیست؟"

"وظیفه من در اینجا مهمتر از آنست که به دفاع شخص خود بپردازم. من وظیفه عالی و وجدانی دفاع جمعی را اخلاقاً بر عهده دارم. اگر چه اینجا ظاهراً محکمه جنائی است ولی باطناً علاوه بر جلسه درس، یك میدان مبارزه اجتماعی نیز هست."

۲۴ آبان: طی این روز قاضی محکمه جنائی ضمن مطرح کردن "اتهامات" متهمین برای هریك از اعضاء "گروه ۵۳ نفر" رای دادگاه را صادر می کند. دادگاه جنائی در محکومیت دکتر تقی ارانی چنین رای می دهد: "دکتر تقی ارانی برای عضویت فرقه اشتراکی در ایران طبق ماده یك قانون مصوب خرداد ۱۳۱۰ و در نظر گرفتن ماده دو ملحقه به اصول محاکمات جزا محکوم است به ده سال حبس مجرد و برای تبلیغ دیگران به مرام اشتراکی در ایران طبق ماده پنج قانون فوق الذکر و ماده دو ملحقه محکوم است

به سه سال حبس تادیبی و برای نشر بیانیه اول ماه مه ۱۹۳۶ بموجب قسمت "ب" ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی ماده دو ملحقه محکوم است به دو سال حبس تادیبی و مجازات اشد درباره او قابل اجرا می باشد. *(روزنامه اطلاعات ۲۶ آبان ۱۳۱۷)*

پس از گذشت دو هفته از تشکیل دادگاه جنایی تهران به ریاست حسینقلی وحیدی و عضویت محمود درّه و خاتون آبادی و به دادستانی عبدالحسین احمدی بختیاری برای محاکمه "گروه ۵۳ نفر" "ترویج کنندگان مرام اشتراکی و اقدام کنندگان بر علیه امنیت و "استقلال" کشور شاهنشاهی"، این دادگاه با صدور رای بر محکومیت اعضای گروه به کار خود پایان داد. از آن میان ۱۰ نفر (از جمله دکتر ارانی) به ۱۰ سال زندان مجرد (اشّد مجازات)، محکوم شدند.

۱۳۱۸

۹ شهریور: در سحرگاه این روز ارتش آلمان هیتلری به لهستان حمله کرد.

۱٤ شهریور: به کلیه دانشجویان مقیم اروپا دستور داده شد به ایران بازگردند.

۲۵ مهر: فرخی یزدی، شاعر و مدیر روزنامه طوفان و نماینده مجلس در زندان قصر توسط آمپول هوا که به وسیله پزشك احمدی تزریق گردید به قتل رسید.

؟؟؟ زمستان: ادامه تضیقات و شکنجه جسمی و روحی زندانیان سیاسی از جمله شخص دکتر تقی ارانی.

شیوع بیماری تیفوس در زندان قصر و سربازخانه های اطراف آن.

قطع ارتباط دکتر تقی ارانی با سایر زندانیان سیاسی.

در ماه بهمن که برودت هوا چند درجه زیر صفر است، لباس های دکتر تقی ارانی را از وی می گیرند.

۱۰ بهمن ماه: وضع بیماری زندانی رویه وخامت می گذارد.

دکتر تقی ارانی که از بیماری های روماتیسم و ناراحتی قلب رنج می برد به بیماری تیفوس نیز مبتلا می شود.

تلاش سایر زندانیان سیاسی و یاران و شاگردان دکتر تقی ارانی برای رساندن کمك به وی به دلیل مخالفت مسئولین و زندانبانان بی نتیجه می ماند.

در این تاریخ مادر و یکی از خواهران دکتر تقی ارانی به نام شوکت روزهای متوالی با مراجعه به زندان و بردن دارو، غذا و میوه سعی می کنند با زندانی خود ملاقات کنند. ولی این امر با مخالفت مسئولین زندان روبرو می شود. شاهدان عینیبعدها در جریان

دادگاه رسیدگی به جنایات دوره رضاشاه افشا کردند که غذاها و میوه هایی که مادر ارانی برای فرزندش می برد، بی آن که به دست دکتر ارانی برسد، توسط زندانبانان حیف و میل می شد. در حالی که دکتر ارانی در سلولش با مرگ دسته و پنجه نرم می کرد.

مسئولین زندان از قبول درخواست مادر ارانی مبنی بر رساندن دارو و عیادت دکتر احمد امامی (پزشك بیرون از زندان که از دوستان دوران کودکی دکتر ارانی است) جهت درمان و معالجه سر باز می زنند.

۱۲بهمن ماه: دکتر تقی ارانی توانایی حرکت و حرف زدن را از دست می دهد و به اغماء فرو می رود.

انتقال بیمار در وضعیت بحرانی به بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران.

یك شنبه ١٤ بهمن ماه: در این روز قلب یکی از فرزانه ترین و شریف ترین انسان های تاریخ معاصر ایران در سن ٣٦ سالگی از تپش باز ایستاد.

***

پس از شهادت دکتر تقی ارانی:

۱۳۱۸

١٦ بهمن: رسیدن خبر شهادت دکتر تقی ارانی به زندان و برگزاری مراسم بزرگداشت و سوگواری توسط یاران و شاگردان او.

مادر و خواهر کوچك دکتر ارانی به علت آثار عمیق تضیقات در شرایط کشنده بر بدن، و هم چنین تحلیل رفتن و تغییرات جسد قادر به تشخیص فرزند و برادر خود نیستند، در نتیجه شناسایی جسد او توسط دکتر احمد امامی از دوستان قدیمی و خانوادگی آن ها صورت می گیرد.

مراسم خاك سپاری دکتر تقی ارانی در آرامگاه ابدی او واقع در ابن بابویه با حضور خانواده، اقوام و جمع محدودی از دوستان صورت می گیرد.

۱۳۲۰

۱ تیرماه: آغاز حمله ارتش فاشیستی آلمان به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی.

۳ شهریور: اشغال ایران توسط قوای شوروی از شمال و انگلستان از جنوب.

۲۵ شهریور: رضا شاه ازسلطنت کناره گیری می کند.

۲٦ شهریور: سرپاس رکن الدین مختار (مختاری) رئیس شهربانی کشور از کار معزول می شود.

۱۰ مهرماه: بنیادگذاری حزب توده ایران. به همت یاران، شاگردان و پیروان دکتر ارانی و دیگر کمونیست های قدیمی و عده ای از آزادی خواهان حزب توده ایران تاسیس می شود. در جلسه موسسان حزب توده ایران که در منزل سلیمان محسن اسکندری برگزار شد، ۳۸ تن از اعضاء "گروه ۵۳ نفر" یعنی شاگردان و پیروان راه دکتر ارانی نیز شرکت دارند.

۸ آبان: به دستور دادستان دیوان کیفر، سرپاس مختاری رئیس سابق شهربانی و یکی از عمال جنایت کار پلیس رضاخان که متواری است در کرمانشاه دستگیر شده و به تهران اعزام می شود. هم چنین پاسیار راسخ رئیس پیشین زندان توقیف می گردد.

۱۸ آبان: پاسیار نیرومند رئیس زندان شهربانی از شغل خود منفصل و تحت تعقیب کیفری قرار می گیرد.

۱٤ بهمن: به ابتکار حزب توده ایران برای اولین بار تعداد کثیری از مردم که در میان آن ها جمعی از دوستان و یاران و اعضاء خانواده دکتر ارانی نیز دیده می شوند، بر سر مزار او در ابن بابویه گردهم آمده و طی مراسم باشکوهی یادش را گرامی داشتند.

۱۳۲۱

فروردین ماه: احمدی پزشك مجاز بهداری شهربانی متهم به قتل چند تن از زندانیان سیاسی به وسیله آمپول هوا در عراق (جایی که گریخته بود) شناسایی، دستگیر و تحویل ایران داده می شود.

۳ مرداد: اولین جلسه دادگاه متهمین شهربانی برای بررسی جنایات دوره رضاشاه در زندان ها برگزار می شود. متهمین عبارتند از سرپاس مختاری، پاسیار منصور وقار، یاور جهانسوز، پاسیار راسخ، یاور مقدادی، پاسیار نیرومند، پزشك احمدی و عده ای از مامورین اداره آگاهی شهربانی.

دادگاه این عده به دلیل جرایم عدیده و وجود شاهدان زیاد نزدیك به دو ماه طول کشید. سرانجام رای این دادگاه صادر گردید و رکن الدین مختار به هشت سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد. سایر متهمین نیز هر یك از ده سال تا یك سال به زندان محکوم

شدند. البته این دادگاه پرونده های قتل دکتر ارانی، سردار اسعد بختیاری، سید حسن مدرس و فرخی یزدی را جنایی تشخیص داد و آن را برای رسیدگی به دادگاه جنایی تهران ارسال کرد.

۱٤ بهمن: اولین تجمع بزرگ مردم به دعوت حزب توده ایران و قدرت نمایی حزب به مناسبت سومین سال شهادت دکتر تقی ارانی در تهران و سپس برگزاری مراسم سخن رانی و شعرخوانی بر مزار او در ابن بابویه.

۳۰ بهمن: دادگاه عالی جنایی تهران برای رسیدگی به موضوع قتل های سیاسی توسط عمال رضاشاه تشکیل شد و بعد از رسیدگی رای خود را صادر کرد. بنابر احکام صادره پزشك احمدی به دلیل چند مورد قتل عمد به اعدام محکوم شد. هم چنین سرهنگ نیرومند رئیس سابق زندان قصر، به خاطر مشارکت در ارتکاب قتل در چند مورد به زندان ابد، رکن الدین مختار به ده سال حبس و سرهنگ راسخ به شش سال زندان محکوم شدند.

۱۳۲۵

دی ماه: درگذشت بانو فاطمه آقازاده، مادر دکتر تقی ارانی.

۱۳۳۷ (۱۹۵۷)

به ابتکار حزب سوسیالیست متحد آلمان و بنابر تصمیم دولت جمهوری دمکراتیك آلمان در جهت گرامی داشت خاطره رهبران جنبش کمونیستی و کارگری جهان، کارخانه بزرگی در این کشور به نام "دکتر ارانی" نام گذاری می شود.

بعدها به دلیل گسترش فعالیت های تولیدی کارخانه و افزایش چشم گیر تعداد کارگران، نام این کارخانه به "مجتمع صنعتی دکتر ارانی" تغییر می یابد.

۱۹٦۰

تشکیل "بریگاد دکتر ارانی" توسط تعدادی از کارگران آگاه مجتمع صنعتی "دکتر ارانی" برای همیاری و همبستگی با جنبش های رهایی بخش از جمله جمع آوری کمك های مالی و بخشی از حقوق خود برای خلق ویتنام.

"بریگاد دکتر ارانی" در این مجتمع صنعتی تا سال های پایانی دهه هشتاد فعال بود.

❑❑❑

Wer war Dr. Tagi Erani?

Spremberg (Vk). Am 12. Dezember des vorigen Jahres wurde auf der Initiativkonferenz in Spremberg dem VEB Fleischkombinat Spremberg der verpflichtende Name „Dr. Tagi Erani" feierlich vom Mitglied des Weltfriedensrates, dem iranischen Schriftsteller und Weltfriedenspreisträger Professor Alavi verliehen. Alle Teilnehmer dieser bedeutsamen Initiativkonferenz hatten dabei die Gelegenheit, aus dem Munde des Professors Alavi die Biographie des großen iranischen Freiheitskämpfers Dr. Erani zu hören. Da aber der größte Teil der Bevölkerung unseres Kreises Spremberg noch nichts über das Leben und Wirken Dr. Eranis weiß, soll die nachfolgende Biographie dazu dienen, dieses Wissen zu vermitteln.

Dr. Tagi Erani wurde als Sohn eines mittleren Beamten in den ersten Jahren des zwanzigsten Jahrhunderts in Tebrig, einer Stadt im Norden Irans, geboren. Schon als junger Mensch war er infolge Familienzwistigkeiten gezwungen, neben dem Schulbesuch Geld zu verdienen, um den Lebensunterhalt seiner Mutter und seiner drei Schwestern sicherzustellen. Dr. Erani, ein glühender Antifaschist und Freiheitskämpfer, der sein ganzes Leben dem Wohle der irantschen Werktätigen widmete, gelang es trotz Absolvierung der Mittelschule in Teheran nicht, Deutschland zu kommen. Hier hatte er Gelegenheit, in einer irischen Druckerei zunächst als Schriftsetzer und später als Korrektor zu arbeiten und zugleich an der Humboldt-Universität Physik und Chemie zu studieren. Sein Aufenthalt in Deutschland in den Jahren der Weimarer Republik 1921 bis 1923 diente ihm aber nicht nur dazu, die deutsche Wissenschaft zu studieren, sondern Dr. Erani bemühte sich auch, in die Geschichte der deutschen Arbeiterbewegung einzudringen und eignete sich die Lehren der großen deutschen Wissenschaftler Marx und Engels an. Mit der marxistischen Theorie ausgerüstet, kehrte er 1930 in seine Heimat zurück und begann sofort mit der Aufklärungstätigkeit unter den iranischen Arbeitern, Landarbeitern und Intellektuellen. Zur gleicher Zeit wütete im Lande die sogenannte „schwarze Diktatur" und die kleinste Regung gegen den faschistischen Staat und seine Herrscher wurde mit langjährigen Zuchthausstrafen, ja sogar mit dem Tode bestraft. Doch diese Terrormaßnahmen konnten Dr. Erani nicht daran hindern, seinen Kampf gegen die Unterdrücker weiterhin zu führen. So hatte er als Lehrer ständig Verbindung mit der Jugend. Mit der Gründung marxistischer Kreise legte Dr. Erani damals den Grundstein für die spätere Arbeiter- und Bauernpartei im Iran. Um einen möglichst großen Kreis von Menschen für die Verwirklichung der Theorie von Marx und Engels in seiner Heimat zu gewinnen, gab er die Zeitschrift „Donja" („Die Welt") heraus, die einen sehr starken Einfluß auf die iranische Jugend ausübte. Viele Mitglieder der marxistischen Zirkel wurden 1936 auf Befehl des Diktators Reza-Schah verhaftet und zu hohen Gefängnisstrafen verurteilt. Unter ihnen befand sich auch die Kämpfer, Lehrer und Leiter Dr. Tagi Erani. Vier Jahre wurde er und seine Freunde furchtbaren Folterqualen ausgesetzt und sie wurden schließlich am 4. Februar 1941 kurz vor dem Zusammenbruch des Terror-Regimes Reza-Schah im Gefängnis von Teheran bestialisch zu Tode gequält. Dr. Erani, der unsterbliche Gründer der iranischen Arbeiterpartei, ist gleichzeitig auch der Autor einer Reihe geschichts- und naturwissenschaftlicher Werke. Sein Name ist im Iran die Quelle für die Regulierung der werktätigen Massen zum Kampf gegen den Faschismus, für Freiheit, Unabhängigkeit und Frieden.

Der Name „Dr. Erani" ist für die schaffenden Menschen des Freiheitskampfes eine hohe Verpflichtung und die Werktätigen sind sehr stolz auf ihn. Bewußten sie doch täglich mit der Erfüllung ihrer volkswirtschaftlichen und politischen Aufgaben, daß sie geweiht sind, den Namen dieses großen internationalen Arbeiterführers in Ehren zu halten.

معرفی شخصیت دکتر ارانی در روزنامه "آلمان نوین" ارگان حزب سوسیالیست متحد آلمان در ارتباط با نام گذاری کارخانه "دکتر ارانی"

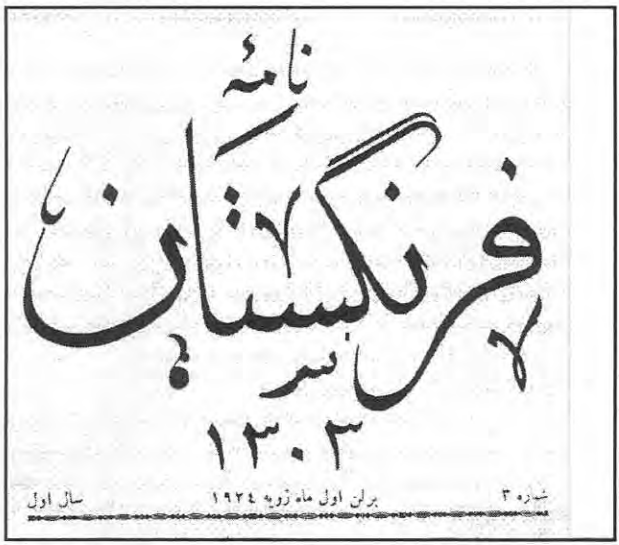

نامهٔ فرنگستان

سر ۱۳۰۳

برلن اول ماه ژوییه ۱۹۲۴ — شماره ۳ — سال اول

تقی ارانی از گردانندگان و نویسندگان مجله "نامه فرنگستان" در برلن بود.

کتاب ها و منابع مورد استفاده:

* برای تهیه این سال شمار و هم چنین دیگر بخش های این ویژه نامه، علاوه بر مطبوعات حزبی به ویژه شماره های گوناگون مجله "دنیا" و "نامه مردم" در دوره های مختلف از کتب و منابعی که در زیر ذکر شده اند، استفاده شده است. علاقه مندان به اطلاعات بیشتر حول و حوش زندگی، فعالیت و شهادت دکتر تقی ارانی می توانند به شماره های مختلف این دسته از نشریات حزبی به خصوص در سال گردهای شهادت دکتر ارانی (در بهمن ماه هر سال) مراجعه کنند.

* در این سال شمار در مواردی که در خود اسناد. تاریخ های میلادی قید شده اند، برای جلوگیری از اشتباه این تاریخ ها عیناً منظور شده اند.

❑ زندگی نامه کوتاه دکتر تقی ارانی به دست خط و امضاء خود وی. (به زبان آلمانی)

❑ پرونده دانشجویی تقی ارانی در آرشیو دانشگاه برلن:

- Humboldt-Universität zu Berlin -Archiv-: Bestand "Phil. Fak. 676"

❑ نامه ها و مکاتبات تقی ارانی با مسئولین دانشگاه: (به زبان آلمانی)

پایان نامه تحصیلی دکتر تقی ارانی: (به زبان آلمانی)

- Die reduzierenden Wirkungen der Unterphosphorigen Saeure auf Organische Verbindungen: Dr. Tagi Erani.

❑ "دیدگاه های دکتر تقی ارانی درباره اجتماع، سیاست و قوانین دولتی": [کتاب] نویسنده اسماعیل حاتم اوغلی طریق پیما. باکو، انتشارات جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی، چاپ اول ۱۹۶۵، (به زبان آذربایجانی)

❑ مجلدات مجله "دنیا" (۱۳۱۲ - ۱۳۱٤): دوره اول به مدیریت دکتر تقی ارانی. تجدید چاپ دوره کامل توسط انتشارات حزب توده ایران، تهران، سال ۱۳۵۸

- Amtli. Personalverzeichnis der Friedrich-Wilhelm-Universität: Rektoratsjahr 118.

- Amtli. Personalverzeichnis der Friedrich-Wilhelm-Universität: für das 117 Rektoratsjahr.

❑ گفت و گو با رفیق علی خاوری در تاریخ ۱٤ فروردین ۱۳۸۲ .

❑ یادداشت های منتشر نشده از رفیق فقید احسان طبری.

- Gesamtverzeichnis des Lehrkörpers der Universität (Asen): Bd. I S. 44

❑ "آرمان": نشریه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران. سال سوم، شماره ٦، شهریور ۱۳٥٦ .

❑ "روزشمار تاریخ ایران": (از مشروطه تا انقلاب). مولف باقر عاقلی. تهران، نشر گفتار ۱۳٦۹ .

❑ گفت و گو با ایران ابراهیمی (خواهر فریدون و انوشیروان ابراهیمی) در تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۸۰ .

❑ گفت و گو با یکی از بستگان دکتر تقی ارانی در آمریکا به تاریخ اول فروردین ۱۳۸۲ (بنا به تقاضای وی از بردن نام او خودداری می شود)

❑ "پلیس خفیه ایران": (مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه شهربانی ۱۲۹۹ - ۱۳۲۰). مرتضی سیفی فمی تفرشی. تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، بهار ۱۳٦۸ .

❑ "فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران": ضیاء الدین الموتی. تهران، انتشارات چاپخش ۱۳۷۰ .

❑ "کتاب شهیدان توده ای": انتشارات حزب توده ایران. تهران، ۱۳٦۰ .

❑ "اسناد، روزنامه ها و آرشیو "کارخانه دکتر ارانی" در آلمان دمکراتیك سابق که در اختیار ما است: Pressstoffwerk "Dr. Erani"

❑ "یادنامه سید محمد علی جمالزاده": به کوشش علی دهباشی. تهران، ناشر ثالث، چاپ اول ۱۳۷۷ .

❑ "محاکمه محاکمه گران": (عاملان کشتار سید حسن مدرس، فرخی یزدی، تقی ارانی و سردار اسعد بختیاری) تدوین محمد گلبن و یوسف شریفی. تهران، نشر نقره ۱۳٦۳ .

❑ "پیکار": نشریه حزب توده ایران برای دانشجویان. دوره دوم، سال اول، شماره ٤، آذر و دی ۱۳٥۰ .

❑ "اسناد مطبوعات": (۱۲۸٦ - ۱۳۲۰). به کوشش مسعود کوهستانی نژاد و کاوه بیات. انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران، چاپ اول ۱۳۷۲ .

❑ "پلیس سیاسی عصر بیست ساله": خسرو معتضد. تهران، انتشارات جانزاده، سال ۱۳٦۹ .

❑ مصاحبه و گفت و گو با برخی از کارگران و مهندسین سابق "مجتمع صنعتی دکتر ارانی": Pressstoffwerke "Dr. Erani

- ❑ شماره های مختلف مجله "ایرانشهر": چاپ برلن، در دهه بیست میلادی.
- ❑ شماره های مختلف مجله "نامه فرنگستان": چاپ برلن. طی سال های ۱۹۲٤ تا ۱۹۲۵
- ❑ شماره های مختلف مجله "آزادی شرق": چاپ برلن، در دهه بیست میلادی.
- ❑ "پسیکولوژی": نوشته دکتر تقی ارانی.
- ❑ "تئوری های علم": اران تقوی. [از سری کتاب های جلد سفید و به همین دلیل با امضاء تغییر یافته "اران تقوی" به جای تقی ارانی] تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۷
- ❑ "مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت": سولماز رستموا - توحیدی. نشریه روزنامه "آذربایجان" باکو ۱۹۸۵ .

- Lag Berlin in Persien?: Ahmad Mahrad. Artikel in: Revolution in Iran und Afghanistan. Syndikat Verlag, Frankfur am Main, 1980.

- ❑ "پنجاه و سه نفر": نوشته بزرگ علوی. موسسه انتشارات نگاه، تهران: ۱۳۸۱
- ❑ "دانشنامه خیامی": (مجموعه رسائل علمی و فلسفی و ادبی عمربن ابراهیم خیامی). به اهتمام رحیم رضازاده ملك. نشر علم و هنر و نشر صدای معاصر، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷ .
- ❑ "نامه مسئولین کارخانه اشپره لا" Sprela GmbH ("کارخانه "دکتر ارانی" سابق) به تاریخ ۲٤ سپتامبر ۲۰۰۲ به زبان آلمانی.
- ❑ "مجله "دنیا" ویژه نامه ارانی": نشریه تئوریك - سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران. دوره دوم، سال دهم، شماره ٤، زمستان ۱۳٤۸ .
- ❑ "روزنامه اطلاعات": شماره های: ۱۱ آبان ۱۳۱۷، ۱۲ آبان ۱۳۱۷، ۱۸ آبان ۱۳۱۷، ۲۵ آبان ۱۳۱۷ و ۲٦ آبان ۱۳۱۷ .
- ❑ "رجال آذربایجان در عصر مشروطیت": مهدی مجتهدی. تهران: ۱۳۲۷ .
- ❑ "قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز": علی آذری. تهران: ۱۳۳۹ .

***

نصب لوح یادبود به مناسبت صدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی

با فرارسیدن ۱۳ شهریورماه ۱۳۸۲ (برابر با ۵ سپتامبر ۲۰۰۳) صد سال از تولد دکتر تقی ارانی، یکی از برجسته ترین چهره های جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما می گذرد. به همین مناسبت و برای ارج نهادن به زندگی و مبارزه این انقلابی بزرگ میهن ما حزب توده ایران در صدد بر آمد که به استقبال این روز فرخنده رفته و یاد او را به طرق گوناگون گرامی بدارد.

یکی از اقداماتی که حزب ما در این زمینه تا کنون انجام داده است، نصب تابلو یادبود دکتر تقی ارانی در مرکز شهر برلن پایتخت آلمان است. همان شهری که دکتر تقی ارانی دوران دانشجویی خود را در دهه بیست میلادی با موفقیت پشت سر گذاشت و در همین شهر نیز با اندیشه های کمونیستی آشنا گشته و به مبارزه انقلابی و سازمان یافته روی آورد.

این تابلو بر روی دیوار خانه ای نصب شده که دکتر تقی ارانی چند سال از عمر خود را در آن بسر برده است. این خانه در خیابان فَزانن شماره ۲۲ (Fasanen Strasse 22) در محله قدیمی شارلوتن بورگ واقع شده و دکتر تقی ارانی بین سال های ۱۹۲۵ تا اوایل ۱۹۲۹ یعنی تا زمان بازگشتش به ایران، در آن سکونت داشته است. خیابان فَزانن در یکی از قدیمی ترین و معروف ترین محله های برلن واقع شده است که در همان دهه بیست میلادی شخصیت های سیاسی، اجتماعی و هنری برجسته از جمله: گیورگی دیمیتریف، کته کُلویتس، هاینریش مان و بسیاری از چهره های معروف دیگر در این خیابان ساکن بوده اند و تابلوهای فراوانی که بر سردر خانه های این محله نصب شده و از این چهره ها یاد می کند، نشان از این دارد. برای نمونه در همسایگی خانه ای که دکتر تقی ارانی در آن سکونت داشت، یعنی در خانه شماره ۲۴ هم اکنون موزه نقاش و مجسمه ساز معروف آلمان کته کُلویتس قرار دارد، زیرا که کته کُلویتس در همان سال های دهه بیست مدت ها در آن جا سکونت داشته است و به همین خاطر نیز امروزه آن خانه را تبدیل به موزه کرده اند. هم چنین در ساختمان مجاوری که تابلو یادبود دکتر تقی ارانی بر روی دیوار آن نصب گردیده، "خانه ادبیات" برلن قرار دارد که محل دیدار و نشست نویسندگان و

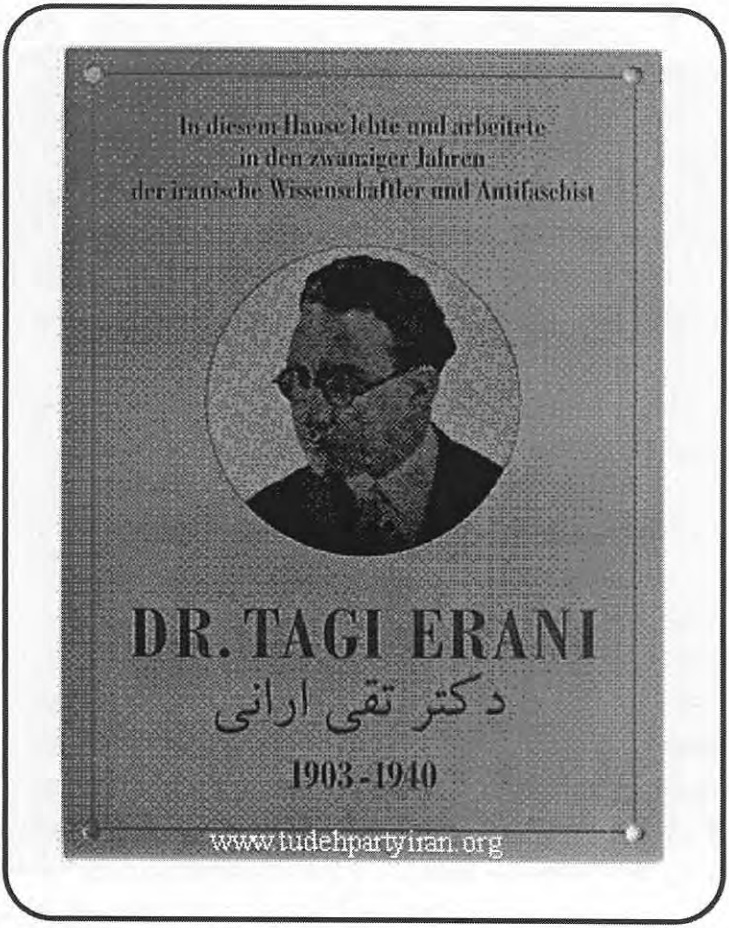

بر روی لوح یادبود نوشته شده است:

"در این خانه در سال های دهه بیست، دانشمند و مبارز ضد فاشیست ایرانی، دکتر تقی ارانی زندگی و کار می کرده است."

شاعران از سراسر جهان و مکان برگزاری شب های شعر و سخنرانی در برلن است.

از دیگر موارد قابل ذکر که به نحوی به خانه محل سکونت دکتر تقی ارانی مربوط می شود این است که وی یادداشت های کتاب معروف خود با عنوان "پسیکولوژی" را در این خانه به اتمام رسانده است. زیرا دکتر تقی ارانی در پایان مقدمه ای که بر کتاب پسیکولوژی نوشته، چنین قید کرده است: "برلن دسامبر ۱۹۲۷" و این دلالت بر آن دارد که وی پس از فراغت از تحصیل و کار در چاپخانه و دانشگاه، مدت ها در این خانه مشغول نگارش این اثر بوده است. علاوه بر این دکتر تقی ارانی در این خانه با سایر کمونیست های ایرانی ساکن برلن و دیگر انقلابیون و مهاجرین دیدار و ملاقات داشته است.

مجموعه این مناسبت ها و بویژه فرارسیدن صد سالگی زادروز دکتر تقی ارانی انگیزه ای شد که با نصب تابلو یادبودی در این مکان توسط حزب توده ایران از شخصیت دکتر تقی ارانی تجلیل شده و یاد او را گرامی بدارد.

"نامه مردم" برای اطلاع رفقا، دوستان و علاقه مندان، در زیر گزارش کوتاهی را از مراسم کوتاه و مختصری که به این خاطر از جانب حزب ما برگزار شد، منتشر می کند:

در روز شنبه ۷ شهریورماه تعدادی از رفقای توده ای برای شرکت در مراسم پرده برداری از لوح یادبود، در محل حاضر شدند که در میان آنان رفیق خاوری نیز حضور داشت. رفیق خاوری درباره شخصیت دکتر تقی ارانی سخنانی ایراد کرد و از جنبه های مختلف علمی و انقلابی فعالیت های وی را ستوده و نقش و اهمیت او را به عنوان یکی از چهره های فروزان تاریخ معاصر ایران یادآور شد. علاوه بر این رفیق خاوری هم چنین به فرارسیدن صدمین سال تولد دکتر تقی ارانی (در ۱۳ شهریور امسال) اشاره کرده و یادآورشد که این روز برای حزب توده ایران و سایر پیروان سوسیالیسم علمی روز فرخنده ای است که باید به نحو شایسته ای آن را گرامی داشت.

در پایان این مراسم مختصر و کوتاه، از لوح یادبود که توسط پارچه های رنگین و تاج گل اهدایی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران پوشیده شده بود، پرده برداری شد.

بر روی تابلو نصب شده علاوه بر عکس رفیق دکتر تقی ارانی و تاریخ تولد و تاریخ شهادت او این نوشته نیز جلب نظر می کند: "در این خانه در سال های دهه بیست، دانشمند و مبارز ضد فاشیست ایرانی، دکتر تقی ارانی زندگی و کار می کرده است."

***

از آن جا که برای حزب توده ایران به عنوان ادامه دهنده راه دکتر تقی ارانی و دیگر

پیروان و علاقه مندان او متاسفانه در داخل کشور به دلیل وجود استبداد و حاکمیت ارتجاع هیچ گونه امکانی برای گرامی داشت یاد و خاطره این شخصیت بزرگ و مبارز وجود ندارد، و طبعاً نمی توان درصدمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی آن گونه که شایسته شخصیت علمی و انقلابی او است، از وی یاد کرد، نصب لوح یادبود، گام کوچکی است در گرامی داشت خاطره این انسان شریف. با این امید که روزی در آینده نزدیك بتوان آن چنان که در خور دکتر تقی ارانی است از او تجلیل به عمل آورد. متاسفانه هنوز هم در میهن ما که دکتر ارانی جان خود را برای سعادت و آبادانی آن فدا کرد، خیابانی به اسم او نیست، هنوز هم مدرسه ای نام او را بر پیشانی ندارد. آری در دوره استبداد رضاخانی از نام دکتر ارانی می ترسیدند و امروز نیز در دوره استبداد ولایت فقیه هم چنان از نام او می ترسند.

***

رفیق علی خاوری در مراسم پرده برداری از لوح یادبود دکتر تقی ارانی به مناسبت صدمین زادروز این آموزگار بزرگ کارگران و زحمت کشان ایران از جمله گفت: "امسال حزب توده ایران و پیروان سوسیالیسم علمی صدمین سالگرد تولد انسان ارجمند و بزرگی را برگزار می کنند که با وجود عمر کوتاه خود بشمار سال ها، از برجسته ترین مشعل داران اندیشه و رزم رهایی انسان های کار و زحمت بود.

او کرسی استادی در دانشگاه معتبری مثل دانشگاه برلن و همه امتیازاتی که ادامه کار و پژوهش های علمی اش می توانست برای او به ارمغان بیاورد باقی گذاشت و به کمك جامعه و میهنی شتافت که سخت ستمدیده و عقب مانده بود، جامعه و میهنی که از جانش بیشتر دوست می داشت. او در ظلمات استبدادی رضاخانی بینش، روش و منشی ارایه کرد که به حق مشعل راهنمای شاگردان و رهروان راهش شد.

دکتر تقی ارانی حدود پنج سال از عمر کوتاه خود را در این خانه بسر برده است. نصب این لوح یادبود در صد سالگی تولد آموزگار زحمتکشان میهن ما بر سردر این خانه سپاس و محبت حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما - حزب توده ایران را نسبت به این رادمرد تاریخ رزم های رهایی بخش توده های کار و زحمت ایران، به همراه دارد. یادش گرامی و راهش پُر رهرو باد!"

***

(نقل از "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران. دوره هشتم، شماره ۶۶۸، ۱۱ شهریورماه ۱۳۸۲)

عکس تابلو یادبود پس از نصب در خانه شماره ۲۲ خیابان فزانن در محله شارلوتن بورگ برلن

کتاب شناسی (۱)

فهرست آثار و مقالات دکتر تقی ارانی

چند یادآوری درباره شیوه تهیه این کتاب شناسی:

دکتر تقی ارانی در طول زندگی کوتاه خود (۳۶ سال) آثار فراوانی اعم از کتاب و مقاله در زمینه های گوناگون نوشته و منتشر کرده است. عرصه فعالیت نویسندگی او دایره وسیعی را دربر می گیرد: از مباحث علمی و فنی گرفته تا موضوعات اجتماعی، فلسفی، زبان شناسی، ادبیات، روانشناسی وغیره.

متاسفانه تا کنون به دلایل گوناگون و مهم تر از همه وجود دیرینه سال نظام های دیکتاتوری و قیچی پرکار سانسور در کشور ما، امکان جمع آوری و انتشار مجموعه آثار دکتر تقی ارانی وجود نداشته است. هر چند که حزب توده ایران در دوره های مختلف حیات خود تلاش هایی در این زمینه انجام داده و بخش هایی از آثار این شخصیت برجسته جنبش کارگری ایران را در مطبوعات خود منتشر کرده است. با این حال هنوز جای مجموعه آثار او خالی است، و این مهم باید دیر یا زود توسط حزب ما به عنوان ادامه دهنده پیگیر راه ارانی انجام پذیرد.

بدون شك اولین قدم در این راه تهیه فهرست کاملی از آثار دکتر تقی ارانی است. که اولاً مانع نابودی و به فراموشی سپردن آن ها شود و درثانی زمینه جمع آوری، حفظ و نگهداری مجموعه آن ها را فراهم آورد. علاوه بر این، تهیه چنین فهرستی، این امکان را نیز به نویسندگان، پژوهش گران و سایر علاقه مندان می دهد که در این زمینه بتوانند با دستیابی به این گونه آثار و مقالات، در این عرصه به فعالیت بپردازند.

با درك این ضرورت ها است که فهرست زیر از آثار دکتر تقی ارانی تهیه شده که قطعاً کامل نیست و چه بسا در مواردی نیز دارای خطاهایی باشد. به همین جهت، ما در این جا از خوانندگان و دیگر علاقه مندان، برای هرچه کامل تر کردن این کتاب شناسی و رفع خطاهای آن یاری می طلبیم.

***

برای استفاده از این کتاب شناسی توجه به چند نکته ضروری است:

❑ تنظیم این فهرست بر حسب تاریخ انتشار آثار و مقالات دکتر تقی ارانی صورت گرفته است.

❑ در این کتاب شناسی تنها آن دسته از سرشناسه ها (عناوین) ضبط شده است که حداقل یك نسخه از آن ها در اختیار ما می باشد. مگر در مواردی که وجود آن ها مثلاً در کتاب شناسی های گوناگون با عنوان واحد قید شده باشد. در نتیجه ما آن موارد را نیز عیناً فیش برداری کرده ایم.

❑ این فهرست اطلاعات کتاب شناسی زیر را به دست می دهد: * سرشناسه یا عنوان مطلب که با خط **درشت** و داخل گیومه ("...") مشخص شده و بعد از آن دو نقطه (:) آمده است. * اگر عنوان دارای تیتر دومی (زیر تیتر) نیز باشد، مورد اخیر بعد از سرشناسه در داخل پرانتز (...) آمده است. * ذکر امضاء نویسنده (با اشکال مختلف آن)، برای نمونه: "اران تقوی"، "ت. ارانی"، "احمد قاضی"، "ارانی شیمیست" و غیره. * منبع یا ماخذ (نام کتاب یا مجله و روزنامه) که با حروف *ایرانیك (کج)* مشخص شده با اطلاعات مربوط به آن (مانند: دوره، شماره، سال انتشار، شماره صفحه.) * محل نشر. * ناشر. * تاریخ نشر. * تعداد صفحات اثر یا مقاله که سرشناسه مربوط به آن است.

نمونه زیر روشن کننده این مطلب است:

❑ **"اصول علم روح"**: (پسیکولوژی عمومی). *سلسله اصول علوم دقیقه*. تالیف: دکتر ت. ارانی. تهران: تاریخ طبع، خردادماه ۱۳۱۱، مطبعه سیروس، ۳۶۸ صفحه.

❑ اگر در مواردی ترتیب اشاره شده در بالا رعایت نشده یا اطلاعات کتاب شناسی کاملاً دقیق نیست، به این دلیل بوده که شناسنامه اثر یا مقاله، فاقد همه اطلاعات لازم بوده است.

❑ هرگونه توضیح اضافی (خارج از اطلاعات کتاب شناسی) و راهنمایی در متن از ما است و داخل کروشه [...] آمده است.

❑ برای مدخل های تکراری، یك شماره مشترك در نظر گرفته شده و تنها عنوان اولین مدخل به شکل کامل آمده است. تیترهای بعدی به این نحو نشان داده می شوند (- -) تا از تکرار سرشناسه ها جلوگیری شود. البته به جز مواردی که نویسنده در طول زمان عنوان اثر خود را تغییر داده است: مثلاً کتاب "پسیکولوژی" پیش از این با تیترهای دیگری از جمله "معرفة الروح" یا "اصول علم روح" منتشر شده است. در این

گونه موارد مدخل به طور کامل قید شده است.

❑ در این کتاب شناسی ممکن است این سوال برای خوانندگان مطرح شود که چرا به چاپ های متعدد یك مدخل (عنوان) هریك جداگانه اشاره شده است؟ یا این که چرا همه آن ها تحت یك عنوان درنظر گرفته نشده است؟ توضیح ما این است که در جریان جست و جو و گردآوری آثار دکتر تقی ارانی، دریافتیم که دسترسی به آثار و مقالات او کار آسانی نیست. برای مثال، در فهرست کتاب خانه ملی ایران زیر نام دکتر تقی ارانی فقط چهار عنوان وجود دارد. متاسفانه باید عنوان کرد که به خاطر وجود دستگاه اهریمنی سانسور و هم چنین وجود سیاست "سوزاندن کتاب" نویسندگان دگر اندیش و به خصوص کتب و آثار کمونیست ها، از جانب نیروهای ارتجاعی در ده ها سال گذشته لطمات جدی به این نوع آثار و کتاب ها وارد آمده است. درست به همین خاطر است که ما در این کتاب شناسی به همه چاپ های یك عنوان یا اثر اشاره کرده ایم، تا علاقه مندان به این گونه آثار بتوانند با بهره گیری از راه های گوناگون، این امکان را داشته باشند تا حداقل به یك نسخه از آن ها دسترسی پیدا کنند.

❑ نکته آخر این که شیوه نگارش عنوان مطالب به همان شکل اصلی حفظ شده است.

***

کمبودهای احتمالی این فهرست:

❑ بدون شك این فهرست کامل نیست. مسلماً منابع و آثار دیگری نیز وجود دارند که در این کتاب شناسی منظور نشده اند. برای نمونه امکان استفاده از مطبوعات دهه بیست شمسی به ویژه مطبوعات توده ای در این دوره برای ما محدود بود. بدون تردید در مجلات و روزنامه های آن دوره اطلاعات و مطالب زیادی درباره آثار دکتر تقی ارانی وجود دارد.

❑ شاید تهیه یك فهرست موضوعی، می توانست درصد کارآیی این کتاب شناسی را بالا ببرد. ولی ما این امر را به وقتی موکول کرده ایم که همه آثار و مقالات به قلم دکتر تقی ارانی جمع آوری و تنظیم شود.

❑ در پایان از خوانندگان، دوستان و رفقای حزبی جهت رفع اشتباهات و نارسایی های احتمالی در این فهرست یاری می طلبیم.

***

برخی از منابع و ماخذهای مورد استفاده:

* علاوه بر مطبوعات منتشر شده و موجود توسط حزب توده ایران از منابع زیر نیز استفاده شده است:

* "دوره کامل مجله "دنیا" به مدیریت دکتر تقی ارانی": دوازده شماره، سال های ۱۳۱۲-۱۳۱٤

* "فهرست مقالات فارسی": ایرج افشار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳٤۰، در سه جلد.

* "کتاب شناسی موضوعی ایران": حسین بنی آدم. تهران: مرکز اسناد آسیا، سال ۱۳۵۸ .

* "فهرست کتاب های چاپی فارسی": خانبابا مشار. تهران: ۱۳۵۰ .

* "کتاب شناسی ملی ایران": انتشارات کتاب خانه ملی ایران، تهران: سال ۱۳٤۹ .

* "فهرست موجود در صفحه اینترنت کتاب خانه ملی ایران": www.nli.ir

* "فهرست کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران"

* "مجله دنیا ویژه نامه ارانی": انتشارات حزب توده ایران. دوره دوم، سال دهم، شماره ٤، زمستان ۱۳٤۸ .

***

اشاره ای ضرور درباره برخی از آثار و مقالات دکتر تقی ارانی:

برای مثال، در نسخه های موجود مجله "آزادی شرق" که در دهه بیست قرن بیستم به مدیریت شیخ عبدالرحمن سیف (معروف به سیف آزاد) در برلن منتشر می شد، به مقالاتی با امضاء تقی ارانی برخورد می کنیم. ذکر این مطلب لازم است که مقالات و مطالب - به ویژه مقالات علمی- دیگری نیز در این مجله به چاپ رسیده است که بدون امضاء هستند یا فقط با نام مجله (آزادی شرق) امضاء شده اند. با مقایسه ای بین این نوع مطالب و سبك و کارهای دیگر دکتر ارانی می توان دریافت که این دسته از مطالب نیز توسط ارانی نگارش یافته است. از جمله این موارد می توان برای نمونه از این عناوین در شماره های مختلف مجله "آزادی شرق" نام برد: **"چندکلمه در خصوص نفت"**، **"چهار مرتبه دور خط استوا"**، **"بزرگترین قوه کار با فشار آب"**، **"عملیات غواصی برای خلاص کردن کشتی های غرق شده بتوسط اهرمهای آبی"**، **"طغیان چشمه نفت"**، **"یک ساختمان بزرگ - سد آب "ات ماخاو"**، **"شعاعهای**

مصنوعی آفتاب و فوائد آن"، "**تجربیات برای زیاد کردن عمر انسانی**"، "**زمین آهسته تر میگردد**"، هم چنین می توان به ترجمه های زیر اشاره کرد که با محتوای علمی و فنی در مجله به چاپ رسیده اند، بدون آن که نام مترجم ذکر شده باشد: "**عملیات لازمه برای بنای شهرهای جدید و لوله کشی زیر زمینی آنها**" به قلم پروفسور دکتر "پریکس" مستشار عالی و معلم مدرسه عالی تکنیك در برلن. یا مطلبی تحت عنوان: "**AEG و صنعت الکترونیک**" که ترجمه ای است از "هورویتس" مهندس آلمانی و... موارد و مقالات دیگر از این دست.

همان گونه که اشاره شد این مقالات که اکثراً جنبه علمی و فنی دارند بدون امضاء هستند. منتها از نظر سبك نگارش به تیپ مقالاتی که تقی ارانی در همان اوقات در مجلات گوناگون چاپ خارج مانند "*نامه فرنگستان*"، "*علم و هنر*"، "*ایرانشهر*" و از جمله خود مجله "*آزادی شرق*" منتشر می کرد، شباهت بسیار دارند. شاید یکی از دلایل عدم تصریح نام نویسنده این بوده است که در همان شماره مطالب دیگری به امضاء همان نویسنده منتشر شده بود، و ناشر با این کار می خواسته است مانع تکرار نام یك نفر در یك شماره مجله شود.

با این وجود ما این نوع مطالب را در فهرست آثار دکتر تقی ارانی منظور نکرده ایم. مگر در آن مواردی که نگارش آن ها توسط دکتر تقی ارانی امری ثابت شده باشد. البته می توان با مقایسه و تحقیق بیشتر به روشن شدن این موضوع در آینده پرداخت. یکی از این شیوه ها می تواند مقایسه تطبیقی و موضوعی مطالب با امضاء و بدون امضاء از نویسنده طی یك دوره معین باشد.

***

فهرست آثار دکتر تقی ارانی

❑ ۱- **"یک پیشنهاد بوزارت معارف":** ارانی. مجله *"آزادی شرق"* چاپ برلن: شماره ۲۸، ۲۹و ۳۰، ژانویه ۱۹۲۳، ص: ۹ .

❑ ۲- **"فریاد میهن":** [قصیده] ارانی. مجله *"آزادی شرق"* چاپ برلن: شماره ۲۸، ۲۹و ۳۰، ژانویه ۱۹۲۳، ص: ۹و ۱۰ .

❑ ۳- **"اجسام منفجره و باروتهای جدید":** ت. ارانی -برلین. مجله *"آزادی شرق"* چاپ برلن: شماره ٤٠، سال چهارم، فوریه ۱۹۲۵، در ۲ صفحه.

❑ ٤- **"تومس" و خدمات او در راه علم شیمی":** (در اروپا از مردان بزرگ چطور قدردانی میکنند؟): [با امضاء]: ارانی شیمیست. مجله *"آزادی شرق"* چاپ برلن: شماره یادگار، [شماره اول] سال هشتم، ژانویه ۱۹۲۸ در دو صفحه. [در مجله شماره صفحات نیامده است.]

❑ ۵- **"دکتر فریدریک روزن شرقشناس معروف آلمانی":** (مردان نامور). [در زیر این مقاله به جای امضاء اسم مجله قید شده است ولی ادامه همان مطلب "در اروپا از مردان بزرگ چطور قدردانی میکنند؟" می باشد. علاوه بر این دکتر تقی ارانی از همکاران نزدیك این شرق شناس آلمانی بوده و شکی نیست که این مطلب توسط او نگارش یافته است. دکتر تقی ارانی در ترجمه رباعیات حکیم عمر خیام به زبان آلمانی با فریدریش روزن همکاری داشته است.] مجله *"آزادی شرق"* چاپ برلن: شماره یادگار، [شماره اول] سال هشتم، ژانویه ۱۹۲۸ در دو صفحه. [در مجله شماره صفحات نیامده است.]

❑ ٦- **"اصول علم روح":** (پسیکولوژی عمومی). *سلسله اصول علوم دقیقه*. تالیف: دکتر ت. ارانی. تهران: تاریخ طبع خردادماه ۱۳۱۱، مطبعه سیروس، ۳٦۸ صفحه. [این کتاب یك بار پیش از این تاریخ در برلن با عنوان: "معرفة الروح" به چاپ رسیده بود. متاسفانه تا کنون نسخه ای از این چاپ به دست نیامده است.]

❑ ۷- **"پسیکولوژی":** (علم روح). تهران. *انتشارات آبان*، چاپ دوم، بهار ۲۵۳۷، ۲۹٦ صفحه.

فهرست مطالب: * مقدمه. * کلیات. * روح و جسم - مرکز و سلسله اعصاب. *

دُنیا

شماره های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ تابستان تهران ماه ۱۳۱۲ خرداد ۱۳۱۴

علمی

تاریخ علوم

پسیکولوژی

علم روح

• روح وجسم - حرائز وسلسلهٔ اعصاب .
• ارتباط روح با محیط خارج .
• تصرف روح در قضایای کسب شده .

دکتر تقی ارانی

فیزیولوژی سلسله اعصاب. * ارتباط روح با محیط خارج. * تصرف روح در قضایای کسب شده. * آثار خارجی روح. * خاتمه، اکمل تجلیات روح.

❑ ۷-۳- (- - -): تهران. سال ۱۳۲۷ .

❑ ۸- **"نوشته های علمی، فلسفی و اجتماعی دکتر تقی ارانی":** (جلد دوم). *انتشارات مزدک* شماره ۳۵، ایتالیا - فلورنس، ۱۹۷۵، ۵۲ صفحه. [این جزوه گزیده مقالاتی است که از دنیاهای دوره اول استخراج شده که بین سال های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱٤ به مدیریت دکتر تقی ارانی منتشر می شد.]

❑ ۹- **"عرفان و اصول مادی":** [با امضاء مستعار] احمد قاضی. چاپ نخست بهمن ماه ۱۳۱۲، چاپ مجدد *انتشارات مردم*، سال ۱۳۵۸، ۵۹ صفحه. [این کتاب برای اولین بار به صورت سلسله مقالاتی در مجله دنیا منتشر گشت و با امضاء احمد قاضی که نام مستعار دکتر تقی ارانی است به چاپ رسید.]

❑ ۹-۲- (- - -): [چاپ دوم] طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ٤۹ صفحه.

❑ ۹-۳- (- - -): چاپ سوم، تهران، سال ۱۳۳۱ .

❑ ۹-٤- (- - - -): مجله دنیا (ویژه نامه ارانی)، *انتشارات حزب توده ایران*، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳٤۸، صفحه ۵۲ تا ۸۵ .

❑ ۹-۵- (- - -): تهران، سال ۱۳۵۷، *انتشارات آبان*.

❑ ۹-۶- (---): تهران، سال ۱۳۷۹، *انتشارات فردوس*.

❑ ۱۰- **"آخرین دفاع دکتر تقی ارانی در دادگاه جنایی تهران":** چاپ اول، تهران، بهمن ماه ۱۳۲٤

❑ ۱۰-۲- (---): چاپ مجدد ۱۳۵۳، (به مناسبت ۳۵ مین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی) *انتشارات حزب توده ایران*، ۳۵ صفحه.

❑ ۱۰-۳- (---): چاپ سوم، سال ۱۳٦۵، *انتشارات حزب توده ایران*.

❑ ۱۱- **"رساله فی شرحِ ما اشکَل من مصادرات کتاب اقلیدس للحکیم عمربن ابراهیم الخیامی":** تهران، سال ۱۳۱٤، چاپخانه مجلس.

[رساله ای در شرح اشکالات تئوری توازی هندسه اقلیدس اثر حکیم عمر خیام] [تقی ارانی جوان این کتاب را به سال ۱۳۰٤ زمانی که مشغول تحصیل در برلن بود، به توصیه دکتر فریدریش روزن (شرق شناس آلمانی) از کتابخانه شهر لیدن هلند سفارش داد و آن را استنساخ کرد. وی در مسافرت مجددی به اروپا در تابستان ۱۳۱۲ یادداشت های این کتاب را با خود به ایران آورد و در سال ۱۳۱٤ با همکاری میرزا طاهر تنکابنی و شهیدزاده از دوستان نزدیك خود آن را به اضافه بخش بازمانده از "رساله فی الاحتیال لمعرفه مقداری الذهب و الفضه فی جسم مرکّب منها" موجود در کتابخانه "گوتا" منتشر کرد].

❑ ۱۱-۲- در سال ۱۹۵۹ترجمه انگلیسی این اثر از روی متنی که دکتر تقی ارانی تهیه کرده بود، تحت عنوان:

"Discussion of sifficulties in Euclid by Omar khayyam"

توسط علی رضا امیرمعز ترجمه و در مجله *"Scripta Mathematica"* به چاپ رسید.

❑ ۱۲- **"رساله فی الاحتیال لمعرفه مقداری الذهب و الفضه فی جسم مرکّب منها":** [رساله ای در بیان یافتن قیمت چیزهای مرصع بدون کندن جواهر از آن. که موضوع این رساله همان بیان قضیه ارشمیدس و ترازوی معروف او در یافتن وزن خالص طلا، هنگامی که با جسم دیگر مانند نقره ترکیب یافته است.] درواقع بخش دوم و ضمیمه کتاب *"رساله فی شرحِ ما اشکَل من مصادرات کتاب اقلیدس"* : تهران، سال ۱۳۱٤، چاپخانه مجلس. [نگاه کنید به توضیح شماره ۵]

❑ ۱۳- **"آذربایجان" یا یک مسئله حیاتی و مماتی ایران:** ت. ارانی. مجله "نامه فرنگستان"،

چاپ برلن، سال اول، شماره ۵، اول اوت ۱۹۲٤، صفحه ۲٤۷ تا ۲۵٤ .

❑ ۱٤– **"اعمال شیمیائی در عکاسی برجسته":** ت. ارانی. مجله "نامه فرنگستان"، چاپ برلن، سال اول، شماره ۲، اول ماه می ۱۹۲٤، صفحه ۷٦ تا ۷۸ .

❑ ۱۵– **"عجایب علم":** ت. ارانی. مجله "نامه فرنگستان"، چاپ برلن، سال اول، شماره ٤، اول جولای ۱۹۲٤، صفحه ۲۲٦ تا ۲۳۲ .

❑۱٦– **"قصیده میهنی":** تقی ارانی. [تجدید چاپ در کتاب:] "*پلیس سیاسی عصر بیست ساله*" خسرو معتضد. چاپ دوم، انتشارات جانزاده، اردیبهشت ۱۳٦۹، صفحه: ٤٦٦ تا ٤٦۸ . [تجدید چاپ این شعر اختلاف فاحشی با اصل آن که برای اولین بار در مجله "آزادی شرق"، چاپ برلن، به سال ۱۹۲۳ منتشر شد، دارد. این اثر در واقع بخش کوچکی از قصیده بلند "فریاد میهن" است. به مدخل شماره ۲ نگاه کنید.]

❑–۱۷**"Die reduzierenden Wirkungen der Unterphosphorigen Saeure auf Organische Verbindungen":**
Tagi Erani. Charlottenburg 1928, Berlin, *Sonnendruckerei,* 45 S.
Phil. Diss. V. 19. Dez. 1928.

[تز دکترای تقی ارانی به زبان آلمانی تحت عنوان: "خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریک بر روی مواد آلی" این تز پایان نامه تحصیلی دکتر تقی ارانی در رشته شیمی است که به سال ۱۹۲۸ به دانشگاه برلن ارائه و از آن دفاع کرده است. در پایان این تز زندگی نامه کوتاهی (معرفی نامه) درباره دکتر تقی ارانی آمده است.]

❑ ۱۸– **"بشر از نظر مادی":** دکتر ارانی. *سلسله انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی و هنری برای همه:* [تاریخ چاپ قید نشده است. به احتمال زیاد در فاصله سال های

۱۳۱۰ تا ۱۳۱٤ به چاپ رسیده است.] ٦٤ صفحه.

❑ ۱۸-۲- (- - -): چاپ چهارم، تهران، ۱۳۲۷ .

❑ ۱۸-۳- (- - -): مجله "*دنیا" ویژه نامه ارانی*، انتشارات حزب توده ایران، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳٤۸، صفحه ۸٦ تا ۱۱۷ .

❑ ۱۹- **"تئوری های علم":** تجدید چاپ، سال ۱۳۲۵، نشر *توسط دوستان ارانی*.

❑ ۲۰- **"فرضیه نسبی":** تجدید چاپ، سال ۱۳۲۵، نشر *توسط دوستان ارانی*.

❑ ۲۱- **"زبان فارسی":** (تدقیقات لسانی). ارانی. مجله *"ایرانشهر"*، چاپ برلن، شماره ۵و٦، ۱۵ فوریه ۱۹۲٤ (۲٦ دلو ۱۳۰۲)، صفحه ۳۵۵ تا ۳٦۵ . [نویسنده در این مقاله هم چنین عکسی از استاد میرزا عبدالعظیم خان گرگانی معلم خود در دوره تحصیل در مدرسه دارلفنون گراور کرده است.]

❑ ۲۱-۲- **"ماتریالیسم دیالک تیک:** تهران. سال ۱۳۲۵ .

❑ ۲۱-۳- (- - -): مجله "*دنیا" ویژه نامه ارانی*، انتشارات حزب توده ایران، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳٤۸، صفحه ۱۵ تا ۵۱ .

❑ ۲۲- **"سرود آهنگران":** (شعر). ترجمه از دکتر تقی ارانی. *ترانه های رزم و انقلاب* (مجموعه سرودها) انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۳٤۵ .

❑ ۲۳- **"قهرمانان بزرگ ایران":** ت. ارانی. مجله *"ایرانشهر"*، چاپ برلن، شماره ۲، شهریور ۱۳۰۲، صفحه ٦۳ تا ٦٤ .

❑ ۳٤- **"سئوالات علمی":** ت. ارانی. مجله *"ایرانشهر"*، چاپ برلن، سال دوم، شماره ۱، دسامبر ۱۹۲۳ (۱۳۰۲شمسی)، صفحه ٦۳ تا ٦٤

❑ ۲۵- **"ترویج سریع علم و هنر از قرن نوزدهم به بعد":** ارانی. مجله *"علم و هنر"*، چاپ برلن، شماره اول، سال ۱۹۲۷ .

❑ ۲٦- **"دنیا":** [سرمقاله اولین شماره مجله دنیا با همین عنوان. دکتر تقی ارانی در این مدخل یا سرمقاله تلاش کرده است وظایف و نقش مجله ای را که شروع به انتشار کرده است، مطرح کند. این مقاله، مطلب با اهمیتی است زیرا چهارچوب کار و کادر مجله را نشان می دهد. هم چنین به گونه موجز افکار سیاسی اجتماعی مدیریت آن را بازتاب می دهد. مقاله بدون امضاء می باشد ولی در فهرستی که روی جلد مجله چاپ شده آمده است: "از دفتر دنیا" که نشان می دهد به قلم دکتر تقی ارانی و در واقع

آتم و بعد چهارم

یادادشت سردبیر است.] مجله دنیا، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۱ تا ۲

❑ ۲۷- **"آتم و بُعد چهارم":** ت. ارانی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۲ تا ۵ .

❑ ۲۸- **"صنایع عظیم دنیای مادی امروز":** احمد قاضی [نام مستعار دکتر تقی ارانی]. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۵ تا ۹ .

❑ ۲۹- **"عرفان و اصول مادی":** احمد قاضی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۱۰ تا ۱۶ .

❑ ۳۰- **"منظره دنیا":** [در واقع ستونی است اخبار کوتاه جهان را بازتاب می دهد] مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۲۹ .

❑ ۳۱- **"چند اطلاع مفید":** * فایده آبله کوبی * معتاد شدن به سمیات * مرض سرطان * امروز اسکانیانوا در چه حال است * باغ های رنگین در قعر دریا... مجله دنیا، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۳۰ تا ۳۲ [که مطالب علمی پزشکی و اقتصادی است و هرچند بدون امضاء در مجله منتشر می شده اند. ولی خواننده را به یاد مقالات و یادداشت هایی از این نوع به قلم دکتر تقی ارانی در مجلات ایرانشهر، فرنگستان، علم و هنر که در برلن منتشر می شدند می اندازد. و این دلیلی است مبنی بر نوشتن این یادداشت های علمی توسط دکتر تقی ارانی.]

❑ ۳۲- **"که میداند؟ من میدانم":** [زیر این عنوان در واقع ستون پاسخ به خوانندگان مجله چاپ می شده است] مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲،

صفحه ۳۲ .

❑ ۳۳- **"مطبوعات جدید":** [که ستون نقد و معرفی کتاب های فارسی و خارجی منتشره است] مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره اول، اول بهمن ماه ۱۳۱۲، صفحه ۳۲ .

❑ ۳٤- **"تکامل، تبعیت به محیط و ارث":** احمد قاضی. [در فهرست روی جلد عنوان این مقاله "تکامل و ارث" ذکر شده است.] مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره دوم، اول اسفند ماه ۱۳۱۲، صفحه ۳۷ تا ٤۳ .

❑ ۳۵- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره دوم، اول اسفند ماه ۱۳۱۲، صفحه ٦۲ .

❑ ۳٦- **"چند اطلاع مفید":** * درس اول * تلفن خانگی * غول صنعت * مندل یف * جوانان بکدام رشته از علوم بیشتر میل دارند * عمر مرکب: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره دوم، اول اسفند ماه ۱۳۱۲، صفحه ٦۲ تا ٦۳ .

❑ ۳۷- **"که میداند؟ من میدانم":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره دوم، اول اسفند ماه ۱۳۱۲، صفحه ٦۳ تا ٦٤ .

❑ ۳۸- "مطبوعات جدید": [از جمله معرفی و نقد] "سایه روشن" از صادق هدایت: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره دوم، اول اسفند ماه ۱۳۱۲، صفحه ٦٤ .

❑ ۳۹- **"مجله دنیا":** [زیر این عنوان به تاثیر انتشار اولین شماره دنیا اشاره شده و آمده است: " مجله دنیا انعکاس غریبی در جامعه منورالفکر و توده کم سواد نمود. از یکطرف تبریك و اظهار خوشوقتی و از طرف دیگر حمله و فحاشی حتی زیاد شنیده شد..."]. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره دوم، اول اسفند ماه ۱۳۱۲، صفحه ٦٤ .

❑ ٤۰- **"عرفان و اصول مادی":** (۲). احمد قاضی. [ادامه مطلب از شماره اول مجله]. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره سوم، اول فروردین ماه ۱۳۱۳، صفحه ۸۷ تا ۹۱ .

❑ ٤۱- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره سوم، اول فروردین ماه ۱۳۱۳، صفحه ۹۸ .

❑ ٤۲- **"چند اطلاع مفید":** * علامت جانی * هجرت ماهیان * جمعیت کره زمین * بزرگترین اورگ دنیا: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره سوم، اول فروردین ماه ۱۳۱۳، صفحه ۹۸ تا ۹۹ .

❑ ٤۳- **"که میداند؟ من میدانم":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره سوم، اول فروردین ماه

۱۳۱۳، صفحه ۹۹ تا ۱۰۰ .

☐ ٤٤- **"مطبوعات جدید":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره سوم، اول فروردین ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۰۰ .

☐ ٤٥- **"زندگی و روح هم مادی است":** احمد قاضی. [سر فصل ها:] * ماده * انرژی * قضایای حیاتی * فیزیکو شیمی سلول * حیات حیوانی و نباتی * تولید مثل و تکامل * سلول عصبی * مراکز اعصاب و فکر کردن * روح: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره چهارم، اردیبهشت ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۰۱ تا ۱۰۳ .

☐ ٤٦- **"عرفان و اصول مادی":** (۳). احمد قاضی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره چهارم، اردیبهشت ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۰۹ تا ۱۲۷ .

☐ ٤٧- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره چهارم، اردیبهشت ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۳۱ .

☐ ٤٨- **"چند اطلاع مفید":** * آیا سگ عکس های سینما را تشخیص می دهد؟ * بال های شب پره جزء عالات تنفسی هستند * به جای پل آهنی پل آلومینیوم * ذغال سنگ بجای مصالح بنائی * نفت موصل در بازار بین المللی: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره چهارم، اردیبهشت ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۳۱ تا ۱۳۲ .

☐ ٤٩- **"که میداند؟ من میدانم":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره چهارم، اردیبهشت ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۳۲ .

☐ ٥٠- **"مطبوعات جدید":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره چهارم، اردیبهشت ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۳۲ .

❑ ۵۱- **"زندگی و روح هم مادی است":** (۲). احمد قاضی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره پنجم، خرداد ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۳۳ تا ۱٤۱ .

❑ ۵۲- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره پنجم، خرداد ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱٦۳ .

❑ ۵۳- **"چند اطلاع مفید":** * نمایشگاه نقاشی های درویش * ذخیره ذغال سنگ دنیا * کثرت تلفون و تلگراف در دنیا * یك مادر با ۵۳ بچه: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره پنجم، خرداد ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱٦۳ تا ۱٦٤ .

❑ ۵٤- **"مطبوعات جدید":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره پنجم، خرداد ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱٦٤ .

❑ ۵۵- **"که میداند؟ من میدانم":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره پنجم، خرداد ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱٦٤ .

❑ ۵٦- **"ششماه مجله دنیا و انعکاس آن":** [این مقاله برای شناخت مجله و واکنش هایی را که در جامعه ایجاد کرده است، فوق العاده مهم می باشد]. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ششم، تیر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱٦۵ تا ۱٦۹ ,

❑ ۵۷- **"ماتریالیسم دیالکتیک":** [این مطلب بخش اول یك مقاله نسبتاً بلند است که در چند شماره ؟؟؟ مجله به عنوان سلسله مقالات چاپ گشته است. در بخش نخست به امضاء ا. جمشید و در بخش های بعدی با امضاء احمد قاضی نوشته شده است.]. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ششم، تیر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۷٦ تا ۱۸۳

❑ ۵۸- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ششم، تیر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۹۱ .

❑ ۵۹- **"اطلاعات مفید":** * قلعه نظامی پرنده * کمپانی برق عمومی آمریکا * رادیو در خدمت پلیس * پله متحرك که انسان را دیده و به حرکت می افتد * سلول عکس * چشم شیمی دان * تسریع نمو نباتات بوسیله تنویر با روشنائی * الکتریسته * فرستده بی سیم در ماوراء جو * امراضی که به توسط آب سرایت می کنند * فیل صدا داری که حاشیه صوت آن با دست رسم شده * گرامافون بی صفحه و سوزن * اخذ انرژی از آب دریا * اتومبیل روی آب * عکاسی روی برگ درخت و چوب: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ششم، تیر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۹۲ تا ۱۹٦ .

شرح ماأشکل من مصادرات
کتاب اقلیدس
تألیف خیام

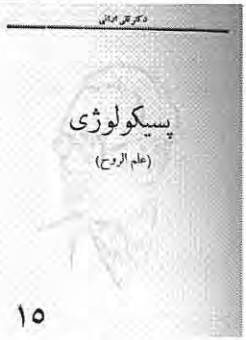
دکتر تقی ارانی
پسیکولوژی
(علم الروح)
۱۵

❑ ۶۰- **"که میداند؟ من میدانم":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ششم، تیر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۹۳ .

❑ ۶۱- **"مطبوعات جدید":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ششم، تیر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۹۶ .

❑ ۶۲- **"فرضیه نسبی":** (۱). دکتر ارانی. [شامل سر فصل های زیر:] * بجای مقدمه * بیان کلی بدون ریاضی * یادداشت های ریاضی * ثبات سرعت نور و اشکالات موجود * جواب اشکال با تئوری اتر * فرضیه نسبی خصوصی * فرضیه نسبی عمومی * کلیات هندسه * خلاصه و نتیجه: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۱۳، صفحه ۱۹۷ تا ۲۰۳ .

❑ ۶۳- **"ماتریالیسم دیالک تیک:** (۲). احمد قاضی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۰۶ تا ۲۱۸ .

❑ ۶۴- **"تاریخ سازی در هنر":** احمد قاضی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۱۸ تا ۲۲۱ .

❑ ۶۵- **"منظره دنیا":** (خاتمه"). [در واقع ضمیمه مجله]. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۲۴ .

❑ ۶۶- **"زمان حیوانات":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۲۸ .

❑ ۶۷- **"مطبوعات جدید":** [معرفی:] * ترانه های خیام به اهتمام صادق هدایت [در این معرفی ضمن اشاره به انتشار کتاب ترانه های خیام وعده داده شده است که در آینده راجع به محتوای مقدمه این کتاب در مجله دنیا بحث شود]. مجله *"دنیا"* ، سال اول،

شماره ۷، شهریور ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۲۸ .

❑ ۶۸- **"فرضیه نسبی":** (۲). دکتر ت. ارانی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۸، آذر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۲۹ تا ۲۳۶ .

❑ ۶۹- **"ماتریالیسم دیالک تیک":** (اصول دیالك تیك): (۳). احمد قاضی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۸، آذر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۴۱ تا ۲۵۲ .

❑ ۷۰- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۸، آذر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۵۸ تا ۲۵۹ .

❑ ۷۱- **"اطلاعات مفید":** * سه قسمت کردن زاویه * اشعه مرگ: مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۸، آذر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۵۹ تا ۲۶۰

❑ ۷۲- **"مطبوعات جدید":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۸، آذر ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۶۰ .

❑ ۷۳- **"فرضیه نسبی":** (۳). دکتر ت. ارانی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۹، دی ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۸ .

❑ ۷۴- **"اجسام رادیو آکتیو مصنوعی":** ترجمه دکتر ارانی. مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۹، دی ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۶۹ تا ۲۷۲ .

❑ ۷۵- **"بشر از نظر مادی":** (استخراج از کتاب علم روح تالیف دکتر ارانی). مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۹، دی ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۷۹ تا ۲۹۱ .

❑ ۷۶- **"منظره دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۹، دی ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۹۱ تا ۲۹۲ .

❑ ۷۷- **"دفتر دنیا":** مجله *"دنیا"* ، سال اول، شماره ۹، دی ماه ۱۳۱۳، صفحه ۲۹۳

❑ ۷۸- **"تاریخ علوم":** [با امضاء:] ا. خ. مجله *"دنیا"* ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱۴، صفحه ۲۹۳ تا ۳۰۱

❑ ۷۹- "اتومبیل": [با این سر فصل ها:]* کلیات * ساختمان * طرزکار * اختلاف سیستم ها با یکدیگر: مجله *"دنیا"* ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱۴، صفحه ۳۰۱ تا ۳۲۰ .

❑ ۸۰- **"بشر از نظر مادی":** (فلسفی و اجتماعی) (۲). [این بخش بدون امضاء است ولی از آن جا که دنباله شماره پیشین می باشد که در پایان مطلب قید شده: "تالیف دکتر

ارانی" جای شکی نیست که نوشته دکتر تقی ارانی است. علاوه بر این خود این مقاله مبحثی از کتاب پسیکولوژی می باشد.] مجله "*دنیا*" ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳۲۰ تا ۳٤٥ .

❑ ۸۱- **"اقتصاد و سیاست اقتصادی سال ۱۹۳۴:** [یك مقاله بلند در دو بخش با این سر فصل ها:] ۱- اقتصاد عالم در سال بحران ۱۹۳٤ * وضعیت تولید صنعتی * یکنواخت نبودن در ممالك مختلف * نقصان تجارتهای خارجی و شروع "از هم پاشیدن" اقتصاد عالم * بحران و دپرسیون فلاحتی سال ۱۹۳٤ * اعتبارات و پول در دوره دپرسیون * انفلاسیون توام با عدم اطمینان بخرید اشیاء قیمتی * سرمایه و کار در دوره دپرسیون ۲- خصوصیات ممالك مختلفه: مجله "*دنیا*" ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳٤٥ تا ۳٦٦ .

❑ ۸۲- **"هنر در ایران جدید":** مجله "*دنیا*" ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳٦٦ تا ۳۷۱ .

❑ ۸۳- **"تغییر زبان فارسی":** [به جای امضاء در پایان این مطلب فقط واژه "دنیا" قید شده است. منتها در پاورقی یکی از صفحات مقاله چنین نوشته شده است: "نگارنده این سطور هم برحسب تقاضای سن و محدودیت معلومات بر محیط چنانکه از مقالات مجله ایرانشهر و مجله فرنگستان بر میاید تابع این نهضت بودم و با دوستان خود به فارسی ویژه مکاتبه می کردم که بیادگار افکار ایام جوانی خود نگاه داشته ام." این دیگر جای هیچ گونه شبه ای باقی نمی گذارد که نویسنده مقاله بالا خود دکتر تقی ارانی می باشد. زیرا که مقالات مورد اشاره پیرامون زبان در مجله های ایرانشهر و نامه فرنگستان اغلب "ت. ارانی" امضاء شده اند. نگاه کنید به عنوان های ضبط شده از مجلات ایرانشهر و

فرنگستان در این کتاب شناسی.] مجله "*دنیا*" ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳۷۲ تا ۳۷۷ .

❑ ۸٤- "**منظره دنیا**": مجله "*دنیا*" ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳۸۲ تا ۳۸۷ .

❑ ۸۵- "**اطلاعات مفید**": [از جمله این تیترها:] * منافع بزرگترین کارخانه های اسلحه سازی دنیا * قوانین اساسی ممالك مهم: مجله "*دنیا*" . شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳۸۷ تا ۳۸۸ .

❑ ۸٦- "**مجله دنیا بشما یاد می دهد**": مجله "*دنیا*" ، شماره های ۱۰و۱۱و۱۲، خرداد ۱۳۱٤، صفحه ۳۱٦ .

❑ ۸۷- "**تئوری های علم**": (مجموعه مقاله) [در کتاب خانه برلن موجود است]

❑ ۸۸- "**ارزش، قیمت، کار، تکامل موجودات زنده**": *(نشریه شماره ۱۱ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)* . دکتر تقی ارانی تبریزی. طهران ۱۳۲۳، قطع رقعی، ۲٤ صفحه.

❑ ۸۹- "**آتم و بعد چهارم – تاریخ سازی در هنر**": *(نشریه شماره ۱۲ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)* . طهران ۱۳۲۳، قطع رقعی، ۱٤ صفحه.

❑ ۹۰- "**بدایع الغزلیات**": (سعدی شیرازی). با مقدمه ت. ارانی: چاپ برلند [برلن]. سال ۱۳۰٤ شمسی، سربی، رقعی، ۲۵۱ صفحه.

❑ ۹۱- "**اصول علم روح**": چاپ طهران. سال ۱۳۱۱ شمسی، سربی، ۳٦۷ صفحه.

❑ ۹۲- "**اصول علم فیزیک**": چاپ طهران. سال ۱۳۰۹ شمسی، مطبعه سیروس، سربی، رقعی، ۳٤۳ + ۵۵۹ صفحه.

❑ ۹۳- "**اصول علم فیزیک**": (جز سوم و چهارم). چاپ طهران، سال ۱۳۱۲ شمسی، سربی، رقعی، ۲۳۰ صفحه.

❑ ۹٤- "**اصول علم فیزیک**": (جز چهارم شیمی آلی). چاپ طهران، سال ۱۳۱۲ شمسی، سربی، رقعی، ۱٦٤ صفحه.

❑ ۹۵- "**تئوری علم**": چاپ اول، طهران، سال ۱۳۱۰ شمسی، سربی، رقعی، ۹۸ صفحه.

❑ ۹۵-۲- "**تئوری علم**": *(نشریه شماره ۸ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای*

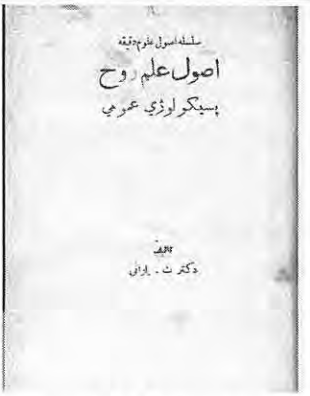
سلسله اصول علوم وتغیه

اصول علم روح

پسیکولوژی عمومی

تالیف

دکتر ت. ارانی

بشر از نظر مادی

همه). طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۷۴ صفحه.

☐ ۹۶- **"تاریخ علوم، من یک سیاهم":** *(نشریه شماره ۱۰ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۲۴ صفحه.

☐ ۹۷- **"پسیکولوژی":** (علم الروح). چاپ طهران، سال ۱۹۳۷ میلادی، ۲۲۳ صفحه.

☐ ۹۷-۲- **پسیکولوژی (علم الروح):** چاپ دوم، طهران، *انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه*، سال ۱۳۲۷ شمسی، رقعی، ۲۶۶ صفحه.

☐ ۹۸- **"بشر از نظر مادی":** چاپ دوم، طهران، سال ۱۳۲۳، سربی، رقعی،

☐ ۹۹- **"خواب و خواب دیدن، زن و ماتریالیسم":** دکتر تقی ارانی *(نشریه شماره ۶ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۱۶ صفحه.

☐ ۱۰۰- **"جبر و اختیار، حقوق و اصول مادی":** چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۲۰ صفحه.

☐ ۱۰۱- **"تکامل، تبعیت بمحیط، ارث":** *(نشریه شماره ۱ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۱۶ صفحه.

☐ ۱۰۲- **"هنر و ماتریالیسم، هنر در ایران جدید":** *(نشریه شماره ۲ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۲۴ صفحه.

☐ ۱۰۳- **"متن دفاع دکتر تقی ارانی در محکمه جنائی":** چاپ *(دوستان دکتر ارانی)*.

طهران، سربی، جیبی، ج+۲٤ صفحه. [بدون ذکر تاریخ نشر. ولی به احتمال زیاد باید در سال های نمیه اول دهه بیست شمسی منتشر شده باشد].

❑ ۱۰٤- **"ماتریالیسم دیالک تیک":** *(نشریه شماره ۳ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی، ۸٤ صفحه.

❑ ۱۰۵- **"فرضیه نسبی":** *(نشریه شماره ۱٤ انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۲۳ شمسی، سربی، رقعی،

❑ ۱۰٦- **"شیمی، اصول علم شیمی":** چاپ طهران، سال ۱۳۱۰ شمسی، سربی، ۳۳۷ صفحه.

❑ ۱۰۷- **"زندگی و روح هم مادیست، ماشینیسم":** *(انتشارات علمی، فلسفی، اجتماعی برای همه)*. چاپ طهران، سال ۱۳۱۰ شمسی، سربی، ۲۸ صفحه.

❑ ۱۰۸- **"راه آهن های برقی مسافرتی":** ت. ارانی. مجله *"ایرانشهر"*، چاپ برلن، سال سوم، شماره ۱۰، ۲۰ ژوئن ۱۹۲٤ (۱۳۰۳شمسی)، صفحه ۵۸۹ تا ۵۹۱ .

❑ ۱۰۹- **"وجه دین":** حکیم ناصر خسرو: ت. ارانی. چاپ اول، برلین، سال ۱۳۴۳ هجری قمری.

❑... [ناتمام]

***

کتاب شناسی (۲)

فهرست آثار، مقالات و اشعار در باره دکتر تقی ارانی

توضیحی چند درباره این بخش از کتاب شناسی:

❑ درباره این بخش از کتاب شناسی نیز آن مواردی که در ارتباط با بخش اول ذکر شد، صادق است. با این توضیح اضافی که:

❑ این فهرست نیز کامل نیست. هم چنین تهیه و جمع آوری آن بدون ارزیابی کیفی مطالب، مقالات و اشعار صورت گرفته است. سعی بر آن بوده است که عمده ترین آثار و مقالات پیرامون زندگی و آثار دکتر تقی ارانی و شخصیت او گردآوری و حفظ شود. بنابر این باید به موقع خود در جهت هرچه کامل تر کردن این بخش هم گام برداشت.

❑ معیار ما در تهیه این فهرست نیز وجود حداقل یك نسخه از آن ها است که در اختیار ما قرار دارد. در نتیجه در این مورد هم رفقا، دوستان و خوانندگان مجله می توانند در جهت کامل کردن آن کمك کنند.

❑ در این بخش از کتاب شناسی، آن دسته از مطالبی که به نحوی در آن ها سعی شده شخصیت دکتر تقی ارانی تحریف و مسخ شود، منظور نشده اند. هر چند تلاش بر این بوده که آن مطالب نیز - از آن رو که به دکتر تقی ارانی مربوط هستند - جمع آوری گردند. شاید در زمان مناسب تری مثلاً در آرشیو و یا بنیادی که وظیفه اش پرداختن به زندگی و آثار دکتر تقی ارانی است، مورد استفاده قرار گیرند. در آن صورت می توان فهرستی از این دست مطالب را نیز تهیه کرد.

❑ تنظیم این بخش به شکل الفبایی و برحسب نام نویسندگان است. به اعتقاد ما این شیوه، امر استفاده از آن را برای علاقه مندان ساده تر می کند.

❑ با وجودی که این لیست باز است، کلیه مدخل های این فهرست شماره گذاری شده اند تا امکان استفاده و بازیابی مجدد و یادداشت برداری از آن ها تسهیل گردد.

برای استفاده از این روش مدخل زیر را در نظر بگیرید:

○ **"دکتر تقی ارانی چهره ای تابان در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران"**: ع. [عبدالحسین] آگاهی. *ویژه نامه "دنیا"* به مناسبت سالگرد انقلاب، دوره چهارم، شماره ۵، سال ۱۳۵۸، صفحه: ۱۵۰ تا ۱۵۶ . [همراه با عکس].

***

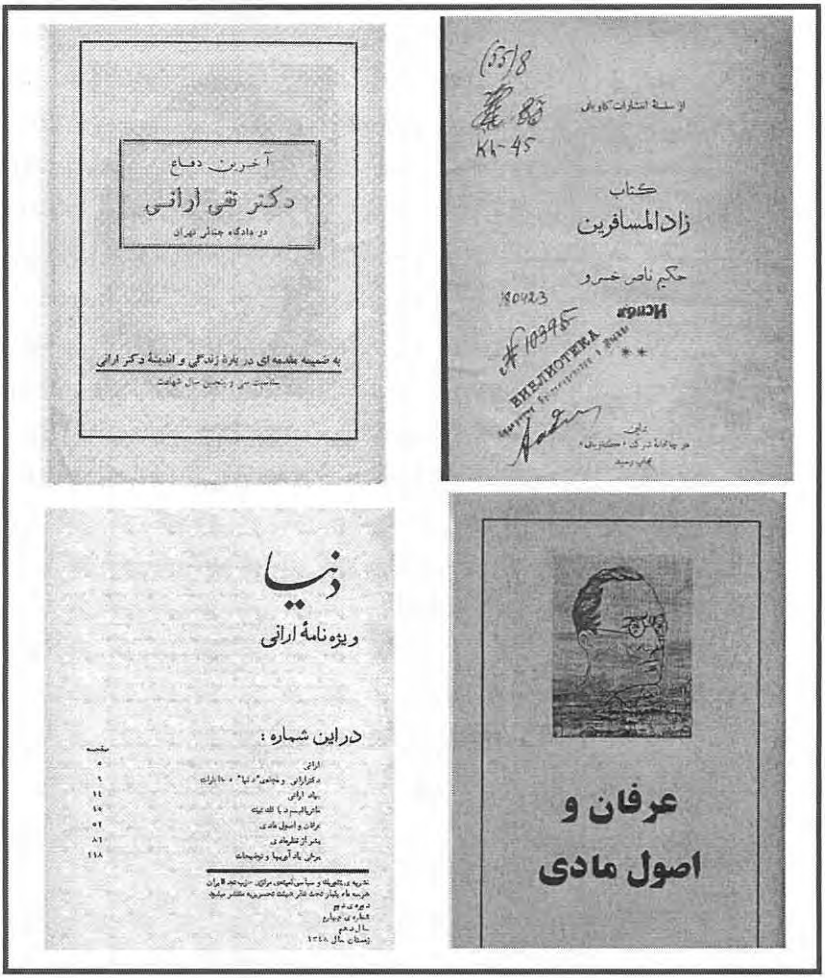

فهرست آثار، مقالات و اشعار در باره دکتر تقی ارانی

○ ۱- **"ادبیات وطن خواهانه اِرانی":** شیخ عبدالرحمن سیف [سیف آزاد]. مجله *"آزادی شرق"* چاپ برلن: شماره ۲۸، ۲۹و ۳۰، ژانویه ۱۹۲۳، ص: ۹ . [در این مطلب در چند مورد به جای نام اِرانی، اشتباهاً ایرانی چاپ شده است.]

○ ۲- **"درباره دکتر تقی ارانی":** تهران. مجله فریاد، شماره ٦، سال ۱۳۲٤ .

○ ۳- **"دکتر تقی ارانی چهره ای درخشان در تاریخ جنبش کارگری ایران":** [در کتاب:] *"چهل سال در سنگر مبارزه"* انتشارات حزب توده ایران، چاپ اول، تهران، مهرماه ۱۳٦۰، ص: ۲۸۸ تا ۲۹۱ . [همراه با یك عکس].

○ ٤- **"تاریخ یک بیداری":** (منظومه ای به یادبود شهید دکتر تقی ارانی) - *منظومه هجایی در شش بند*: احسان طبری. [این منظومه را احسان طبری در سال ۱۳۲۸ به مناسبت دهمین سال گرد شهادت دکتر تقی ارانی سروده و به موقع خود چاپ کرده است.] تجدید چاپ دی ماه ۱۳۵۸، تهران، نشر کیا، ۳۲ صفحه.

○ ۵- **"دیدگاه های دکتر تقی ارانی درباره اجتماع، سیاست و قوانین دولتی":** [کتاب به زبان آذربایجانی]. نویسنده اسماعیل حاتم اوغلی طریق پیما، *انتشارات کمیته مطبوعات دولتی جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی، باکو*، چاپ اول ۱۹٦۵، ۱۲٦ صفحه.

فهرست کتاب: * مدخل. * فصل اول: - وضع اجتماعی، اقتصادی ایران در اوایل قرن بیستم و دیدگاه دکتر تقی ارانی. - اوایل قرن بیستم و پیدایش نظرگاه های دکتر تقی ارانی و فعالیت سیاسی وی در این زمینه. * فصل دوم: - دکتر تقی ارانی و دیدگاه وی پیرامون سیاست و اجتماع. * فصل سوم: - دیدگاه دکتر تقی ارانی راجع به دولت و قوانین آن. * نتیجه.

○ ٦- **تاریخ یک بیداری":** (منظومه هجایی در شش بند). ا. ط. [احسان طبری]. مجله *"دنیا"*، دوره سوم، سال اول، شماره ۸، بهمن ۱۳۵۳، ص: ۵۰ تا ۵۸ .

○ ۷- **"آیا در خاک خفتن، مردن است؟":** (شعر به دکتر تقی ارانی). احسان طبری. مجله *"دنیا"*، دوره چهارم، شماره ۱۲، سال ۱۳۵۹، صفحه ۵۵ .

○ ۸- **"آن روی سکه":** (به مناسبت سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی). فضل الله گرگانی. مجله *"دنیا"*، دوره چهارم، شماره ٦، سال ۱۳۵۸، صفحه ۱۱۸ تا ۱۳۱ .

○ ۹- **"نهال":** (شعر "به یاد دکتر تقی ارانی") ناهید. مجله "*دنیا*"، دوره پنجم، شماره ٦، سال ۱۳٦۸، صفحه ۵۳ .

○ ۱۰- **"دکتر تقی ارانی چهره ای تابان در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران":** ع. [عبدالحسین] آگاهی. ویژه نامه "*دنیا*" به مناسبت سالگرد انقلاب، دوره چهارم، شماره ۵، سال ۱۳۵۸، صفحه: ۱۵۰ تا ۱۵٦ . [همراه با عکس].

○ ۱۱- **"درست پس از چهل سال":** (اندیشه هایی درباره یك عکس). ا. ط. [احسان طبری]. ویژه نامه "*دنیا*" به مناسبت سالگرد انقلاب، دوره چهارم، شماره ۵، سال ۱۳۵۸، صفحه: ۱۵۷ تا ۱۵۹ . [همراه با عکس].

○ ۱۲- **"ارانی":** (شعر). احسان طبری. *آرمان*، نشریه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران. دوره دوم، سال سوم، شماره ٦، شهریور ۱۳۵٦، ص: ۵ .

○ ۱۳- **"به یاد ارانی":** *آرمان*، نشریه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران. دوره سوم، سال اول شماره ۱۳و۱٤، بهمن و اسفند ۱۳٦٤، ص: ۱۹ تا ۲۰ .

○ ۱٤- **"از ارانی بیاموزیم":** *آرمان*، نشریه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران. دوره دوم، سال سوم، شماره ٦، شهریور ۱۳۵٦ .

○ ۱۵- **"بزرگ داشت انقلابی بزرگ دکتر تقی ارانی":** *راه توده*، نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور. دوره اول، سال اول، شماره ۳۰، ۱٦ اسفند ۱۳٦۱، [با یك گراور تحت عنوان: "ارانی در بیدادگاه پهلوی"].

○ ۱٦- **"درباره خود ارانی":** [در کتاب] *یادداشت های زندان*، نوشته اردشیر آوانسیان. انتشارات حزب توده ایران، سال ؟؟؟.

○ ۱۷- **"دنیا و ارانی":** [بدون امضاء] *ماهنامه مردم*، دوره پنجم، شماره ۵، بهمن ماه ۱۳۲۵، ص: ۵ تا ۱۲ .

○ ۱۸- **"به ارانی":** (شعر). ژاله. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۱٤۳، اول دی ماه ۱۳۵۸ .

○ ۱۹- **"ره ارانی":** (شعر). اختر. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۱٦۰، ۱۷ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲۰- **"نهال ارانی":** (شعر). غ. ن. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۱٤۱، ۲۳ دی ماه ۱۳۵۸ .

○ ۲۱- **"ارانی":** (شعر). احسان طبری. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، (شماره مخصوص سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی) دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۸، ۱٤ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲۲- **"صدایی می آید":** (شعر). طارم سربلند. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، (شماره مخصوص سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی) دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۸، ۱٤ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲۳- **"ناخدا":** (شعر). سپیده سامانی. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، (شماره مخصوص سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی) دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۸، ۱٤ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲٤- **"آتش جاودان":** (شعر) اسماعیل شاهرودی (آینده). *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، (شماره مخصوص سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی) دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۸، ۱٤ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲۵- **"مردی بزرگ در خم این راه":** (شعر برای دکتر تقی ارانی). سیاوش کسرایی. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۹، سه شنبه ۱٦ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲٦- **"بویوک ئولمز ارانیه":** (شعر به زبان آذربایجانی) هاشم ترلان. سیاوش کسرایی. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۹، سه شنبه ۱٦ بهمن ۱۳۵۸ .

○ ۲۷- **"اختر رزم ارانی تابنده است!":** *آرمان*، نشریه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران. دوره سوم، سال اول شماره ۱، بهمن ۱۳٦۳، ص: ۱۳ تا ۱٤ .

○ ۲۸- **"ارانی که بود؟":** یحیی آرین پور. [در کتاب] *"از نیما تا روزگار ما"* (جلد سوم از صبا تا نیما). چاپ اول، تهران، انتشارات زوار، سال ۱۳۷٤، ص ٦۹ تا ۷۲ .

○ ۲۹- **"برخی مختصات سبک ارانی در ترویج افکار مارکسیستی در ایران":** ع. بصیر. [عبدالحسین آگاهی]. مجله دنیا، دوره دوم، شماره ٤، اسفندماه ۱۳۳۹، ص: ۹۵ تا ۱۰۰ .

○ ۳۰- **"دکتر تقی ارانی دانشمند و مجاهد شهید":** احسان طبری. [سخن رانی احسان طبری در جلسه یادبود به مناسبت سی امین سال شهادت دکتر تقی ارانی. بهمن ماه

۱۳٤۸] مقدمه بر آخرین دفاع دکتر تقی ارانی در دادگاه جنائی، ؟؟؟

○ ۳۱- **"ارانی شعله ای جاوید":** مسعود اخگر [رفعت محمدزاده]. *مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره ششم، شماره ٥٦، بهمن ماه ۱۳٤۸ . [تجدید چاپ در کتاب "آخرین دفاع دکتر تقی ارانی" ص: ۱۲ ۱٤].

○ ۳۲- **"ارانی":** ا. سپهر [احسان طبری]. *سالنمای ۱۳٦٦* ، انتشارات حزب توده ایران، با یك عکس از دکتر تقی ارانی. [روایتی است از خصوصیات شخصی و روانی ارانی].

○ ۳۳- **"رفیق شهید دکتر تقی ارانی، بنیانگذار مجله "دنیا":** مجله *دنیا* ، دوره هفتم، سال اول، شماره ۱، آذر ۱۳۷۸ ص: ٦ تا ۱۲ .

○ ۳٤- **"یادآر ز شمع مرده یادآر!":** غلام حسین صدری افشار. مجله *چیستا* ، سال هفدهم، شماره های ٤و٥ (شماره های ردیف: ۱٦٤و۱٦٥)، دی و بهمن ۱۳۷۸ ص: ۳٤٥ تا ۳٤٦ .

○ ۳٥- **"دکتر تقی ارانی":** [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران* (عاملان کشتار مدرس، ارانی، فرخی یزدی، سردار اسعد بختیاری). تالیف: محمد گلبن - یوسف شریفی. تهران، نشر نقره، سال ۱۳٦۳، ص: ۱۹۷ تا ۱۹۹ . [در این کتاب چند طرح و عکس از دکتر تقی ارانی وجود دارد.].

○ ۳٦- **"احوال و آثار ارانی همراه با خاطرات جمالزاده از ارانی":** [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران* . ص: ۱۹۹ تا ۲۰۸ .

○ ۳۷- **"دکتر ارانی، حقیقت او و سوگندها":** (به مناسبت ششمین سال شهادت دکتر ارانی). جبار باغچه بان. [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران*. ص: ۲۰۹ تا ۲۱٤ .

○ ۳۸- **"متن ادعانامه دادستان علیه پزشک احمدی، نیرومند و مختاری راجع به قتل دکتر ارانی و دلایل اتهام":** [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران*. ص: ۲۱٤ تا ۲۱٥ .

○ ۳۹- **"چگونگی قتل دکتر ارانی":** [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران*. ص: ۲۱٦ تا ۲۱۸

○ ٤۰- **"دلایل اتهام راجع به قتل دکتر تقی ارانی":** [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران*. ص: ۲۱۸ تا ۲۳۳ .

○ ٤۱- **"رای دیوان عالی جنایی درباره متهمان قتل فرخی یزدی، سرداراسعد بختیاری و دکتر تقی**

ارانی": [در کتاب:] *محاکمه محاکمه گران*. ص: ۴۰۵ تا ۴۰۶ .

○ ۴۲- **"گرای باد خاطره تابناک دکتر تقی ارانی فرزند انقلابی خلق های ایران":** (شهادت به خاطر عشق به مردم، عشق به آزادی، عشق به دانش). به مناسبت شصتمین سال روز شهادت دکتر ارانی. *نامه مردم*، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال شانزدهم، شماره ۵۷۶، ۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۸ .

○ ۴۳- **"شصت و یکمین سال گرد شهادت دکتر تقی ارانی" دوست و آموزگار بزرگ کارگران و زحمت کشان میهن ما: انسان بی مرگ، انسان ماه بهمن":** نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دوره هفتم، سال هفددهم، شماره ۶۰۱، ۱۱ بهمن ماه ۱۳۷۹ .

○ ۴۴- **"گروه پنجاه و سه نفر":** [در کتاب:] صفحاتی چند از جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دوران اول سلطنت رضا شاه (۱۹۲۲-۱۹۳۳). اردشیر آوانسیان. انتشارات حزب توده ایران، چاپ تهران، سال ۱۳۵۸، ص: ۱۳۸ تا ۱۴۰ .

○ ۴۵- **"عشق را و درد را":** (شعر). سیاوش کسرایی. [در کتاب:] "از خون سیاوش" (منتخب سیزده دفتر شعر از سیاوش کسرایی) . تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۷۸، ص: ۳۷۲ . [این شعر را سیاوش کسرایی به دکتر تقی ارانی تقدیم کرده است و در گذشته در مطبوعات توده ای منتشر شده بود. متاسفانه در کتاب "از خون سیاوش" (منتخب سیزده دفتر شعر از سیاوش کسرایی) که پس از مرگ شاعر در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات سخن، منتشر شده این شعر نیز با عنوان "عشق را و درد را" دیده می شود ولی با حذف جمله تقدیمی که سیاوش کسرایی بالای شعر خود قید کرده بود. نگاه کنید به صفحه ۳۷۲ کتاب "از خون سیاوش".]

○ ۴۶- **"قصیده برای انسان ماه بهمن":** احمد شاملو. [در کتاب:] *قطعنامه*. چاپ اول ۱۳۳۰، چاپ چهارم ۱۳۶۴، تهران، انتشارات مروارید، ص: ۷۷ تا ۸۸ .

○ ۴۷- **"سنج":** (شعر). منوچهر شیبانی. مجله *ماهنامه مردم*. دوره پنجم، سال اول، شماره نهم، خرداد ۱۳۲۶، ص: ۵۲ تا ۵۴ .

○ ۴۸- **"یک ماهنامه تاریخ ساز":** احسان طبری. [مقدمه احسان طبری بر تجدید چاپ دوره کامل مجله "*دنیا*" دوره اول به مدیریت دکتر تقی ارانی]. انتشارات حزب توده ایران. تهران، بهمن ماه ۱۳۵۸، ص: الف تا ها.

○ ۴۹- **"شهیدان دیروز، پیروزمندان فردا! یاد آنان را گرامی بداریم":** (به مناسبت ۱۴ بهمن سال روز شهادت دکتر تقی ارانی - آموزگار و رهبر زحمتکشان ایران - روز شهیدان

حزب و جنبش). م. مینو. [رفعت محمدزاده] مجله "*دنیا*". دوره سوم، سال سوم، شماره ۱۰، آذرماه ۱۳۵۵، ص: ۹ تا ۱۱ .

○ ۵۰- **"دکتر تقی ارانی":** مجله "*دنیا*". شماره ۵، خرداد ۱۳۳۹،

○ ۵۱- **"دکتر تقی ارانی":** رضا رادمنش. *مردم*. شماره ۲، سال ۱۳۲۸،

○ ۵۲- **"دکتر تقی ارانی":** ن. کیانوری. مجله "*دنیا*". شماره ٤، پاییز ۱۳٤۲،

○ ۵۳- **"ارانی، فروغ ابدی":** ا. مسعود. *ماهنامه مردم*. شماره ٦، دی - بهمن ۱۳٤۸ .

○ ۵٤- **"خاطراتی از دکتر ارانی و مجله دنیا":** مجله "*دنیا*". شماره ۱۰، زمستان ۱۳٤۸، ث: ۹ تا ۱۳ .

○ ۵۵- **"به یادبود ارانی":** خلیل ملکی. مجله *اندیشه نو*. شماره سوم، دهم بهمن ۱۳۲۷، ص: ۱ تا ٤ .

○ ۵٦- **"دنیای روشنگر ارانی":** (به مناسبت آغاز شصت و دومین سال انتشار مجله "*دنیا*" و پنجاه و ششمین سال مرگ ارانی). باقر مومنی. کتاب نقطه. سال اول، شماره یك، سال ۱۳۷٤، ص: ٤۵ تا ۹۷ .

○ ۵۷- **"خبر قتل دکتر ارانی":** (از خاطرات زندان). جعفر پیشه وری. روزنامه *آژیر*. سال اول، شماره هشتم، هشت خرداد ۱۳۲۲ .

○ ۵۸- **"تقی درانی و تقی ارانی":** پرویز رجبی. مجله *فردای ایران*. شماره ۲، بهمن ماه ۱۳۵۹، ص: ۱۸۵ تا ۱۸۹ . [همراه با یك عکس].

○ ۵۹- **"نقش علمی دکتر تقی ارانی در جامعه معاصر ایران":** محمد حسین تمدن. روزنامه مردم، دوره چهارم، شماره ۳٤، ۱٤ بهمن ۱۳۲٤

○ ٦۰- **"گسترش اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم":** عبدالحسین آگاهی. *به زبان روسی*، باکو ۱۹٦۱ . [کتابی است درباره دکتر تقی ارانی].

○ ٦۱- **"رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس للحکیم عمربن ابراهیم الخیامی":** [و یك یادداشت درباره دکترتقی ارانی]. در کتاب: *"دانشنامه خیامی"* (مجموعه رسائل علمی و فلسفی و ادبی عمربن ابراهیم خیامی) به اهتمام رحیم رضا زاده ملك. تهران، چاپ اول ۱۳۷۷ انتشارات علم و هنر و صدای معاصر، ص: ٦٦ تا ۱۵۲ .

○ ٦۲- **"متن ادعانامه مدعی العموم استیناف بدیوان عالی جنائی":** (درباره ۵۳ نفر ترویج

کنندگان مرام اشتراکی و اقدام کنندگان بر علیه امنیت و استقلال کشور شاهنشاهی) روزنامه *اطلاعات*، چهارشنبه یازدهم آبان ماه ۱۳۱۷ .

○ ٦۳- **"در دادگاه جنائی":** (بیانات معاون مدعی العموم استیناف در دادگاه عالی جنائی پس از اتمام تحقیقات مقدماتی از پنجاه و سه نفر متهمین و ترویج کنندگان مرام اشتراکی). روزنامه *اطلاعات*، ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۷ .

○ ٦٤- **"خلاصه دفاعیات هاشم وکیل":** (وکیل مدافع دکتر ارانی). روزنامه اطلاعات، ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۷ .

○ ٦٥- **" رای دادگاه عالی جنائی درباره پنجاه و سه نفر متهمین دادگاه جنائی تهران بموجب دلائلی که بعداً در حکم ذکر خواهد کرد چنین رای میدهد":** روزنامه *اطلاعات*، ۲٦ آبان ماه ۱۳۱۷ .

○ ٦٦- **"Arani, Taqi": Bozorg Alavi. In: Encyclopaedia Iranica. Bd2, London 1987, S. 263-265.**

○ ٦۷- **"ارانی" بمناسبت ۲۹-مین سال شهادتش:** احسان طبری. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال نهم، شماره ٤، زمستان ۱۳٤۷، ص: ۵۲ تا ۵٦ . [حاوی مقاله بلندی است درباره شخصیت و منش دکتر تقی ارانی].

○ ٦۸- **"رستاخیز دنیا":** [سرمقاله اولین شماره مجله "*دنیا*" دوره دوم. همزاه با یك عکس از دکتر تقی ارانی. این مقاله بدون امضاء است ولی از محتوای مطلب و نحوه نگارش چنین بر می آید که به قلم احسان طبری است.]. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال اول، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۳۹، ص: ۱ تا ۵ .

○ ٦۹- **"بمناسبت بیست و پنجمین سال درگذشت دکتر تقی ارانی":** عبدالحسن آگاهی. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال پنجم، شماره سوم، پائیز ۱۳٤۳، ص: ۲۰ تا ۲۸ .

○ ۷۰- **"پیکار چگونه توقیف شد":** (ورقی از تاریخ حزب کمونیست ایران). ع. س. [عباس سغائی؟]. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳٤۳، ص: ۱۰۵ تا ۱۰٦ .

○ ۷۱- **"کسروی، ارانی و ماتریالیسم و سوسیالیسم":** جمشید سیار. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال دهم، شماره اول، بهار سال ۱۳٤۸، ص: ۸٤ تا ۱۰۲ .

○ ۷۲- **"دکتر ارانی و مجله "دنیا":** (خاطرات). ایرج اسکندری. مجله "*دنیا*" (*ویژه*

نامه ارانی)، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان سال ۱۳٤۸، ص: ۹ تا ۱۳ .

○ ۷۳- **"بیاد ارانی":** (شعر). علی امیرخیزی. مجله "*دنیا*" (*ویژه نامه ارانی*)، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان سال ۱۳٤۸، ص: ۱٤ .

○ ۷٤- **"برخی یادآوریها و توضیحات":** [درباره آثار ارانی]. [با امضاء "دنیا" است ولی از توضیحات و مضمون مطلب بر می آید که نوشته احسان طبری است.]. مجله "دنیا" (ویژه نامه ارانی)، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان سال ۱۳٤۸، ص: ۱۱۸ تا ۱۱۹ .

○ ۷۵- **"ارانی":** (شعر). ا. ط. مجله "*دنیا*" (*ویژه نامه ارانی*)، دوره دوم، سال دهم، شماره چهارم، زمستان سال ۱۳٤۸، ص: ۵ تا ٦ . [همراه با یك پرتره از دکتر تقی ارانی].

○ ۷٦- **"آن جاودان":** (شعر) بیاد روز ۱٤ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی، روز شهیدان نهضت توده ای و جنبش انقلابی ایران: ا. ط. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان سال ۱۳٤٦، ص: ۳ .

○ ۷۷- **"دکتر تقی ارانی – شعله ای که برافروخت و خاموش شد ولی برای همیشه آتشی فروزان باقی گذاشت":** ن. کیانوری. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال چهارم، شماره سوم، پائیز سال ۱۳٤۲، ص: ۳۹ تا ٤۸ .

○ ۷۸- **"یک اثر جاوید":** (دفاع دکتر ارانی در دادگاه پنجاه و سه نفر) ا. ق. [احمد قاسمی]. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال چهارم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان سال ۱۳٤۲، ص: ۱۰۵ تا ۱۰٦ .

○ ۷۹- **"متن دفاع دکتر ارانی":** (در دادگاه پنجاه و سه نفر). مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال چهارم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان سال ۱۳٤۲، ص: ۱۰۷ تا ۱۲۰ .

○ ۸۰- **"انتقادی بر انتقاد از فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک":** (درباره کتاب "علم کلام" تالیف آقای دکتر سید احمد صفائی). عبدالحسین آگاهی. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال دوم، شماره سوم، پائیز سال ۱۳٤۰، ص: ۹۲ تا ۱۰۳ .

○ ۸۱- **"یادی از شهیدان حزب ما":** رحیم نامور. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال دوم، شماره چهارم، زمستان سال ۱۳٤۰، ص: ٤٤ تا ۵۲ .

○ ۸۲- **"تقی ارانی":** برگردان: علی کاتبی. [از کتاب: آذربایجان آنتولوگیاسی،

باکو ۱۹۸۳]. مجله "چیستا"، سال هجدهم، شماره ٤ و ٥ (شماره ردیف ۱۷٤و۱۷٥)، دی و بهمن ۱۳۷۹، ص: ۳۳۸ تا ۳۳۹ .

○ ۸۳- **"روز شهیدان حزب و نهضت":** (بمناسبت ١٤ بهمن روز شهادت دکتر تقی ارانی). ط. [احسان طبری]. مجله "*دنیا*"، دوره سوم، سال دوم، شماره ۱۰، دی ماه ۱۳٥٤، ص: ۱۰ تا ۱۳، [با تصویری از دکتر تقی ارانی].

○ ۸٤- **"یک بیانیه تاریخی":** (بیانیه بمناسبت اول ماه مه ۱۹۳٦ (۱۳۱٥). [همره با طرحی از چهره دکتر تقی ارانی]. مجله "*دنیا*"، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۷، مهر ماه ۱۳٥٦، ص: ۱۰ تا ۱۳، [این مطلب یك سند تاریخی است که متن بیانیه اول ماه مه در تاریخ ۱۳۱٥ را نشان می دهد. این بیانیه نوشته دکتر تقی ارانی است و یکی از اسناد مورد اتکاء پلیس رضاخان علیه دکتر ارانی و "گروه ٥۳ نفر" بوده است. متن این بیانیه در دهه بیست شمسی در مطبوعات حزب دوره فعالیت علنی منتشر شده بود. و یك بار دیگر در مجله دنیا که شناسنامه آن در بالا ذکر شده است تجدید چاپ گردید. نکته قابل ذکر این که این سند توسط یروانـد آبراهامیان در سال ۱۳٦۹ در نشریه "کنکاش" چاپ نیویورك، دفتر هفتم، زمستان ۱۳٦۹ منتشر شده است بدون آن که ماخذ آن ذکر گردد.].

○ ۸٥- **"بیاد روز شهیدان":** (بمناسبت روز ١٤ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی). مهرآبادی. مجله "*دنیا*"، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۱۰، دی ماه ۱۳٥٦، ص: ۲ تا ٤ . [با تصویری از دکتر تقی ارانی].

○ ۸٦- **"پیروزی واپسین با ارانی است":** ط. [احسان طبری]. مجله "*دنیا*"، دوره سوم، سال اول، شماره ۸، بهمن ۱۳٥۳، ص: ۲ تا ٤ . [با تصویری از دکتر تقی ارانی].

○ ۸۷- **"سقراط و زنجیر":** احسان طبری. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳٤٥، ص: ۱۲۲ تا ۱۲٤ .

○ ۸۸- **"برخی مختصات سبک ارانی در ترویج افکار مارکسیستی در ایران":** ع. بصیر. [عبدالحسین آگاهی]. مجله "*دنیا*"، دوره دوم، سال اول، شماره چهارم، اسفند ماه ۱۳۳۹، ص: ۹٥ تا ۱۰۰ .

○ ۸۹- **"از ارانی بیاموزیم":** مجله *پیکار*، نشریه حزب توده ایران برای دانشجویان، دوره دوم، سال اول، شماره ٤، آذر و دی ۱۳٥۰، ص: ۱۷

○ ۹۰- **"ارانی شعله ای جاوید":** مجله *پیکار*، نشریه حزب توده ایران برای

دانشجویان، دوره دوم، سال سوم، شماره ٤، آذر و دی ۱۳۵۲، ص: ۱۹ تا ۲۱ . [با یك عکس]

○ ۹۱- **"هفتادوپنجمین سالگرد تولد دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران"**: *آرمان*، نشریه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، سال سوم، شماره ٦، شهریورماه ۱۳۵٦، ص: ۳ تا ۵ . [همراه با یك طرح از چهره دکتر تقی ارانی]

○ ...[نا تمام] ***

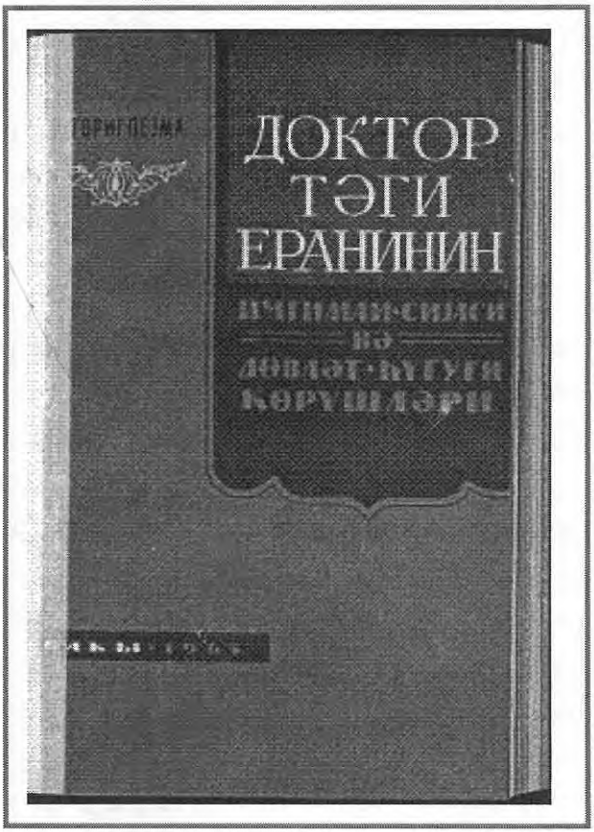

کتاب "دیدگاه های دکتر تقی ارانی درباره اجتماع، سیاست و قوانین دولتی": نویسنده اسماعیل حاتم اوغلی طریق پیما. باکو، انتشارات جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی. ۱۹٦۵

یادنامه دکتر تقی ارانی

با اشعار و آثاری از:

- احسان طبری
- سیاوش کسرایی
- نیما یوشیج
- اسماعیل شاهرودی (آینده)
- احمد شاملو
- یحیی آرین پور
- بزرگ علوی
- منوچهر شیبانی
- جبار باغچه بان

عکس دکتر ارانی که سال های زیادی در سالن جشن کارخانه "دکتر ارانی" واقع در کشور آلمان دمکراتیک نصب بوده است.

احسان طبری (۱۲۹۵-۱۳۶۸)

"ارانی"

اگر پُرسان شود از من جوانی:
"که در راه شگرف زندگانی
کرا از بهر خود سرمشق سازم"
بدون مکث میگویم: "ارانی".

در میان مردان بزرگی که از ایرانیان و بیگانگان در زندگی خویش دیده و شناخته ام، هنوز ارانی اگر نگویم بزرگترین، یکی از بزرگترین آنهاست. آن هماهنگی بین "مبارز دلیر" و "انسان نیك" و "اندیشه ور ژرف" بودن که پدیده ای بس کمیاب است، در ارانی به میزانی شگرف وجود داشت. همه برتریهای روانی و عملی او: دانش، دلاوری، پشتکار، ایمان، سرشتی او بود. از اینرو از جلوه فروشی های سبك مغزانه عاری بود. فروتن و بی دعوی بنظر میرسید و کارهای خود را که تا پایگاه جانبازی در راه مردم اوج می گرفت، انجام وظایف عادی یك انسان میشمرد.

❑

سخت پرکار بود. هنگامیکه چشم از جهان می بست ۳۶ سال داشت. یعنی در جوانی شهید شد ولی تا آن هنگام کتابهای علمی متعدد و قطور و مقالات سیاسی و حتی آثار ادبی گوناگون نوشته بود. بسبب شوق متنوعی که در فرهنگ انسانی داشت، بسیار چیزها می دانست: از ریاضی و فیزیك و شیمی گرفته تا فلسفه و روانشناسی و زبان و ادبیات! و در همه این گستره ها مردی ژرف اندیش و پُرخوانده بود: می اندیشید، می کوشید. زندگی را رسالتی دشوار و پرمسئولیت برای انسان میدانست. میخواست بشایستگی بزید. میخواست عضو انگلی در خاندان جلیل آدمی نباشد.

❑

در زندان و در دادگاه الماس بی همتای روانش درخشید. پیدا بود که از آن مردان پاکباز است که در مبارزه، محاسبات بازرگانی بسود زندگی خویش را بر نمی تابد. و بگفته شاعر "گهر از خویشتن می کند." نمی گوید: چون دیگران چنانند پس من چرا نباشم. پاسخگوی وجدان خویش است. خویش را پیوسته در دادگاه بزرگ زمان ایستاده می بیند و میخواهد در برابر دادگری که تکامل تاریخی نام دارد سر بلند باشد. زندگی را بمعنای هستی جسمانی نمی فهمد. آنرا در زندگی معنوی، در زندگی کارها و اندیشه ها می بیند که میتواند سده ها بپاید. به جاویدانان تاریخ غبطه میخورد و میخواهد در بارگاه آنها پای گذارد و تمام زندگی برای این زیارت مقدس توشه می اندوزد.

❑

برای او، ایمانش به کمونیسم، امری جدی بود که بخاطر آن میسوخت. آنرا به محفوظات طوطی وار بدل نکرده بود. آنرا به پاره ای از دل خود بدل ساخته بود. در شبگیر رژیم استبداد "سحرگاه بزرگ" را میدید. در گندنای آن محیط، باغستانهای آینده را می بوئید. با آنچنان ایقانی که درها و قفلهای آهنین، سلول مرطوب و پر از قارچ، شکنجه های طولانی، چهره عبوس شاه و مختاری، نگاه موذیانه "قاضیان" استبداد، زهرخندهای شك و استهزاء و طنین متفرعن طبل فاشیسم در جهان، هیچکدام و هیچکدام نتوانست آن ایقان را بلرزاند.

❑

در بروز شخصیتی مانند ارانی تقاطع دو مدار - ایرانی و جهانی - تاثیر داشته است. ارانی از سوئی در مکتب آن سنتی که ستار، حیدر، پسیان، خیابانی، مجاهدان و شهیدان مشروطه و آزادیخواهان پس از آن دوران پدیدآورده بودند، بار آمد. و سپس ارانی در کوره نبرد جهانی پرولتاریا آبدیده شد. در آلمان او شاهد گشترش شگرف نهضت انقلابی بود که لاله های ارغوانیش از درون خون کارل لیبکنشت و روزا لوگزمبورگ جوشیده بود. ارانی در آلمان با گذرانی دشوار درس خواند. خود او زمانی به نگارنده این سطور گفت: "روزهائی میشد که با خوردن چند قاشق شکر خود را نگاه میداشتم و عزت نفس نشان میدادم و گرسنگی خود را با احدی در میان نمی گذاشتم."

مقداری از روشنی چشم خود را در کار تصحیح اوراق در مطبعه کاویانی گذاشت. در آلمان ارانی با مارکسیسم نظری و عملی آشنا شد و همینکه از جریان این برق نیرومند گرم گردید، نورافشانی آغاز نهاد. ارانی در ایران با بنیادهشتن مجله "دنیا" دنیای معنوی نوینی پدیدآورد و مکتب ارانی در تاریخ جنبش انقلابی ایران مکتبی است ثمربخش.

❑

ارانی میتوانست به آسانی با رژیم استبدادی بسازد و صاحب "آلاف و اُلوف" شود. او در پرتو لیاقت خود به مقامات مهم دولتی رسیده بود و اگر کمی سست می آمد (حتی تسلیم شدن محض هم لازم نبود) از خوان اموال یغماگران جامعه نصیب میگرفت. ولی ارانی "دوران جوانی انقلابی" و "افکار شورانگیز" خود را با مقامات بعدی تاخت نزد و هرگز "عاقل و سربراه نگردید" چنانکه بسیاری از معاصرانش شدند و بسیاری از معاصران ما میشوند. آری این "طغیان های اولیه" بمنظور "سازش های بعدی" نوعی شیوه زنی متداول است که هدف آن بالا بردن بهای خود در بازار فروش شخصیت هاست. ولی چنین شیوه ای با صداقت و مردانگی و بی پیرایگی و سادگی خردمندانه ارانی متضاد بود. وی تا آخرین لحظه، در زندان، امکان سازش داشت ولی او در تالار کهنه کاخ فتحعلی شاه که دادگاه جنائی بود آخرین ضربت تازیانه را برچهره دشمن کوفت و او را بحد کشت از "اصلاح" خود مایوس ساخت. سخنرانی ارانی در این تالار دشمن را لرزاند. رئیس دادگاه پس از شنیدن دفاعیه او که واژه ها و جمله های آنرا گوئی از پولاد ریخته بودند، بیکی از همکارانش گفت: "این مرد، دل شیر دارد."

❑

ارانی نمی خواست "عالم محض و تجریدی" باشد که در فرمولهای ریاضی و شیمی، در فرضیات فیزیك و فلسفه کندوکاو کند و از جهان، از مردم، از کوچه ها، از کارخانه ها و مزرعه ها دور بماند. او می خواست چنانکه پیشینیان ما می گفتند: "اهل مجاهده" باشد نه "اهل مشاهده"... همچنین ارانی نمی خواست "مجاهد آرزوپرست" باشد. او می خواست با درك قوانین عینی تاریخ و جامعه مبارزه کند یعنی "مبارزی واقع بین" باشد. او سعی داشت جامعه ایرانی را در جزئیاتش بشناسد. جامعه سنتی را دگرگون کند و وزش نوین را در جانهای مردم ایران رخنه دهد. شناخت مشخص و عینی ایران و ایرانی اندیشه اش را بخود مشغول میداشت. نخستین روز که همراه یکی از همرزمان آن زمان بدیدارش توفیق یافتم گفت: مشغول نگارش جزوه ای است درباره روحیات قشرهائی که میتوانند مورد تبلیغ انقلابی ما قرار گیرند. می گفت: اگر مردم را نشناسیم، راه رخنه در روح آنها را نخواهیم یافت و کوشش ما بهرز خواهد رفت. و از این وظیفه ای که او آنروز سخن می گفت، هنوز می توان سخن گفت. زیرا با الگوهای مجرد یا انگاره های دیگران نمی توان جامعه ایرانی را شناخت. آن الگوها و انگاره ها تنها راهنمای شناخت و عمل است.

❑

و در این نخستین دیدار او جملاتی گیرا و پرمغز گفت. کارشناسی او در فیزیك و شیمی در شیوه او برای برگزیدن اصطلاحات و استدلال تاثیر داشت. مثلاً می گفت: "کار ما با جلب افراد جداگانه همانند کار ذخیره کردن قطره های کوچك است. سپس آن قطره ها دریاچه ای ایجاد خواهند کرد و مناسب نیرومندی آبشاری که از این دریاچه فرو خواهد ریخت، میتوان توربین های بزرگی را برای تحول جامعه و نوسازی آن بحرکت درآورد. لذا قطره ها مهم اند. باید از انبودن آنها خسته نشد." این گویا در پائیز سال ۱۳۱٤ بود. و سپس در اردیبهشت سال ۱۳۱٦ پلیس به سراغ ما آمد و دشمن کوشید که جسم و روح ارانی را دفن کند. با اینحال نتوانست از تراکم قطره ها، از گردآمدن سیلاب، از خروش آن، از گردش توربین های نیرومند، از گسترش روح ارانی جلوگیری نماید. اگر پیروزی را عبارت از گردآوردن مظلمه ای ننگین از راه فرومایگی ها بشمریم، دشمنان ارانی پیروزند. ولی اگر پیروزی را ایجاد جریانی و افقی نو در تاریخ بسود مردم بدانیم - در آن صورت ارانی پیروز است.

❑

تاریخ در هر لحظه معین دارای ذخیره معینی از امکانات است و همیشه نمی تواند با شهباز تیزپر آرزوهای قهرمانان همگامی کند، لذا لازم نکرده است که همه نوآوران و انقلابیون جامعه بتوانند آنرا طی زندگی خود آنچنان بسازند که می خواهند ولی آنها در آن دم افسونگری میدمند که حرکتش را -که بهرجهت و جود دارد- تسریع میکند. ارانی از سازندگان سمت خورشیدی، سمت مثبت جامعه ایرانی است و آنچه که مشروطه خواهان در ابهام احساسی گفتند او در بیان علمی اش مطرح کرد و مهندس آینده بود. و "مهندس آینده جامعه" بودن کاری است که از آن والاتری را نمی توان انگاشت.

❑

کوتاه بالا، کمی تنومند، موی ریخته، با چشمانی کم سو بود و عینك ذره بینی میزد ولی چهره ای سخت جذاب و با جربزه داشت. در پارسی شیرینش نمکی از زبان زادگاهش تبریز احساس میشد. مهربانی طبیعی و صمیمی اش از سالوس و چاپلوسی و برخورد متین و بزرگوارانه اش از تفرعن و تبختر، بکلی عاری بود. بهمین جهت مهر و احترام نسبت به او بتدریج همگانی شد و هنگامیکه میزیست همه احساس میکردند مردی بزرگ در میان آنها میزید و هنگامیکه خبر مرگ نابهنگامش در بندهای زندان قصر پیچید عزائی تلخ در دلها و اشگی شور در چشمها نشست. در سلولهای زندان انجمن های

کوچك ماتم و سوگ برپا گردید. برخی از ما که شعری میسرودیم آنرا در این انجمن ها خواندیم. آن انجمن ها با سوگند وفاداری براه او، کین توختن از خصمان او، برافراشتن درفش او پایان یافت و گروهی از ما کوشیدند که چنین کنند ولی با اینحال هنوز حق ارانی ادا نشده است. او درخورد آن است که بیش از پیش به الهام گر بزرگ خلق ما بدل شود. او درخورد آن است که برجسته تر از پیش از پیشوایان سترگ فراخ اندیش و نواندیش و انسان پرست و ایران پرست عصر ما شمرده شود. او درخورد آن است که در جهان بیش از اکنون شناسانده شود. بگذار جریانی که او بدان تعلق داشت کوچك باشد ولی ابعاد روح او را با این جریان نمیتوان سنجید. او در سیر تاریخ جهانی جائی دارد و آن هم جائی نظرگیر. او سرباز دلاور کمونیسم، مروج بزرگ مارکسیسم، دوست نخستین کشور سوسیالیستی جهان، شاگرد باورمند لنین، یار وفادار شهیدان تاریخ ایران بود. و او دانشمند و اندیشه ور انقلابی بزرگی بود.

گنجی که از اندیشه هایش مانده باید آراسته تر عرضه گردد. سخنانش را باید به حرز جانها و ورد لب های مبارزان بدل کرد. در این سخنان ژرف که کتابها و دفاعیه بهادرانه اش از آن انباشته است معنای بسیاری خفته است که میتواند بسیج کند و باید بسیج کند.

❑

سالیان دراز از شهادت ارانی می گذرد -ولی زمانه کماکان بر آن محور می چرخد که جان بی تاب و جوینده اش می چرخید. درظاهر، فرزند شاه گذشته بر اریکه شاهی نشسته است ولی درواقع پی های نظامات استبدادی، استعماری و استثماری در ایران و جهان از همیشه پوسیده تر است. نبرد طبقاتی، رشد نیرومند نیروهای مولده در این عصر انقلاب علمی و فنی، تحول شگرف فکری انسانی بیش از پیش تحقق آرمانهای ارانی را بدستور روز بدل میکند. ارانی سوار بر سمند اندیشه انقلابی و علمی کماکان بسوی پیروزی می تازد. پرچم سرخش در بادهای توفنده عصر ما در اهتزاز است. بر چهره اندیشمند و دلاورش لبخند ظفر نشسته است. همه اینها را اگر کور باطن نباشیم، میتوانیم به عیان ببینیم.

❑

با ارانی بوده ایم، با ارانی هستیم و خواهیم بود. او را تنها نگذاشته ایم و نباید بگذاریم. بمثابه شاگرد او در گستره زندگی رنج آلود و پرهیجانی به نام جنبش توده ای گام گذاشته ایم و روزی که فرا رسد باز باید مانند شاگرد او، بازپسین دم را برآوریم.

ایمانی را که شعله وار در جان ما رخنه داد، شعله وار در جانها رخنه داده ایم و خواهیم داد زیرا ما می خواهیم و موظفیم مجریان وصایای آن استاد ارجمند باشیم. از او فروتنی و انسان دوستی و پیگیری در نبرد و عشق به وظایف خود را بیاموزیم. مانند او به درفش مارکس، انگلس و لنین تا روز بازپسین مومن باشیم و فرازها و نشیبها و پیچ ها و چرخش ها ما را نفریبد و گمراه نکند.

❑

سال آینده سالگردی است مقدس زیرا سی سال از ۱٤ بهمن ۱۳۱۸ که روز شهادت ارانی در بیمارستان زندان موقت تهران است می گذرد. ارانی را در این بیمارستان مصنوعاً به تیفوس دچار کردند سپس او را تعمداً به عنوان بیمار مالاریا مورد "درمان" قرار دادند. میوه و غذائی را که بانو فاطمه ارانی مادر مهربانش می آورد به او نرساندند، با سرعتی حیرت انگیز او را که جوانی نیرومند بود به محتضری علیل و نزار بدل ساختند و سپس کشتند. بنحوی که مادرش نعش فرزند را نشناخت و تنها بشهادت دکتر سید احمد امامی دوست شخصی ارانی که هویت نعش را تصدیق کرد، باور نمود. و سپس بی سر و صدا و گمنام او را به آرامگاه جاویدش برند. ولی سه سال بعد، در بهمن ۱۳۲۱ بر روی این گور در "ابن بابویه" تهران توده های انبوه گل افشانی میکردند.

رضاشاه گریخته بود، مختاری در زندان و پزشگ احمدی بر دار کیفر. از آن هنگام ارانی به پرچم میلیونها بدل شد و این آغاز طلوع خورشید او بود. خورشیدی که رضاشاه، مختاری، پزشگ احمدی خواستند در قیرگمنامی غرق کنند، ولی نتوانستند و دیگری و دیگران نیز نخواهند توانست.

❑❑❑

بهمن ماه ۱۳٤۷

احسان طبری در حال سخن رانی در مراسم یادبود دکتر ارانی سال ۱۳۵۸ در تهران

احسان طبری

"ارانی"

در زیر کاجهای بلند پریده رنگ
بر سکوئی، به سایه ی دیوار آجری
مردی نشسته بود،
چشمان خویش را بسوی طاق آسمان
- کانجا، فراز زندان، گسترده بود بال -
خاموش دوخته
وز هایهوی عادی زندان گسسته بود.

*

در فکر آنکه چون برسد روز دادگاه
بهر دفاع شیوه ی حق، قد علم کند
دژخیم خویشرا،
آنگه که با دروغ دم از اتهام زد،
با حجت مبرهن خود متهم کند.

*

در چنگ دشمنان قوی پنجه، لحظه ای
اندیشه اش نبود که جانش فنا شود
گوئی شتاب داشت:
دل را بیك پرنده ی خونین بدل کند.
در مذبح زمان
بهر نجات توده ی زحمت فنا شود.

*

وقت غروب چون زر خورشید شامگاه
دیوار را طلائی و گلرنگ کرده بود
برخاست،
وان سایه های تیره شبگیر
سیمای پر صلابت او را
با نقشهای خویش پر آژنگ کرده بود.

*

گوئی تناوری است به چشمانم
افراخته تر از این کاجهای پیر
با دست خویش لمس کند طاق آسمان
در زیر پای او
هر سو دونده چون حشراتی ز موج بیم
انبوه دشمنان!

*

هرگه که مرد جلوه ی تاریخ عصر را
در آبگینه ی دل تجدید میکند
خود را که خرد و خوار و سپنج است، آنزمان
گردی سترگ و قادر و جاوید میکند

ورنه به موج موج زمان، قوم بیشمار
آیند و بگذرند
کی با قبیله ای که ارانی است زان شمار
اینان برابرند!

***

(مجله "دنیا" ویژه نامه ارانی. دوره دوم، سال دهم، شماره ٤، زمستان ١٣٤٨)

* احسان طبری ده ها شعر، مقاله و خاطره در باره دکتر تقی ارانی سروده و نوشته است. وی دکتر تقی ارانی را استاد و معلم خود می دانسته و این امر را با دست خط خود پشت یکی از عکس های ارانی که نزد خود حفظ می کرده نوشته است. بی شك از جنبه علمی و فعالیت تئوریك بهترین شاگرد وفادار او بوده و قطعاً بیشترین سهم را طی سالیان دراز در حفظ یاد و خاطره دکتر تقی ارانی داشته است. (دنیا)

سیاوش کسرایی (۱۳۰۵-۱۳۷٤)

مردی بزرگ در خم این راه

برای دکتر تقی ارانی

ققنوس وار آمد:
برخاسته ز توده خاکستر،
در جستجوی آتش اما
بگشوده بال و پر.

آمد
همچون سمند سراپا ستودنی
با بالهای سرخ
با یال شعله گون
با گام باد و برق،
برراه کهکشانی اندیشه، رهسپر.

آمد شبانه مردی
گهواره بسته بر قلل مه نشان دور
تابیده با ارس
خو کرده با امید
با رنج برده سر.

آمد شبانه مردی با مشعلش بکف
شب را شیاری افکند
از جویبار روز

وز خون آفتاب
سهمی نهاد بر در و درگاه و بام فقر
تیغی کشید برسر کاخ ستیزه گر.

آمد شبانه مردی با نغمه ای غریب
آویخت
بر چشم و گوش بسته غمکوچه های شب
زنگوله سحر.

بگذشت هم شبانه، به شبگیر
مرد بزرگ از خم این راه
در پیش،
گرد سرخ فام سپیده
در پی ولیك خلق، با دل بیدار و چشم تر.

۱۲ بهمن ۱۳۵۸

(نقل از "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران. دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۹، سه شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۸)

* این شعر همچنین در مجموعه "از خون سیاوش" (منتخب سیزده دفتر شعر از سیاوش کسرایی) که پس از مرگ شاعر در سال ۱۳۷۸ که انتشارات سخن در تهران منتشر کرده در صفحه ۳۴۸ مجدداً به چاپ رسیده است، ولی با حذف جمله: "برای دکتر تقی ارانی" که شاعر سروده خود را به یادبود او نوشته است. (دنیا)

* علاوه بر این سیاوش کسرایی شعر دیگری نیز دارد با عنوان "عشق را و درد را" که شاعر آن را نیز به دکتر تقی ارانی تقدیم کرده است. متاسفانه این شعر هم در کتاب یاد شده با حذف جمله "به یاد دکتر تقی ارانی" که سیاوش کسرایی بالای شعر خود قید کرده بود، چاپ شده است. نگاه کنید به مجموعه "از خون سیاوش" (منتخب سیزده دفتر شعر از سیاوش کسرایی) صفحه ۳۷۲ (دنیا)

***

نیما یوشیج (۱۲۷۶-۱۳۳۸)

نامه به دکتر تقی ارانی

آستارا*
۱۳۱۰

به دکتر تقی ارانی
رفیق من!

قبل از اینکه اسم مرا بدانید این کاغذ معرف من است. منتقل می شوید که این صدا، صدای آشناست. همانطور که تالیفات شما صدای آشنا به گوش من می رساند. با این اصول و طرز تفکر مثل اینکه این تالیفات را برای من نوشته اید. در این وادی خواسته صدا بزنید ببینید ممکن است در میان هزاران سر، سری هم وجود داشته باشد که بجنبد. ولی ابداً من در خیال این کار هم نمی افتم. برای اینکه زیر و روی ایران را خوب شناخته ام. در این صورت این را اعتراف خواهید کرد که با فقدان انسان همفکر چقدر ارتباط در بین شما و من و یك سومی* از نقطه نظر اجتماعی مفید است.

در این ساعت که من کتاب "معرفة الروح"* شما را می خوانم بیشتر به این نکته پی می برم. زیرا که مطالب برای صحت خود باید از جر و بحث بگذرند. این است که با استعمال کلمه ی رفیق من دکتر ارانی، شما را به بعضی مطالب و فصول این کتاب متوجه می دارم...

به قول یکی از رفقای معروف: "هر کس که عمل می کند، سهو هم می کند"* این عمل اعم از عمل فکری در روی مفهومات کلیه ی قضایای عالم و عمل یدی است. زیرا عمل یدی هم با عمل فکری ارتباط دارد. چیزی که هست در ایران کسی مقید به داشتن پرنسیپ و متدی نیست. اساساً متفکر در این قبیل موضوعات به قدری کمیاب است که یك کتاب مقدماتی و شارح کلیات، حقیقتاً به منزله ی یك کتاب دوره ی عالی و دخیل و

شارح در جزئیات علوم محسوب می شود. تاثیر آن هم در جمعیت به این مقدار منوط به صرف زمان است.

کتاب شما بعدالعنوان خود و با خواص معین که از اجزاء اساسی ترکیب کننده ی فصول مخصوص آن در نظر گرفته شود برای یك معلم بیشتر طرف استفاده است تا برای سایر متفننین یا مربوطین علوم. از نقطه نظر ارتباط صریح و مستقیم خود با پداگوژی در حدود اعتبارات ارگانیزم در ایدئولوژی انسانی.

... در این خصوص آن شخص سومی که از او اسم نمی برم و الان غائب است* خیلی نظریات داشت. در حواشی کتاب شما مخصوصاً علامت سوالهائی گذاشته است که من به آنها نمی پردازم. با وجود همه ی اینها برای تعریف کتاب شما همین یك سطر کافی است که در ایران امروز خواننده ندارد.

به این جهت شما می توانید بدون دخالت در بعضی مسائل که ایجاد زحمت می کند و بدون اینکه فکر کنید چرا دخالت ندارید بدون مانعی در تاسیس حیات جدید ایدئولوژی ایران کمك بکنید و در این اقدام خودتان مثل یك پیشرو باشید. بهتر از یك سرباز که کشته می شود و به مراتب لازمتر از هزاران قطعه شعر و غزل که فلان شاعر قدیمی مسلك معاصر نشر می دهد، خدمت کنید.

شعر امروزی در حقیقت یك سوال اقتصادی است... ولی من و شما باید به اندازه ی خود کار کنیم. شاید بیش از مقدار زحمات شما در رشته ی خودتان، من هم در خصوص تجدید بنای پوسیده و بیفایده ی شعر و ادبیات فارسی زحمت کشیده و می کشم. اگر زیاد اسم مرا نشنیده باشید و ثریای افشار* برای اولین دفعه به شما بگوید این گمنامی هم صفت ممتازه و عمومی مردمان زحمت کش در ایران است.

من با امید به ملاقات نزدیکی به این سطر آخر که آخرین نگاه دوستانه ی من به شما است خاتمه می دهم. از این طرف دریا همیشه سیمای یك روز خیالی را در نظر می گیرم.

❑❑❑

(بر گرفته از کتاب: "نامه ها" (از مجموعه آثار نیما یوشیج). گردآوری سیروس طاهباز. چاپ اول ۱۳۶۸، انتشارات دفترهای زمانه، ص ٤٦٤)

توضیحات راجع به نامه نیما یوشیج:

* یحیی آرین پور در کتاب خود تحت عنوان "از نیما تا روزگار ما" می نویسد: "نیما، پس از گذراندن یك دوره ممتد بیکاری، در سال ۱۳۰۹ همراه همسرش، عالیه خانم جهانگیر، به آستارا رفت و تا سال ۱۳۱۱ در دبیرستان "حکیم نظامی" آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول شد." (کتاب از نیما تا روزگار ما ص: ۵۹۷) بنابر این تاریخی که بر پیشانی نامه آمده، کاملاً درست است.

* "معرفة الروح" در واقع عنوان اولیه کتاب "پسیکولوژی" بزرگ ترین اثر دکتر تقی ارانی است که در سال ۱۳۰۹ در ایران با این عنوان به چاپ رسیده بود. دکتر تقی ارانی بعد ها عنوان آن را به پسیکولوژی (علم روح) تغییر داد. در این ارتباط باید عنوان کرد که دکتر ارانی کتاب پسیکولوژی را در زمان اقامت خود در برلن به رشته تحریر درآورده بود و حتا یك بار قبل از مراجعت به ایران آن را در برلن منتشر کرده بود. تاریخی که در پایان مقدمه کتاب به قلم خود دکتر ارانی دیده می شود چنین است: "برلن دسامبر ۱۹۲۷" و این تاریخ برابر است با ۱۳۰۶شمسی، یعنی حدود دو سال قبل از بازگشت وی به ایران. متاسفانه جست و جوی ما برای یافتن نسخه ای از اولین چاپ کتاب "پسیکولوژی" یا همان "معرفة الروح" که در شهر برلن و در چاپ خانه کاویانی منتشر شده تا کنون بی نتیجه مانده است.

* در این جا منظور نیما از "یك سومی" برادرش لادبن اسفندیاری از کمونیست های قدیمی ایران است که با دکتر ارانی در ارتباط بود. شواهدی وجود دارد که لادبن اسفندیاری بارها در تهران به ملاقات دکتر ارانی می رفته است.

* این جمله: "هرکس که عمل می کند، سهو هم می کند" سخن لنین است که نیما برای حفظ جنبه امنیتی در دوره رضاخان و سرکوب خشن کمونیست ها در نامه خود با ذکر "به قول یکی از رفقای معروف" به آن استناد می کند. باید توجه داشت که نیما یوشیج این نامه را در سال ۱۳۱۰ نوشته است. یعنی در دوره سرکوب خشن حزب کمونیست ایران و تصویب قانون ارتجاعی رضاخان معروف به قانون سیاه ۱۳۱۰ .

* در این جا بازهم نیما به برادر خود بدون ذکر نام اشاره می کند. و تنها می گوید که "الان غائب است" زیرا پس از تار و مار کردن کلیه سازمان های وابسته به حزب کمونیست ایران و تصویب قانون سیاه در خرداد ۱۳۱۰ لادبن اسفندیاری مخفی می شود و سپس به شوروی مهاجرت می کند.

* ثریای افشار ممکن است همان ثریا خواهر نیما یوشیج باشد.

همه توضیحات پیرامون نامه نیما یوشیج به دکتر تقی ارانی از ما است. (مجله دنیا)

***

نیما یوشیج

نه، او نمرده است

[شعر نویافته ای از نیما یوشیج در رثای دکتر تقی ارانی]

دو سال از نبودِ غم انگیزِ او گذشت
روی مزارِ او
دوبار برگهای خزان ریخته شدند
سه سایه شکسته گریان
برشاخه های سایه دیگر
آویخته شدند.

آنوقت باز مثلِ دگر روزها دمید
این روشنِ افق
یك جغد بی ثبات از آن جایگه پرید
تا یك غروبِ غمگین بالای آن مزار
غمناك تر نشیند.

دو سال مثل آنکه دو روز از غمش گذشت
روزِ سفید آمد از نو به سیر و گشت
برساحتِ جبینِ جوانی
خطِ دگر نوشت

مانندِ اینکه آنکه تودانی نمرده است
هرکس به یادش آید، گوید:
دو سال رفت و لیك ارانی نمرده است.

نه او نمرده، او زنهانخانه وجود
بر پای خاسته است
او از برایِ زندگیِ ما
تا بهره ورتر آئیم
دارد هنوز هم سخنی گرم می کند
این تیره جویِ سنگدلان را
دارد به حرف مردمی ای نرم می کند.

دو سال شمع زندگی اش را به روشنی
مردم ندید لیك
بس شمع های دیگر روشن شدند از او
بس فکرهای ویران گلشن شدند از او.
مانند آنکه همین آرزوش بود
پرّید از برابرِ زندان
مرغ شکسته پر که همه رنج و جوش بود
تا روی بام دیگر آید زنو فرود
زآنجا به رنگِ دیگر با ما کند سخن.

دو سال شد...* پرنده ی...*
مانند یك دقیقه لذت که بگذرد،
مثل چراغ روشنی از...*
...* نگذشته ست لیك
او با خیالِ گرم مردمان شریك
دارد به شیوه های دگر...*
او در میانِ تیره ی این خاکهای سرد

هر چند منزوی
کرده است در درون بسی دل کنون مقر.

نه، او نمرده است آنکه دلی زنده می کند
هرگز بر او نیابد بدروی مرگ دست
شکل غراب بیهده...*
بر این مزار، بیهده بنشسته است جغد
اشك سه سایه بی سبب اینجاست بر زمین.

۱۳ بهمن ۱۳۲۰

(برگرفته از کتاب: "مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج فارسی - طبری". تدوین سیروس طاهباز. انتشارات نگاه، چاپ دوم، سال ۱۳۷۱، صفحات ۳۰٤ تا ۳۰٦)

❑❑❑

* این شعر که در دومین سال شهادت دکتر تقی ارانی سروده شده است، برای اولین بار در سال ۱۳۷۱ به چاپ رسید. و از یادداشت تدوین کننده در مقدمه کتاب، چنین بر می آید که شعر "نه، او نمرده است" سال ها پس از درگذشت نیما یوشیج در میان اوراق و دست نوشته های او پیدا شده است.

** گردآورنده اثر هم چنین درباره نشانه مکرر (...*) در برخی از اشعار نیما یادآور شده است که پاره ای از واژه ها به دلیل پارگی و فرسودگی کاغذ، قابل خواندن نبود.

*** منظور نیما از "سه سایه" مادر و خواهران دکتر تقی ارانی است. توضیحات از ما است. (دنیا)

***

اسماعیل شاهرودی "آینده" (۱۳۰٤-۱۳٦۰)

آتش جاودان

سرگشته به راه زندگانی
در تیرگی زمانه بودیم
تابید بناگهان شراری
ما چشم براه خود گشودیم
از راهنمائی ارانی

سردسته رهزنان بلرزید
زآن روشنی نشاط انگیز
تا زندگیش دوام یابد
تاریك کند زمانه را نیز
آن بارقه را نمود فانی

آتش بدل ستمکشان زد
داد از همه سر امید بر باد
دزدید زما چراغ ما را
بنشست بخاطر خوش و شاد
بر مسند خود به حکمرانی

دیری ولی آن کجی نپائید
دوران تلاش او سر آمد
برخاست غبار از بر راه
باز آتش جاودان برآمد
بارنگ نشاطش
– ارغوانی

۱۳ بهمن ۱۳۲۷

(روزنامه مردم: دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۸ ، یك شنبه ۱٤ بهمن ماه ۱۳۵۸)

❑❑❑

احمد شاملو (۱۳۰٤-۱۳۷۸)

قصیده برای انسان ماه بهمن *

تو نمی دانی غریو یك عظمت
وقتی که در شکنجه یك شکست نمی نالد
چه کوهی ست!
تو نمی دانی نگاه بی مژه محکوم یك اطمینان
وقتی که در چشم حاکم یك هراس خیره می شود
چه دریائی ست!
تو نمی دانی مردن
وقتی که انسان مرگ را شکست داده است
چه زندگی ست!
تو نمی دانی زندگی چیست، فتح چیست
تو نمی دانی ارانی کیست
و نمی دانی هنگامی که
گور او را از پوست خاك و استخوان آجر انباشتی
و لبانت به لبخند آرامش شکوفت
و گلویت به انفجار خنده ئی ترکید،
و هنگامی که پنداشتی گوشت زندگی او را
از استخوان های پیکرش جدا کرده ای
چه گونه او طبل سرخ زندگیش را به نوا درآورد
در نبض زیراب
در قلب آبادان،

و حماسه توفانی شعرش را آغاز کرد
با سه دهان صد دهان هزار دهان
با سیصد هزار دهان
با قافیه خون
با کلمه انسان،
با کلمه انسان کلمه حرکت کلمه شتاب
با مارش فردا
که راه می رود
می افتد بر می خیزد
بر می خیزد بر می خیزد می افتد
برمی خیزد برمی خیزد
و به سرعت انفجار خون در نبض
گام برمی دارد
و راه می رود بر تاریخ، بر چین
بر ایران و یونان
انسان انسان انسان انسان... انسان ها...
و که می دود چون خون، شتابان
در رگ تاریخ، در رگ ویتنام، در رگ آبادان
انسان انسان انسان انسان... انسان ها...

و به مانند سیلابه که از سد،
سرریز می کند در مصراع عظیم تاریخش
از دیوار هزاران قافیه:
قافیه دزدانه
قافیه در ظلمت
قافیه پنهانی
قافیه جنایت
قافیه زندان در برابر انسان
و قافیه ئی که گذاشت آدولف رضاخان

به دنبال هر مصرع که پایان گرفت به "نون"
قافیه لزج
قافیه خون!

و سیلاب پر طبل
از دیوار هزاران قافیه خونین گذشت:
خون، انسان، خون، انسان،
انسان، خون، انسان...
و از هر انسان سیلابه ئی از خون
و از هر قطره هر سیلابه هزاران انسان:
انسان بی مرگ
انسان ماه بهمن
انسان پولیتسر*
انسان ژاك دوکور*
انسان چین
انسان انسانیت
انسان هر قلب
که در آن قلب، هر خون
که در آن خون، هر قطره
انسان هر قطره
که از آن قطره، هر تپش
که از آن تپش، هر زندگی
یك انسانیت مطلق است.

و شعر زندگی هر انسان
که در قافیه سرخ یك خون بپذیرد پایان
مسیح چارمیخ ابدیت یك تاریخ است.
و انسان هائی که پا در زنجیر
به آهنگ طبل خون شان می سرایند تاریخ شان را

حواریون جهانگیر یك دینند.

و استفراغ هر خون از دهان هر اعدام
رضای خود روئی را می خشکاند
بر خرزهره دروازه یك بهشت.

و قطره قطره هر خون این انسانی که در برابر من ایستاده است
سیلی ست
که پلی را از پس شتابندگان تاریخ
خراب می کند

و سوراخ هر گلوله بر هر پیکر
دروازه ئی ست که سه نفر صد نفر هزار نفر
که سیصد هزار نفر
از آن می گذرند
رو به برج زمرد فردا.

و معبر هر گلوله بر هر گوشت
دهان سگی ست که عاج گرانبهای پادشاهی را
در انوالیدی* می جود.

و لقمه دهان جنازه هر بی چیز پادشاه
رضاخان!
شرف یك پادشاه بی همه چیز است.

و آن کس که برای یك قبا بر تن و سه قبا در صندوق
و آن کس که برای یك لقمه در دهان و سه نان در کف
و آن کس که برای یك خانه در شهر و سه خانه در ده
با قبا و نان و خانه یك تاریخ چنان کند که تو کردی،

رضاخان
نامش نیست انسان.
نه، نامش انسان نیست، انسان نیست
من نمی دانم چیست
به جز یك سلطان!

*

اما بهار سرسبزی با خون ارانی
و استخوان ننگی در دهان سگ انوالید!
و شعر زندگی او، با قافیه خونش
و زندگی شعر من
با خون قافیه اش.
و چه بسیار
که دفتر شعر زندگی شان را
با کفن سرخ یك خون شیرازه بستند.
چه بسیار
که کشتند بردگی زندگی شان را
تا آقائی تاریخ شان زاده شود.

با ساز یك مرگ، با گیتار یك لورکا
شعر زندگی شان را سرودند
و چون من شاعر بودند
و شعر از زندگی شان جدا نبود.
و تاریخی سرودند در حماسه سرخ شعرشان
که در آن
پادشاهان خلق
با شیهه حماقت یك اسب
به سلطنت نرسیدند،

و آنها که انسان ها را با بند ترازوی عدالت شان به دار آویختند
عادل نام نگرفتند.

جدا نبود شعرشان از زندگی شان
و قافیه دیگر نداشت
جز انسان.

و هنگامی که زندگی آنان را بازگرفتند
حماسه شعرشان توفانی تر آغاز شد
در قافیه خون.
شعری با سه دهان صد دهان هزار دهان
با سیصد هزار دهان
شعری با قافیه خون
با کلمه انسان
با مارش انسان
با مارش فردا
شعری که راه می رود، می افتد، برمی خیزد، می شتابد
و به سرعت انفجار یك نبض در یك لحظه زیست
راه می رود بر تاریخ، و بر اندونزی، بر ایران
و می کوبد چون خون
در قلب تاریخ، در قلب آبادان:
انسان انسان انسان انسان... انسان ها...

*

و دور از کاروان بی انتهای این همه لفظ، این همه زیست،
سگ انوالید تو می میرد
با استخوان ننگ تو در دهانش -
استخوان ننگ

استخوان حرص
استخوان یك قبا بر تن سه قبا در مجری
استخوان یك لقمه در دهان سه لقمه در بغل
استخوان یك خانه در شهر سه خانه در جهنم
استخوان بی تاریخی.

بهمن ۱۳۲۹

❑❑❑

(برگرفته از کتاب "قطعنامه" : احمد شاملو. چاپ اول تهران ۱۳۳۰ ، چاپ چهارم ۱۳٦٤ ، انتشارات مروارید، ص ۷۷ تا ۸۸)

پاورقی ها:

* قصیده برای انسان ماه بهمن، شعری است به مناسبت روز ۱٤ بهمن، سالگرد قتل دکتر تقی ارانی در زندان، به دستور رضا خان.

* ژرژ پولیتسر و ژاك دوکور دو تن از استادان دانشکده کارگری پاریس که در آنجا توسط آلمانی ها با گیوتین اعدام شدند.

* انوالید مقبره ناپلئون بناپارت است در پاریس.

* با شیهه اسب به سلطنت رسیدن... اشاره است به نحوه رسیدن داریوش اول به سلطنت. وی و شش تن دیگر پس از آن که بردیا را کشتند با یکدیگر قرار گذاشتند که روز دیگر، پگاه، در محل معینی گردآیند و هرکه اسبش پیش از اسبان دیگر شیهه کشید به سلطنت برداشته شود. مهتر داریوش، شبانه اسب او را به محل معهود برد و بر مادیانی کشید. روز دیگر چون داریوش و یارانش بدان نقطه رسیدند اسبش با به یاد آوردن خاطره کامکاری شب پیش شیهه کشید و بدین گونه داریوش به سلطنت رسید!

[شعر "قصیده برای انسان ماه بهمن" سروده احمد شاملو اخیراً در کتابی تحت عنوان "مجموعه آثار شاملو" توسط انتشارات زمانه و انتشارات نگاه در تهران به سال ۱۳۸۱، صفحه ٦۲ تجدید چاپ شده است. ولی با حذف اشاره شاعر که نوشته بود: "قصیده برای انسان ماه بهمن"، شعری است به مناسبت روز ۱٤ بهمن، سالگرد قتل دکتر تقی ارانی در زندان، به دستور رضا خان.] توضیح اخیر از مجله "دنیا" است.

***

یحیی آرین پور

"دکتر ارانی به فضل و کمال بر همه ممتاز بود"

در دوره وزارت دادگستری داور (۱۳۱۰)، قانونی از مجلس گذشت که هر گونه فعالیت اشتراکی را در کشور منع می کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۱۶ به موجب همان قانون، گروهی به اتهام داشتن افکار تند اشتراکی دستگیر شدند که در میان آنها دکتر ارانی به فضل و کمال بر همه ممتاز بود. این عده، که بعدها به "پنجاه و سه تن" معروف شدند، مدتها در زندان ماندند، تا در آبان ۱۳۱۷ جلسه محاکمه آنان در دیوان جنائی تشکیل شد، و چند روز بعد همه آنان محکوم گردیدند. متهمان همگی خود را بی تقصیر خواندند و از دادگاه استرحام کردند، جز دکتر ارانی که گفت: "من به اصول اشتراکی از لحاظ علمی معتقدم، ولی عملاً در این قسمت اقدام نکرده ام، و صرف داشتن یك عقیده جرم نیست." او در دو جلسه دادرسی شش ساعت و نیم سخن راند. در باره قانون ۱۳۱۰ بحث کرد و اظهار داشت که این قانون با اصل ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی مخالف است و با اینهمه از دادگاه تقاضایی نکرد و افزود: "دکتر ارانی را که شهربانی دستگیر کرده تبرئه کردن کار دشواری است."

ارانی روز ۱٤ بهمن ۱۳۱۸ در گوشه زندان جان سپرد، اما زندانیان دیگر همچنان در زندان بودند تا روز دوم شهریورماه ۱۳۲۰ ارتشهای متفقین از مرزهای ایران گذشتند و در ۲۵ آن ماه، رضاشاه از سلطنت کناره گیری کرد، و عده ای از آنان سه روز بعد با زندانیان سیاسی دیگر و بقیه به فاصله کوتاهی پس از آن آزاد شدند.

ارانی که بود ؟

دکتر تقی ارانی در یك خانواده متوسط تبریز به دنیا آمد. تحصیلات خود را با زحمت ولی با موفقیت در ایران به پایان برد و برای اکمال آن به آلمان رفت. وی در آلمان حروفچینی می کرد و درس می خواند تا در رشته فیزیك و شیمی به درجه دکترا رسید و از دانشکده فلسفه نیز گواهینامه گرفت.

مهدی مجتهدی نویسنده کتاب "رجال آذربایجان در عهد مشروطیت" (تهران ۱۳۲۷) می نویسد: "در آن وقت آلمان با رژیم جمهوری وایمار اداره می شد. دولتی ضعیف و ملتی قوی داشت. آلمانیها توانسته بودند اصول و نظریه های سیاسی را از مرحله علم به مرحله عمل آورند و مملکت خود را آزمایشگاه اجتماعی سازند. کمونیستها، سوسیالیستها، دموکراتها، کاتولیکها، ناسیونالیستها و بالاخره ناسیونال سوسیالیستها با همدیگر رقابت و جنگ قلمی داشتند. هر دسته، برای اثبات مدعای خود، از فرهنگ بزرگ آلمان و گفتار فلاسفه و متفکرین آن سامان، از کانت تا فروید و اینشتین استفاده می کردند. ارانی که محصل فیزیك [شیمی] بود، در این محیط تحت تاثیر عقاید سوسیالیستها و بالاخص کمونیستها قرار گرفت و عقاید مادی مارکس را پسندید و از پیروان عقیده مادیت تاریخی گردید."

مجله دنیا

دکتر ارانی روز اول بهمن ۱۳۱۲ نخستین شماره مجله ماهانه دنیا را در تهران بیرون داد. (از این مجله تا خرداد ۱۳۱٤ دوازده شماره منتشر شد.) این مجله اولین نشریه ای در ایران بود که مسائل علمی و هنری و اجتماعی را از نظر اصول مادی و جهان بینی ماتریالیسم دیالکتیك مطالعه می کرد. در مقدمه شماره اول مجله گفته شده بود:

"... هر قدر هم یك مشت افیونی یا کهنه پرست و مرده پرست فریاد کنند ما این اروپایی را نمی خواهیم، ما طرفدار سیر قهقرایی هستیم، تمدن قدیم هند و ایران مافوق تمدنها بود، برای ما صدای بلبل و بوی گل و آب رکن آباد، گلستان سعدی، خط نستعلیق، شفای ابوعلی سینا و مسافرت با کاروان و غیره مافوق درجات تمدن است، بازهم کنسرتهای امثال بتهون، عطر کارخانه کوتی، گلخانه های علمی، کتبی مانند رمارك، خط لاتین و ماشین تحریر، علوم و نظریات جدید مانند فرضیه نسبی، اسلوب دیالکتیك، بالاخره اتومبیل، رادیو، آئروپلان و غیره وارد این سرزمین شده تمام مقدسات آنها را به پشت پنجره موزه ها خواهد راند. اما تمدن اروپایی خود دچار بحران و

تضادست. اصول مادی در اروپا می خواهد به علوم و صنایع و اجتماعات و هنرها یك هارمونی و هماهنگی بدهد. طبیعی است که این فکر نیز مانند سایر آثار تمدن اروپایی به ایران نفوذ خواهد کرد... اغلب دیده می شود که جوانان ما نه با ادبیات قدما و نه با یاوه گوییهای یك دسته متجددنما می توانند عطش کنجکاوی خود را تسکسن دهند، و بنابر این حیران و سرگردان می مانند. رل تاریخی مجله دنیا راهنمایی این جوانان به راه حقیقی تکامل است... در مجله دنیا مقالات طویل و عریض راجع به فتح جوشقان، معاشقه یوسف و زلیخا، تحقیقات تازه در اطراف خانه ابوالمظفر عبدالجبار، ناله های لامارتین، ترهات گوستاو لوبن، و گدابازیهای شعرای بی ذوق و متملق و غیره به هیچ وجه دیده نخواهد شد. صفحات دنیا میدان جنگهای قلمی دستجات حیدری و نعمتی، که با هم خرده حسابهایی دارند، نیست. بالاخره مجله دنیا برای یك مشت بیکاره که دو غزل از حافظ حفظ کرده آن را به اسم معلومات گنجینه ناندانی خود کرده اند، نیست... ما مجله دنیا را برای دیگران، یعنی برای آنهایی که می دانند تمدن بشر امروز مافوق این فلاکتهاست، می نویسیم..."

❑❑❑

(برگرفته از کتاب: "از نیما تا روزگار ما" (تاریخ ادب فارسی معاصر جلد سوم) تالیف یحیی آرین پور. چاپ اول ۱۳۷٤ ، تهران، انتشارات زوار، ص ٦۹ تا ۷۱)

بزرگ علوی (۱۲۸۳-۱۳۷۵)

مرگ دکتر ارانی

صدها سال تاریخ دوره های پرتلاطم زندگانی ملتی را طی می کند. فقط یك مرد بزرگ که مانند مشعل فروزان قرن ها می درخشد، به وجود می آورد. ملت ها زنده می شوند و در می گذرند، اسم آنها در صفحات تاریخ حك می شود، ولی اسم این مردان که موجود و مخلوق این ملت ها هستند همیشه زنده می ماند. در تاریخ فداکاری و شهامت این مردان فراموش شدنی نیست. چه بسا اتفاق می افتد که مشخصات و خصوصیات دوره ای به اسم مرد بزرگواری که موجود و مخلوق این دوره است، مجسم می گردد. می گویند دوره پریکلس، فرانسه ناپلئون، انگلستان کرامول. بعضی در اهمیت و نفوذ مردان بزرگ به حدی غلو کرده و تصور میکنند که آنها خط سیر تاریخ را تغییر داده اند، ولی در حقیقت این مردان بزرگ که محصول اوضاع مادی دوره های خود هستند، توانسته اند آمال و آرزوی اکثریت مردم دوره خود را در قالب عمل ریزند و از همین جهت اسامی آنها نماینده مفهوم آن آرزو و آمال است.

کلمه شکسپیر امروز مفهوم خاصی دارد، یعنی دوره تجدد ادبی در انگلستان، یعنی دوره هنری و صنعت در این کشور. وقتی اسم واشنگتن را می شنویم به یاد جنگ های آزادیخواهی و مبارزه های دموکراسی می افتیم. با اسم لنین تکان و حرکت مردم ستمدیده و زنجیر شده در نظر ما تجلی می کند.

دکتر ارانی یکی از آن نوابغی است که هر چند صد سال یك بار در زندگانی ملت ایران آفتابی می شود.

دکتر ارانی با فداکاری و شهامت و بزرگ منشی و با غرور و تکبر و در عین حال تواضع و فروتنی که مخصوص او بود، پی استواری ریخت که ثمرات و آثار آن بعدها جلوه گر خواهد شد.

اسم دکتر ارانی نیز امروز معنا و مفهوم خاصی پیدا کرده است. دکتر ارانی یعنی مقاومت در مقابل شدیدترین و سیاه ترین استبدادهای جهان، دکتر ارانی یعنی فکر روشن، یعنی سر نترس، یعنی از جان گذشتگی، یعنی ایمان به موفقیت. مفهوم دکتر ارانی ناقض مفهوم رضاخان است. اگر رضاخان را به معنای ستمگری و زورگوئی و طمع و ظاهرسازی بگیریم، مفهوم ضد آن دکتر ارانی یعنی رحم و محبت یعنی مقاومت، یعنی سخاوت، یعنی معنی و حقیقت. با مرگ دکتر تقی ارانی نقش تاریخی که به عهده این بزرگوار واگذار شده بود، خاتمه نیافته است. شهامت بی نظیر و مقام ارجمند اخلاقی او در دل های هواخواهانش ریشه دوانده و بارهای گران بهائی خواهد داد.

مرگ ارانی از آن مصیبت هائی است که کلیه کسانی که در زندان بوده و اسم او را شنیده و یا یك بار او را در سلول های مرطوب کریدر سه و چهار زندان موقت دیده بودند، هرگز فراموش نخواهند کرد.

ضربت ناگوار و غیرقابل تحملی با مرگ ارانی بر تمام پنجاه و سه نفر بدون استثناء وارد آمد. من امروز هر وقت می شنوم که کسی ولو از نزدیکان خودم هم باشد، فوت کرده است، ابداً تعجب نمی کنم. زیرا فوری به یادم می آید که دکتر ارانی هم مرد. دکتر ارانی که برای زندگانی، برای نجات دیگران خلق شده بود، دکتر ارانی که برای رهائی حق از چنگال ظلم و نکبت و بدبختی زائیده شده بود، مرد. چه تعجبی دارد اگر فلان پیره زن در بستر مرگ جان می کند.

چطور دکتر ارانی مرد، جزو اسراری است که بعداً کشف خواهد شد، جزو رمزهائی است که حل آن با سرنوشت ملت ایران توام است. هر روزی که ملت ایران توانست قاتلین دکتر ارانی را به کیفر برساند و مجازاتی را که در حق این گونه اوباش است، درباره آنها اعمال نماید، یك قدم در سیر ترقی و تکامل فراتر نهاده و فقط وقتی ملت ایران می تواند جزو ملل مترقی دنیا به شمار آید که از قتل ظالمانه امثال دکتر ارانی جلوگیری کند و راه ترقی و تکامل آنها را تضمین نماید.

روز چهاردهم بهمن ۱۳۱۸ نعش دکتر ارانی را به غسال خانه برند. یکی از دوستان نزدیك دکتر ارانی، طبیبی که با او از بچگی و فرنگستان معاشر و رفیق بود، نعش او را معاینه کرد و علائم مسمومیت در جسد او تشخیص داد. مادر پیر دکتر ارانی، زن دلیری که با خون دل وسائل تحصیل پسرش را فراهم کرده بود، روز چهاردهم بهمن ۱۳۱۸ جسد پسر خود را نشناخت. بیچاره زبان گرفته بود، که این پسر من نیست. این طور او را زجر داده و از شکل انداخته بودند. همین مادر چندین مرتبه دامن پزشك معالج

دکتر ارانی را گرفته و از او خواسته بود که پسرش را نجات دهد و به او اجازه دهد دوا و غذا برای پسرش بفرستد. دکتر زندان در جواب گفته بود که این کار میسر نیست، برای آنکه به من دستور داده اند که او را معالجه نکنم. مادر دکتر اجازه نداشت حتی گلابی برای بچه اش بفرستد. کسی تصور نکند که مقررات زندان و حتی مقررات من درآری زندان رضاخان ورود دوا و غذا را برای زندانیان قدغن کرده است. زندانیان می توانستند هر روزه از منزل خود غذا دریافت کنند و اگر کسی مریض می شد طبیب زندان نسخه ای می نوشت و این نسخه را زندانیان برای کسان خود فرستاده، دارو دریافت می کردند.

در بعضی موارد حتی اجازه داده می شد که پزشك از خارج به عیادت زندانی بیمار بیاید. من خود در زندان مبتلا به آپاندیست شدم و چون خودداری کردم از این که پزشك زندان مرا معالجه و جراحی کند، پس از یك هفته طبیبی که خود من انتخاب کرده بودم، به عیادتم آمد و اگر این طبیب آن روز مرض مرا آپاندیست تشخیص داده بود، شهربانی حاضر بود حتی اجازه دهد که مرا در بیمارستانی خارج از زندان معالجه کنند. بنابر این اولیای زندان و شهربانی از رفتاری که با دکتر ارانی کردند، هیچ قصدی جز قتل او را نداشته اند. اگر مسموم کردن دکتر ارانی مسلم نیست به طور قطع منظور آنها از این شکنجه و آزار هیچ چیز دیگری جز نابود کردن او نبوده است. ما یکی دو روز پس از ۱٤ بهمن ۱۳۱۸ از مرگ رهبر بزرگ خود باخبر شدیم. آن روز یکی از شوم ترین ایام دوره زندگانی ما پنجاه و سه نفر بوده است. مردان بزرگ مثل بچه هائی که مادر خود را از دست داده باشند، گریه می کردند.

ابراهیم زاده کارگر جاافتاده ای که به طور قطع مصیبت روزگار را زیاد چشیده بود مثل بچه پدر مرده ناله و ندبه می کرد. ما آن روز احساس می کردیم که بزرگترین قوه خود را از دست داده ایم. زندان و حکومت سیاه بزرگترین ضربت را بر ما وارد آورد.

ما تصمیم گرفتیم که در تمام کریدرهای سیاسی مجلس عزائی ترتیب دهیم. کلیه زندانیان سیاسی به دسته های پنج تا ده نفری در سلول های خود جمع شدند و به یاد دکتر ارانی مجالس سوگواری و تذکر ترتیب دادند. یکی از رفقای نزدیك دکتر چنین گفت: "دکتر ارانی، امروز ما در بیغوله ها به یاد تو گردهم آمده ایم اما امیدواریم روزی بتوانیم قبر ترا گلباران کنیم و به تو بگوئیم: دکتر، سر از خاك به در آر و ببین که تو نمرده ای و یاران و هم زنجیران تو منظور ترا برآورده اند."

هرکس خاطره ای داشت، برای دیگران حکایت کرد و بالاخره آن روز کلیه زندانیان سیاسی متفق الرای تصمیم گرفتند که روز ۱٤ بهمن روز یادبود کلیه کسانی که در زندان

استبداد جان داده اند باشد و هر جا که هستند، چه در زندان و چه در تبعید و چه در آزادی این روز را محترم بشمارند.

روز چهاردهم بهمن ۱۳۱۹ زندانیان سیاسی که در تبعید و یا در زندان بودند، مجالس تذکری ترتیب دادند. و روز ۱٤ بهمن ۱۳۲۰ اغلب پنجاه و سه نفر و سایر زندانیان سیاسی در سر مزار او ابن بابویه به قول خود وفا کردند. عده زیادی از آزادیخواهان در آن روز آن جا حضور یافتند و قبر دکتر ارانی را گلباران کردند. ولی هنوز آن روز نرسیده است که به ما قولی را که به دکتر داده ایم، وفا کنیم.

هنوز آن روز نرسیده است که ما بتوانیم بگوئیم: "دکتر، سر از قبر به در آر و ببین که ما منظور ترا بر آورده ایم و آنچه تو آرزویش را می کردی به صورت عمل در آمده است." ما فقط می توانیم بگوئیم: دکتر ارانی خاطر جمع باش. ما بی کار ننشسته ایم. در پی مقصود تو می کوشیم، آن روز هم خواهد رسید. ما ایمان داریم که دیر یا زود به منظور خود که همان منظور تو است، خواهیم رسید.

❑❑❑

(نقل از کتاب: "پنجاه و سه نفر" نوشته بزرگ علوی. صفحات ۲۷۷ تا ۲۸۱)

دکتر تقی ارانی و مادرش بانو فاطمه آقا زاده

منوچهر شیبانی

سنج

... میکوبد یك زنگی
لخت.
لای تاریکی ها.
و بانگی منحوس
لرزه اندازد بر تن
پرتوی قرمز رنگ -
- لرز لرزان به تن
تیره او میتابد.
از پی اش چند زن
لاغر و زرد،
چشمها تنگ و مورب،
چهره ها جمله عبوس،
موی ها بافته چون مار سیاه،
نیمه عریان، بتنهای نحیف،
طبل ها می کوبند
ضربه هائی پی هم،

میخورد بر بدن غول سکوت.
زنگیانی دیگر،
با برو بازوئی چون آهن سخت،
عضلاتی محکم،
کوههائی متحرك
مشعل اندر کف و سرها برزیر،
میروند آهسته،
دود مشعلها، پیچد به فضا.
هیکل تابوتی سیمین -
- به سیه پارچه ای پیچیده،
بر سر دست هزاران مطرود،
بجلو میلغزد.
لاشخورهای سیاه،
از همان پیشاپیش،
گرد تابوت برقصند ز شوق.
گرد ماشی رنگی
که غمینِ خاطره هائی مغشوش -
- زهر پاشیده بر آن،
چون غباری مسموم،
میدود از پی شان.
پیرمردان سنگین،
با قباهای بلند،
چهرهائی غمگین،
از پس ابروی انبوه گره کرده خود،
دیدگانی نافذ،
که فرو رفته در اعماق حیات،
میدرخشد گه و گاه
با صدای بم نجوا آمیز،
زیر لب میخوانند...

پیرزنهای خمیده،
به عصا لنگان لنگان،
میدوند از پی این قافله وحشت و مرگ.
زاغهای تیره،
جغدهای مشئوم،
با صدائی ناخوش،
رخ عفریت فنا را -
- سخت منحوس تر از آنچه که هست
در نظر میآرند،
میپرد از همه سو بر سر این جمعیت دلمرده.
نور مشعلها کم کم،
محوتر، سایه آدمها را،
و کشیده تر، بر سینه شیب اندازد.
آن صداهای بم رنج افزا،
که گرفته است بخویش -
- بوی متروکی و گمگشتگی و محرومی
از هزاران شکن غار که هست -
- خفته در سینه کوه،
گرد هم می پیچند،
و به هم آمیزند،
باز آهسته و آهسته تر آیند بگوش.
میرود قافله شوم بیك جاده تار.
جاده پیچاپیچ است،
رفته تا کوه فراز
رفته تا آنجائیکه خفته در بستر مه
ماه پنهان پس ابر.
ابر آلوده به نور مهتاب
برقها میجهد از دورا دور.
میغهای تیره،

روی هم میلغزند.
تپه ها خفته سرسینه هم.
کوهساران خاموش.
همه چیز افسرده.
فکرهای من محکوم به تنها ماندن
بازماند از رقص.
رقص بر یك جسد خون آلود
جسد کشته عشق.

۱٤ بهمن ۱۳۲۵

❑❑❑

(برگرفته از: "مجله ماهنامه مردم". دوره پنجم، سال اول، شماره ۹ ، خرداد ماه ۱۳۲٦ ، ص ۵۲ تا ۵٤)

جبار باغچه بان

"دکتر ارانی، حقیقت او و سوگندها"

(به مناسبت ششمین سال شهادت دکتر ارانی)

شش سال پیش ۱۴ بهمن سال ۱۸ یکی از علماء بزرگ و با افتخار ایران در نتیجه ظلم دژخیمان سلطنت پهلوی حیات پر از افتخار خود را پایان داد. هیچ آزادیخواه و هیچ روشنفکر حقیقت پرست و هیچ کارگر زحمتکش نیست که روز چهاردهم بهمن ماه در دل او یك تاثر غم انگیز تجدید نشود. زیرا در همین روز بود که آن رهبر با ایمان آزادی بشر و عاشق حقیقت در زیر پنجه ظالمانه عمال ظلم جاه طلبان ایران تلف شد.

دکتر ارانی کیست؟

با اینکه در زمان حیاتش سعادت هم حضوری او نصیب من نشد و این آرزوی من با وجود او برای همیشه در خاك مقبره امام زاده عبدالله مدفون گردید من همیشه صدای او را مانند اینکه در حضورش هستم می شنوم و چهره موقر او را مانند اینکه صمیمانه بروی من می خندد و گفتگو می کند می بینم و آنچه در دل دارم از او می پرسم و جواب میگیرم. شاید او خود اگر در حال حیات بود این اظهارات مرا بی دلیل قبول نمی کرد و دلیل می خواست من دلیل قوی دارم. دلیل من علمی و منطقی است، من شاگرد با ایمان او هستم، هیچوقت شاگردان او بی دلیل سخن نگویند و حرف زور و بی منطق را از کسی نپذیرند.

شاید اغلب از آنها که او را از نزدیك دیده اند به اندازه من او را نشناخته باشند ولی من با اینکه شخصاً او را ندیدم خوب شناختم. با اینکه در سر کلاس او نبودم درس های او را چنانکه میل او بود روان کردم.

دوستی هائی که برپایه آشنائی شخصیت های مادی قرار گیرد بنیانش متزلزل و مانند بنیان شکل همان شخص قابل افتادن و دفن شدنی است. چنانکه دکتر ارانی کشته و دفن شده ولی آن دکتر ارانی را که من می شناسم قابل مردن و دفن شدن نیست. آن یك شخصیت بزرگ معنویست لایموت و همیشه زنده است و هرچه زمان پیش برود او زنده تر، جوانتر و رشیدتر می گردد.

مجریان ظلم رضاشاه دکتر ارانی را عبارت از همان شخصیت می دانستند که با پنجه ظلم خود تلف کردند. آری همان دکتر ارانی که آنها می شناختند. زورش به آنها نرسید و بدست آنها زیر خاك رفت ولی آن دکتر ارانی که من می شناسم امروز زنده و زور و قدرت او هزارها برابر آنروزیست که رضاشاه و عمال او را دست پاچه کرده بود. آنروز که جلادان ظلم دست های او را بستند و قلم او را شکستند و وجود او را زیر خاك کردند در حقیقت دست های معنوی او را باز نمودند و قدرت معنوی او را از عالم خاکی مجزی ساختند چنانکه می بینیم امروز او با همین دست ها گلوی یادگاران دوره ظلم را در مسندهای دولتی و مجلسی گرفته می فشارد... و از ترس همین دکتر ارانی است که روز ۱٤ بهمن سرتاسر جاده امامزاده عبدالله را سربازان پیاده نظام پرکرده بود لیکن دکتر ارانی در بالای مقبره خود فریاد می کشید و نعره می زد نابود باد ارتجاع و تا روز پیروزی مبارزه ادامه خواهد داشت و همین صدای او وقت رفتن و برگشتن در سرتاسر خیابان در مقابل سربازان شنیده می شد.

***

من در سال ۱۲۹۸ که وارد سرزمین اجدادی خود و مشغول آموزگاری شدم خیلی کوشش می کردم که از آثار علماء متفنن ایران برای توسعه معلومات خود استفاده کنم. خلاصه بگویم که این آرزو برای من حاصل نشد یا از آن آثار چیزی نفهمیدم و یا مطابق حقیقت چیزی نیافتم تا در سال ۱۳۱۱ که در شیراز بودم کتابی به اسم و عنوان (سلسله علوم دقیقه - اصول علم روح - پسیکولوژی عمومی تالیف دکتر ارانی) نظرم را جلب کرد.

چون عنوان این کتاب با صنعت من ارتباط مستقیم داشت با اینکه نظر به سوابقی

که داشتم این کتاب نیز مانند سایر آثار در نظرم ناقص و بی سر و ته جلوه می کرد ولی به امید اینکه شاید این کتاب برای من قابل استفاده باشد ناچار آنرا خریدم. من که هرگز حوصله آنرا ندارم که یك کتاب را با آن هوس که مطالعه کرده ام به آن شکل به آخر برسانم برعکس این کتاب را هرچه بیشتر خواندم هوسم دو چندان زیادتر شد.

معجزه تاثیر حقایق این کتاب بحدی بود که من چنان حس می کردم که یك مدرسه بزرگ ده ساله را به پایان رسانیده ام. اگر من بخواهم احساسات خود را چنانکه هست در این مورد شرح بدهم باید کتابچه مخصوصی تالیف نمایم.

این محقق و دانشمند عالیمقام عاشق حقیقت بود. علم را میپرستید و حقایق در پنجه منطق او مانند پرتقالی بود که رنگ و بو و مزه آن را به عین الیقین می دید و ایمانش بقدری قوی بود که هیچ قدرتی نمی توانست او را به انکار آن وادارد.

من وقتی که در سال ۱۳۱۱ آن کتاب را می خواندم در مقدمه آن کتاب به این قسمت رسیدم:

"دیگر از طریقه های تحقیقات در پسیکولوژی مطالعه در تاریخ زندگانی افراد و اقوام بنی نوع بشر در ادوار گذشته است. در این تحقیق نکته مهم آنکه بایستی وضع زندگانی مادی ملل، تاثیر آن در روحیات هریك از افراد، قوانین اجتماعی، آداب و رسوم، اخلاق، روابط افراد با یکدیگر و با جامعه را مورد مطالعه قرار داد. شرح حال و زندگانی افراد سرپرست، سلاطین و غیره موضوع بی اهمیتی است. بلکه باید علل و عوامل ظهور اوضاع و اشکال مختلفه اجتماع را مورد دقت قرار داد و گرنه مطالعه احوال چند نفر مخصوص که در واقع موجودات بی اهمیت بوده و جریان اجتماع بدانها موقعیت مخصوص داده است، مفید نیست..."

در حیرت ماندم و در شك بودم آیا این شخص در ایران است و یا نیست؟ اگر در ایران است در قصرقاجار است یا در خانه خودش؟ ای حقیقت پرستان به من باور کنید الان که من این چند کلمه را می نویسم بغض گلویم را بنحوی گرفته که درحال گریه هستم. بمن الهام شده بود که حتماً بسر این شخص بلائی خواهند آورد و در این نیز شکی نداشتم کسی که نویسنده این کتاب است نسبت به مظالم رضاشاه و عمال او و قدرت او از من واقف تر است ولی با تمام این وقوف برای نوشتن حقیقت بالاخره دانسته و فهمیده جان خود را در خطر انداخته است... خوب یاد دارم یکی از فضلا در همان تاریخ بمن گفت قسمتی از کتاب سعدی را که صدها سال پیش نوشته شده خواستم جداگانه چاپ کنم اجازه ندادند... بلی در چنان روز و روزگاری این محقق بزرگ برجمال شاهد حقیقت

خود پرده نکشید. من در شیراز برای بدست آوردن سایر قسمت های این کتاب بهر کتابخانه که رجوع کردم مایوس برگشتم راجع به شخص دکتر از هر که پرسشی کردم جواب کافی نگرفتم تا در سال ۱۳۱۲ که به تهران آمدم روزی به فکرم آمد که صاحب این کتاب را پیدا کرده سایر سلسله های آن را بدست آورم خیلی از کتابخانه ها را گشتم پیدا نشد حتی کسی را هم که مرحوم دکتر را بشناسد و برای من درباره ایشان معلوماتی بدهد نمی توانستم پیدا کنم.

... [بعدها] بالاخره روزی کسی پیدا شد گفت با او چکار داری. گفتم می خواهم ببینم. گفت ایشان در محبس هستند. گفتم آری در چنین روزگار در ایران این قبیل اشخاص را نمی توان در خانه اش زیارت کرد. گفت آنجا هم نمی توانی زیرا کسی را پیش او راه نمی دهند و خصوصاً رفتن تو پیش ایشان نه برای تو نه برای ایشان صلاح است. [در] مجلس محاکمه او نیز راه نیافتم بالاخره وقتی ملتفت شدیم که جلادان رضاخان تمام دوستداران آن مرحوم را عزادار کرده اند. من خود را خیلی کوچکتر از آن می دانم که درباره بلندی و عظمت مقام او سخن گویم زیرا من او را طوری نشناخته ام که قدرت و بیان من برای شناساندن او کفایت بخشد. من از کوچکترین شاگردان او هستم ولی آرزومندان می توانند در روزنامه مردم شماره ۳٤، ١٤ بهمن ١٣٢٤ از مقاله آقای محمدحسین تمدن در تحت "نقش علمی دکتر تقی ارانی در جامعه معاصر ایران" استفاده کنند. تاثیر این مرد بزرگ در روح من تا چه حدی است، من نمی دانم ولی من چنان تصور می کنم که درباره صنعت خود هرچه می گویم و می نویسم گویا او بگوش من تلقین می کند و گویا من از زبان او حرف می زنم و آنچه من می نویسم او دیکته می کند از این گفته های من تعجب نکنید. گفتارهای دکتر از آن گفتارها نیست که انسان هرچه بشنود مانند گوهری تغییر حال نیابد. منطق روشن و قانع کننده ی این استاد بزرگوار مانند تخم هائی است که اگر یکی از آنها در زمینه ذهن کسی فرونشیند در یك حال نمی ماند، سبز می شود ، برگ و شاخ می آورد، گل می دهد، تخم های تازه ای بارمی آورد. منطق او در حکم کلیدیست که بدست هرکس بیفتد در بسته مقصود خود را بوسیله آن باز می کند راهی که او نشان می دهد بقدری راست است که ایشان را بلامانع بسر منزل مقصود می رساند.

با مطالعه یك مقاله ایشان انسان به ماهیت هستی و حیات و تکالیف انسانی و اجتماعی و اخلاقی و کار... پی می برد و صاحب یك مسلك آمیخته به ایمان می شود.

دکتر ارانی را من اینطور می شناسم او در ١٤ بهمن سال ١٣١٨ جسماً کشته شد

ولی معناً همیشه زنده است. او کوشش می کرد علم را از چنگ اشراف نجات بخشد. بنظر من اگر بخواهیم مسلك دکتر ارانی را بطور خلاصه بیان کنیم این می شود: "آزادی علم و آزادی انرژی بشر به نفع بشر".

هزارها مرد و زن از هر طبقه در روز ۱٤ بهمن سرخاك پاك او حاضر بوده و نسبت وفاداری خود در راه پیشرفت مرام این فرزند رشید ایرانی تجدید عهد و سوگند می کردند ولی این از آن سوگندها نیست که شخصی در رسیدن به سلطنت یا به مقام وکیلی در مجلس و یا دکتری وقت گرفتن دیپلم و یا سربازی در تحت سرنیزه برای وفاداری یاد می کند. اینها را نمی توان سوگند نام نهاد اینها سوگند نیست سیمای معنوی و حقیقت غالب دکتر ارانی است که به شکل این سوگندها نمایان می گردد. من نیز سوگند دارم، سوگند من تعلیمات اوست. زنده باد پیروان و علمداران مرام دکتر ارانی...

❑❑❑

* جبار باغچه بان این مطلب را به خاطر ششمین سال گرد شهادت دکتر تقی ارانی در سال ۱۳۲٤ نوشته است و به موقع خود آن را در مطبوعات آن زمان منتشر کرد. متن این مقاله در کتاب "محاکمه محاکمه گران" تالیف: محمد گلبن و یوسف شریفی در سال ۱۳٦۳ تجدید چاپ شده است. (مجله "دنیا")

دکتر تقی ارانی با مادر و دو تن از خواهرانش (شوکت و کوکب)
این عکس پس از بازگشت از آلمان در سال های تدریس در مدارس گرفته شده است.

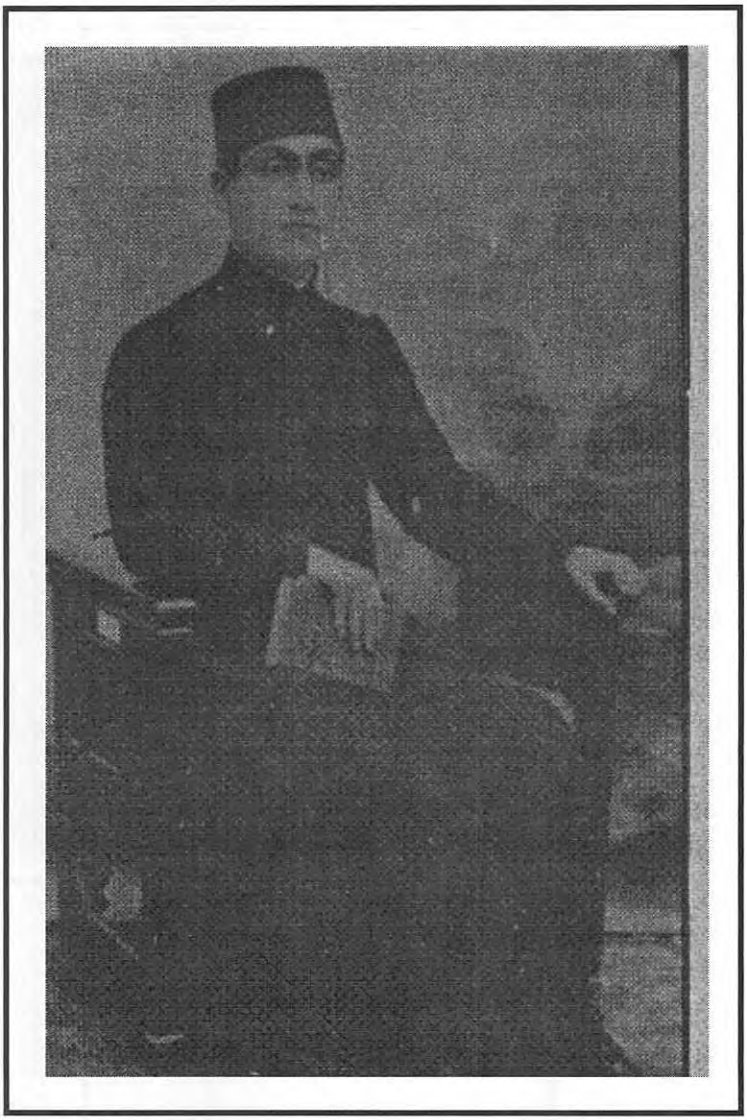

تقی ارانی - محصل رشته طب در آستانه سفر به آلمان برای ادامه تحصیل
عکس در سال ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۱ برداشته شده است.

کوکب ارانی هنگام سخن رانی در متینگ حزب توده ایران در تهران به مناسبت چهلمین سال گرد شهادت دکتر تقی ارانی در سال ۱۳۵۸

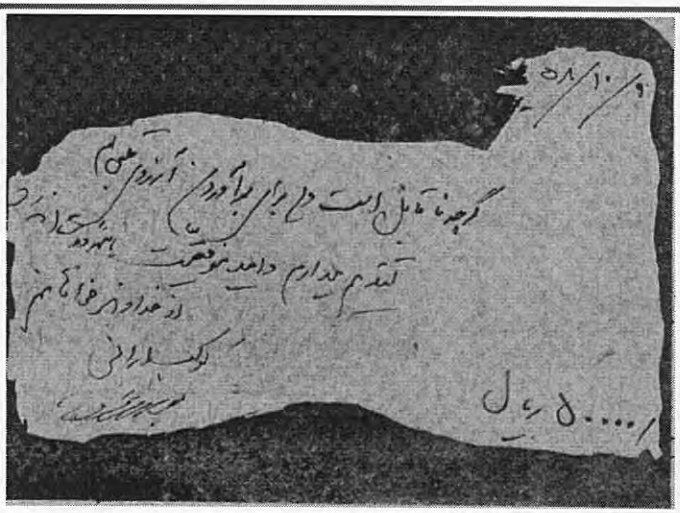

کلیشه پشت پاکتی که بانو کوکب ارانی بعد از انقلاب با دست خط خود مبلغی به حزب توده ایران کمك مالی کرده است.

منتشر شده است:

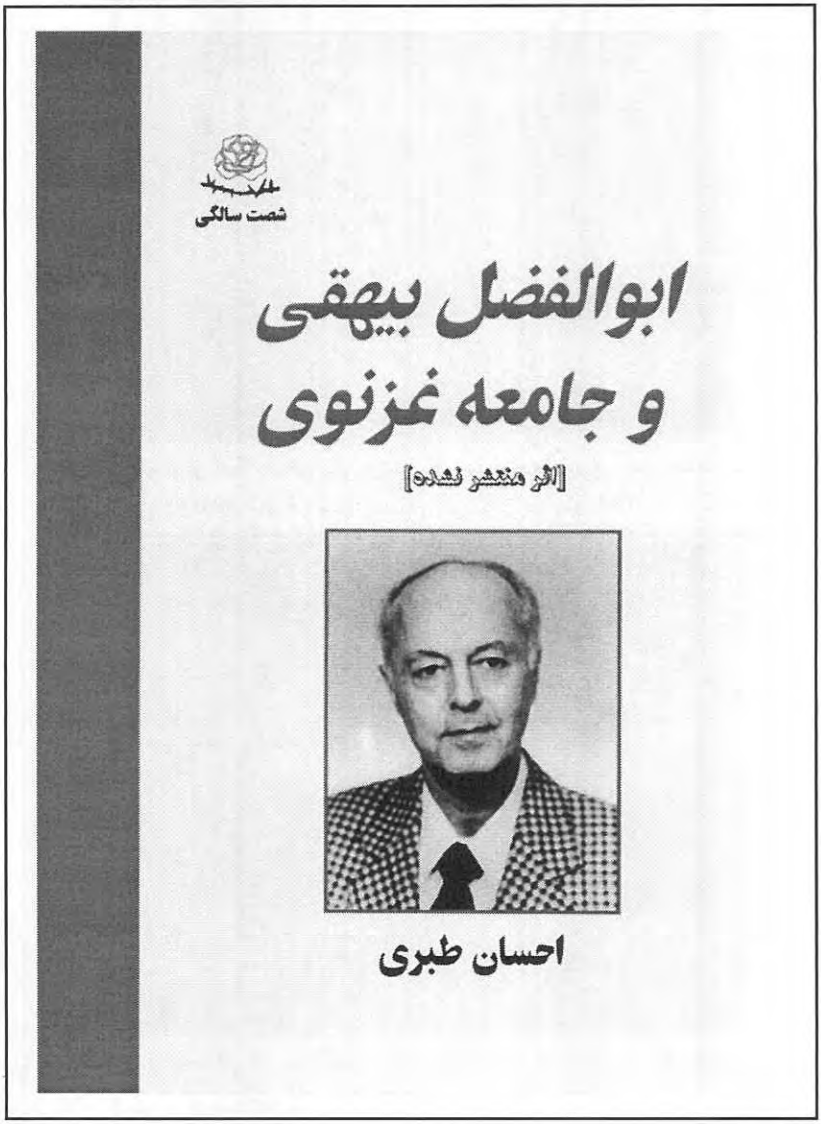

منتشر شده است:

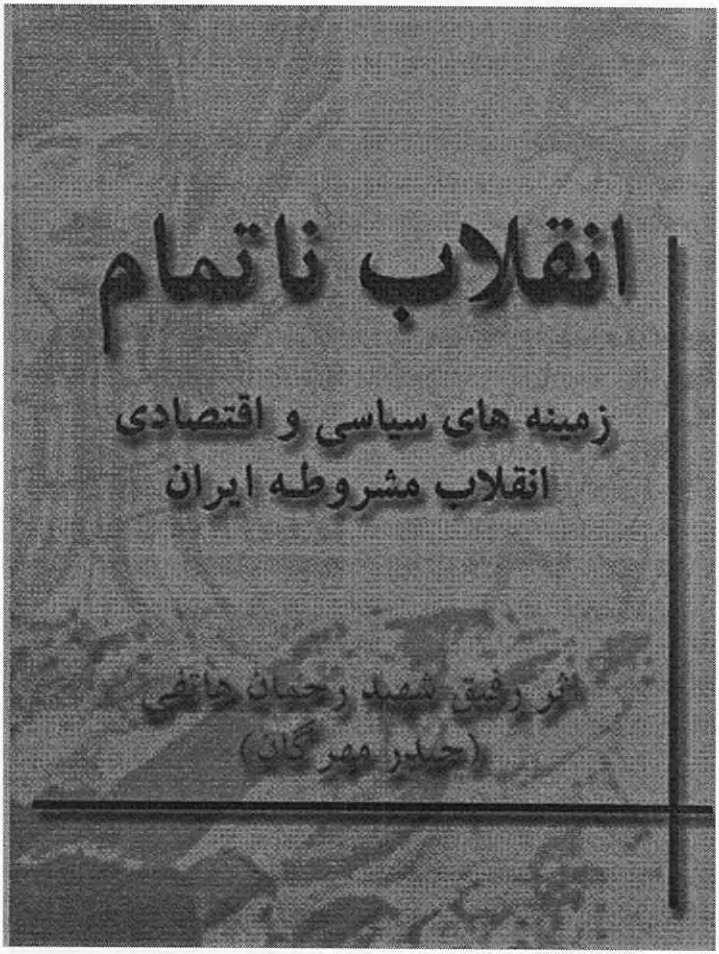

کتاب شهیدان توده ای (جلد ۲) در ۵۲۰ صفحه منتشر شد:

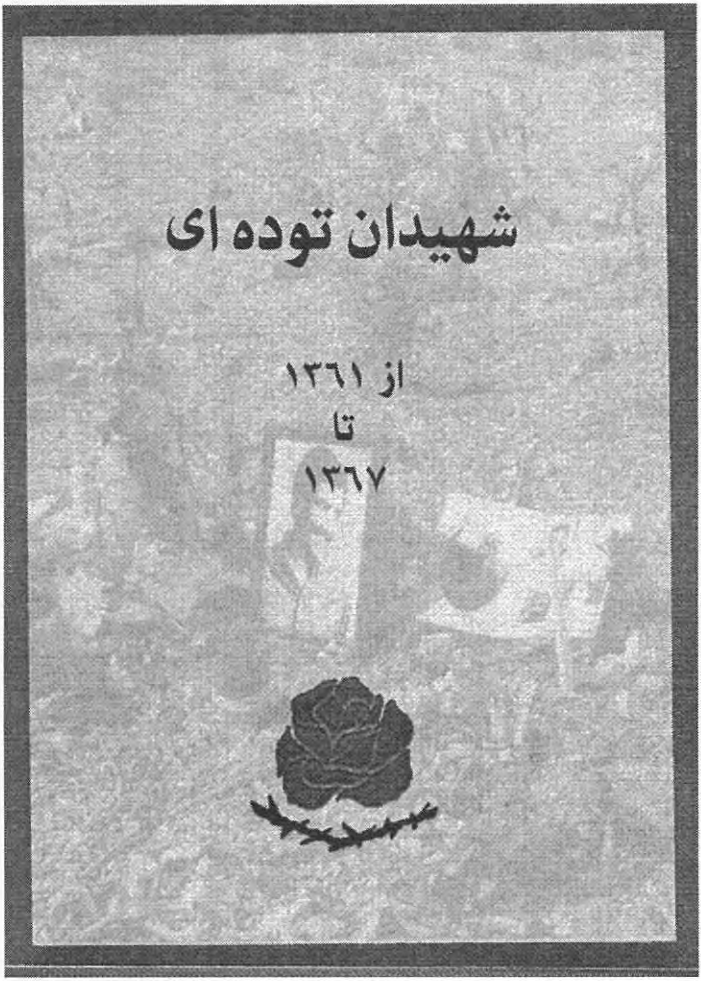

انتشارات حزب توده ایران منتشر کرده است:

نوار های کاست و CD:

- ❑ دشوار بهروز زیستن (بابی سندز) احسان طبری
- ❑ سرود حزب توده ایران
- ❑ زندگی و آموزش لنین: (همراه با صدای لنین)
- ❑ بحثی درباره دیالك تیك: احسان طبری
- ❑ آن جاودان (صدای شاعر): احسان طبری
- ❑ ...

«نامه مردم» و «دنیا» را بخوانید و به پخش آن ها یاری رسانید!

انتشارات حزب توده ایران منتشر کرده است:

* کتاب شهیدان توده ای (جلد ۲)
* انقلاب ناتمام: اثر منتشر نشده ای از حیدر مهرگان
* ابوالفضل بیهقی و جامعه غزنوی: اثر منتشر نشده ای از احسان طبری
* بحثی اولیه پیرامون علل و عوامل فروپاشی اتحاد شوروی و...
* حزب توده ایران و جنبش کارگری
* گزیده ای از آثار احسان طبری
* اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران
* با پچپچه های پاییز: احسان طبری
* همگام با پیکار دلیرانه زنان
* پا به پای دانشجویان در سنگرهای پیکار
* تاملی بر کارنامه توده ای ستیز نشریه "راه توده"
* از میان ریگ ها و الماس ها
* حزب توده ایران و مارکسیسم – لنینیسم
* ترانه های رزم و انقلاب (مجموعه سرودها)

و...

برای دریافت کتاب ها و مطبوعات حزب توده ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:

Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
www.tudehpartyiran.org
mardom@tudehpartyiran.org

"در میان مردان بزرگی که از ایرانیان و بیگانگان در زندگی خویش دیده و شناخته ام، هنوز ارانی اگر نگویم بزرگترین، یکی از بزرگترین آنهاست. آن هماهنگی بین "مبارز دلیر" و "انسان نیك" و "اندیشه ور ژرف" بودن که پدیده ای بس کمیاب است، در ارانی به میزانی شگرف وجود داشت...

سخت پرکار بود. هنگامیکه چشم از جهان می بست ۳۶ سال داشت. یعنی در جوانی شهید شد ولی تا آن هنگام کتابهای علمی متعدد و قطور و مقالات سیاسی و حتی آثار ادبی گوناگون نوشته بود. بسبب شوق متنوعی که در فرهنگ انسانی داشت، بسیار چیزها می دانست: از ریاضی و فیزیك و شیمی گرفته تا فلسفه و روانشناسی و زبان و ادبیات؛ و در همه این گستره ها مردی ژرف اندیش و پُرخوانده بود: می اندیشید، می کوشید. زندگی را رسالتی دشوار و پرمسئولیت برای انسان میدانست..."

احسان طبری

انتشارات حزب توده ایران

Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
www.tudehpartyiran.org
mardom@tudehpartyiran.org